

جلد سوم

درام نویسان جهان

ترجمه و تألیف: منصور خلج - ستاره صالحی



جلد سوم



درام نویسان جهان

ترجمه و تألیف : منصور خلیج - ستاره صالحی



انتشارات برگ
تهران، ۱۳۷۷



انتشارات برگ

درام نویسان جهان (جلد سوم)

ترجمه و تألیف: منصور خلیج-ستاره صالحی

طرح جلد: حسن نیلچیان

چاپ اول: ۱۳۷۷ - تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه انتشارات سوره

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

ISBN: 964-471-394 - X

شابک: X-۳۹۴-۴۷۱-۹۶۴

فهرست شخصیت های مندرج در جلد سوم

نام نمایشنامه نویس	سال	ملیت	صفحه
تارگودوتاسو	۱۵۹۵-۱۵۴۴ م.	ایتالیا	۵
جان وبستر	تولد ۱۵۸۰ م.	انگلستان	۹
جان درایدن	۱۷۰۰-۱۶۳۱ م.	انگلستان	۱۳
توماس شادول	۱۶۹۲-۱۶۴۱ م.	انگلستان	۲۰
اولیور گلداسمیت	۱۷۷۴-۱۷۲۸ م.	ایرلند	۲۵
شرایدن	۱۸۱۶-۱۷۵۱ م.	انگلستان	۲۹
آلساندر ومانزونی	۱۸۷۳-۱۷۸۵ م.	ایتالیا	۳۴
اوزن اسکریب	۱۸۶۱-۱۷۹۱ م.	فرانسه	۴۰
الکساندر گریبایدف	۱۸۲۹-۱۷۹۵ م.	روسیه	۴۷
آدام میتسکیه ویچ	۱۸۵۵-۱۷۹۸ م.	لهستان	۵۲
اونوره دوبالزاک	۱۸۵۰-۱۷۹۹ م.	فرانسه	۵۸
الکساندر دوما «پدر»	۱۸۷۰-۱۸۰۲ م.	فرانسه	۶۴
فریدریش هبل	۱۸۶۳-۱۸۱۳ م.	دانمارک	۷۲
میخائیل لرمونتوف	۱۸۴۱-۱۸۱۴ م.	روسیه	۷۹
اوزن لابیش	۱۸۸۸-۱۸۱۵ م.	فرانسه	۸۵
امیل اوزیه	۱۸۸۹-۱۸۲۰ م.	فرانسه	۹۱
الکساندر دوما «پسر»	۱۸۹۵-۱۸۲۳ م.	فرانسه	۹۷
ویکتورین ساردو	۱۹۰۸-۱۸۳۱ م.	فرانسه	۱۰۳
جیوانی ورگا	۱۹۹۲-۱۸۴۰ م.	ایتالیا	۱۰۹
لیدی گریگوری	۱۹۳۲-۱۸۵۲ م.	ایرلند	۱۱۴
فرانک وده کنیه	۱۹۱۸-۱۸۶۴ م.	آلمان	۱۲۱
میگل داونامونو	۱۹۳۶-۱۸۶۴ م.	اسپانیا	۱۲۷

۱۳۱	لهستان	۱۸۶۹-۱۹۰۷ م.	استانیسلاو ویسپیانسکی
۱۳۷	ایرلند	۱۸۷۱-۱۹۰۹ م.	جان میلینگتون سینگ
۱۴۲	انگلستان	۱۸۷۴-۱۹۶۵ م.	سامرست موام
۱۴۸	آلمان	۱۸۷۸-۱۹۴۲ م.	کارل اشترنهایم
۱۵۴	آلمان	۱۸۷۸-۱۹۴۵ م.	جورج کایزر
۱۶۱	لهستان	۱۸۸۵-۱۹۳۹ م.	استانیسلاو ایگنای ویتکیه ویچ
۱۶۸	فرانسه	۱۸۸۹-۱۹۶۳ م.	ژان کوکتو
۱۷۴	چکسلواکی	۱۸۹۰-۱۹۳۸ م.	کارل جاپک
۱۷۹	سوئد	۱۸۹۱-۱۹۷۴ م.	پرلاگرکوسیت
۱۸۴	ایتالیا	۱۸۹۲-۱۹۵۳ م.	اوگوبنی
۱۹۱	آلمان	۱۸۹۳-۱۹۳۹ م.	ارنست تولر
۱۹۷	انگلستان	۱۸۹۴-۱۹۸۴ م.	جی بی. پرستلی
۲۰۳	آمریکا	۱۸۹۶-۱۹۵۵ م.	رابرت نی سزود
۲۰۸	بلژیک	۱۸۹۸-۱۹۶۲ م.	میشل دگلدرود
۲۱۴	مصر	۱۸۹۸-۱۹۸۷ م.	توفیق الحکیم
۲۲۲	ترکیه	۱۹۰۲-۱۹۶۳ م.	ناظم حکمت
۲۳۰	آمریکا	۱۹۰۲-۱۹۶۸ م.	جان اشتاین بک
۲۳۴	آمریکا	۱۹۰۵-۱۹۸۴ م.	لیلیان هلمن
۲۴۰	آمریکا	تولد ۱۹۱۳ م.	امه سه زر
۲۴۸	انگلستان	۱۹۱۷-۱۹۶۳ م.	جان وایتینگ
۲۵۲	اسپانیا	تولد ۱۹۲۶ م.	آلفونسو ساستر
۲۵۷	آلمان	تولد ۱۹۲۷ م.	گونتر گراس
۲۶۲	لهستان	تولد ۱۹۳۰ م.	اسلاو میرمروژک
۲۶۷	آفریقای جنوبی	تولد ۱۹۳۲ م.	اثول فوگارد
۲۷۶	انگلستان	تولد ۱۹۳۲ م.	آرنولدوسکر
۲۸۰	نیجریه	تولد ۱۹۳۴ م.	وله سونیکا
۲۸۷	چکسلواکی	تولد ۱۹۳۷ م.	تام استویارد
۲۹۰	اتریش	تولد ۱۹۴۲ م.	پیتر هاندکه

Torquato Tasso

۱۵۹۵ - ۱۵۴۴ م

تارگودو تاسو

تارگودو تاسو شاعر و غمایشنامه‌نویس ایتالیایی در یازدهم مارس ۱۵۴۴ در سورنتو^۱ بدنیا آمد پدرش برناردو تاسو^۲ نویسنده‌ای سرشناس بود که در خدمت شاهزاده سالرنو^۳ درآمد بود. هنگامی که پدرش به دلیل نزاع شاهزاده با دولت ناپل به رم تبعید گردید تارگودو که در این زمان ده ساله بود به رم رفت و به پدرش پیوست. در رم به مدرسه رفت و آنگاه به اربینو^۴ سفر کرد و سالهای ۱۵۶۰ - ۱۵۵۷ را در دربار گیدووالدو^۵ دوم گذراند. سپس به پادنوا^۶ و بولونیا^۷ رفت تا مطالعاتش را در دانشگاه کامل نماید.

تاسو فعالیت‌های ادبی خود را هنگامی که بسیار جوان بود آغاز کرد. در سال ۱۵۵۹، در سن پانزده سالگی طرحی ابتدائی از حماسه بزرگش «تسلیم اورشلیم»^۸ را تنظیم نمود و سه سال بعد رینالدو^۹ ۱۵۶۲ را که حماسه‌ای شاعرانه در دوازده قسمت تنظیم گردیده بود را تکمیل کرد.

در سال ۱۵۶۵ به فرارا^{۱۰} رفت و به خدمت کاردینال لونجی^{۱۱} درآمد و تا سال ۱۵۷۲ در آنجا اقامت داشت در این زمان به خدمت آلفونسو دوم^{۱۲} دوک فرارا درآمد، محققین بر این عقیده‌اند که طی این سالها نبرغ او شکوفا گردید. یکی از بهترین آثار غمایشی ادبیات ایتالیا در قرن شانزدهم تراژدی کمدی روستانی آمینتاس^{۱۳} نام دارد که تاسو در سال ۱۵۷۳ نگاشت این اثر تأثیر بسزائی بر نویسندگان درام‌های روستانی که بعدها در عرصه ادب ظاهر شد گذاشت و به‌صورت الگو درآمد. در این اثر که در پنج پرده تنظیم یافته آمینتاس عاشق و شیفته سیلویا^{۱۴} و سیلویا آنقدر محبوب است که به عشق خود اعتراف نمی‌کند و تنها مکنونات قلبی‌اش را با شاعری به نام تبرسس^{۱۵} در



تارگو دوتاسو

میان می‌گذارد. آمینتاس موفق می‌شود در فرصتی سیلویا را از چنگ مردی که بعنوان مظهر شهوت معرفی گردیده رهانی بخشد، سیلویا از شرمساری و خجلت می‌گریزد تا بدین طریق با آمینتاس روبرو نشود. دافنه^۶ زنی عاقل در امور عشق سعی در تسکین بخشیدن آمینتاس دارد، اما آمینتاس که بسیار متأثر شده آرزوی مرگ می‌کند. این تصمیم زمانی قوت می‌یابد که با نرینا^۷ پری دریایی ملاقات می‌کند و خبر می‌یابد که لباس‌های خونین سیلویا را دیده‌اند و دسته‌ای گرگ را هم متعاقب آن مشاهده کرده‌اند که حریصانه استخوانهایی را از چنگال هم بیرون می‌آوردند. اما حقیقت امر چیز دیگر است، سیلویا غم‌زده است و استخوانها هم بقایای حیوانیست که شکار گرگها شده. اما آمینتاس با باور کشته‌شدن سیلویا خود را از پرتگاهی به پائین می‌اندازد لیکن به میان بوته‌ها می‌افتد و از مرگ نجات می‌یابد. زمانی که سیلویا از تصمیم خودکشی آمینتاس باخبر می‌شود بر حجب و خوشتنداری خود فائق آمده، به ملاقات او می‌شتابد و نمایش در حالی که همسرایان سرود شادمانه عشق را می‌خوانند با وصال آن دو به پایان می‌رسد.

تراژدی شاه تورسماند^{۱۸} نمایشنامه بعدی تاسو که نگارش آن در سال ۱۵۷۳ آغاز شده بود مدت سیزده سال تکمیل آن طول کشید (تا سال ۱۵۸۶). تاسو در سال ۱۵۷۵ به حملات عصبی که در نهایت به دیوانگی منجر شد گرفتار آمد و روز بروز وضعش به وخامت می‌گرائید. در سال ۱۵۷۹ دوک آلفونسو او را در آسایشگاه «سنت آنا»^{۱۹} در فرارا بستری کرد، تاسو به مدت هفت سال بستری و تحت مراقبت بود و از شرایط روحی رنج‌آوری برخوردار بود، طی دوره‌هایی که از سلامتی و هوشیاری برخوردار بود به نوشتن ادامه می‌داد، هنگامی که در سال ۱۵۸۶ از آسایشگاه مرخص شد به نحوی زودرس پیر شده بود اما در مقام نویسنده همچنان مصمم بود.

طرح نمایشنامه شاه تورسماند بر بنیاد ادیب‌شهریار اثر سوفکل^{۲۰} پی‌ریزی شده و به عشق نامشروع تورسماند نسبت به خواهر خود و پیامدهای تراژیک آن می‌پردازد. تورسماند شاه کت^{۲۱}‌ها عاشق آلویدا^{۲۲} شاهزاده نروژ است و آلویدا بزودی قرار است همسر دوست او ژرماند^{۲۳} گردد. تورسماند بالاخره موفق می‌شود آلویدا را بدست آورد. کمی بعد تورسماند که احساس گناه می‌کند ژرماند را ترغیب می‌نماید تا با خواهرش ژرماندا^{۲۴} ازدواج کند ژرماندا برای او فاش می‌سازد که خواهر حقیقی او نیست، او که دختری از خانواده‌ای فقیر بوده توسط پدر تورسماند با شاهزاده حقیقی در گهواره عوض می‌شود تا از انجام یک پیشگونی که بر طبق آن شاهزاده باعث مرگ برادرش می‌شود جلوگیری کند، تورسماند بعد از تحقیق بیشتر از پیشخدمتها درمی‌یابد که آلویدا در حقیقت خواهرش است. او هراسان و آشفته از آلویدا می‌خواهد که با ژرماند ازدواج کند. آلویدا بی‌خبر از همه‌جا این فکر به مغزش خطور می‌کند که تورسماند به او خیانت کرده و از اندوه خود را با دشنه‌ای مجروح می‌کند، تورسماند کمی قبل از مرگ بر بالین او آمده خود را به عنوان برادرش معرفی می‌کند و همچنانکه به عشق خود نسبت به آلویدا تأکید می‌نماید در عین ناامیدی با شمشیری خود را می‌کشد.

تاسو در نمایشنامه‌هایش شعر دراماتیک را به نحوی غنی بکار گرفت و به همین لحاظ آثارش سرشار از لطافت زبان و قدرت احساسی چشمگیر است. اما او علاوه بر نمایشنامه‌های درخشانی که نگاشت بیشترین جنبه شهرتش را مدیون اشعارش است. شاهکار مسلم او که نامش را پس از آخرین بازبینی‌ها به «فتح»^{۲۵} اورشلیم تغییر داده بود در سال ۱۵۹۳ در رم انتشار یافت. دو سال بعد یعنی در بیست و پنجم آوریل ۱۵۹۵ در سن ۵۱ سالگی چشم از جهان فرو بست. بعدها شخصیت تاسو به دلیل زندگانی خلاق و غمبارش همواره موضوع مورد توجهی برای ادبیات واقع شد. آثاری همچون در سوگ تاسو^{۲۶} اثر لرد بایرون^{۲۷} و نمایشنامه تارگو دوتاسو^{۲۸} اثر گوته^{۲۹} از جمله کارهاییست که با الهام از زندگی او خلق گردید.

پانویس

1. Sorrento
2. Bernardo Tasso
3. Salerno
4. Urbino
5. Guidobaldo II della Rover
6. Padua
7. Boloyna
8. Jerusalem Delivered
9. Rinaldo
10. Ferrara
11. Luigi Cardinal d'Este
12. Allen so II d'Este
13. Amyntas
14. Silvia
15. Thyrsis
16. Daphne
17. Nerine
18. King Toriamund
19. Sant'Anna

۲۰. سوفکل Sophocles تراژدی‌نویس یونان باستان ۴۰۶ - ۴۹۶ پیش از میلاد.

21. Goth
22. Alvida
23. Germund
24. Rosmunda
25. Jerusalem Conquered
26. The Lament of Tasso

۲۷. بایرون Bayron شاعر معروف انگلیسی ۱۸۲۴ - ۱۷۸۸م.

28. Torguo to Tasso

۲۹. پوهان ولفگانگ فن گوته Johann Wolfgang von Goethe

منابع

1. Mc Graw _ Hill Encyclopedia of World Drama (Volum 4)

John Webster

جان وبستر

تولد ۱۵۸۰
وفات قبل از ۱۶۳۲ م

پیرامون رخداد‌های زندگی جان وبستر نمایشنامه‌نویس انگلیسی برخی از اظهارنظرها... توأم با حدس و گمان است. صاحب‌نظران سال تولد احتمالی او را ۱۵۸۰ م می‌دانند، پدرش چنانکه خود وبستر اظهار داشته شهروندی آزاد از اهالی لندن بود که به حرفه تجارت اشتغال داشته. از دوران خردی و تحصیلات او اطلاع روشنی در دست نیست، مدارکی مربوط به شخصی بنام جان وبستر در میان بازیگران گروه روپرت براون^۱ در حدود سالهای ۱۹۸۶ وجود دارد. بر این اساس این احتمال می‌رود که ممکن است وبستر قبل از ۱۵۸۰ به دنیا آمده باشد و پیش از آنکه به نمایشنامه‌نویسی بپردازد به بازیگری اشتغال داشته. بر اساس مدارک موجود جان وبستر در سال ۱۶۰۲ با تئاتر مرتبط گردیده است. در خاطرات فیلیپ هن اسلو^۲ از وبستر و دیگر نمایشنامه‌نویسانی نام برده شده است که بابت نگارش نمایشنامه «سقوط تزار» اثری که بعدها کاملاً مفقود گردید و همچنین نمایشنامه بانوجین^۳ که در سال ۱۶۰۷ با عنوان سرتوماس ویات^۴ انتشار یافت مبالغی دریافت کرده‌اند. وبستر همچنین مرثیه‌ای بر مرگ پرنس هنری^۵ فرزند ارشد شاه جیمز اول^۶ نگاشت که در سال ۱۶۱۳ انتشار یافت.

اگرچه اغلب نمایشهای وبستر با همکاری دیگر اعضای گروه هن اسلو نوشته شدند اما دو نمایشنامه بسیار برجسته دوره جاکوپین^۸ را تحت عناوین شیطان سفید^{۱۲} - ۱۶۰۹ و دوشس اهل مالفی^{۱۴} - ۱۶۱۳ را او به تنهایی خلق کرد، هر دو نمایشنامه بر اساس حوادث تاریخی ایتالیا در دوره رنسانس تنظیم گردیده و از زبان شعری دراماتیک و ساختمان نمایشی مستحکمی برخوردارند.



جان کارادین John Carradine در نمایشنامه دوشس مالفی اثر جان وبستر اجرا نیویورک ۱۹۴۶

در تراژدی شیطان سفید دوك براچیانو^{۱۴} در آرزوی دستیابی به ویتوریا کورو مبوننا^{۱۵} است. بالاخره با تلاش فلامینو^{۱۶} برادر ویتوریا آن دو به وصال هم می‌رسند در حالی که هر دو صاحب همسر و خانواده‌اند. ایزابلا^{۱۷}، همسر براچیانو شکایت به دادگاه می‌برد و برادرش فرانسیسکو مدیسی^{۱۸} به‌خاطر حفظ آبرو تلاش فراوانی می‌کند تا زن و شوهر را آشتی دهد. از سوی دیگر ویتوریا موفق می‌شود با وسوسه‌های خود اندیشه کشتن همسرانشان را در ذهن براچیانو بوجود آورد و بزودی قتل‌هایی بوقوع می‌پیوندد. اگر چه مدرکی دال بر نقش ویتوریا در قتل همسرش بدست نمی‌آید اما او را بجرم رابطه نامشروع متهم و به خانه زنان نادم می‌فرستند. براچیانو نیز در مراسم جشنی مسموم و کشته می‌شود.

آنگاه حیوانی^{۱۶} پسر براچیانو و دوک جدید سعی در برقرار کردن مجدد نظم به دربار را دارند. بدین منظور به فلامینو^{۱۷} که برادر خود را کشته است دستور می‌دهد دربار را ترک کند. فلامینو بعد از یافتن ویتوریا به او می‌گوید که روح براچیانو او را قسم داده است که ویتوریا و خود را بکشد. اما قبل از اینکه او قادر به این کار باشد توسط گروهی توطئه‌گر کشته می‌شوند.

دوشس مالفی دیگر نمایشنامه وستر اقتباسی است از یکی از داستانهای کتاب قصر لذت^{۱۸} نوشته ویلیام پینتر^{۱۹} (۱۵۶۶م). در این تراژدی پر از قتل و کشتار دوشسی بیوه از اهالی مالفی توسط برادران متنفذین کاردینال و فردیناند^{۲۰} دوک کالا‌برایا^{۲۱} از ازدواج مجدد منع گردیده. اما عشق او نسبت به پیشخدمتش آنتونیو^{۲۲} او را چنان برمی‌انگیزاند که همه چیز را زیر پا می‌گذارد و تمیّات قلبش را پیروی می‌کند، آن دو مخفیانه ازدواج می‌کنند و صاحب فرزند می‌شوند اما پابان مصیبت‌باری که به مرگ تقریباً همه افراد درگیر این ماجرا می‌انجامد بسیار دلخراش است. هرچند عوامل شاخص «تراژدی‌های خونین^{۲۳}» که به اینگونه آثار اطلاق می‌شود چون صحنه‌های تاریک شبانه، قتل‌های روی صحنه، مسموم‌کردنها و صحنه‌های جنون به وفور در نمایشنامه‌های وستر دیده می‌شود اما آنها همه به‌صورتی دقیق مورد استفاده نویسنده قرار گرفته و در نهایت به خلق فضاهایی کاملاً تأثیرگذار و مؤثر کمک می‌کنند.

وی الگوی شعری بی‌قاعده‌ای را مورد استفاده قرار داد که غالباً به ریتم‌های صحبت کردن محاوره‌ای نزدیک است که بسیار به شخصیت‌های واقعگرایش کمک می‌کند.

دیگر نمایشهای وستر که بیشتر آنها را با مشارکت کسانی چون میدلتون^{۲۴}، مسینجر^{۲۵}، فورد^{۲۶}، رولی^{۲۷} و توماس دکر^{۲۸} به رشته تحریر درآوردند بپای آثار ذکر شده نمی‌رسند. از میان آنها نمایش تاریخی و بسیار مجلل «یادبودهای افتخار^{۲۹}» ۱۶۲۴، قانون شیطان^{۳۰}، یا وقتی زنان به محکمه می‌روند^{۳۱}. نگارش ۱۶۱۰م آپیس و ویرجینیا^{۳۲}، (تاریخ احتمالی تألیف اثر بین ۳۴-۱۶۲۴م) تراژدی بر اساس تاریخ رُم، با خشونت نسبتاً مهار شده و تقریباً در قالب کلاسیک که وجه دیگری از توانمندی وستر را بازگو می‌کند، به اضافه کمدهای پیش بسوی غرب^{۳۳} ۱۶۰۴ و به سوی شمال^{۳۴} ۱۶۰۵.

اگر چه براساس دفاتر موجود تدفین شخصی بنام جان وستر در سوم مارس ۱۶۳۴ در کلیسای سنت جیمز کلر کن ول^{۳۵} به ثبت رسیده است. لیکن در کتاب سلسله مراتب روحانی فرشتگان متبرک^{۳۶} نوشته هی‌وود^{۳۷} که در سال ۱۶۳۴ نگاشته شده، از نظر دستوری از وستر بعنوان نمایشنامه‌نویسی در سالهای گذشته نام برده شده است. عده‌ای دیگر از محققین بر این عقیده‌اند که او احتمالاً در طاعونی که به سال ۱۶۲۵ در انگلستان کشتاری وسیع نمود درگذشته باشد.

1. Robert Brown
2. Philip Hen Stow
3. Caesar's Fall (or the two Shapes)
4. Ladg jane
5. Sir thoma Wyatt
6. Prince Henry
7. King james I

A. جاکوبین jacobean، عصر جیمزها.

- 9 The Whit Devil
10. The Duchess of Malfi
11. Duke of Brachiano
12. Vittoria Corombona
13. Flammeneo
14. Isabelle
15. Francisco de Medici
16. Giovanni
17. Flaminio
18. Palace of Pleasure
19. William Peniter's
20. Ferdinand
21. Duke of Calabria
22. Antonio
23. Tragedy of bood
24. Middleton
25. Messinger
26. Ford
27. Rowly
28. Thomas Dekker
29. Monuments of Honour
- 30,31. The Devil's Law _ Case, or when women go to Law the Devil is full of Business.
32. Appius and Virginia
33. West Ward Ho
34. North Ward Ho
35. St. James's Church, Clerken well
36. the Hierarchy of the Blessed Angels.
37. Hey Wood

منابع

1. Word Drama. Mc Graw Hill Encyclopedia (Vol 4)

John Dryden

(۱۷۰۰ - ۱۶۳۱م)

جان درایدن

جان درایدن نماینده‌نامه‌نویس، شاعر و چهره ادبی مشهور قرن هفدهم در چهاردهم اوت ۱۶۳۱ آلدونیکل^۱ واقع در شمال انگلستان بدنیا آمد. او یکی از چهارده فرزندی بود که در خانواده‌ای پراولاد تربیت یافت. تحصیلات ابتدائی را نخست در مدرسه وست مینستر^۲ که عمدتاً متعلق به دربار سپری کرد. سپس وارد کالج ترینتی^۳ که وابسته به دانشگاه کمبریج^۴ بود گردید و موفق شد در سال ۱۶۵۴ با رتبه درخشان (B.A) از این کالج فارغ‌التحصیل گردد.

يك دوره پنجساله از زندگی درایدن برای محققین در هاله‌ای از ابهام است اما بطور کلی چنین به نظر می‌رسد که او این دوره از عمر خود را صرف مطالعه در کمبریج و اقامت‌های گاه و بیگاه در لندن کرده باشد. نخستین مجموعه شعری درایدن در سال ۱۶۴۹ یعنی درست همان سالی که چارلز اول^۵ به اعدام محکوم شد و اولیور کرامول^۶ به قدرت رسید انتشار یافت. ده سال بعد یعنی در سال ۱۶۵۹ هنگامی که يك سال از مرگ کرامول می‌گذشت مرثیه‌ای ستایش‌آمیز درباره او سرود با نام «استانزای پهلوان»^۷. هنگامی که در سال ۱۶۶۰ بار دیگر در انگلستان سلطنت اعاده گردید و چارلز دوم^۸ به روی کار آمد درایدن به گروه هواداران سلطنت پیوست و مجموعه شعری نیز به همین مناسبت منتشر کرد و بازگشت سلطنت را تهنیت گفت. پیش از این دوران یعنی طی سالهای ۱۶۴۲، ۱۶۶۰ م فرقه‌ای مذهبی با نام پیوریتن‌ها یا پاکدینان که در اعتقادات خود بسیار متعصب بودند از قدرت بسیاری در اداره کشور برخوردار بودند. آنها کوشش فراوانی نمودند تا فعالیت‌های تئاتری را در کشور متوقف سازند، تمام ورزش‌ها و تفریحاتی که از قرن‌ها پیش مرسوم بود ممنوع گردید. «برای



جان درایدن

اولین بار در سال ۱۶۴۲ طبق قانونی که در مجلس وضع شد اجرای تئاتر برای مدت پنج سال متوقف گردید. تئاتر کلوب^۱ ویران شد و بازیگران بزودی به نمایش های مخفی روی آوردند. در سال ۱۶۴۹ بار دیگر قانونی از مجلس گذشت که بر طبق آن بازیگران مردمی فرودست و دغل ارزیابی می شدند و در همین ایام بنای داخلی چندین تئاتر درهم ریخته شد^۲. «با سلطنت چارلز دوم بازگشایی تئاترها آغاز گردید و از نفوذ پیوریتن ها بسیار کاسته شد. سالهای میان ۱۶۶۰ تا ۱۷۰۰ به دوران رستوراسیون^۳ مشهور است، شایان ذکر است که «تئاتر این دوران که برای نخستین بار هنرپیشگان زن نیز داشتند بطور عمده برای دربار و محافل اشرافی نمایش می دادند. از رجعت به تئاتر عهد الیزابت که در زندگی ملی ریشه داشت خیری نبود و در این نیز تردید هست که درام علیرغم فعالیت های وسیع تئاتری این دوره توانسته باشد مقامی را که روزگاری در نخستین دوران شکوه و عظمت خویش داشت مجدداً احراز کند»^۴.

بهرحال با آغاز دوران جدید درایدن که ذوق و قریحه ای در نمایشنامه نویسی در خود سراغ داشت شروع به نوشتن نمایشنامه هایی به شیوه فرانسویان بالاخص کرنی^۵ نمود و با حمایت یکی از

دوستانش با نام «سر رابرت هوارد»^{۱۶} که از حامیان ثروتمند تئاتر سلطنتی بود در تجدید حیات تئاتر در انگلستان نقش بسزائی ایفا نمود. ازدواج درآیدن با «الیزابت هوارد»^{۱۵} دختری از این خانواده در سال ۱۶۶۳ موقعیتش را مستحکم‌تر نمود. در همین سال نخستین نمایشنامه‌اش بنام «زن نواز وحشی»^{۱۷} با عدم موفقیت بر صحنه رفت. اما نمایشنامه بعدی او بنام «ملکه هندی»^{۱۸} که با همکاری هوارد نگاشته شده بود نخستین موفقیت صحنه‌ای را برایش به ارمغان آورد و در نمایشنامه بعدی او یعنی «بانوان رقیب»^{۱۹} و ۱۶۶۴ و امپراتور هندی^{۲۰} ۱۶۶۵ این موفقیت او را تثبیت نمود. زمانی که بار دیگر به دستور پلکو^{۲۱} فرماندار شهر لندن وقفه‌ای در کار تئاترها ایجاد شد درآیدن همراه خانواده‌اش به ناحیه ویلت شایر^{۲۲} رفت. او در این مکان فرصت یافت تا یکی از مهمترین آثار ادبی خود را به نگارش درآورد، این اثر بنام تحقیقی پیرامون شعر نمایشی^{۲۳} ۱۶۶۷ به صورت گفت و شنودی بین چهارتن از ادیبان عصر نوشته شده است که مبین نظرات درآیدن در این مقوله است، نمایشنامه عشق پنهان^{۲۴} ۱۶۶۷ نیز مربوط به همین ایام است.

بزودی درآیدن به لندن بازگشت و به ترجمه‌هایی از مولیر^{۲۵} همت گمارد در همین زمان بعنوان نویسنده تئاتر سلطنتی منصوب شد و در زمره سهامداران تئاتر سلطنتی درآمد. او تا سال ۱۶۷۸ که در این سمت بود و متعهد بود که سالی سه نمایشنامه برای تئاتر بنویسد.

آثار نمایشی دوره نخست نویسندگی درآیدن را بیشتر تراژدی‌های قهرمانی تشکیل می‌دهند که «شکل رایج نمایشنامه‌نویسی تا سال ۱۶۸۰ بود این تراژدیها بر محور انتقام و دعوی عشق و شرف دور می‌زند و حوادث در آنها به گونه‌ای تفسیر می‌شود که قهرمانی آرمانی با بانوی زیبایی برخورد می‌کند»^{۲۶}. «موقعیت‌ها همواره چنان است که وصال آن دو موجب حوادثی می‌شود که برای خود، خاندان و کشورشان خرابی و رسوائی به بار می‌آورد. پس زمینه این نمایشنامه‌ها غالباً جنگ است و گاه پایان خوشی نیز برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

«همچنین تئاتر دوران رستوراسیون به خاطر نمایش‌های سرزنده کمدی رفتارها که درآیدن خالق برخی از شیواترین نمونه‌های آن است نیز شهرت دارد»^{۲۷}. نمایشنامه‌های آقاری مارتین^{۲۸} ۱۶۶۷ يك عشق عصرانه با ستاره‌شناس مسخره^{۲۹} ۱۶۶۸. ازدواج به سبک روز^{۳۰} ۱۶۷۲ و همسر عوضی^{۳۱} ۱۶۷۵ از نمونه‌های زیبای کمدی رفتارها می‌باشد. دیگر نمایشنامه‌های این دوران درآیدن عبارتند از طوفان یا جزیره سحرآمیز^{۳۲} ۱۶۶۷، عشق غاصبانه^{۳۳} ۱۶۶۹، فتح غرناطه توسط اسپانیا^{۳۴} قسمت اول ۱۶۷۰ قسمت دوم ۱۶۷۱، وعده ملاقات یا عشق در نونری^{۳۵} ۱۶۷۲، آمیویانا^{۳۶} ۱۶۳۷ و اورنگ زیب^{۳۷} ۱۶۷۵ که درامی حماسی است درباره کمکش‌هانی بر سر تاج و تخت در سرزمین هند.

نمایشنامه دیگر درآیدن که شهرتی فراوان یافت «همه چیز برای عشق»^{۳۷} نام دارد که در سال ۱۶۷۷ به رشته تحریر درآمد و تا پایان قرن سمرشق و الگوی بسیاری از درامهای انگلیسی بود این اثر برگردانی از نمایشنامه آنتونی و کلثوپاترا اثر ویلیام شکسپیر است و از آنجا که با زوال تراژدیهای قهرمانی جای آنها را تراژدی‌هایی به نشر و بر طبق قواعد نئوکلاسیک پر نمود مقبول طبع عصر قرار گرفت، این تراژدی‌ها داستان‌هایی ساده داشتند و وحدت‌های سه‌گانه را هم رعایت می‌کردند.

در خلال این سالها موفقیت‌های دیگری نیز به او روی آورد از جمله در سال ۱۶۶۸ او به عنوان شاعر شهر لورت^{۳۸} منصوب شد و نیز در سال ۱۶۷۰ به سمت تاریخ‌نگار دربار نائل آمد. نمایشنامه‌های پرستار مهربان یا آقای لیبارهام^{۳۹} ۱۶۷۸، اودیپوس^{۴۰} ۱۶۷۸، ترلیپوس و کریسیدا^{۴۱} ۱۶۷۹، درویش اسپانیایی^{۴۲} ۱۶۸۱، آلبیون^{۴۳} ۱۶۸۵، آثاری هستند که درآیدن تا سالهای انقلاب ۸۹-۱۶۸۸ که به انقلاب باشکوه معروف است نگاشت، پس از مرگ چارلز دوم در سال ۱۸۸۵ که مدت بیست و پنج سال ستمگرانه بر انگلستان حکومت کرد برادرش جیمز دوم^{۴۴} به حکومت رسید لیکن زیاده‌روی‌های وی در استبداد باعث بروز انقلاب گردید. این انقلاب منجر به برکناری جیمز دوم شد و درآیدن که یک حامی سلطنت در خاندان استوارت‌ها بود و همواره در اشعار و نوشته‌هایش گروه‌های مخالف را مورد حمله قرار می‌داد و حتی زمانی که جیمز دوم به عنوان یک کاتولیک به سلطنت رسید و کاتولیک‌گرانی را بار دیگر رونق داد، درآیدن نیز مذهب کاتولیک اختیار کرد و از این رو بر او ابراد گرفته‌اند که طرز تفکر و حتی عقیده مذهبی خود را نیز با آنچه موردپسند و رضای اولیاء وقت باشد منطبق نموده است. با انقلاب ۱۶۸۸ او نیز مغضوب واقع شد و کلیه پست‌هایش را از دست داد و مستمریش نیز قطع گردید و او مجبور شد همچون ایام جوانیش از راه ترجمه و نوشتن روزگار بگذراند، حاصل این دوران نیز آثار درخور توجه و ارزشمندیست که شامل ترجمه‌هایی از کلاسیک‌هایی همچون، ویرژیل^{۴۵} و دیگران و نیز نمایشنامه‌هایی با عناوین نبوت^{۴۶} ۱۶۹۰، آمفی‌تریون^{۴۷} ۱۶۹۰، شاه‌آرتور^{۴۸} ۱۶۹۱، کلیومینس^{۴۹} ۱۶۹۲، پیروزمند^{۵۰} ۱۶۹۴ و صورتک این جهانی^{۵۱} ۱۷۰۰ م.

در سالهای پیری درآیدن تلاش کرد تا بار دیگر در تئاتر موقعیتش را تجدید نماید اما بزودی پی برد که محبوبیتش تنزل یافته و نمایشنامه پیروزمند که درآیدن به آن امید فراوان بسته بود با شکست مواجه شد و بالاخره جان درآیدن شخصیتی که در ربع آخر قرن هفدهم «ذوق و قریحه‌اش بر ادبیات عصر حکومت داشت و در نگارش نمایشنامه‌های کمدی و تراژدی نیز به‌خوبی طبع آزمائی کرد و آثار درخشانی خلق نمود و نشرش نیز از چنان افسون و جاذبه‌ای برخوردار بود که نسلهای بعد از او نیز

تحت تأثیرش قرار داشتند^{۵۲}. « در اول ماه مه ۱۷۰۰ چشم از جهان فرو بست. جسدش را پس از سوزاندن در وست مینستر به خاک سپردند و بیست سال بعد برای نخستین بار یادبودی به خاطرش گذاشته شد.

- 1 Aldwinkle
- 2 Westminster School
- 3 Trinity College
- 4 Cambridge
۵. چارلز اول Charles I پادشاه انگلستان و اسکاتلند (۱۶۴۹ - ۱۶۰۰). کراموز بر او خروج کرد و دستور داد وی را محاکمه و اعدام کنند.
۶. اولیور کرامول (Olivier Cromwell ۱۶۵۸ - ۱۵۹۹) پس از اعدام چارلز اول اولیور خود را در رأس تشکیلات جدید مملکتی قرار داد و تا سپتامبر ۱۶۵۸ قدرت را در دست داشت با مرگ وی پسرش ریچارد جانشین پدر گردید اما بدلیل عده درایت کافی پس از دو سال باز دیگر جانشینان چارلز اول به قدرت رسیدند.
- 7 Heroic Stanzas
۸. چارلز دوم Charles II ولادت ۱۶۳۰ جلوس به سلطنت ۱۶۶۰ وفات ۱۶۸۵ء.
- 9 Golbe
۱۰. تاریخ تئاتر جهان، اسکاترگ براکت
- 11 Restoration
۱۲. سیری در ادبیات غرب ج۱ - بی پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران سازمان جیبی، صفحه ۸۵.
۱۳. پیر کورنی Pierre Corneille نمایشنامه نویس فرانسوی (۱۶۸۴ - ۱۶۰۶ م).
- 14 Sir Robert Howard
15. Elizabeth Howard
- 16 The Wild Gallant
- 17 The Indian Queen
- 18 The Rival Ladies
- 19 The Indian Emperor
- 20 Plague
- 21 Wiltshire
- 22 Essay of Dramatic Poesy
- 23 Secret Love, or The Maiden Queen
- 24 Moliere ۱۶۷۳، ۱۶۲۲
- ۲۶ و ۲۷. تاریخ تئاتر جهان اسکاتر. ک. براکت، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور.
- 27 Sir Martin Mar _ All, or The Feign'd Innocence.
- 28 An Evening's Love, or The Mock Astrologer.
- 29 Marriage a la Mode
- 30 The Mistaken Husband
- 31 The Tempest or The Enchanted Island (with Sir William Davenant)
- 32 Tyrannic Love, or The Royal Martyr.
- 33 The Conquest of Granada the Spaniards, Part I. Part II
- 34 The Assnigation, or Love in a Nunnery.

- 35. Amboyne
- 36. Aurang _ Zebe
- 37. All for Love, or The World Lost.
- 38. Laureate
- 39. The Kind Keeper, of Mr Limberham
- 40. Oedipus
- 41. Troilus and Cressida
- 42. The Spanish Friar

۴۳ . Albion and Albanus نام باستانی و شاعرانه کشور انگلستان

۴۴ . جیمز دوم Jameall

- 45. Virgil
- 46. The Prophetess, or The History of Dioclesian
- 47. Amphitryon
- 48. King Arthur, or The British Worthy.
- 49. Cleomenes, the Spartan Hero.
- 50. Love Triumphant, or Nature will Prevail.
- 51. The Secular Masque.

۵۲. سیری در ادبیات غرب ص ۸۵

منابع

1. Mc Graw Hill Encyclopedia of World Drama Vol 1.

۲. تاریخ تئاتر جهان، اسکارگ براکت جلد ۲، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور

۳. سیری در ادبیات غرب، جی بی پرستلی ترجمه ابراهیم یونسی

۴. نقد ادبی: زرین کوب

Thomas Shadwell

۱۶۹۲-۲۲ یا ۱۶۴۱ م.

توماس شادول

توماس شادول نمایشنامه‌نویس و ملك الشعرای انگلیسی در دوره رستوراسیون^۱، در سال ۱۶۴۱ یا به روایت دیگر ۱۶۴۲ در یکی از نواحی نورفوک^۲، برومهیل^۳ یا سانتونیهیل^۴ به دنیا آمد. پدرش وکیل دعاوی بود و بسیار تمایل داشت فرزندش هم در رشته حقوق تحصیل کند، مدارك موجود حاکی از آنست که دوران کودکی و نوجوانی شادول در رفاه و آسایش سپری گردیده، پس از گذراندن تحصیلات اولیه در میدل تمپل^۵ لندن در رشته حقوق تحصیل کرده و احتمالاً بین سالهای ۱۶۶۳ و ۱۶۶۷ با هنرپیشه‌ای بنام آن کیبس^۶ ازدواج نموده است. شادول یکی از چهره‌های شاخص تئاتر دوران رستوراسیون است، شایان ذکر است که سالهای میان ۱۶۶۰ تا ۱۷۰۰ را در انگلستان به دوران رستوراسیون یا دوره بازگشت سلطنت نام نهاده‌اند. تئاتر این دوران پس از يك دوره فترت و رکود مجدداً فعال گردید و بازگشایی شد و برای نخستین بار هنرپیشگان زن را هم با خود به همراه داشت، لیکن این تئاتر بطور عمده برای دربار و محافل اشرافی به نمایش درمی آمد، و بیش از هر چیز به تنوع درام کمیک شهرت یافت و یکی از اشکال آن، کمدیهای عاشقانه و فکاهی است که همچون کمدی رفتارها یا کمدیهای فرس در زمان خودشان از محبوبیت فراوانی برخوردار بود.

شادول به عنوان نماینده اصلی کمدی فکاهی به شیوه بن جانسن^۷ در اواخر قرن هفدهم به گونه‌ای برجسته شاخص گردید. او مدافع سرسخت جانسن بود و همواره او را تحمیل می کرد.

شاید برای خواننده و تماشاگر امروز کمدهای شادول بسیار درخشان نباشند، اما با توجه به زمان آنها در نوع خود متمایزند، بخصوص به عنوان تصاویری از زندگی عادی آن دوره، چرا که نمایشنامه‌هایش سرشار است از رجعت به موضوع‌های مورد بحث روز که بسیاری از آنها فراموش شده‌اند لیکن در زمان خود از محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده‌اند.

نخستین نمایشنامه شادول کمدهی تحت عنوان عشاق عبوس^۸ یا گستاخان، اقتباسی است از آثار مولیر که در سال ۱۶۶۸ با موفقیت ارائه گردید. در این اثر سرپازتیو^۹ و شاعری به نام نینی^{۱۰} که احتمالاً انعکاسی از سررابرت هوارد^{۱۱} نمایشنامه‌نویس و برادر شاعرش ادوارد^{۱۲} که هر دو از معاصرین شادول بودند شخصیت‌های اصلی نمایشنامه‌اند. این اثر سرشار است از اشارات واقعگرایانه دربارهٔ فخرفروشی، سعایت و خودنمایی افراد آن زمان.

متعاقب این اثر شادول موفق شد در طول سالها، هفده نمایشنامه دیگر به رشته تحریر درآورد. برخی از مهمترین آنها همچون بذله‌گویان^{۱۳}، ۱۶۷۰، دربارهٔ روابط عاشقانه شخصی بنام گریزی^{۱۴} است که چهره‌ای آبله‌رو دارد و آرزوی وصال تنودوسیای^{۱۵} زیباست. و برای این منظور مستخدم آنان را فریب می‌دهد تا بتواند به اطاق معشوق راه یابد اما پنجره اشتباه نشان داده می‌شود و او از اطاق خانم لایوت^{۱۶} قیم تنودوسیا سردر می‌آورد.

طرح نسبتاً پیچیده نمایشنامه چاههای نمک^{۱۷} فرنگی ۱۶۷۲ مربوط می‌شود به علائق و احساسات نامشخص دو دختر جوان نسبت به دو نجیب‌زاده که آرزو دارند به ازدواج بیانجامد و سوء تفاهماتی که در طی نمایشنامه بوجود می‌آید.

در نمایشنامه هنرمند^{۱۸} ۱۶۷۲، یکی از واضح‌ترین طرح‌های نمایشی از شوخی‌های عجیب و غریب را شاهد هستیم که در آن شخصیت‌ها از طریق صحبت‌های جداگانه و در خلوت ضمیر خود را آشکار می‌سازند. نمایشنامه ارباب بزرگ آلساتیا^{۱۹} ۱۶۸۸، اقتباسی آزاد از نمایشنامه برادران اثر ترنس^{۲۰} نمایشنامه‌نویس رم‌باستان است. در این نمایشنامه تیم بلفوند^{۲۱} مردی پرورش‌یافته در روستا به لندن سفر می‌کند، در آنجا با گروهی از اوباش برخورد می‌کند که درصددند دارائی او را از چنگش بیرون بیاورند. هنگامی که سر ویلیام^{۲۲} پدر تیم وارد لندن می‌شود دربارهٔ ارباب بلفوند و رفتارش با زبردستان سخنان متناقضی می‌شنود. او نخست تصور می‌کند که این ارباب که نامش بر سر زبانهاست به احتمال زیاد پسر جوانترش ند^{۲۳} است که در لندن نزد عمویش بزرگ شده و حالا فرد سرشناسی است، در حالی که این شخص کسی نیست جز تیم. بیشتر نمایش پیرامون اشتباه در شناسائی هویت برادرها می‌گذرد. بالاخره برادر کوچکتر موفق می‌شود مشکل را حل کند و برادرش را نیز از تن‌دادن به ازدواجی مصیبت‌بار نجات دهد و خودش هم به وصال دختری که مورد نظرش

بوده پرسد.

درغایشنامه کمدی جشن تدفین^{۲۲} ۱۶۸۹ آقای وایلدیش^{۲۵} که دلباخته گرترو^{۲۶} دختر اولویت^{۲۷} به زادگاه معشوق سفر می‌کند تا تصمیم ازدواجش را با او در میان گذارد. در آنجا دوستش لُرد بلامی^{۲۸} را ملاقات می‌کند که او هم برای خواستگاری گرترو آمده است. همراه لُرد بلامی ملازمی بنام چارلز که در واقع خواهر گرترو است و عاشق لُرد بلامی است که خود را به لباس مردان درآورده نیز دیده می‌شود. گرترو پیشنهاد هر دو خواستگار را رد می‌کند با اعلان اینکه او برای آزادی خود بیش از ~~شهر کردن~~ اهمیت قائل است. بالاخره هنگامی که هویت واقعی ملازم آشکار می‌شود بلامی به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد و او نیز با کمال میل می‌پذیرد، بلافاصله گرترو هم که وسوسه شده است پیشنهاد آقای وایلدیش را برای همسری می‌پذیرد. از دیگر غایشنامه‌های شادول می‌توان طوفان^{۲۹} ۱۶۷۴، هرزه^{۳۰} ۱۶۷۶، تاریخ تیمون آتنی^{۳۱} ۱۶۷۸ بیوه وفادار^{۳۲} ۱۶۷۸، کاپیتان زن^{۳۳} ۱۶۷۹ و داوطلبان^{۳۴} ۱۶۹۲ را نام بُرد.

در هر يك از این غایشنامه‌ها شخصیت‌هایی عجیب و متنوعی در صحنه ظاهر می‌شوند و با بهره‌گیری از زندگی معاصر خود با زبانی صریح و معترض سخن می‌گویند.

شادول در ابتدای کار نویسندگی خود با جان درایدن^{۳۵} غایشنامه‌نویس مشهور عصر خود رقابتی دوستانه داشت. اما در دهه ۱۶۸۰ اختلافات آنها بر سر سیاست به دشمنی مبدل شد. شادول عضو حزب آزادیخواه و درایدن عضو حزب محافظه‌کار بود. گرچه درایدن عموماً در موضوعات ادبی بر شادول غلبه داشت. اما سرانجام شادول از نظر سیاسی پیروز شد. بعد از جلوس ویلیام^{۳۶} و مری^{۳۷} در سال ۱۶۸۹ درایدن مقام ملك الشعرانی را به شادول واگذار کرد.

شادول در سالهای بعدی عمرش از بیماری نقرس رنج می‌بُرد و برای رهایی از درد آن تریاک مصرف می‌کرد تصور می‌شود مصرف بیش از حد دارو او را از پای درآورد. او در نوزدهم یا بیستم نوامبر ۱۶۹۲ در چلسی^{۳۸} چشم از جهان فرو بست.

پانویس

۱. رمتوراسیون Restoration ، یا دوره بازگشت سلطنت ، از ۱۶۶۰ بار دیگر در انگلستان سلطنت اعاده گردید و چارلز دوم به روی کار آمد ، « برای اطلاع بیشتر رجوع شود به جان درایدن »

2. Norfolk

3. Broomhill

4. Santon Hill

5. Middle Temple

6. Ann Gibbs

۷. بن جانسن Ben Jonson نمایشنامه نویس انگلیسی ۱۶۳۷ - ۱۵۷۲م.

8. The Sullen Lovers, or The Impertinents

9. Sir Positive

10. Ninny

11. Sir Robert Howard

12. Edward

13. The Humorists

14. Crazy

15. Theodosia

16. Lady Love youth

17. Epsonn Wells

18. The Virtuoso

19. The Squire of Alsatia

۲۰. ترنس Terence ، نمایشنامه نویس رم باستان.

21. Tim Bellond

22. Sir William

23. Ned

24. Bury Fair

25. Wildish

26. Gertrude

27. Old wil

28. Lord Bellamy

29. The Tempest, or The Enchanted Island.

30. The Libertine.

31. The History of Timon of Athens

32. A True Widow

33. The Woman _ Captain

34. The Volunteers

۳۵. جان درایدن John Dryden نمایشنامه نویس انگلیسی ۱۷۰۰ - ۱۶۳۱م.

36,37. *William & Mary*

38. *Chelsea*

منابع

1. *Mc Graw _ Hill Encyclopedia of World Drama (Vol 4).*

oliver Gold Smith

اولیور گلد اسمیت **«۱۷۲۸ - ۱۷۷۴ م»**

اولیور گلد اسمیت نمایشنامه‌نویس، شاعر، رمان‌نویس و نویسندهٔ مقالات در دهم نوامبر ۱۷۲۸ یا ۱۷۳۰ در آردناگو^۱ واقع در ایالت روس گامن^۲ در ایرلند دیده به جهان گشود. او پنجمین فرزند از يك خانوادهٔ کشاورز متوسط‌الحال بود که اصلاً تباری انگلیسی داشتند. شرایط خانوادگی و استعدادی که خود وی از آن بهره داشت او را قادر ساخت تا تحصیلات مطلوبی کند. نخستین ادوار تحصیل او در دوبلین سپری شد، در سال ۱۷۴۵ وارد کالج ترینیتی^۳ در دوبلین شد و در سال ۱۷۵۰ با درجه ممتاز ترینیتی کالج را ترک کرد و به ادینبرو^۴ رفت و به تحصیل رشته طب پرداخت، آنگاه قریب شش سال از عمرش را در سفر به شهرهای اروپا و سیر و تفحص سپری کرد و بالاخره در لندن مستقر شد. برخی از محققین درباره اینکه گلد اسمیت دورهٔ دکترایش را تمام و کمال به پایان رسانیده باشد تردید دارند، گروهی بر این عقیده‌اند در ایامی که او در خارج از انگلستان بوده به کسب درجه دکترای نیز نائل آمده است. لیکن تاکنون مدرکی دال بر صحت و سقم این امر بدست نیامده است.

باری گلد اسمیت پس از آنکه در لندن سکنی گزید «مذت‌ها در محلهٔ گراب استریت^۵ که امروز میلتون استریت^۶ خوانده می‌شود و بیشتر نویسندگان کم‌مایه و بسا پرمایه در ازاء مبالغی ناچیز برای ناشران کار می‌کردند سرگرم بود^۷» و با نوشتن مطالبی در زمینه نقد، رسالات مختلف و حتی تاریخ طبیعی روزگار می‌گذراند و بالاخره پس از سالها نوشتن نخستین اثری که باعث شهرتش شد و بگونه‌ای جدی او را مطرح ساخت کتابی بود دربارهٔ «کاوشی در آموزش و پرورش و ادب^۸ در اروپا» که به سال ۱۷۵۹ به چاپ رسید و توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرد. در سال ۱۷۶۱ گلد اسمیت



اولیور گلداسمیت

با ساموئل جانسون^۱ که از نویسندگان با نفوذ لندن بود آشنا شد. این آشنایی به دوستی دیرپایی انجامید. هنگامی که آثار دیگری از گلداسمیت همچون شهروندان دنیا^۲ ۱۷۶۲ و نامه‌های چینی^۳ شهرت او را مستحکم نمود به اصرار ساموئل جانسون گلداسمیت به عضویت «انجمن تئاتر گلوب»^۴ درآمد (۱۷۶۴) و طی سالهای بعد او یکی از بانفوذترین اعضای این انجمن بود. دیگر اعضای این انجمن عبارت بودند از دیوید گاریک^۵، سرجوشا ریتولدز^۶، ادموند بورك^۷، و ادوارد گیبون^۸. در سال ۱۷۶۶ گلداسمیت زمانی نگاشت تحت عنوان «کشیش ویکفیلد»^۹ که با استقبال چشمگیری از سوی قشر کتابخوان روبرو گردید. اما در عرصه نمایشنامه‌نویسی، طبع آزمایی گلداسمیت با نمایشنامه کمدی، مرد خوش خلق^{۱۰} در سال ۱۷۶۸ آغاز گردید، این نمایشنامه علیرغم انتظاری که گلداسمیت داشت با اقبالی مواجه نگشت.

دومین نمایشنامه گلد اسمیت پنجاه سال بعد یعنی به سال ۱۷۷۳ تحت عنوان «تمکین می کند تا سوار شود»^{۱۹} یا اشتباهات يك شب» با موفقیت به صحنه رفت و از همان اجرای نخست تا به امروز همواره به عنوان نمایشی مطرح مورد توجه قرار گرفته است.

این آثار همراه با مقالاتی که او درباره نمایش کمدی نگاشت برای گلد اسمیت موفقیتی درخور به همراه آورد و او را بسیار مشهور ساخت گلد اسمیت پیش از مرگی که زود بسراغش آمد موفق به نوشتن نمایشنامه دیگری با نام گرامبلر^{۲۰} (۱۷۷۳) گردید.

گلد اسمیت در طول حیات ادبی خود و به مدد انسان دوستی بی پیرایه و گرم و نیز سعی و کوششی که صرف کرد تا منتقدین و نویسندگان و نیز افکار عمومی را متوجه مسائل اجتماعی عصر خود نماید و با نمایشنامه هایش که هر يك در جای خود افق های تازه ای برای نمایشنامه نویسان و هنرمندان گشودند مورد توجه است و صاحب نظران به خاطر اشعار، مقالات، شیوه داستان نویسی و نگاه او به نمایش کمدی همواره او را تحسین کرده اند. در عرصه تئاتر نمایشنامه هایش همواره مدخلی بوده است برای شناخت سنت نمایشنامه نویسی دراماتیک در انگلستان به نحوی که جی بی پرستلی^{۲۱} در این باره چنین اظهار می دارد: «دو ایرلندی یعنی اولیور گلد اسمیت و ریچارد برنسللی شرایدن»^{۲۲} با نمایشنامه هائیکه تا به امروز بر صحنه تئاتر مانده اند کمدی را نجات دادند»^{۲۳}.

گلد اسمیت در سال ۱۷۷۲ به سختی بیمار شد و دیگر سلامت خود را تا پایان عمر باز نیافت و بالاخره در چهارم آوریل ۱۷۷۴ در حالیکه بیش از ۴۶ سال از عمرش نمی گذشت چشم از جهان فروست. جسدش را در کلیسای تمپل^{۲۴} لندن بخاک سپردند.

1. Ardnagow
2. Roscommon
3. Trinity College, Dublin

۴. ادینبرو Edinburgh با ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند، این شهر در سال ۱۴۳۷ مرکز حکومت اعلام گردید. دارای بناها و آثار تاریخی و موزه ها و کتابخانه های جالب و دانشگاه قدیمی است که در سال ۱۵۸۲ تأسیس گشت، سالهاست که فستیوال موسیقی و تئاتر در این شهر برگزار می شود.

5. Grub Street
6. Milton Street

۷. سیری در ادبیات غرب

8. *An Enquiry into the Present State of Polite Learning in Europe*
9. Samuel Johnson (۱۷۴۰ - ۱۷۹۶م)
10. *The Citizen of the World*
11. *Chinese Letter*
12. *The Club*
13. David Garrick
14. Sir Joshua Reynolds
15. Edmund Burke
16. Edward Gibbon
17. *The Vicar of Wakefield*
18. *The GOOD _ Natured Man*
19. *She Stoops to Conquer, or The Mistakes of a Night*
20. *The Grumbler*

۲۱ و ۲۳. جی بی پرستلی J.B. Priestley سیری در ادبیات غرب. تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی. ترجمه ابراهیم یونسی ۱۳۵۲.

۲۲. ریچارد برینسلی شرایدن Richard Brinsley Sheridan - نمایشنامه نویس ایرلندی (۱۸۱۶ - ۱۷۵۱م)

24. Temple Church

منابع

1. *Encyclopedia of World Drama _ Mc Graw _ Hill Volume 2.*

Sheridan

۱۸۱۶-۱۷۵۱ م

شرایدن

ریچارد برینسلی شرایدن^۱ نمایشنامه‌نویس، مدیر تئاتر و سیاستمدار ایرلندی‌الصل - انگلیسی در ۳۰ اکتبر ۱۷۵۱ در دوبلین بدنیا آمد. او سومین پسر توماس شرایدن^۲ بازیگر و فرانسیس شرایدن^۳ داستان و نمایشنامه‌نویس ایرلندی بود. در سال ۱۷۶۰ زمانی که ریچارد ۹ سال داشت خانواده‌اش سرزمین ایرلند را برای همیشه ترک کردند و در انگلستان سکنی گزیدند ریچارد بعد از مدتی تحصیل خصوصی از سال ۱۷۶۲ تا ۱۷۶۸ را در مدرسه هارو^۴ به تحصیل پرداخت طی هفت سال بعد او تحصیل و مطالعات خود را در رشته حقوق دنبال کرد.

نخستین تجربیاتش در نوشتن تعدادی اثر ترجمه شده بود. اما در عرصه نمایشنامه‌نویسی کارش را با يك نمایشنامه کمدی تحت عنوان «ژوپیترا»^۵ آغاز کرد. طی همین ایام در پی تعلق خاطری که به الیزابت آن‌لینلی^۶ دختر مورد علاقه‌اش که منجر به حضور او در دوئل گردیده بود، بالاخره در سال ۱۷۷۳ آن دو در لندن پیوند زناشویی بستند.

در سال ۱۷۷۵ نمایشنامه «رقیبان»^۷ اثر شرایدن در لندن با موفقیت به صحنه رفت، این اثر کمدی دلنشینی است که بدلیل نکته‌گوییهای هشیارانه دروازه‌های شهرت را برویش گشود. اگرچه موضوع نمایشنامه که عبارتست از انتخاب همسر توسط دختری خیالپرداز و مصمم به تز ازدواج به خاطر عشق و فقر و به لباس مبدل جوانی تنگدست درآمدن اشراف‌زاده‌ای جوان که خواستار دختر است و مقاومتی که از طریق خانواده اعمال می‌شود همراه با حوادثی جانبی که اینگونه آثار بدنبال دارند، امروزه تازگی و طراوت چندانی ندارد، اما برای زمان خود توأم با قرین موفقیت بود. احتمالاً



شرایدن

موفقیت این اثر شرایدن جوان را بر آن داشت تا کمندی دیگری را در دو پرده تحت عنوان روز سنت پاتریک^۱ یا ستوان شمینک ۱۷۷۵ و چند ماه بعد اثر دیگری تحت عنوان دایه^۲ ۱۷۷۵ نمایشی در سه پرده که نشان دهنده مهارت و استادی او در بکارگیری شعر، آواز، موسیقی‌های دلنشین همراه با دیالوگ‌های درخشان را بنگارد، اثر اخیر به تمامی درباره عشق و دلدادگی جوانان است و در تضاد واقع شدن این عشق‌ها با فرامین و نظرات والدین آنها. دو اثر ذکر شده متعاقب توفیق نمایشنامه رقیبان در سال ۱۷۷۵ در لندن به صحنه رفت و باعث گردید شهرت نویسنده‌اش تثبیت گردد.

در ژوئن ۱۷۷۶ شرایدن به اتفاق پدرزنش توماس لینلی^۳ که آهنگساز باوجهی بود سهام عمده تئاتر دوروری^۴ لین را خریداری کردند و از سال ۱۷۷۶ شرایدن مدیریت این تئاتر را که برای باقی عمر منبع اصلی درآمد او به شمار می‌رفت عهده‌دار بود. طی سالها او مسئول تعمیرات پرهزینه این تئاتر در سال ۱۷۹۱ و نیز تجدید بنای این تئاتر پس از آتش‌سوزی سال ۱۸۰۹ بود که منجر به ویرانی آن گردیده بود.

در سال ۱۷۷۷ شرایدن یکی از بهترین کمدی‌های خود را نگاشت این اثر که «مکتب رسوائی»^{۱۲} نام دارد در حقیقت آن را می‌توان از نوع کمدی‌های به سیاق رجعت به دوره قبل خواند، زیرا در این اثر نویسنده بی‌آنکه غمایشنامه را به سخنان زشت بیالاید روش پیشینیان را دنبال می‌کند و بدین ترتیب اثر را مناسب استفاده خانواده‌ها می‌سازد.

در همین سال شرایدن «سفری به اسکار برو»^{۱۳} را که اقتباسی از بازگشت^{۱۴} اثر وان بروک^{۱۵} است را به رشته تحریر درآورد.

در سال ۱۷۷۹ شرایدن در حالیکه ۲۸ سال از عمرش می‌گذشت آخرین نمایش عمده خود را با نام منتقد^{۱۶} با تراژدی بازگو شده را نگاشت، صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که او در این زمان به بی‌ثمر بودن تلاشهایش برای احیای کمدی فهیمانه پی برده بود چرا که صحنه‌های تئاتر در این سالها در انگلستان به تسخیر درام‌های بورژوائی درآمده بود و بنوعی نبوغ او به دلیل کیفیت متغیر قماشچینی که او برای آنها می‌نوشت با شکست مواجه شد، همچنین او برای تأمین احتیاجات مالی تئاتری که مدیریتش را بر عهده داشت بسوی اجراهای عامه‌پسند سوق داده شد تا آنجا که تئاترش به سطح سلیقه قماشگران جدیدی که اغلب از طبقه متوسط نوظهور آن زمان بودند افول کرد.

در اینجا ذکر این نکته ضروریست که در حوالی ۱۷۶۰ در انگلستان قماشگران آریستوکرات^{۱۷} و صاحب نفوذ دوره قدرت‌یابی مجدد سلطنت دیگر وجود نداشتند. جریان اخلاقگرایی ویژه طبقه متوسط، علاقه آنها به سانتیمانتالیزم^{۱۸} و احساسی بودن و ترس بی‌مورد از ابتذال در تئاتر بسیار غالب بود. در اعتراض به این جریان بود که شرایدن و هم‌عصر برجسته‌اش الیور گلداسمیت^{۱۹} تلاش‌های خود را برای احیای مجدد خنده و شوخی در غمایشنامه‌نویسی آغاز کردند. بومارشه^{۲۰} غمایشنامه‌نویس معاصر آنها دست به تلاشی مشابه و به همان اندازه ناموفق علیه سانتیمانتالیزم بورژوائی در صحنه تئاتر فرانسه زد.

بهرحال از پی این دوران، دوره دیگری از سال ۱۷۸۰ در زندگی شرایدن آغاز گردید و آن زمانی بود که او با کمک یکی از دوستان بانفوذش بنام چارلز جیمز فاکس^{۲۱} با پرداخت مبالغی به عنوان رشوه‌دهی حسابگرانه که به نظر می‌رسد در آن زمان مرسوم بوده است به عنوان نماینده استافورد^{۲۲} به عضویت پارلمان برگزیده شد، از آن به بعد تا پایان عمر تنها يك نمایش دیگر به ادبیات تئاتری افزود و آن هم ترجمه و اقتباسی از غمایشنامه‌نویس آلمانی معاصرش کوتربو^{۲۳} تحت عنوان پیزارو^{۲۴} بود. اما شرایدن طی سالهای بعد در کار سیاسیش به‌خوبی پیشرفت کرد و مقامهای دولتی درخور توجهی همچون وزارت کشور و عضویت در هیئت رایزنان سلطنتی و خزانه‌داری را احرار کرد. او به‌خاطر هوش سرشار، شوخ طبعی و سخنوری خود چهره‌ای مورد توجه و محبوب در پارلمان بشمار می‌رفت.



یک صحنه از مکتب رسوائی اثر شرایدن لندن

قسمت‌هایی از خطابه‌های او دربارهٔ امور ایرلند که بسیار مطول‌اند باقی مانده است. او را یکی از بزرگترین ناطقان در دوره‌ای که سخن‌پردازی در انگلستان در اوج خود بود شناخته‌اند. شرایدن تا سال ۱۸۱۲ در پارلمان خدمت کرد اما در ۶ سال آخر حضورش در پارلمان نفوذش بدلیل عدم حضور حامیان قدرتمند بسیار کاسته شد، همسرش در سال ۱۸۹۲ درگذشت و این امر بشدت روح او را آزرد، به قمار کشانیده شد و از این راه متحمل قرض‌های سنگینی گردید، اینها همراه با هزینه سنگین دوبار تجدید ساختمان تئاتر دوروری لین سالهای بعدی زندگی شرایدن را در شرایط دشواری قرار داد.

بعد از آنکه در سال ۱۸۱۲ مصونیت پارلمانی خود را از دست داد طلبکارانش یکی پس از دیگری او را تحت فشار قرار دادند به نحوی که سالهای آخر عمر این مرد بزله‌گوی شادی‌آفرین در شرایط سختی سپری گردید و بالاخره در هفتم جولای ۱۸۱۶ شرایدن در حالیکه ۶۵ سال از عمرش می‌گذشت در لندن چشم از جهان فرو بست. جسدش را در صومعه وست‌مینستر^{۲۵} بخاک سپردند.

1. Richard Brinsley Sheridan
2. Thomas Sheridan
3. Frances
4. Harrow School
5. Jupiter
6. Elizabeth Ann Linley
7. Rivals
8. St. Patrick's Day, or the Scheming Lieutenant
9. The Duenna
10. Tomas Linley
11. Drury Lane Theatre
12. The School for Scandal
13. A Trip to Scarborough
14. The Relapse
15. Vanbrugh
16. The Critic, or Atrahedy Rehearsed
17. Aristocratic
18. Sentimentality

۱۹. اولیور گلداسمیت Olive Goldsmith ، نمایشنامه نویس ایرلندی ۱۷۷۴ - ۱۷۳۰ م
 ۲۰. بومارشه Beaumarchais ، نمایشنامه نویس فرانسوی ۱۷۹۹ - ۱۷۳۲ م.

21. Charles James Fox
22. Stafford
23. Kotzebue
24. Pizarro
25. Westminster

منابع

1. Mc Grew _ Hill Encyclopedia of World Drama Vol4
2. A Dactionary of the theatre John Russell taylor

Alessandro Manzoni

۱۸۷۳ - ۱۷۸۵ م

آلساندرو مانزونی

آلساندرو مانزونی شاعر، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و نظریه‌پرداز ادبی در هفتم ماه مارس ۱۷۸۵ در میلان بدنیا آمد. پدرش پیترو مانزونی^۱ و مادرش جولیا بکاریا^۲ فرزند روشنفکر مشهور سزار بکاریا^۳ بود و بدین طریق در خانواده‌ای علاقمند به ادب و هنر تربیت یافت. اگرچه تحصیلات اولیه او در مدارس مذهبی گذشت لیکن در جوانی پیرو عقاید ژاکوین^۴ ها گردید. به هنگام جوانی در میلان زندگی کرد و زودتر از آنچه انتظار می‌رفت با محافل ادبی معاشر شد تحت تأثیر همین معاشرتها نخستین اشعار خود را به شیوه کلاسیکها سرود.

در سال ۱۸۰۵ به پاریس سفر کرد تا به مادرش که در مرگ کارلو ایمبوناتی^۵ شخصیت مورد احترامش سوگوار بود بپیوندد. در همین سفر بود که او برای تسلی بخشیدن به مادرش یکی از نخستین اشعار دلنشینش را با نام «در مرگ کارلو ایمبوناتی^۶» را سرود.

در سال ۱۸۱۰ دو اتفاق مهم در زندگی مانزونی رخ داد، نخست اینکه عمیقاً به مذهب کاتولیک روی آورد و یک مسیحی مؤمن شد و این در حالی بود که همسرش انریچتا بلوندل^۷ نیز که پیرو عقاید کالونیست^۸ ها بود به صورت کاتولیکی بسیار مؤمن درآمده بود و دیگر اینکه در عرصه ادبیات رویکرد مانزونی از مکتب کلاسیسم به مکتب رومانتیسم بود.

بین سالهای ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۲ او چهار «سرود مذهبی^۹» ملهم از جشن‌های مسیحیت سرود و هفت سال بعد پنجمین سرود مشهورش بنام «عید گلریزان^{۱۰}» را به سروده‌های قبلی خود اضافه کرد (۱۸۲۲ م).



الساندرو مانزونی

نخستین نمایشنامه تراژدی اش را مانزونی بنام «گنتی از کارماگنولا» در سال ۱۸۱۶ آغاز به نوشتن کرد این اثر تا سال ۱۸۱۶ کامل نشد و یک سال بعد از این تاریخ انتشار یافت و در سال ۱۸۲۸ به اجرا درآمد.

این نمایشنامه ملهم از زندگی یک سرباز مشهور ایتالیایی در قرن پانزدهم است. مانزونی در این اثر حکومت ونیز را بر پایه مقرراتی خشک و ناعادلانه توصیف می‌کند. کنت کارماگنولا، فرمانده‌ای ماجراجو و با جسارت موافقت می‌کند که ارتش جمهوری ونیز را در مقابل نیروهای فیلیپو ماریا وِسکونتی، دوق میلان رهبری کند، هنگامی که ونیزی‌ها در جنگ فاتح می‌شوند کنت بزرگوارانه زندانیان نظامی میلان را آزاد می‌کند، مجلس سنای ونیز مشکوک به مقاصد او مأمورانی را به جبهه‌های جنگ گسیل می‌دارد. مقامات ونیز ترسان از بیم آنکه کنت کارماگنولا با سپاه میلان

متحد خواهد شد او را به ناحق متهم به خیانت می کنند. کارماگنولا به ونیز بازگردانده می شود و پس از محاکمه ای کوتاه و فرمایشی به مرگ محکوم می شود، در انتهای نمایش هنگامی که کنت با همسر و دخترش وداع می کند با بیان اینکه عدالت واقعی تنها از جانب خداوند امکان پذیر خواهد بود نه انسانها، به مثابه سخنگویی برای ایده آلهای مذهبی نویسنده عمل می کند.

مانزونی در مقدمه این نمایشنامه به توضیح نظریات خود پیرامون تراژدی پرداخته ضمن رد سلطه ارسطو اعلام می دارد که بیان واقعیت معیاری باارزش برای خلق اثر نمایشی است، او همچنین در نوشته مشهورش بنام «نامه به م. شووت»^۳ درباره اتحاد زمان و مکان در تراژدی «چنین استدلال می کند که وحدت عمل نه فقط از حادثه ای منفرد و منحصر در حدود مکانی و زمانی مشخص بلکه همچنین از رابطه ای ارکانیک بین چندین رویداد که موضوع واحدی را توضیح می دهند ناشی می شود.

دومین تراژدی مانزونی «آدلچی»^۴ نام دارد که نگارش آن را از سال ۱۸۲۰ آغاز کرد و در سال ۱۸۲۲ آن را به چاپ رسانید. ماجرای این تراژدی رومانتیک به اختصار چنین است: شالمانی^۵ همسرش ارمنگارد^۶ را که از طوایف لمباردی^۷ است ترك می کند. بازگشت ارمنگارد به پاپویا^۸ معاهده صلح میان دو طایفه لمباردها و فرانک^۹ ها را فیصله می دهد و همین امر موجب اختلاف نظر میان دزیریس^{۱۰} و آدلچی، پدر و برادر ارمنگارد می گردد از نظر آدلچی مسیحی، شالمانی به موجب امر خداوند فرمانرواست در حالیکه از دید دزیریس که ایمانی ندارد شالمانی چیزی جز دشمنی خودخواه و نیرومند نیست. اگر چه آدلچی آنقدر نیرو دارد که انتقام اهانت نسبت به خواهرش را بگیرد. لیکن توانائی او برای دست به عمل زدن به خاطر کشمکش های روحی و تردیدهایش روزروز ضعیف تر می شود. هنگامیکه فرانک ها غافلگیرانه پاپویا را تصرف می کنند دزیریس دستگیر شده و برای پسرش که به شهر ورونا^{۱۱} گریخته است طلب بخشش می کند. بزودی شهر ورونا نیز سقوط می کند زیرا تعداد اندکی از لمباردی ها شهادت جنگیدن را از خود نشان داده اند. آدلچی که در جنگ زخمی شده است با اعلام اینکه خداوند پادشاه پادشاهان است می میرد. او شالمانی را می بخشد همچنانکه ارمنگارد باوفا و پارسا چنین می کند. ارمنگارد که خبر ازدواج دوم شالمانی را می شنود با قلبی شکسته چشم از جهان فرو می بندد.

هر دو این نمایشنامه ها بر اساس حوادث تاریخی تنظیم یافته به نحوی که موضوعات مذهبی با احساسات آزادیخواهی سیاسی در آنها توأم است. اگر چه قصد مانزونی نمایش کردن تاریخ نبوده است بلکه استفاده از آن به عنوان پس زمینه ای برای آفرینش شخصیت های اصلی در تئاتر را بیشتر مدنظر داشته است تا رفتار شخصیت های نمایش بیانگر آنچه که در انسانها جهانی و جاویدانی است



گنتی از کار مونیولا اثر مانزونی ایتالیا ۱۸۲۸

باشد.

مانزونی بر این اعتقاد بود که «مهمترین هدف ادبیات همیاری در ارتقاء اخلاقی تمام طبقات جامعه است» و آنچه که بر هر دو این تراژدیها حکمفرماست حسی است تراژیک درباره انسان به عنوان موجودی اجتماعی در معرض بی عدالتی و خشونت که به دست هموعانش صورت می گیرد. شخصیت های اصلی در آثار مانزونی مردان و زنانی هستند که اعتقاد مذهبی و امید به رستگاری آنها از رنجی بشری نشأت می گیرد.

از سومین تراژدی او یا نام اسپارتاکوس^{۲۲} که بعد از ۱۸۲۲ طرح ریزی شده است تنها یادداشتهای کوتاهی باقیمانده است. یکی از نقطه های درخشان دستاوردهای هنری این نویسنده نسخه پایانی رمانی تاریخی او بنام «نامزد^{۲۳}» است که بین سالهای ۱۸۴۲ - ۱۸۴۰ نوشته شده است. آثار بعدی این نویسنده عمدتاً نظریاتی پیرامون مسائل تاریخی، الهیات، زیباشناسی و زبان شناسی است. از آنجا که مانزونی تمایل داشت بیشترین تماشاگران را داشته باشد زبان ادبی و سنتی را رها کرده و سبکی بر اساس استفاده عامه مردم از زبان رایج را برگزید تا از این طریق با مخاطبان بیشتری رابطه برقرار کند. از سوی دیگر مانزونی همواره تأکید داشت که تراژدیهایش را بیشتر به عنوان متن هایی برای خواندن نگاشته است تا کارهایی برای اجراهای صحنه ای. به نظر می رسد که ذهنیت اساساً داستانگوی این نویسنده سبب ساز نزدیکی اش به تئاتر با دوره ممتدی که در آن عمل نمایشی به وقوع می پیوندد تحکیم می شود. به عنوان مثال نگاه کنید به مدت زمان هفت سالی که در نمایشنامه «گنتی از کارماگنولا» و دو سالی که در نمایشنامه آدلچی جریان دارد.

با این وجود التزام مانزونی بر زمینه‌های تاریخی و واقعیت‌نمائی روزمره و همچنین سرزندگی شخصیت‌های درجه دومش نمایشنامه‌های او را بمیزان قابل تحسینی مورد توجه قرار داده است. در سال ۱۸۶۰ مانزونی به عنوان سناتور پادشاهی جدید ایتالیا برگزیده شد، او که به استثنای سفرهای کوتاهی که به پاریس و توسکانی^{۲۴} داشت قسمت عمده عمر خود را در میلان زیسته بود در ۲۲ ماه مه ۱۸۷۳ در این شهر درگذشت.

پانویس

1. Pietro Manzoni
2. Giulia Beccaria
4. Jacobean
5. Carlo Imbonati
6. On the Death of Carlo Imbonati
7. Enrichette Blondel
8. Calvinist فرقه‌ای مذهبی (مسیحی) که توسط کالون تأسیس شد. افراد این فرقه مخالف با کلیه آداب و مراسم مذهبی معمول در مذهب کاتولیک هستند.
9. Sacred Hymns
10. Pentecost
11. The Court of Carmagnola
12. Filippo Maria Visconti
13. Letter to M. Chauvet on the Unity of time and place in Tragedy
14. Adelchi (Adelgis)
15. Charlemagne
16. Ermengard
۱۷. لیباردی Lombards یکی از قبایل توتنی‌نژاد که در ۵۶۸ میلادی به ایتالیا هجوم آورده و در دره رود پو (po) اقامت نمودند. آنان در این محل تا سال ۷۷۴ که شارلمانی آن را منقرض کرد سلطنتی داشتند.
18. Pavia
۱۹. Franks یکی از قبایل آلمانی‌نژاد که در قرن ششم میلادی بر غرب اروپا استیلا یافتند و امپراطوری آنها در قرن نهم بر هم خورد.
20. Desiderius
21. Verona
22. Spartacus
23. The Betrothed
24. Tuscany

منابع

1. Mc Graw _ Hill Encyclopedia of World Drama (Vol 3)

Eugene Scribe

۱۸۶۱ - ۱۷۹۱ م

اوژن اسکریب

اگوستین اوژن اسکریب^۱ نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ۲۴ دسامبر ۱۷۹۱ در پاریس دنیا آمد. پدرش به کار تجارت اشتغال داشت، زمانی که اوژن هفت سال داشت پدرش چشم از جهان فرو بست و غبار تلخ یتیمی چهره خود را به اوژن خردسال نمایاند. اگر چه او مهمترین حامی خود را از دست داده بود اما با پشتگرمی مادرش دیپلم متوسطه را گرفت و در رشته حقوق شروع به تحصیل کرد. با فوت مادرش در سال ۱۸۱۱ او ناچار شد تحصیلاتش را نیمه‌کاره رها کند. لیکن تا پایان عمر مطالعه در علم حقوق را بر خود واجب می‌دانست. در سال ۱۸۱۵ به اتفاق دو تن از دوستانش به نگارش و تأسیس يك مركز نشر آثار دراماتيك همت گمارد. نمایشنامه «شبی دیگر در گارد ملی»^۲ به سال ۱۸۱۵ در حقیقت نخستین اقبال او در امر نوشتن آثار نمایشی بود، با این اثر او نشان داد که از استعداد و درایتی درخور توجه بهره‌مند است و در نمایشنامه‌نویسی صاحب‌نظراتی است که در طول سالهای بعد هر چه بیشتر قوام یافت تا آنجا که او موفق شد تا مدت‌ها اسلوبی را به عنوان روشی خاص در نمایشنامه‌نویسی فرانسوی مطرح سازد، این روش که به نمایشنامه خوش‌ساخت^۳ شهرت دارد و با نام وی مترادف گردید و در حقیقت مکمل روش‌های نمایشنامه‌نویسی از دوران باستان تا قرن نوزدهم بود. آنچه اسکریب در این راستا انجام داد در حقیقت عبارت بود از «پیشبرد حوادث با ضوابط علت و معلولی، اتخاذ ساختاری که در جانی به نقطه اوج برسد، پرهیز از دادن اطلاعات اضافی، ورق برگشتنهای ناگهانی و تعلیق»^۴، از جمله مشخصاتی بود که اسکریب بحق به انجام



اوژن اسکریب

آنها در امر نمایشنامه نویسی نائل آمده بود، هر چند خواندن این آثار امروزه ممکن است ما را برنیانگیزد اما بگفته یکی از صاحب نظران، از آنجا که نمایشنامه های اسکریب فاقد شخصیت پردازی عمیق اند و تنها به طرح توطئه و خلق هیجان می پردازند، امروزه سطحی می نمایند. اما باید در نظر داشت که این نمایشنامه ها برای تماشاگران سده نوزدهم بسیار پراهمیت بودند، زیرا راه و رسم و تعصبات آن دوران با مهارت بسیار در آنها منعکس می شد^۵.

در سال ۱۸۲۰ اسکریب در حالیکه در محافل هنری پاریس فرد سرشناسی بود تقبل نمود نمایشنامه هائی را که می نگاشت در اختیار چارلز کاسپار^۶ دیلستر پویرسون، کارگردان تئاتر کیم نس^۷ قرار دهد تا در برنامه ریزی این تئاتر به اجرا درآیند. بدینسان اسکریب تعداد زیادی نمایشنامه نگاشت برخی رابه تنهائی و تعدادی را با همکاری دیگران. این پیمان مدت ده سال یعنی تا سال ۱۸۳۰ دوام آورد. از سوی دیگر این ایام مصادف بود با ظهور ویکتور هوگو^۸ و نهضت رمانتیک که در زمان خود بسیار درخور توجه است. پرستلی نقل می کند: «زمانی که هوگو در شب گشایش نمایش «ارنانی» رمانتیکها را به تئاتر کشانده بود، در میان گروه مخالفت رمانتیکها نیز اسکریب بود که از جایگاه خویش مسخره می کرد. وی در نگارش نمایشنامه های مرسوم و سرودن اشعار اپرانی

سخت موفق و از حیث رعایت نکات مقرر در ساختمان نمایشنامه و در عین حال فقط تأثیر آن استاد مسلم عصر^۱ بود. برخی از نمایشنامه‌هایی که اسکریب تا سال ۱۸۳۰ نگاشت عبارتند از: ارباب سالامانکا^{۱۱}، مرگ هیزم‌شکن^{۱۲}، ۱۸۱۵، فورا و ذفیر^{۱۳}، ۱۸۱۶، پرندگان حیاط^{۱۴}، ۱۸۱۶، دو قیم^{۱۵}، ۱۸۱۷، جدال با کوهستان^{۱۶}، ۱۸۱۷، واریته کافه^{۱۷}، ۱۸۱۷، ازدهای کوچک^{۱۸}، ۱۸۱۷، میهمانی همسران^{۱۹}، ۱۸۱۷، گنج^{۲۰}، ۱۸۱۹، دو همسر^{۲۱}، ۱۸۱۹، کارولین^{۲۲}، ۱۸۱۹، کینه^{۲۳}، ۱۸۲۰، ماری جوپارد^{۲۴}، ۱۸۲۰، طفیلی^{۲۵}، ۱۸۲۰، هتل ساحلی^{۲۶}، ۱۸۲۰، عشق بی‌آلایش^{۲۷}، ۱۸۲۱، منشی و آشپز^{۲۸}، ۱۸۲۱، سرهنگ^{۲۹}، ۱۸۲۱، خوش اشتها و بدون پول^{۳۰}، ۱۸۲۱، خانواده بدون زن^{۳۱}، ۱۸۲۱، سرزمین^{۳۲}، ۱۸۲۱، خواهر کوچک^{۳۳}، ۱۸۲۱، ازدواج کودکان^{۳۴}، ۱۸۲۱، گوزبشت عاشق^{۳۵}، ۱۸۲۱، هنرمند^{۳۶}، ۱۸۲۱، میشل و کریستین^{۳۷}، ۱۸۲۱، انجمن لودگان^{۳۸}، ۱۸۲۲، بیوه مالابار^{۳۹}، ۱۸۲۳، دربان آپارتمان^{۴۰}، ۱۸۲۳، کدبانوی خانه^{۴۱}، ۱۸۲۳، آخرین روز خوشبختی^{۴۲}، ۱۸۲۳، وارثه^{۴۳}، ۱۸۲۳، مباشر^{۴۴}، ۱۸۲۴، هنرمند ساکن در اطاق زیر شیروانی^{۴۵}، ۱۸۲۴، سه نوع^{۴۶}، ۱۸۲۴، چهلمین^{۴۷}، ۱۸۲۵، دوستان صمیمی^{۴۸}، ۱۸۲۵، نیرنگ‌باز^{۴۹}، ۱۸۲۵، ماه غسل^{۵۰}، ۱۸۲۶، سفیر^{۵۱}، ۱۸۲۶، ازدواج و آسایش^{۵۲}، ۱۸۲۶، دیپلمات^{۵۳}، ۱۸۲۷ و ما در تعمیری^{۵۴}، ۱۸۲۷. اسکریب بین سالهای ۱۸۱۱ تا ۱۸۶۱ بیش از ۳۰۰ قطعه نمایشی به تئاترهای پاریس عرضه کرد که ۲۳‌تای آنها در کمدی فرانسز اجرا شدند. آثار او را کمدی‌های وودویل^{۵۵}، درام‌های تاریخی، متن‌های اپرا، کمدی درام‌های جدی و نیز متن‌هایی برای باله و اپرا را بطور توأمان تنظیم نمود که تا پیش از آن تقریباً ناشناخته بود. برخی از نوشته‌های او شهرت فراوانی کسب کردند. از آن جمله: به‌خاطر پول^{۵۶}، ۱۸۲۷، لیوان آب^{۵۷}، ۱۸۴۰، زندگی آدرین لوکورور^{۵۸}، ۱۸۴۹ و سیسیلی^{۵۹}، ۱۸۴۰ از همه مشهورتر هستند. در سال ۱۸۳۴ اسکریب به عضویت در آکادمی فرانسه انتخاب شد و در سال ۱۸۳۹ با مم بیولای^{۶۰} پیوند زناشویی بست. از این زمان تا هنگام مرگ اسکریب به دور از جنجالها به‌صورتی پیگیر نمایشنامه نوشت. با بسیاری از نویسندگان دوست شد و همکاری کرد و همواره مشوق نویسندگان جوان بود از موفقیت‌هایش نیز به‌خوبی بهره جست. جایزه‌ای برای پرداختن به درام موزیکال فرانسوی به او اهداء شد. در سال ۱۸۶۰ ناپلئون سوم او را به عنوان عضو شورایعالی شهرداری پاریس منصوب کرد.

اگرچه اسکریب پیوند آشکاری با نهضت واقعگرایی ندارد، اما فرمول درام خوش ساخت او با تأکید بسیار بر تحول منطقی و اصول علت و معلولی حوادث قالب مناسبی را برای دوامی پسر^{۶۱} و اوژی^{۶۲} فراهم ساخت و زمینه ساز جریان صدور درام فرانسوی در قرن نوزدهم گردید.^{۶۳} از دیگر نمایشنامه‌های اسکریب می‌توان از دوربین اپرا^{۶۴}، ۱۸۳۳، بر طبق قانون^{۶۵}، ۱۸۳۳



صحنه‌ای از نمایش زندگی آدرین لوکورور - مسکو ۱۹۱۹

سالویوس یا ملکه عاشق^{۶۵} ۱۸۳۴، استل یا پدر و دختر^{۶۶} ۱۸۳۴، عشق در کلبه^{۶۷} ۱۸۳۵ والتین^{۶۸} ۱۸۳۶، آقای هوکوس دگیل فورت^{۶۹} ۱۸۳۶، پسر دلال سهام^{۷۰} ۱۸۳۶، سزار یا سگ قلعه^{۷۱} ۱۸۳۷، سورپریز^{۷۲} ۱۸۴۴، ربه‌کا^{۷۳} ۱۸۴۴، جین و ژانت^{۷۴} ۱۸۴۵، ایرنه یا مغناطیس^{۷۵} ۱۸۴۷، الهه^{۷۶} ۱۸۴۷، دختر دکتر^{۷۷} ۱۸۴۹ و هیلوس و آبی لارد^{۷۸} ۱۸۵۰ را نام برد. اسکریم تا پایان عمر وظایفش را بعنوان یک نویسنده و نیز یک صاحب منصب فرانسوی با اعتقاد کامل انجام داد. مرگش در سال ۱۸۶۱ در پاریس رخ داد.

1. *Agustin _ Eugene Scribe*
2. *Another Night in the National Guard*
3. *Well _ made play*
- ۴ و ۵. *سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران سازمان کتابهای جیبی.*
6. *Charles _ Gaspard Delestra _ Poison*
7. *Gymnase*
8. *Victor Hugo (۱۸۰۲ _ ۱۸۸۵)*
۹. *سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی J.B.Priestly*
10. *The Squire of Salamance*
11. *Death and the Woodcutter*
12. *Flora and Zephyr*
13. *The Bride's Garter*
14. *The Two Tutors' or Asinus Asinum*
15. *The Mountain Fight, or The Beaujon Madness*
16. *The Variety Cafe*
17. *The Little Dragon*
18. *The Husband's Party, or Let's Pretend*
19. *The Mystifier*
20. *The Two Husbands*
21. *Caroline*
22. *Spleen*
23. *Marie Jobard*
24. *The Vampire*
25. *The Beach Hotel*
26. *Platonie Love*
27. *The Secretary and The Cook*
28. *The Colonel*
29. *The Courmet without Money*
30. *The Bachelor's Household*
31. *The Country*
32. *The Little Sister*
33. *The Child hood Marriage*
34. *The Hunchbacked Lover*
35. *The Artist*
36. *Michael and Christine*
37. *Society's Apartment*
38. *The Widow of Malabar*
39. *The Doorkeeper's Apartment*
40. *The Mistress of the House*

41. *One Last Day of Fortune*
42. *The Heiress*
43. *The Agent*
44. *The Artists Garret*
45. *The Three TYPES*
46. *The Forty*
47. *The Inseparables*
48. *Quackery*
49. *The Honeymoon*
50. *The Ambassador*
51. *The Marriage of Convenience*
52. *The Diplomat*
53. *The Godmother*
54. *Vaudevilles*
55. *Marriage for Money*
56. *The Glass of Water, or Causes and Effects*
57. *Adrienne Lecouvreur*
58. *Cicily, or The Lion in Love*
59. *Mme. Biolley*
60. *Alexandre Dumas (Pere), ۱۸۰۳. ۱۸۷۰*
61. *Emile Augier, ۱۸۲۰ - ۱۸۸۹*

۶۲. سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی.

63. *The Lorgnette*
64. *The Canoness*
65. *Salvaisy, or The Queen's Lover*
66. *Estelle, or Father and Daughter*
67. *Love in a Cottage*
68. *Valentine*
69. *Sir Hugues de Gullfort*
70. *The Son of a Stokborker*
71. *Cesar, or The Castel dog*
72. *The Surprises*
73. *Rebecca*
74. *Jeanne and Jeanette*
75. *Irene or Magnetism*
76. *The Goddess*
77. *The Doctor's Daughters, or Devotion*
78. *Heloise and Abelard*

منابع

1. *World Drama Mc Graw _ Hill Encyclopedia (Vol4)*

۲ . سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران سازمان کتابهای جیبی.

Aleksandr Griboyedov

۱۷۹۵-۱۸۲۹ م

الکساندر گریبایدوف

الکساندر سرگیه‌ویچ گریبایدوف^۱ در ۱۵ ژانویه ۱۷۹۵ در مسکو بدنیا آمد. خانواده‌اش از اشراف و نجبای لهستانی‌الاصل بودند و برای تربیت فرزندان خود اهمیت فراوان قائل می‌شدند. الکساندر سرگیه‌ویچ در مسکو نخستین مدارج تحصیل را سپری کرد، آنگاه وارد دانشگاه مسکو شد و در سن هفده سالگی رشته حقوق را به اتمام رسانید. او درصدد بود تا دورهٔ دکترای این رشته را هم بگذراند و برای این امر نیز آماده شد. لیکن هجوم ناپلئون بناپارت به روسیه و ویرانی مسکو در سال ۱۸۱۲ سبب گردید تا تحصیلاتش قطع شود. یک چند وارد خدمت در سواره نظام شد، اما در صحنه‌های جنگ حضور نیافت. در سال ۱۸۱۶ به پترزبورگ رفت و به استخدام وزارت امور خارجه درآمد، مرور با نویسندگان آن زمان طرح آشنائی ریخت و با محافل ادبی نشست و برخاست نمود و با شور بسیار شروع به نویسندگی کرد. تناثر و نوشتن غایشنامه را مرکز علاقت خویش قرار داد. نخستین آثارش غایشنامه‌هائی کم‌دی، انتقادی بودند که جهت سیاسی و فکری معینی نداشتند و بیشتر غایشنامه‌های صحنه پرکن محسوب می‌شدند. این غایشنامه‌ها عبارتند از: زوج جوان ازدواج کرده^۲، ۱۸۱۵، تظاهر به ارتداد^۳ ۱۸۱۸ و دانشجو^۴ ۱۸۱۷.

بهرحال همین غایشنامه‌ها بزودی او را به عنوان نویسنده‌ای مشهور در کشورش به شهرت رساند تا اینکه در سال ۱۸۲۲-۲۳ کم‌دی مشهورش تحت عنوان فغان از شوخی^۵ یا هوش بدبختی می‌آورد نوشته شد. د.س. میرسکی، بر این عقیده است که «غایشنامهٔ فغان از شوخی به مکتب کم‌دی کلاسیک تعلق دارد و مراجع عمدهٔ آن را در آثار مرلیر باید جست. غایشنامه از حیث ترسیم و تصویر



الکساندر گریبایدف

اشخاص و پرداختن گفتگوهای داستان یگانه است، گفتگونی که گریبایدف در ذهن اشخاص داستان می‌گذارد شاهکار قدرت و مهارتی است که دامنه آن هرگز قطع نمی‌شود، همیشه بسوی ناممکن دست می‌یازد و بدان دست می‌یابد. بدین معنی که موفق می‌شود گفتگوی هر روزی را بفشارد و در قالبی موزون بریزد، او در هنر ترسیم اشخاص داستان نیز یگانه است، وی واجد کیفیتی بود که از کلاسیکهای روس به ارث برده بود و این خصیصه را هیچیک از رئالیستهای دیگر روسیه نداشتند، وی در این خصلتها با استادان بزرگ قرن‌های هفدهم و هجدهم سهم بود^{۴۸}.

گریبایدف طی این سالها در وزارت امور خارجه با جدیت به کار مشغول بود. با هنرپیشگان نشست و برخاست داشت و با محافل انقلابی نیز آمیزش می کرد، در این سالها کشمکش های چندی میان دولت روس و ایران متعاقب عهدنامه گلستان (۱۸۱۳م) اتفاق افتاد، دولت روسیه چون به منشی مورد اعتمادی برای هیأت مذاکره با ایران نیاز داشت گریبایدف را برای احراز این سمت پیشنهاد کرد. او سالهای ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۵ را در تفلیس و در ایران بسر آورد، در زمان اقامتش در قفقاز برای مدتی بسمت منشی ژنرال ایرمولف^۶ فرمانروای قفقاز که مردی بسیار بانفوذ بود درآمد. پس از سرکوب نهضت دسامبرست ها^۷ در سال ۱۸۲۵ گریبایدف نیز بجرم همکاری با شورشیان دستگیر شد لیکن در جریان بازجویی هائی که از او بعمل آمد علی رغم نزدیکی که با شورشیان داشت موفق شد خویشتن را از این اتهام مبرا کند، سرانجام آزاد شد و در ازاء ناراحتی و رنجی که از این بابت متحمل شده بود ترفیع مقام یافت و معادل يك سال حقوق و پاداش گرفت و بار دیگر به قفقاز بازگشت، در این ایام جنگهای روس و ایران مجدداً آغاز شده بود، ژنرال پاسکویچ^۸ نایب السلطنه جدید که مورد عنایت خاص امپراتور بود و زنش دخترعموی گریبایدف محسوب می شد در تمام مدت جنگ گریبایدف را نزد خود نگاه داشت، عباس میرزا فرزند فتحعلیشاه قاجار، با همه تلاش سپاه ایران ناگزیر، مذاکره صلح ترکمانچای را پذیرفت و این پیمان در دهم فوریه ۱۸۲۸ بین طرفین مخاصمه منعقد گردید. گریبایدف که منعقدکننده این قرارداد از طرف دولت روس بود قرارداد را با امتیازات چشمگیری بنفع کشورش به انجام رسانید و دولت مطبوعش نیز به پاس ارج نهادن به خدمات او سمت وزیرمختاری روسیه در ایران را به او محول کرد. هنگامی که وی جهت تسلیم استوارنامه اش و نیز پیگیری مفاد قرارداد ترکمن چای عازم تهران بود در سر راه خود در تفلیس عاشق شاهزاده خانم گرجی به نام نینا چاواواوزه^۹ که شانزده سال بیشتر نداشت شد و این دلبستگی به ازدواج آن دو انجامید. آنگاه بسرعت در دسامبر سال ۱۸۲۸ گریبایدف برای مذاکره مستقیم با فتحعلیشاه قاجار راهی تهران شد و زنش را به علت بارداری در تبریز گذاشت. بر اساس آخرین نامه هائیکه از وی برجای مانده گریبایدف خاطرنشان می سازد غرامتی که به ایران تحمیل شد، خارج از قوه تحمل دولت وقت بوده و یکی دیگر از مفاد قرارداد ترکمانچای که استرداد کلیه زندانیان مسیحی خاصه زنان ارمنی را که در حرامسراهای سران قاجار بودند را طلب می نمود بنوع دیگری انجماش با اشکالاتی مواجه بود. بهر حال گریبایدف پس از ورود به تهران اجرای مفاد قرارداد را خواستار شد. بزودی شورشی علیه او سازمان داده شد و مردم خشمگین در ۱۱ فوریه سال ۱۸۲۹ مطابق با شعبان ۱۲۴۴ به سفارتخانه روسیه در تهران حمله ور شدند و بجز يك تن همه ساکنان سفارت در این واقعه کشته شدند^{۱۰}، زنش به شنیدن خبر مرگ شوهرش سقط جنین کرد و پس از

مرگ شوهر با وفاداری به خاطره او مدت سی سال زیست و هرگز تن به ازدواج مجدد نداد.^{۱۲}
گریبایدف در زمان مرگ ۳۴ سال داشت.
از وی علاوه بر آثاری که ذکر آنها رفت، قطعاتی از تراژدی ننگام او با نام «شب گرجستان»^{۱۳}
که در سالیان آخر عمر بر روی آن کار می کرد، به اضافه مقدار معتناهی شعر و نامه های او بر جای مانده است.

پانویس

1. Aleksandr Sergeevich Griboyedov

2. The Yung Married

3. Feigned In Fidelity

4. Student

5. Woe from wit

۶. تاریخ ادبیات روسیه A History of Russian Literature. اثر د. س. میرسکی ترجمه ابراهیم یونسی (جلد اول) تهران، انتشارات امیرکبیر.

7. Emolov

۸. دکاهریست یا دسامیریها را گروهی از نظامیان دربار روسیه رهبری می کردند که بر ضد الکساندر اول تشکیل گردیده. خواستار برقراری قانون اساسی و آزادی سرفها (دهقانان وابسته به زمین) بودند.

9. I.F. Paskievitch

10. Nina Chevchava dze

۱۱. مرگ وزیرمختار نوشته یوری نیکلایویچ تینیا یوف، ترجمه مهدی سحابی، انتشارات امیرکبیر، این کتاب شرح زندگانی گریبایدف است و سفرش به ایران که به صورت داستانی نگاشته شده است خواننده فارسی می تواند جهت کسب اطلاعات بیشتر به تاریخ ایران (دوره قاجاریه، تألیف رابرت گرنث واتسن ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران کتاب سیمرغ ۱۳۴۰). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم تألیف احمد محمود چاپ اقبال (جلد اول). از ماست که بر ماست. مجموعه مقاله، هما ناطق، چاپ انتشارات آگاه و سایر منابع دیگر رجوع نماید.

۱۲. تاریخ ادبیات روسیه، امیرکبیر.

13. Georgian Night

منابع

1. VOL 2, 1. World Drama. Mc Graw _ Hill Encyclopedia

2. A Dictionary of the theatre, John Russell Taylor.

۳. تاریخ ادبیات روسیه A History of Russian Literature. تألیف د. س. میرسکی ترجمه ابراهیم یونسی، جلد اول (از آغاز تا تالستوی)، تهران انتشارات امیرکبیر.

Adam Mickiewicz

(۱۸۵۵ - ۱۷۹۸ م)

آدام میتسکیه ویچ

آدام میتسکیه ویچ شاعر و نمایشنامه‌نویس بلندآوازه لهستانی در شب کریسمس ۱۷۹۸م در دهکده زائوسی^۱ واقع در ناحیه لتونی^۲ [در حال حاضر Byelorussia در غرب روسیه] بدنیا آمد. پدرش نیکولا میتسکیه ویچ^۳ وکیل دعاوی و از اعقاب نجبای لهستانی بود که مکنت خود را از دست داده و تنها القاب اشرافی برایش باقی مانده بود، آدام دوران تحصیل ابتدائی را براحتی سپری کرد و همواره در این راه از تشویق و حمایت پدرش برخوردار بود.

در سال ۱۸۱۵ موفق به ورود در دانشگاه ویلنا^۴ در ورشو شد و همانجا بود که با فعالیت‌های سیاسی دانشجویی آشنا شد و بزودی یکی از سازماندهندگان فعالیت‌های دانشجویان گردید. در سال ۱۸۱۹ با موفقیت دانشگاه را به اتمام رسانید و به عرصه اجتماع قدم نهاد. این ایام مقارن با گسستن قیود و بوجود آمدن تحولات سیاسی در جامعه لهستان در پی لشکرکشی‌های ناپلئون و تجزیه لهستان میان روسیه، پروس و اتریش بود و همچنین شکوفا شدن نهضت رومانتيك بعنوان حرکتی مترقی در زمینه‌های ادب و هنر و جایگزینی آن معاقب قوالب کلاسیک بود.

میتسکیه ویچ اندیشه خلاق و رسالت هنرمندانه خود را در خدمت نهضت رمانتيك که در آن ایام نهضتی انقلابی محسوب می‌شد قرارداد و خود از پیشگامان این نهضت شد. او به‌خوبی دریافته بود که در کشوری تحت سلطه بیگانگان، ادبیات و هنر جز به عنوان روزنه‌هایی برای امیدها و آرزوهای شیفتگان آزادی و استقلال مأم وطن مفهوم دیگری ندارد.



آدام میتسکیه ویچ

در سال ۱۸۲۲-۲۳ در پی يك ماجرای نافرجام عشقی دو مجموعه شعر تحت عنوان تصنیف‌ها و افسانه‌ها^۵ و نیز قسمت‌هایی از نمایشنامه چهار قسمتی و منظوم «شامگاه پیشینیان»^۶ از وی انتشار یافت که سرآغاز عصر رومانتيك در ادبیات لهستان محسوب می‌شود.

در سال ۱۸۲۳ میتسکیه ویچ همراه با عده‌ای دیگر از انقلابیون کشورش به دلیل فعالیت در مجامع مخفی انقلابی توسط پلیس دستگیر و بعد از چندین ماه حبس به روسیه تبعید گردید. او مدت چهار سال در تبعید بسر برد، در آنجا با جریان‌های ادبی روسیه در آمیخت و دوستان زیادی یافت از آن میان «الکساندر پوشکین»^۷ را می‌توان نام برد. اگر چه در آثار و اشعار این دوران او چشم‌اندازهای زیبایی از طبیعت همواره الهامبخش اوست لیکن احساسات میهنی او نسبت به کشورش لهستان روز بروز شدت می‌یافت.

در سال ۱۸۲۹ دوران تبعیدش به سر آمد و اجازه یافت روسیه را ترك کند میتسکیه ویچ ضمن

بازگشت سفرهانی به ناحیه بوهام^۸، آلمان، سوئیس و ایتالیا کرد، اقامتش در ایتالیا مصادف گردید با قیام عمومی مردم لهستان بر علیه روسها. سعی فراوانی کرد تا به قیام ملحق شود اما نتوانست از لهستان پروس جلوتر رود، بهرحال قیام با شکست مواجه شد و به تعلیق قانون اساسی انجامید و میتسکیه ویچ ناگزیر تبعید را بار دیگر انتخاب کرد. این بار بیشتر در پاریس سکنی گزید. او غم غربت میهن شکست خورده اش را در قالب شاهکاری منظوم بنام «آقای تادیوس»^۹ ۱۸۳۴ تدوین کرد، پس از انتشار این اثر بود که با «سلینا اسی مانوسکا»^{۱۰} پیوند زناشویی بست. اگرچه این زوج صاحب چند فرزند نیز شدند اما این ازدواج برای میتسکیه ویچ توأم با خوشبختی نبود، همسرش از بیماری روانی رنج می برد و زندگی آنها غالباً بر لبه های پرتگاه فقر و تنگدستی قرار داشت.

در این سالها میتسکیه ویچ به عنوان استاد ادبیات و کتابدار در کالج فرانسه^{۱۱} مشغول کار بود او توانسته بود با سخنرانیهای خود گروهی از هواداران مشتاق اعم از تبعیدیان و روشنفکران را بسوی خود جذب کند. در همین سالها میتسکیه ویچ تحت تأثیر آندرزین تووانسکی^{۱۲} روشنفکر صوفی مسلک قرار داشت و آثارش را هاله ای از نگرش صوفیانه دربرگرفت که متعالی ترین شکل آن را در قسمت سوم شامگاه پیشینیان اثر نمایشی ارزشمند او یافت.

در سال ۱۸۴۴ بعد از قریب چهار سال حضور در کالج فرانسه میتسکیه ویچ تحت فشار مشکلات خانوادگی و فقر، با ذهنی افسرده و تحت تأثیر افکار صوفیانه تووانسکی به دلیل تلاش برای پیشبرد تنویرهای او شغلش را هم از دست داد.

در سال ۱۸۴۸ میتسکیه ویچ تلاش فراوانی کرد تا لژیونی از لهستانیها را در ایتالیا سازمان دهد تا در کنار گاریبالدی بجنگد، با شروع جنگ کریمه در قفقاز بین روس و عثمانی، بزودی راهی استانبول گردید تا هنگی فراهم آورد و علیه روسها بجنگد، اما اجل مهلتش نداد و احتمالاً به دلیل ابتلا به بیماری ویا در بیست و ششم نوامبر ۱۸۵۵ در سن ۵۷ سالگی در استانبول درگذشت. جسدش را بر روی يك ناو جنگی به پاریس منتقل کردند و در زیارتگاه ملی کراکو^{۱۳} بخاک سپردند.

میتسکیه ویچ را بزرگترین شاعر و نمایشنامه نویس لهستان می دانند اثر نمایشی ارزشمند او شامگاه پیشینیان در چهار قسمت ظرف ده سال (۱۸۳۲ - ۱۸۲۲ م) نگاشته شد عنوان اثر از جشن های ملی باستانی بیلوروزا^{۱۴} الهام گرفته شده است. در این مراسم که معمولاً در گورستانها و یا دیرهای متروک برگزار می شد مردم خاطره مردگان خود را گرامی می داشتند. آنها ضمن برانگیختن ارواح مردگان به اجرای مراسم می پرداختند.

در اینجا لازم به توضیح است که تئاتر لهستان ریشه ای عمیق در نمایش های عامیانه، تعزیه های



شامگاه پیشینیان اثر آدام میتسکیه ویچ لهستان، کراکو ۱۹۳۶

مسیحی و نمایش‌های خیمه‌شب‌بازی دارد که از حدود قرن دوازدهم میلادی در این سرزمین متداول بوده است. در قسمت دوم شامگاه پیشینیان ما شاهد حضور ارواح صاحب‌خانه‌ای سنگدل، دختر چوپانی مغرور در قبرستانی دورافتاده و کودکانی در عالمی برزخ‌گونه هستیم که همگی با رنجی زمینی دست‌بگیرباندند. نویسنده با استفاده از سمبولیسمی وحشت‌زا کودکانی را نشان می‌دهد که نمی‌توانند به بهشت راه یابند چرا که آنان در زمین رنج نبرده‌اند، اشباح مستأجران عذاب کشیده‌ای را می‌بینیم که فرصت یافته و صاحب‌خانه را شکنجه می‌دهند و نیز دختر چوپان باکره‌ای که عشق و رنج را تجربه نکرده است و اکنون محکوم به اقامت در عالم برزخ است. در قسمت سوم که شامل نه صحنه است و در سال ۱۸۳۲ نگارش آن پایان یافت با پیشگفتاری دلنشین مظلومیت سرزمین لهستان بازگو می‌شود. از انقلابیون جوانی که به بند کشیده شده‌اند و نیز نمایندگان اشراف لهستانی نسبت به سلطه‌ی روسیه بر این سرزمین سخن می‌آید، در صحنه‌ای همچون نمایشنامه پرومته^{۱۵}، شاهد نزاع میان کنراد قهرمان نمایش با خداوند بر سر شادی ملت هستیم. کنراد سعی دارد از خداوند که جهان انسانی را هدایت می‌کند، قلمرو ارواح را تصاحب کند، وقتی خداوند به خواست او توجه نمی‌کند کنراد با غرور و گستاخی او را متهم می‌کند که او خدا نیست بلکه تزار است. کنراد بیهوش

می‌شود، آنگاه شیطان غرور از جسمش خارج می‌شود خداوند تصریری از آینده لهستان که همچون مسیح رنج کشیده است را نشان می‌دهد، این صحنه اوج ایده مسیح وار لهستانی را با پیشگونی درباره منجی آینده این سرزمین به پایان می‌رساند.

در چهارمین قسمت این اثر که خیالپردازه‌تر از سایر قسمت‌ها نگاشته شده است، شاهد روح جوانی هستیم به نام گوستاو^۶ که با اقدام به خودکشی حیات خود را متوقف کرده است. اکنون روح او فرسوده از احساسات تند و شدید به بازگونی ذهنیات خوشتن می‌پردازد این قسمت از شامگاه پیشینیان تماماً در ذهن قهرمان اثر اتفاق می‌افتد و تنها يك بازیگر در آن دیده می‌شود و تنها گاه‌بگاه اظهاراتی توسط يك کشیش که روح گوستاو او را مخاطب قرارداده است بیان می‌شود.

میتسکبه‌ویچ در سال ۱۸۳۷ دو نمایشنامه نیز به زبان فرانسه برشته تحریر درآورد این دور اثر

تحت نامهای Les Confederes de Bar و Les deux Polognes و Jacques Jasinski،

او همچنین نمایشنامه دون کارلوس^۷ اثر شیلر را به زبان لهستانی ترجمه کرد.

پانویس

1. Zaosie
2. Lithuania
3. Nikoła Mickiewicz
4. vlna
5. Ballads and Romances
6. Forefathers' Eve

۷. الکساندر پوشکین Alexander Pushkin

۸. بهم Bohem ناحیه‌ای در چکسلواکی امروز که در سال ۱۹۱۹ معاهده سن ژرمن آنرا بخشی از این کشور قرارداد.

9. Mr. Thaddeus
10. Celina Szymanowska
11. College de France
12. Andrzej Towiański
13. Cracow
14. Byelorussia

۱۵. پرومته Prometheus، شخصیت افسانه‌ای یونان باستان و نام نمایشنامه‌ای اثر اشیل Aeschylus. نمایشنامه‌نویس یونان باستان.

16. Gustav

۱۷. دون کارلوس Don Carlos اثر شیلر Schiller نمایشنامه‌نویس آلمانی.

منابع

1. World Drama, Encyclopaedia Mc Graw _ Hill (Vol 3)

Honore De Balzac

۱۸۵۰-۱۷۹۹ م

اونوره دو بالزاک

اونوره دو بالزاک داستان‌سرا و نمایشنامه‌نویس بزرگ فرانسوی در ۲۰ مه ۱۷۹۹ در تور^۱ بدنیا آمد. اجدادش عموماً از کارگران کشاورز بودند و پدرش فرانسوا برناریالس^۲ وکیل عدلیه و سهامدار بانک بود که در پی انقلاب در فرانسه با زدویند به نوائی رسید و نام خود را به بالزاک تغییر داد و توانست از امکانات اقتصادی و اجتماعی خوبی بهره‌مند گردد.

در سن ۵۱ سالگی با دختر نوزده‌ساله ثروتمندی بنام لوره^۳ ازدواج کرد که حاصل این ازدواج چهار فرزند بود. مادر بالزاک که از ازدواج خود ناراضی بود و ۳۱ سال تفاوت سنی او و شوهرش روز بروز او را بدخلق‌تر و عصبی‌تر می‌کرد، اولین فرزند خود اونوره را با بی‌مهری از دامان خود راند و او را از يك سالگی به خانواده‌ای سپرد تا بزرگ کنند. روزهای تلخ زندگی بالزاک از همانجا آغاز شد و بگفته خودش «هیچگاه معنی عشق مادری و محبت پدرانه را نچشید» و خاطرات ناگوار کودکی بعدها در برخی از آثارش به خوبی منعکس است.

بهرحال تحصیلات نخست را در کالج مذهبی واندوم^۴ با وضعیتی نه چندان رضایتبخش سپری نمود و سپس به تحصیل رشته حقوق پرداخت. زمانی که به مرحله‌ای رسید که می‌بایست شغل آینده‌اش را انتخاب نماید باز به اصرار خانواده‌اش که بسیار مایل بودند او وکیل دعاوی شود چندی در يك دارالوکاله مشغول کار شد (۱۸۱۹ - ۱۸۱۶ م). اما بزودی پی بُرد که به ادبیات علاقه‌ای واقف دارد و در پی مشاجرات فراوانی که با پدر و مادرش داشت بالاخره آنها را متقاعد ساخت تا با مستمری مختصری برای مدتی مستقل زندگی کند و بخت خود را بیازماید.

اونامونو



بالزاک

از این زمان تا لحظه مرگ او با پشتکاری قابل تحسین شروع به نوشتن کرد، نخستین اثرش يك نمايشنامه تراژدی تاریخی بر اساس زندگی کرامول^۵ بود که مورد توجه قرار نگرفت، اما دوستی که استعداد او را دریافته بود او را تشویق کرد که به نوشتن رمان بپردازد. بالزاک نیز این توصیه را پذیرفت و به نوشتن رمان و داستان کوتاه پرداخت، آثاری که در درجه نخست برای گذراندن زندگی و کسب معاش می‌نگاشت و آنها را با اسامی مستعار انتشار می‌داد. در این ایام وضع زندگیش اصلاً تعریفی نداشت. بیست و یکساله بود که از انتشار یکی از آثارش ۸۰۰ فرانک نصیبش شد سپس با تشویق خانواده‌اش با سرمایه‌ای که فراهم ساخته بود باتفاق چند تن دیگر وارد کار چاپ و نشر کتاب شد، اما از آنجا که او در این کار تجربه‌ای نداشت و بی‌حساب و تخرجی می‌کرد در پایان سومین سالی که در این کار بود شرکت را به ورشکستگی کشاند و مادرش ناگزیر پنجاه هزار فرانک فراهم آورد تا به طلبکارها بپردازد.

بالزاک پس از این شکست برای مدتی به برتانی^۱ رفت تا نزد دوستانش بماند. در آنجا رمانی بنام باغی‌ها^۲ نگاشت که با نام «بالزاک» آنرا انتشار داد. از این زمان بعد آثارش را با همین نام منتشر کرد. طی همین سالها یک ماجرای عشقی با زنی بنام مادام دوپرنی^۳ که در حقیقت هم سن مادرش بود برایش پیش آمد که با مخالفت خانواده و آشنایان مواجه گشت و پایانی جز رسوایی برایش به همراه نداشت.

از سوی دیگر از همین ایام به بعد بود که بالزاک شروع به خلق آثاری نمود که به بهترین شکلی چهرهٔ فرانسه قرن نوزدهم را به تصویر کشید. آثاری چون پیردختر^۴، پزشک دهکده^۵، کم‌دی انسانی^۶، آرزوهای بریاد رفته^۷، سرهنگ شابر^۸، خویشاوندان فقیر^۹، سزار بیروتو^{۱۰}، کارمندان^{۱۱}، کویسک رباخوار^{۱۲}، زنبق دره^{۱۳}، زن سی‌ساله^{۱۴}، چرم ساغری^{۱۵}، دختر عمو بت^{۱۶}، دوشس دولانژ^{۱۷}، اوژنی گراند^{۱۸}، باباگوریو^{۱۹} و آثار دیگر، که هر کدام دارای ارزش‌های ویژه‌ایست، در اینجا تنها به نظر سامرست موام^{۲۰} بسنده می‌کنم که دربارهٔ بالزاک گفته است: «در میان تمام رمان‌نویسان بزرگ که با آثار خود گنجینه‌های معنوی جهان را غنی کرده‌اند، به عقیدهٔ من بالزاک از همه بزرگتر است. او نبوغ داشت، باروری از مزایای بزرگ نویسنده است و «پُرباری» بالزاک شگفت‌انگیز بود. میدان عمل او تمامی پهنهٔ حیات عصر او بود. «دید» او مو شکافت و دقیق بود، قدرت آفرینش او عجیب بود و شمار بازیگرانی که آفرید بهت‌آور است»^{۲۱}.

اما بپردازیم به غایشنامه‌های بالزاک. در سال ۱۸۴۰ بالزاک غایشنامه «واترین»^{۲۲} را نگاشت که سبب جنجال فراوانی گردید تا بدانجا که بالاخره با مداخلهٔ پلیس به تعطیل شدن تئاتر انجامید. علت این امر چنین ذکر شد که فردریک لی‌متر^{۲۳} هنرپیشهٔ نامدار فرانسوی که نقش واترین^{۲۴} را ایفا می‌کند تلویحاً لونی فیلیپ^{۲۵} شاه فرانسه را مورد طعنه و تمسخر قرار داده است.

در سال ۱۸۴۲ بالزاک سعی کرد بار دیگر شانسش را در عرصهٔ تئاتر بیازماید، این بار غایشنامه‌ای نگاشت تحت عنوان «تدبیر کوئینولا»^{۲۶} که درامی است رومان‌تیک و حوادث آن در اسپانیا اتفاق می‌افتد، در این غایشنامه مستخدمی فداکار ارباب خود را از دست شکنجه‌گران انگیزاسیون نجات می‌دهد. این اثر نیز موفقیتی کسب نکرد. غایشنامهٔ بعدی بالزاک پاملا کیروود^{۲۷} ۱۸۴۳ داستان عشق دختری است که عاشقش را که گرفتار یک توطئه سیاسی گردیده است در نهایت با فداکاری از زندان نجات می‌دهد. موفقیتی که این اثر کسب کرد هر چند کوتاه مدت بود اما به خوبی نشان داد که بالزاک در عرصهٔ غایشنامه‌نویسی با چرخشی به گذشته به درک نیازهای عصرش نائل آمده است و این امر را او با نوشتن غایشنامه‌های نامادری^{۲۸} ۱۸۴۸ و مرکادت^{۲۹} ۱۸۵۰ که دومی به شیوهٔ کمدیهای واقع‌گرایانه نگاشته شده بود به اثبات رسانید. نگارش این اثر درست

مصادف با زمانی بود که طلیعه واقعگرایی در فرانسه پدیدار گردیده بود و بالزاک دقیقاً دریافته بود که آنچه نویسندگان رومانیتیک تا آنروز گفته‌اند دیگر بکار نمی‌آید. گرچه توجه به واقعیات از دوران باستان در تئاتر گاه و بیگاه مشاهده شده است اما بالاخص در این زمان منتقدان مشاهده عینی و نزدیک زندگی را تبلیغ می‌کردند و نویسندگان مهمی در این راه گام نهاده بودند. روح پژوهش و عطش از ویژگی‌های عمده آنان محسوب می‌گردید و بالزاک در زمره کسانی است که به بهترین وجه به بررسی و تجسم زندگی فرد، جامعه و تاریخ بطور ترکیبی پرداخت. بالزاک در یکی از نوشته‌هایش خاطرنشان می‌سازد: «توده مردم از ما تصویر زیبا طلب می‌کند. راستی مدل‌های این تصاویر را از کجا باید آورد؟ آیا لباس‌های پاره پاره شما، انقلابات بی‌فرجام شما، بورژوازی زغ‌زغوی شما، قدرت پوسیده شما، سلاطین بی‌تاج و تخت شما، واقعاً آنچنان شاعرانه هستند که در خور تجسم باشند؟ تنها کاری که در حال حاضر از دست ما برمی‌آید اینست که به آنها بخندیم»^{۳۴}.

بهرحال غایتنامه مرکادات که یک سال پس از مرگ بالزاک بصحنه رفت از سوی صاحب‌نظران بسیار مورد توجه قرار گرفت و الگوی بسیار مشخصی از درام واقعگرایانه بدست داد. در این اثر بالزاک وضع زندگی عصر خود را بخصوص سیمای اقتصاد مریض‌گونه آنرا به نحو چشمگیری ترسیم کرده است.

بالزاک علیرغم خلاقیت و پشتکاری که در نوشتن داشت در زندگی خصوصی بدون تجمل و اسراف و بذیر گذراندن زندگی برایش دشوار بود، در تمام عمر هرگز مرد زندگی و انسانی بااعتدال نبود. یکی از عشق‌های دیربای زندگیش بنام «مادام اولین هانسکا»^{۳۵} که بانوی ثروتمندی از اهالی لهستان بود در موارد فراوانی به کمکش شتافت و با گشاده‌دستی تمام قرض‌هایش را پرداخت کرد و او را از چنگال طلبکارهایش رها نمود. این زن بالاخره پس از هشت سال زمانیکه شوهرش درگذشت در سال ۱۸۵۰ زمانیکه بالزاک در اوج اشتهار بود با وی ازدواج کرد. اما این وصال چندان نپایید چرا که بالزاک طی یکی از سفرهایش شدت بیمار شد و این بیماری بالاخره در ۱۸ اوت ۱۸۵۰ زمانی که فقط ۵۱ سال از عمرش می‌گذشت چشم از جهان فرو بست. امروز اگر چه او را غایتنامه‌نویس طراز اولی نمی‌دانند اما به برکت نیروی خلاقه ناب و درک و دریافتی که از زندگی داشت و شخصیت‌های متنوعی که آفرید در مقام نویسنده‌ای بزرگ و استادی حقیقی محل انکار نیست. رمان‌هایش در زمره بهترین رمانها همواره طرفداران بیشماری دارد.

- 1 Tours
- 2 Francois Bemar Balssa
- 3 Laure
- 4 Venu dome
- 5 Corn Weil
6. Bretagne
- 7 Les Chouans
8. Madame de Berny

۹. پیردختر La Vieille Fille، ترجمه محمد پوربند، تهران نشر اشاده ۱۳۶۷.

- 10 La Medecin de Campagne

۱۱. کمدی انسانی La Comedie Humaine ترجمه عنایت‌الله شکیباپور تهران انتشارات شهریار.

12. Les Illusious Perdues
- 13 Le Colonel Chabert
- 14 Les Parents Pauvres
- 15 Cesar Birotteau
- 16 Les Employes

۱۷. کویسک ریخوار Gobeck ترجمه محمد پوربند، تهران انتشارات سحر ۱۳۴۸.

۱۸. زینق دره Le Lys Doms Levalle

۱۹. زن سی ساله La femme de trenteans، ترجمه ادوارد ژوزف، تهران نشر جامی.

۲۰. چرم، ساغری، اثر بالزاک، ترجمه محمود اعتمادزاده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۱. دختر عمو بت La Causine Belle

- 22 Duchesse de Langeais

۲۳. اوزمی گراند Eugene Gmadel

۲۴. بابا گوریو La Pere Gono، ترجمه م.ا. به‌آذین، تهران انتشارات نیل چاپ هفتم ۱۳۵۲.

۲۵. سامریت موام Somerset Maugham فاشنامه نویس و رمان‌نویس انگلیسی (۱۹۶۵- ۱۸۷۴م)

۲۶. دریاره رمان و داستان کوتاه نوشته سامریت موام، ترجمه کاود دهگان تهران شرکت سهامی جیبی.

- 27 Vautrin

- 28 Frederck Lemaitre

۲۹. لونی فیلیپ Louis Philippe پادشاه فرانسه (۱۸۵۰- ۱۷۷۳م)

- 30 The Resources of Quinola

- 31 Pamela Giraud

32. La Maratre (The Step Mather)

33. Mercadet of the Speculator

۳۴. تاریخ رئالیسم اثر یوریس ساچکوف ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران نشر تندر، صفحه ۱۰ سال ۱۳۶۲ چاپ

اول.

- 35 Eveline Hanska

منابع

۱ World Drama Mc Graw _ Hill Encyclopedia (Vol 1)

۲ . درباره رمان و داستان کوتاه اثر سامرست موام ترجمه کاوه دهگان تهران. سازمان کتابهای جیبی.

Alexandre Dumas (Pere)

الکساندر دوما «پدر» (۱۸۷۰ - ۱۸۰۲ م)

الکساندر داوی دولا پایه‌تری^۱، داستان‌سرا و نمایشنامه‌نویس فرانسوی در بیست و چهارم ژوئیه ۱۸۰۲ در ناحیه ویلرز کوترت^۲ نزدیک سوازون^۳ بدنیا آمد، اجدادش از بومیان رنگین‌پوست تاهیتی بودند و پدرش با سمت ژنرالی در ارتش ناپلئون خدمت کرد. هنگامی که الکساندر چهارساله بود پدرش چشم از جهان فرو بست و تنها غبار یتیمی همراه با خاطراتی از شجاعت و جسارت در جنگ‌های عصر ناپلئون را از خود برای فرزندانش بر جای گذاشت.

دوما در زادگاهش به مدرسه رفت و پس از اتمام دوره تحصیلات مقدماتی در یک دفتر با سمت منشی شروع بکار کرد. در سال ۱۸۲۳ به پاریس رفت و به خاطر تندنویسی و خوش‌نویسی‌اش به خدمت دوک اورلئان درآمد. کسی که بعدها با نام «لونی فیلیپ»^۴ شاه فرانسه گردید.

بهرتقدیر موقعیت فراهم آمده برای دوما این امکان را فراهم ساخت تا او به مطالعه و تحصیل همت گمارد، او طی این سالها با جدیتی در خور تحسین موفق شد نمایشنامه‌ها، داستانها و اشعار شاعرانی را که از نخستین سالهای جوانی مورد علاقه‌اش بودند بخواند و چون دریافت که قریحه نگارش دارد خود نیز شروع به نوشتن کرد، بزودی با ویکتور هوگو^۵ و تنی چند از نویسندگان معاصرش که اقدام به تشکیل انجمن ادبی رومانتیک‌ها کرده بودند آشنا گردید و در زمره طرفداران این مکتب درآمد، این حرکت در زمان خود جهشی انقلابی محسوب می‌شد، چرا که قوالب کلاسیک برای بسیاری از مردم و حتی هنرمندان تثبیت‌شده و خلل‌ناپذیر محسوب می‌شد.



الکساندر دوما «پدر»

نخستین نمایشنامه دوما با نام ایوانهو^۴ ملودرامی است در سه صحنه که به سال ۱۸۲۲ نگاشته شد. آنگاه نمایشنامه‌های صید و عشق^۵ ۱۸۲۵، عروسی و تدفین^۶ ۱۸۲۶، برگردانی از توطئه فیسکو^۷ اثر شیلر^۸ ۱۸۲۷، هانری سوم و دربارش^۹ ۱۸۲۹ و کریستین یا استکهلم^{۱۰} آثاری بودند که دوما تا سال ۱۸۳۰ نگاشت، این آثار عموماً نمایشنامه‌هایی مجلل، پرحادثه و تاریخی‌اند. تعدادی از آنها در کمدی فرانسز نیز به نمایش درآمدند و باعث شهرت نویسنده‌اش گردیدند. روابط دوما با نخستین زن زندگی‌اش موسوم به ماری کاترین لای^{۱۱} در سال ۱۸۲۴ که به حرفه خیاطی اشتغال داشت آن دو را صاحب فرزندی غیررسمی کرد، این پسر بعدها قدم در راه پدر گذاشت و خود نویسنده‌ای بنام شد. دوما در خلال حوادث انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ و روی کارآمدن لوئی فیلیپ، با سمت کاپیتانی وارد گارد ملی شد، اگرچه اینگونه فعالیت‌های سیاسی چیزی بر مقام نویسندگی او نیفزود، اما او این خصلت را داشت که همراه با تنش‌های اجتماعی برانگیخته می‌شد و به هیجان می‌آمد در سال ۱۸۴۰ با «آیدا فرییر»^{۱۲} هنرپیشه‌ای که در نمایشنامه‌هایش با او همکاری می‌کرد ازدواج کرد این ازدواج نیز چندان دوام نیاورد و بالاخره به جدائی منجر شد.

دوما تا سال ۱۸۴۳ یعنی سالی که به اتفاق اگوست موکت^{۱۵} فعالیتش را در زمینه آفرینش های ادبی در امر داستان نویسی بسط داد تعداد زیادی نمایشنامه نوشته بود. برخی از این نمایشنامه ها عبارتند از: ناپلئون بناپارت با سی سال تاریخ فرانسه^{۱۶}، ۱۸۳۱، آنتونی^{۱۷}، ۱۸۳۱، ریچارد دارلینگتون^{۱۸}، ۱۸۳۲، ترزا^{۱۹} (با همکاری اگوست انکت بورکیوس) ۱۸۳۲، همسر بیوه^{۲۰}، ۱۸۳۲، برج نیژل^{۲۱} (با همکاری فردریک کیلاردت) ۱۸۳۲، پسر مهاجر^{۲۲}، ۱۸۳۲، زن ونیزی^{۲۳}، ۱۸۳۴، کاترین هوارد^{۲۴}، ۱۸۳۴، برج بابل^{۲۵}، ۱۸۳۴، کرامول و چارلز اول^{۲۶}، ۱۸۳۵، مرد اسکاتلندی^{۲۷}، ۱۸۳۵، مارکیز و برونی^{۲۸}، ۱۸۳۶، دون ژوان مارانا^{۲۹}، ۱۸۳۶، ادموند کین^{۳۰}، ۱۸۳۶، کالیگولا^{۳۱}، ۱۸۳۸، پال جونز^{۳۲}، ۱۸۳۸، باتیلده^{۳۳} (همراه با اگوست موکت) ۱۸۳۹، خانم بل ایزل^{۳۴}، ۱۸۳۹، کیمیاگر^{۳۵}، ۱۸۳۹، ازدواج محکوم یا روزگار لونی پانزدهم^{۳۶}، ۱۸۴۱، لورنزیو^{۳۷}، ۱۸۴۲، همسر از راه بدر شده^{۳۸}، ۱۸۴۲، هالی فاکس^{۳۹} (همراه با ادولف دینری) ۱۸۴۲، ازدواج باکوس و کرنا^{۴۰}، ۱۸۴۳، بانوان مقدسه^{۴۱}، ۱۸۴۳، لوئیس برنارد^{۴۲}، ۱۸۴۳، و مدرسه شاهزاده^{۴۳}، ۱۸۴۳. اما در زمینه رمان نویسی، از جمله رمان هایی که دوما نگاشت یکی رمان بلند و مشهور سه تفنگدار^{۴۴} است که در سال ۱۸۴۶ منتشر شد و سپس اثر چند جلدی کنت مونت کریستو^{۴۵} که در فاصله بین سال های ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵ به رشته تحریر درآمد و نیز داستان های مشهور «مارگریت^{۴۶}» و غرش طوفان (ژوزف بالسامور) در زمره مقبول ترین و مشهورترین آثار ادبی جهان جای دارند.

با انقلاب فوریه ۱۸۴۸ که منجر به استعفای لوئی فیلیپ گردید و جمهوریخواهان قدرت را در دست گرفتند، حکومت موقتی به ریاست «آلفونس دو لامارتین^{۴۷}» شاعر نامدار تشکیل گردید. دوما که خود را سخت شیفته جمهوری نشان می داد از انقلاب ۱۸۴۸ پشتیبانی کرد. لیکن در سال ۱۸۵۱ به خواست خود پاریس را به قصد بروکسل ترك کرد، طی این سالها چندین نمایشنامه دیگر نیز نگاشت که از آن جمله می توان از: ملاک دامبیکی^{۴۸}، ۱۸۴۴، جنگلبان^{۴۹}، ۱۸۴۵، افسانه پری^{۵۰}، ۱۸۴۵، سیلاتدر^{۵۱}، ۱۸۴۵، دختر والی^{۵۲}، ۱۸۴۶، کیش و مات^{۵۳}، ۱۸۴۶، ملک مارگریت^{۵۴}، ۱۸۴۷، عشق و نیرنگ^{۵۵} (برگردان) ۱۸۴۷، هاملت شاهزاده دانمارک^{۵۶} (برگردان) ۱۸۴۸، مونت کریستو ۱ و ۲^{۵۷}، ۱۸۴۸، کاتالینا^{۵۸}، ۱۸۴۸، تفنگدار جوان^{۵۹}، ۱۸۴۸، جنگ زنان^{۶۰}، ۱۸۴۹، وصیت نامه سزار^{۶۱}، ۱۸۴۹، کنت هرمن^{۶۲}، ۱۸۴۹، شال سبز^{۶۳}، ۱۸۴۹، سه وقفه^{۶۴}، ۱۸۵۰، شکار و شکارچی^{۶۵}، ۱۸۵۰ و یائولن^{۶۶}، ۱۸۵۰.

علاوه بر آثار ذکر شده دوما طی سال های ۵۴. ۱۸۵۲ خاطراتش را که چندین جلد بود انتشار داد. او بار دیگر به کشورش بازگشت و همچنان با پشتکار به نوشتن پرداخت، اکنون از شهرت فراوانی نیز بهره مند بود و از نظر مالی نیز امکانات خوبی داشت از این رو «برای خود تشکیلاتی

درام دوستان جهان



یک صحنه از اجرای سه تفنگدار اثر الکساندر دوما «پدر» اجرا: پاریس

فراهم ساخت، آنقدر همکار استخدام کرد که گونی کارخانه‌ای را اداره می‌کرد. داستانها و نمایشنامه‌های پی‌در پی درباره‌ی شوالیه‌های شمشیرزن، رخدادهای تاریخی و تم‌های محلی و برخی کارهای مردم‌پسند که در طول تمام قرون صحنه تئاتر فرانسه را در اختیار داشتند، و البته از حیث تحرک و زندگی و جنبش و تازگی‌های تئاتری از نمایشنامه‌های اسکریپت^{۴۷} بسیار بهتر و برترند^{۴۸}. او همچنین به تأسیس روزنامه‌ای تحت عنوان Mousquetaire همت گمارد که تا سال ۱۸۵۷ انتشار آن ادامه داشت.

در سال ۱۸۵۸ سفری به روسیه کرد و در سال ۱۸۶۰ به ایتالیا رفت تا به تیروهای گاریبالدی^{۴۹} ملحق شود. مدتی در صفوف هم‌زمان گاریبالدی جنگید سپس برای مدت چهار سال در ناپل با شغل نگهبانی موزه گذرانید و بالاخره در سال ۱۸۶۵ به فرانسه بازگشت در حالیکه تلون مزاج و گشاده‌دستی‌های بی‌حساب او را شدیداً تنگدست و مقروض کرده بود اما با این احوال هیچ یک از اینها مانعی در راه نوشتن او نبود. آثار فراوان دیگری نیز طی پانزده سال آخر عمر توسط او نگاشته شد. از میان این آثار می‌توان از نمایشنامه‌های رمولوس^{۵۰} ۱۸۵۴، اورستیا^{۵۱} ۱۸۵۶، شب‌زنده‌داری آلمانی^{۵۲} ۱۸۶۳، جوانی لوئی پانزدهم^{۵۳}، زندانی باستیل^{۵۴}، انگل^{۵۵}، رمو و ژولیت^{۵۶} (برگردان)، کابریل لامیرت^{۵۷}، زنان نامحبوب^{۵۸}، نجیب‌زاده کوهستان^{۵۹}، آبی و سفید^{۶۰} و وجدان^{۶۱} را

نام برد.

بسیاری از آثارى که دوما خلق کرد توامان و با همکاری افراد دیگری نگاشته شده است. در تقسیم‌بندی آثار وی قسمت عمده‌ای از نمایشنامه‌های او را آثار تاریخی شامل می‌گردد و او را در فرانسه مشخصه نمایشنامه‌نویسان تاریخی می‌دانند. او حتی در دوره‌ای از زندگانی خود تناتری تأسیس کرد که ناه آنرا تناتر تاریخی^{۸۱} (۱۸۴۷) گذاشت و آنجا مکانی بود برای بصرینه رفتن اجراهای معظم تاریخی. بخش دیگر آثار دوما را دراه‌های محلی تشکیل می‌دهند، این آثار از نظر کمیت رقم چشمگیری را دربرمی‌گیرد.

جی‌بی پرستلی^{۸۲} درباره دوما چنین اظهارنظر می‌کند: الکساندر دوما شخصیتی فوق‌العاده بود. شخصیتی غول‌آسا و خودآرا. در کلبه یادداشت‌های مربوط به زندگی پاریس سالهای ۵۰-۱۸۵۲ می‌توان بازش دید. او اگر نویسنده‌ای واقعاً بزرگ نباشد شخصیتی است براستی عظیم که رُمانهای تاریخی‌اش میلیونها نفر را سرگرم و برخی از داوران گرانقدر آثار داستانی را خرسند داشته است.^{۸۳}

بهرحال این شخصیت شگفت‌انگیز در پنجم دسامبر ۱۸۷۰ در ناحیه Puys در نزدیک پاریس در اثر يك حادثه چشم از جهان فروبست.

1. Alexandre Devy de la Pallettrie

2. Villers _ Cotterets

3. Soissons

۴. لوئی فیلیپ Louis Philippe پادشاه فرانسه که سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۸ بر این کشور سلطنت کرد.

۵. ویکتور هوگو Victor Hugo نویسنده فرانسوی ۱۸۸۵ - ۱۸۰۲ م.

6. Ivanhoe

7. The Chase and Love

8. The Wedding and the Burial

9. Fiesque de Lavagna

۱۰. فردریش شیلر Friedrich Schiller نمایشنامه‌نویس آلمانی ۱۸۰۵ - ۱۷۵۹ م.

11. Henry III and his Court

12. Christine, or Stockholm, Fontainebleau, and Rome.

13. Marie _ Catherine Labay

14. Inda Ferner

15. August Maquet

16. Napoleon Bonaparte, or thirty years in the History of France

17. Antony

18. Richard Darlington

19. Teresa (With Auguste Anicet _ Bourgeois)

20. The Widow's Husband

21. The Tower of Nesle (With Frederic Gallardet)

22. The son of the Emigrant

23. The Venetian Woman

24. Catherine Howard

25. the Tower of Babel

26. Cromwell and Chastrel

27. The Scotsman

28. The Marquis of Brunoy

29. Don Juan of Marana, or the Fall of an Angel

30. Edmund Kean, or The Genius and The Libertine

31. Caligula

32. Paul Jones

33. Bathilde (With Auguste Maquet)

34. The Lady of Belle Isle

35. The Alchemist

36. A Marriage of Convenience: Period Louis XV

37. Lorenzo

38. *The Seducer an the Husband*
39. *Halifax (With Adolphe Dennery)*
40. *Marriage to Drumbests (With Leuven and Leon Lhens)*
41. *The Ladies of Saintcyr*
42. *Louise Bernard*
43. *The School of Princes*
44. *Three Musketeers*
45. *The Count of Monte _ Cristo*
46. *Marguerite de Valois.*

۴۷. آلفونس دولامارتین Alphonse de Lamartine شاعر فرانسوی (۱۸۶۹ - ۱۷۹۰ م)

48. *The Laird of Dumbiky*
49. *Thd Forester*
50. *A Fairy Tale*
51. *Sylvandine*
52. *The Regent's Daughter*
53. *Chek and Checkmate*
54. *Queen Margot*
55. *Love and Intrigue (Adaptation)*
56. *Hamlet, Prince od Denmark (Adaptation)*
57. *Monte _ Cristo I,II (With Maquet)*
58. *Catalina (With Maquet)*
59. *The Youth of the Musketeers*
60. *The War of Women (With Maquet)*
61. *The Testament of Caesar (With Jules Lacroix)*
62. *Count Hermann*
63. *The Green Cashmere (With Eugene Nus)*
64. *Three Intermissions*
65. *La Chasse au Chastre (With Maquet)*
66. *Pauline (With Grange and Montepin)*

۶۷. اوزن اسکریب Eugene _ Scribe نمایشنامه نویس فرانسوی (۱۸۶۱ - ۱۷۹۱ م)

۶۸. سیری در ادبیات غرب جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، جیبی.

۶۹. گاریبالدی Garibaldi میهن پرست و سیاستمدار ایتالیانی (۱۸۸۲ - ۱۸۰۷ م)

70. *Romulus*
71. *The oresteia*
72. *The German vigil*
73. *The Youth of Louis XV*
74. *The Prisoner of the Bastille: End of the Musketeers*
75. *The Vampire*
76. *Romeo and Juliet (With Maurice)*
77. *Gabriel Lambert, or Gabriel the Forger*
78. *The Loveless woman*

79. *The Gentleman of the Mountain*

80. *The Whites and The Blues*

81. *The Conscience*

82. *Theatre Historique*.

83. *J.B. Priestley*

۸۴. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، شرکت کتابهای جیبی.

منابع

1 Word Drama, Mc Graw _ Hill Encyclopedia (Vol 1)

2 A Dictionary of the theater John Russell Taylor

۳. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، جیبی.

Friedrich Hebbel

۱۸۶۳ - ۱۸۱۳ م

فریدریش هبل

کریستین فریدریش هبل^۱، نمایشنامه‌نویس آلمانی در هجدهم مارس ۱۸۱۳ در دهکدهٔ وسلبورن^۲ در ناحیه هولشتاین^۳ که در آن زمان تحت نفوذ پادشاهی دانمارک بود بدنیا آمد پدرش که بنایی فقیر بود تحت تأثیر علاقه فرزند و اصرار خویشاوندان بالاخره به پسرش اجازه داد به مدرسه ابتدایی برود تا خواندن و نوشتن را بیاموزد. اما همواره از مدرسه رفتن فرزند ناراضی بود و غرولند می‌کرد. پیوسته اصرار داشت که پسرش بنایی را فراگیرد. زمانی که هبل دوازده سال داشت با اصرار پدرش پس از کارآموزی کوتاهی از تعلیم بیشتر بنایی برای همیشه امتناع کرد.

چهارده ساله بود که پدرش درگذشت، بستگانش او را به منزل یکی از صاحب‌منصبان محلی سپردند تا هم کاری انجام دهد و هم جانی داشته باشد، هبل مدت هفت سال را چنین سپری کرد، در این مدت او به کتابخانهٔ اربابش دسترسی داشت و اوقات فراوانی را صرف مطالعه می‌کرد، بخصوص دلبستگی زیادی به شعر پیدا کرد. در سال ۱۸۳۵ به هامبورگ رفت، در آنجا تلاش کرد مقداری از ضعف آموزش اولیه‌اش را جبران کند، بعدها به عنوان دانشجوی حقوق به دانشگاه هایدلبرگ^۴ رفت اما بزودی این مطالعات را به خاطر کارهای ادبی رها کرد، تمام تلاشش برای منتشر کردن اشعارش با شکست مواجه شد، آنگاه به دانشگاه مونیخ رفت، در آنجا فلسفه، تاریخ و ادبیات خواند. بعد از سه سال توأم با فقر و نداری که طی آن خیاطی الیز لسنینگ^۵ نام شریک زندگی او بود و از نظر مالی هم به او کمک می‌کرد مجدداً به هامبورگ بازگشت. در این ایام او دفتر یادداشت‌های روزانه‌ای بنام Tagebucher ترتیب داده بود که همراه مکاتبات و خاطراتش، بخش مهمی از کارهای دوران حیات ادبیش را دربرمی‌گرفت و در حال حاضر مهمترین منبع کسب اطلاعات پیرامون



فردریش هگل

نظریاتش در زمینه ادبیات و خلاقیت هنری است. اگر چه هگل نوشتن داستان را هم تجربه کرد و از نخستین روزهای خلاقیت ادبی سرودن اشعار غنائی را هم آزمود به نحوی که همواره به صورت روزنه‌ای جهت ابراز احساساتش برایش باقی ماند، اما بواقع درام تراژیک بالاخص با نبوغ او بسیار هماهنگ واقع شد.

براساس اشارات خود نویسنده مشخص است که هگل در اکتبر ۱۸۳۹ هنگامیکه در هامبورگ اقامت داشت کار بر روی نمایشنامه جودیت^۲ را آغاز کرد و یک سال بعد (۱۸۴۰م) آنرا پیاپی رسانید. این نمایشنامه از آن جهت حائز اهمیت است که از درام تاریخی سنتی جدا شده، در نهایت به توصیف زنی می‌پردازد که به دلیل انگیزه‌های بنیادی عملی قهرمانانه انجام می‌دهد. تراژدی جودیت بر اساس داستانی از انجیل تنظیم یافته و ماجرایی آن به اختصار چنین است: «به جودیت بیوه باکره

یهودی از شهر بیتولیا^۲ از جانب خداوند الهام می‌شود تا مردم سرزمینش را که از سوی هولوفرنسز^۱ سردار آشوری محاصره شده‌اند نجات دهد، هنگامیکه جودیت با زمینه‌سازیهایی قبلی وارد اردوگاه دشمن می‌شود هولوفرنس چنان مجذوب زیبایی او می‌شود که از وی می‌خواهد به مدت پنج شبانه‌روز میهمان او باشد، جودیت می‌پذیرد. در چهارمین روز پس از جشنی باشکوه جودیت به هولوفرنس اجازه می‌دهد تا به بستر او بیاید، آنگاه زمانی که هولوفرنسز بخواب رفته او سر از تنش جدا می‌کند و سر بریده را برای مردم کشورش به ارمغان می‌برد. در نتیجه این کار متهورانه اردوگاه آشوریه‌ها دچار آشفته‌گی می‌شود و شهر بیتولیا نجات می‌یابد. اما جودیت نکته‌ای را برای مردم سرزمینش اقرار می‌کند، او صادقانه اعتراف می‌کند که هولوفرنسز را به آن دلیل به قتل رساند تا انتقام خودش را از او بازستاند نه اینکه مردم بیتولیا را نجات دهد و مصرانه از روحانیون شهر می‌خواهد تا او را به مرگ محکوم سازند.

نمایشنامه جودیت در جولای ۱۸۴۰ در برلین به صحنه رفت و با اقبال کم‌نظیری روبرو شد، هبل که در تمام عمر خود مردی خودساخته و کوشا بود برای اولین بار طعم موفقیت را تجربه کرد، از جمله پادشاهی که نصیبش شد هزینه سفری از سوی کریستیان هشتم^۱ شاه دانمارک بود که او را قادر ساخت از پاریس دیدن کند، در آنجا هبل قسمت اعظم نمایشنامه ماریا ماگدالنا^۲ ۱۸۴۳ که امروز پیشاهنگ نمایشنامه‌هانی در سبک واقعگرایی شناخته می‌شود را نوشت و در سال ۱۸۴۴ ضمن دیداری از ایتالیا نگارش تراژدی در سیسیل^۳ (تألیف ۱۸۴۷ اجرا ۱۹۰۷) و جولیا^۴ (نگارش ۱۸۴۷ اجرا ۱۹۰۳) را آغاز کرد.

جنووا^۵ نمایشنامه دیگر هبل در سال ۱۸۴۱ نگاشته شد و در سال ۱۸۴۹ به اجرا درآمد. موضوع این تراژدی تأکیدی است بر جنبه‌های روانشناسانه افسانه‌های قدیمی. ماجرای نمایش از این قرار است که کنت پلاتاین زیگفرید^۶ سرداری صدیق راهی جنگ‌های صلیبی می‌شود و گولو^۷ را به عنوان جانشین و معاون خود مسئول می‌گمارد، در این فاصله گولو چنین وانمود می‌سازد که عاشق جنووا همسر زیگفرید که تجسمی از صداقت و زیبایی است شده لیکن جنووای شریف هر بار ضمن ابراز وفاداری خود نسبت به شوهرش او را شدیداً از خود می‌راند، گولو که بخواست خود دست نیافته با کمک مارکارتا^۸ ی‌جادوگر و خواهرش کاترینا^۹، جنووای معصوم را متهم به داشتن رابطه نامشروع با غیر می‌کند و او را در برجی متروک محبوس می‌نماید. با وجود شرایط سخت زندان جنووا همچنان مقاوم و پابرجا پیشنهادهای مذبذبه گولو را رد می‌کند و به حریم خانواده خود وفادار باقیماند.

هنگامیکه نمایشنامه جنووا در سال ۱۸۴۹ در شهر وایمار^{۱۰} به اجرا درآمد با موفقیتی کم‌نظیر

مواجه گردید. هبل پس از بازگشت از ایتالیا در وین اقامت گزید، بزودی با کریستین انگهاس^{۱۹} بازیگر تئاتر برک^{۲۰} آشنا شد و این آشنائی بسال ۱۸۴۶ به ازدواج انجامید. بعدها همسرش نقشه‌های مهمی را در چندین نمایشنامه او ایفا نمود. در اینجا ذکر این نکته ضروریست که درک و دریافت هبل از تئاتر که عمدتاً در نوشته‌های نظری او بیان گردیده است تحت تأثیر فلسفه تاریخ هگل^{۲۱} قرار دارد. بر طبق نظر هگل تاریخ معلول امیال و علائق متضاد بشر بوده و در عین حال رشد منطقی و گریزناپذیر منطق و آزادی بشر را نشان می‌دهد. هبل سعی کرد تضاد متقابل میان کهنه و نو را توصیف کند و تضادهای غایشی عمده را برخاسته از دوران تغییرات عمده تاریخ بیانگارد. بنابراین نمایشنامه‌های او ناگزیر طی دوره‌های انتقالی تاریخ بوقوع می‌پیوندند. «در نظر هبل مشکلات اساسی انسان از آنجا ناشی می‌شود که ارزشهای او بجای انعطاف در مقابل شرایط متغیر زندگی به صورت الگوهایی قراردادی، محکم و استوار می‌شوند، در نتیجه تنها پس از آنکه تضادهای شدید اجتماعی دستاوردهای ارزشمند انسان را نابود کردند، آنگاه پیشرفتی در اخلاقیات حاصل می‌آید و مرگ بدان معنی است که نسبت به الگوهای کهنه تردید کنیم و راه را برای پدیده‌های نو باز کنیم. از آنجا که ارزش‌های نوین نیز به نوبه خود منجمد و سخت خواهند شد لذا این فرایند باز قابل تکرار است، بنابراین هبل تاریخ را به مشابه رشته‌ای از تضادها می‌دید و نمایشنامه‌های او منعکس‌کننده چنین برداشتی از تکامل اخلاقی بودند. شخصیت‌های اصلی آثار هبل نمایندگان نظامهای کهنه و نو هستند. چون نمایندگان کهنه همواره تحت حمایت نیروهای حاکم‌اند نمایندگان نو را که تنها متکی به ایمان و عشق‌اند نابود می‌کنند. اما همین نابودی منادی جهان تازه‌ای است که در ظاهر شکست خورده است»^{۲۲}.

نمایشنامه‌های دوره انتقالی هبل از اهمیت کمتری برخوردارند، از میان آنها الماس^{۲۳} «نگارش ۱۸۴۱ اجرا ۱۸۵۲» جولیا «تألیف ۱۸۴۷ اجرا ۱۹۰۳» یاقوت^{۲۴} ۱۸۴۹ و میکال آنژ^{۲۵} ۱۸۵۰ قابل ذکراند.

دوره سوم کار هنری هبل پخته‌ترین دوران کاری وی محسوب می‌شود. بعنوان مثال شاید مهمترین انگیزه‌های نمایشنامه‌نویسی هبل به نحوی هماهنگ در نمایشنامه «هرودوماریامن»^{۲۶} ۱۸۴۹ فراهم آمده باشد و یا در نمایشنامه آگنس برنوار^{۲۷} ۱۸۵۲، تصادم میان خواست فردی و جهان نشان داده شده است. همچنین نمایشنامه «کایجس و حلقه‌اش»^{۲۸} تألیف ۱۸۵۴ اجرا ۱۸۸۹ و مهمتر از همه سه‌گانه مشهورش با نام نیبلونگن‌ها^{۲۹} ۱۸۶۱ یکی از موفقترین نمایشنامه‌های ملهم از افسانه‌های معروف به توتنیک^{۳۰} از آثار مربوط به این دوران است. این اثر بزودی (در سال ۱۸۶۲) به چاپ رسید و اجراهای آن در برلین، مانهایم و وین، هبل را به اوج شهرت و موفقیت رساند.



یک صحنه از نمایشنامه هرود و ماریامن اثر هیل، آلمان، فرانکفورت

پادشاه باواریا^۱ مدال مشهور ماکسیمیلیان^۲ را به خاطر این اثر به او اهداء کرد « ۱۸۶۱ م ». کمی قبل از مرگ نیز جایزه معتبر شیلر^۳ توسط پادشاه پروس به او اعطا شد. نمایشنامه دیتمریوس^۴ نگارش ۱۸۶۳ آخرین تراژدی تقریباً کاملی است که بعد از مرگ نویسنده‌اش کشف شد.

نمایشنامه‌های هیل مابین درام کلاسیک و مدرن جای می‌گیرند، آثار او که شدیداً تحت تأثیر اومانیسم^۵ گوته^۶ قرار دارد با برخی از تمایلات رومانتیکها نیز وجوه مشترکی را داراست علاوه بر اینها بارقه‌هایی از ناتورالیسم^۷، جبرگرایی^۸ و نسبت‌گرایی اخلاقی^۹ و نیز نکاتی از نهیلیسم^{۱۰} در تناثر جدید و از خود بیگانگی را شامل می‌شود.

نظریات فلسفی او در باب تقدیر و افتخار، با درک تمایلات غربی پیچیده‌ای که اعمال و کردار انسانها را راهبرند، عمیقاً مرتبط هستند. شخصیت‌های آثارش در زمان و مکانشان احاطه شده‌اند و از انگیزه‌های قوی برخوردارند. طرح نمایشنامه‌هایش با وجود دشوار بودن از ساختمانی بر اساس منطق و دقت برخوردارند و دارای کیفیتی ادبی هستند.

هیل که پیش از این^{۱۱} ظهور کرده بود به خاطر رنالیسم روانشناسانه آثارش مطرح گردید و به خاطر خلق نمایشنامه‌هایی در زمینه مشکلات جدید اعتبار فراوان یافت.

هیل در سیزدهم دسامبر ۱۸۶۳ در وین چشم از جهان فرو بست.

Christian Friedrich Hebbel

Wesselburen

tolstein

teidelberg

Elise Lensing

Iudith

7 Bethulia

8 Holyolemes

9 King Chnstan V III

10 Maria Magdalena

11. A Tragedy in Sicily

12 Julia

13. Genoveva

14. Court Palatine Sieghried

15. Golo

16. Margaretha

17. Katha

18. Walmar

19. Christine Enghaus

20. Burg Theater

۲۱. هگل Hegel فیلسوف آلمانی (۱۸۳۱ - ۱۷۷۰)

۲۲. تاریخ تئاتر جهان، اثر اسکار. گ براکت، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، «جلد دوم»

23. The Diamond

24. The Ruby

25. Michel Angelo

26. Herod and Mariaman

27. Agnes Bernauer

28. Gyges and His Ring

29. The Niberlungs

30. Teutonic

31. Bavaria

32. Maximilian

33. Schlier

34. Demetrius

35. Humanism

۳۶. گوته Goethe

37. Naturalism

38. Determinism

38. Determinism

39. *Relativism*

40. *Nihilism*

۴۱. هنریک ایبسن *Hennrik Ibsen* نمایشنامه‌نویس نروژی (۱۹۰۶ - ۱۸۲۸ م)

منابع

1. *Mc Graw _ Hill, Encyclopedia of world Drama. Vol 2.*

2. *A Dictionary of the Theatre john Russell Taylor.*

۳. تاریخ تئاتر جهان، اسکار گ. براکت (جلد دوم)

Mikhail Lermontov

میخائیل لرمونتوف ۱۸۴۱ - ۱۸۱۴ م

میخائیل یوریویچ لرمونتوف^۱، شاعر، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس پرآوازه روس در پانزدهم اکتبر ۱۸۱۴م در مسکو بدنیا آمد. پدرش یوری پتروویچ لرمونتوف^۲ افسری از افسران قوای تزاری بود که با درجه سروانی بازنشسته شد و مادرش ماریا میخائیلوونا^۳ از خانواده برجسته استولی‌پین^۴ بود که همواره مورد احترام دربار بودند و هنگامی که میخائیل لرمونتوف سه سال داشت چشم از جهان فرو بست (۱۸۱۷م) و فرزند خردسال از محبت مادری محروم شد. با مرگ مادر از آنجا که اداره فرزند برای پدر دشوار بود مادر بزرگش بلی زاوتا الکسی‌یونا ارسنی‌یوا^۵ تربیتش را بر عهده گرفت. لرمونتوف به‌مراه مادر بزرگش به املاک او واقع در ناحیه پنزنسکایا رفت و به این طریق دو، از محبت پدر و مادر در ناحیه‌ای با طبیعتی زیبا و دلنشین توأم با مناسباتی ارباب و رعیتی بزرگ شد. در کودکی چندین بار بسختی بیمار شد و مادر بزرگش برای آنکه نوه‌اش سلامت خود را بازابد هر ساله او را به آبهای معدنی قفقاز می‌برد. در سن ۱۳ سالگی به مسکو رفتند و او در یکی از مدارس معتبر به تحصیل پرداخت. در سنین نوجوانی بمطالعه عمیقاً دلبسته شد و قریحه سرودن شعر را در خود کشف نمود. شیفته لرد بایرون^۶ شاعر پر آوازه انگلیسی گردید و نخستین اشعارش را متأثر از او سرود. در سال ۱۸۳۰ هنگامی که ۱۶ سال داشت وارد دانشگاه مسکو شد. مسکو در این ایام حال و هوایی خاص خود داشت، عواقب هجوم ناپلئون به روسیه و جنگ میهنی مردم این سرزمین و حریق مشهور این شهر همراه با حماسه‌هایی که مردم از دلاوریهای پدرانشان در پیکار با متجاوزین برای فرزندان خود نقل می‌کردند در همه جا به چشم می‌خورد و روح این شهر را دربرگرفته بود.



میخائیل لرمونتوف

در همین سال (۱۸۳۰م) لرمونتوف غایشنامه‌ای نگاشت تحت عنوان اسپانیولیا^۷ که تراژدی است به نظم و ماجرای آن در اسپانیا، زمان تفتیش عقاید می‌گذرد. فرناندو^۸ قهرمان اثر يك يهودی است که توسط نجیب‌زاده‌ای اسپانیایی بزرگ شده است، او دل به عشق دختر نجیب‌زاده‌ای می‌سپارد و در راه وصل او می‌کوشد. سورینی^۹ شخصیت دیگر غایشنامه که بسوعی^{۱۰} مسلک است با آگاهی از عشق فرناندو به او اتهامی اخلاقی وارد می‌سازد تا او را بی اعتبار کرده و از ازدواج آنها جلوگیری کند. فرناندو در پی صحنه‌ای دردناک در حالیکه محبوبه‌اش کشته شده است خود نیز در آتش سوزانده می‌شود. لرمونتوف در این اثر ضمن محکوم کردن پول پرستی اشراف و فشار کشیشان کاتولیک بر مردم به گونه‌ای نمادین جامعه روسیه آن زمان را محکوم می‌کند.

غایشنامه «انسانها و احساسات»^{۱۱} (۱۸۳۰م) اثر دیگر لرمونتوف درامی است منظوم که در آن نویسنده تضادهایش را در مقام يك هنرمند با جامعه پیرامونش منعکس کرده است.

نمایشنامه «آدم غریب»^{۱۱} اثر دیگر لرمونتوف که در تابستان ۱۸۳۱ نگاشته شد سرنوشت شاعر جوانی بنام ولادیمیر آربه‌نین^{۱۲} را بازگو می‌کند، آربه‌نین دختری را دوست دارد، دختر هم در ابتدا به او اظهار محبت می‌کند لیکن بزودی عهد خود را می‌شکند و دل به دیگری می‌بندد. آربه‌نین دیوانه می‌شود و در آستانه ازدواج معشوقش می‌میرد. آشنائی لرمونتوف با الکساندر پوشکین^{۱۳} سبب می‌شود تا تحت راهنماییهای او زبان شعر خود را هر چه بیشتر پالایش دهد و سادگی و صراحت زبان را به نحوی شیوا در صنعت شعری خود بکار گیرد. لرمونتوف در سال ۱۸۳۲ پس از دو سال تحصیل در دانشگاه مسکو به علت اختلافی که با استادان خود پیدا کرد از امتحانات محروم گردید، او نیز دانشگاه را ترک کرد و به زودی از دانشکده نظامی سردرآورد و به عنوان افسر سواره نظام شروع به خدمت کرد. در همین ایام دل به عشق دختری به نام واروارا لوجینا^{۱۴} سپرد، فرجام این دلدادگی به روشنی معلوم نیست اما خاطره آن را شاعر تا پایان عمر از یاد نمی‌برد و تأثیر آن بیش از همه در منظومه‌ای تحت عنوان کیناجینا لیکروسکایا^{۱۵} مشهود است.

از سال ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۷ که سال مرگ پوشکین است لرمونتوف آثار بدیعی خلق کرد از آن جمله نمایشنامه منظوم دو برادر^{۱۶} ۱۸۳۴، درباره عشق دو مرد به يك زن، داستان منظوم خاژی آبرک^{۱۷} ۱۸۳۴، نمایشنامه بالماسکه^{۱۸} ۱۸۳۶، معروفترین نمایشنامه لرمونتوف که محتوایی سرشار از عشق و سوءتفاهم دارد، همراه با اثر میهن پرستانه بارادینو و بایارین^{۱۹}، اوشارو و بانوی صندوقدار^{۲۰}، ساشکا^{۲۱} و منظومه کالاشینکوف یازرگان^{۲۲} از آثار مهم این دوران اوست.

بالماسکه تراژدی منظومی است که عمدتاً شهرت نمایشنامه نویسی لرمونتوف متکی به این اثر است در این نمایش پس از آنکه آرنین^{۲۳} مرد باتجربه و ثروتمند موفق می‌شود باخته‌های پرنس زوه زدیچ^{۲۴} را بر سر میز قمار به او بازگرداند، هر دو راهی مجلس بالماسکه‌ای می‌شوند که در آنجا یکی از مدعوین به نام بارونس شترال^{۲۵} که نقاب به چهره زده است عشق خود را به پرنس زوه زدیچ جوان ابراز می‌کند. آرنین تلاش زیادی می‌کند تا هویت این زن نقابدار را دریابد اما موفق نمی‌شود. شب هنگام بارونس شترال گردنبندی را که از روی زمین پیدا کرده به پرنس زوه زدیچ می‌دهد و بدون دادن توضیحی ناپدید می‌شود. آرنین متوجه می‌شود که این گردنبد متعلق به همسرش نینا^{۲۶} است و از فرط حسادت اعتقاد پیدا می‌کند که بانوی نقابدار کسی جز همسرش نبوده است. نینا که گردنبدش را گم کرده است درصدد بر می‌آید تا گردنبد جدیدی بخرد و جای گردنبد گمشده‌اش را پر کند و پرنس نیز هر چه بیشتر دچار این سوءتفاهم می‌شود که نینا عشق پنهانش است بخصوص از آنجائیکه بارونس شترال هم تلاشی نمی‌کند تا این سوءتفاهم برطرف شود. پرنس زوه زدیچ نامه‌ای برای نینا می‌نویسد که آرنین مانع رسیدن آن می‌شود و با استناد به نامه‌ای که در اختیار دارد همسرش را

مسموم می‌کند و زمانی که متوجه می‌شود که همسرش به او کاملاً وفادار بوده است که دیگر دیر شده است، آرنبین پس از آنکه به اشتباه خود پی می‌برد دیوانه می‌شود، و نمایش به پایان می‌رسد. در ژانویه ۱۸۳۷ الکساندر پوشکین مرشد و مراد لرمونتوف در عرضه ادب در يك دونل به قتل رسید. این حادثه لرمونتوف را عمیقاً متأثر کرد، مرثیه‌ای که لرمونتوف تحت عنوان «مرگ يك شاعر»^{۲۸} برای پوشکین سرود و در حقیقت ابراز اندوه و خشمی عمیق بود که موجب دستگیری، محاکمه و تبعیدش به پادگانی در ناحیه قفقاز گردید.

علیرغم این نتایج مرثیه مرگ يك شاعر شهرت لرمونتوف را به عنوان شاعری برجسته تثبیت کرد و از سوی دیگر شاعر جوان را با هنرمندان و متفکران و بخصوص اعضا نهضت دسامبرست‌ها^{۲۹} که به این ناحیه تبعید شده بودند آشنا ساخت، بالاخره در سال ۱۸۳۸ بواسطه میانجیگری مادر بزرگش تزار او را مورد ستایش قرار داد و بار دیگر لرمونتوف اجازه یافت به پایتخت بازگردد و در هنگ سابق خود خدمت کند.

لرمونتوف بین سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۱م برخی از مهمترین آثار و اشعار خود را به رشته تحریر درآورد. آثاری همچون ابلیس^{۳۰} ۱۸۳۹، متسیری^{۳۱} ۱۸۳۹، برودینو^{۳۲} ۱۸۳۷ و سروده‌ای درباره ایوان واسیلیویچ^{۳۳} ۱۸۳۸ و نیز رمان مشهور قهرمان دوران^{۳۴} که خیلی زود بر سر زبانها افتاد و در زمره شاهکارهای ادبی شناخته شد و بگفته نقادان و صاحب نظران سرمشقی برای شیوه رئالیسم در ادبیات روسی گردید.

اما دوره آرامش برای لرمونتوف چندان نپائید، در پی مشاجره‌ای که بین او و پسر سفیر فرانسه درگرفت و منجر به دونلی بین آنها گردید، اگر چه هیچک از آنها آسیبی ندیدند اما لرمونتوف به عنوان تنبیه بار دیگر به قفقاز تبعید گردید.

در پیاتیگورسک^{۳۵}، ناحیه کوهستانی در شمال قفقاز گروهی از همکاران وی از جمله مارتینوف^{۳۶} قاتل آینده‌اش نیز اقامت داشت، مارتینوف مردی متظاهر و شهرت طلب بود و لرمونتوف که دشمن تظاهر و خودنمایی بود همواره با او جدل‌هایی داشت، دشمنان لرمونتوف یعنی عمال محافل عالی پترزبورگ به مارتینوف چنین تلقین کردند که وی باید به این شاعر متفرعن و جسور درس عبرتی بدهد. مارتینوف به تلقین آنها در پی يك مجادله لرمونتوف را به دونل دعوت کرد، در این دونل که در شامگاه ۲۷ ژوئیه ۱۸۴۱ برگزار گردید میخانیل لرمونتوف به قتل رسید.^{۳۷}

لرمونتوف که از چهره‌های تابناك مکتب رومانتیسم روس محسوب می‌شود، در هنگام مرگ ۲۷ سال بیشتر نداشت و این درست مصادف با زمانه‌ایست که او در اوج خلاقیت ادبی خود بود.

پانویس

1. Mikhail Yuryevich Lermontov
2. Yun Petrovich Lermontov
3. Maryia Mikhaylovna
4. Stolypin
5. Yekzaveta Alekseyevna Arsenyeva

۶. لرد بایرن Lord Byron شاعر انگلیسی ۱۸۲۴ - ۱۷۸۸ م.

7. Spaniards
8. Fernando
9. Sorini

۱۰. یسوعی یا ژوزوئیت Jesuit ، از فرقه‌های دین مسیح.

11. Men and Passions
12. The Strange Man
13. Valdimir Arbenin

۱۴. الکساندر پوشکین Alexander Pushkin شاعر و نماینده نویسنده روس ۱۸۳۷ - ۱۷۹۹ م.

15. Varvara Lopukhina
16. Knyaginya Ligovskaya
17. The Two Brothers
18. Khedzhi Abrek
19. Masque-ade
20. Baradero and Bayaryn
21. Ushero
22. Sachka
23. Kalashinkol Merchant
24. Arbenin
25. Zvezdich
26. Baroness Shtral
27. Nina
28. The Poets Death
29. Decabrist
30. Demon
31. Mitsyn
32. Borodino
33. A Song about Czar Ivan Vasilevich

۳۴. قهرمان دوران A Hero of our time ، اثر م - ی لرمونتوف ترجمه کریم کشاورز ، تهران انتشارات امیرکبیر.

35. Piyatigorsk
36. Martynov

۳۷. مقدمه قهرمان دوران ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران ، امیرکبیر.

منابع

۱. *Encyclopedia of World Drama* Mc Graw _ Hill (Volume 3)

۲. قهرمان دوران. م. ی. لرمونتوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۳. سیری در بزرگترین کتابهای جهان، حسن شهباز، بنگاه ترجمه و نشر کتاب جلد (۴)

Eugene Labiche

(۱۸۸۸ - ۱۸۱۵ م)

اوژن لابی‌ش

اوژن مارین لابی‌ش^۱ نمایشنامه‌نویس فرانسوی در پنجم ماه مه ۱۸۱۵ در پاریس بدنیا آمد. او فرزند يك خانواده از طبقه متوسط مرفه بود، پس از اتمام دوران ابتدائی وارد دبیرستان کندورست^۲ شد. در ابام تحصیل او همواره شاگردی کوشا و دارای حافظه‌ای بسیار قوی بود. در سال ۱۸۳۴ هنگامیکه موفق به اخذ گواهینامه دبیرستان گردید همراه تنی چند از دوستان خود سفری به سونیس، ایتالیا و سیسیل کرد. ره آورد این سفر نخستین نوشته‌های او بود که تحت عنوان «سفر در ایتالیا» به رشته تحریر درآورد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه حقوق پاریس گردید و موفق به اخذ درجه لیسانس شد. اگر چه او هیچوقت به این رشته نپرداخت و همواره سعی داشت با جهان ادب و هنر درآمیزد و ازین رو با پشتکاری که داشت شروع به نوشتن کرد و نوشته‌هایش را به طور مستمر مطبوعات و نشریات پاریس می‌برد تا او را به عنوان نویسنده به استخدام خود درآورند. بزودی داستانهای کوتاه و قطعات انتقادی او در نشریات معتبری همچون L'Essor, Cherubin و مجله تئاتر La Revue des Theatres بچاپ رسید در سالهای ۱۸۳۶ و ۱۸۳۷ لابی‌ش در يك مدرسه تئاتری به فعالیت پرداخت و توجهش معطوف به نمایشنامه‌نویسی شد. لابی‌ش با همکاری دوستان خوش قریحه اش مارک آنتونی^۳ - آمده میشل^۴ و اگوست لیفرانس^۵، نمایشنامه آقای کوايسلان^۶ یا مرد مژدب را که خود نگاشته بود در سال ۱۸۳۸ در پاریس به صحنه بُرد.

طی همین سالها ازدواج کرد و بگونه‌ای جدی اوقات خود را صرف نوشتن نمایشنامه کرد. دو



اوژن لابییش

نمایشنامه کاپیتان آرکو^۶ و قاضی لویه^۷ در همین سال در تئاترهای لوکزامبورک و پانتئون به نمایش درآمدند. لابییش تا سال ۱۸۵۱ که یکی از مشهورترین نمایشنامه‌هایش را تحت عنوان کلاه حصیری ایتالیایی به رشته تحریر درآورد و شهرتی وسیع یافت نمایشنامه‌های زیادی نوشته بود. نمایشنامه‌هایی چون «کوره‌ای در درخت شاه بلوط»^۸ ۱۸۳۹، فراوانی برای رفاه^۹ ۱۸۳۹، کلمه دقیق^{۱۰} ۱۸۴۰، بدر بوکه و پسرانش^{۱۱} ۱۸۴۰، پادشاه فولتین^{۱۲} ۱۸۵۰، مادموزل خانم من^{۱۳} ۱۸۴۶، سر فر خورده^{۱۴} ۱۸۴۶، مرد زخمی^{۱۵} ۱۸۴۷، چگونه از دادن هدیه سال نو طفره برویم^{۱۶} ۱۸۴۷، یک مرد جوان پرشتاب^{۱۷} ۱۸۴۸، باشگاه شامپانی^{۱۸} ۱۸۴۸، راه میان‌بر^{۱۹} ۱۸۴۸، خنده بیطرفانه^{۲۰} ۱۸۴۸، غننامه آقای کراسوس^{۲۱} ۱۸۴۸، مرگ بر خانواده^{۲۲} ۱۸۴۸، خانم لاریفلای بیوه^{۲۳} ۱۸۴۹، خیابان مرد نظامی شماره ۸^{۲۴} ۱۸۴۹، غیظه خوردن بر حکومت لوئی شانزدهم ۱۸۴۹، سوفیا^{۲۵} ۱۸۵۰، دختر محفوظ^{۲۶} ۱۸۵۰، وسایل اندک^{۲۷} ۱۸۵۰، اجازه بدهید شوهر ژیمبلیت

باشد^{۳۲} ۱۸۵۰ و صدای کلارینت رهگذر^{۳۳} ۱۸۵۱. شماری از نمایشنامه‌نویسان است که لایبش نگاشت، برخی از این آثار در زمره بهترین کمدی‌های فرس در قرن نوزدهم محسوب می‌شوند. لایبش با توجه به ظهور و رشد طبقه متوسط و بسیاری از صفات مذموم آنها همچون تازه به دوران رسیدگی همراه با بی‌محتوایی زندگی طبقات مرفه که به چیزی بجز نفع پرستی و لذت‌جوییهای غیراصیل دل مشغول دیگری ندارند با قلمی طنزآمیز برخورد غود و صحنه‌های دلپذیر و بدیعی آفرید و دل‌های فراوانی را شاد و خرمند ساخت، لایبش در نمایشنامه‌های خود عمدتاً علاقه‌ای به طرح مباحث و مسائل نظری از خود نشان نمی‌دهد، ماجراهاییکه مطرح می‌سازد برای مردم بسیار ملموس است، معمولاً فرس‌ها کمدی موقعیت‌اند، و يك متن خوب اینگونه نمایش‌ها باید پر از اتفاقات سرگرم‌کننده باشد هدف آن نیز صرفاً ایجاد خنده‌آنی در تماشاگر است و شوخی‌های بصری او بر پایه سوءتفاهم‌های پیچیده و فعالیت‌های بعدی توأم با خشونت استوار است. تعداد شخصیت‌ها محدود و فاقد پیچیدگی است، حرکات نمایشی در آنها به سادگی و سرعت توسعه می‌یابند. تیپ‌ها معمولی و برای تماشاگر کمابیش آشنا هستند، از نمایشنامه‌های دیگر لایبش که با موفقیت فراوان در پاریس به نمایش درآمد می‌توان از ایسمنه‌من^{۳۴} ۱۸۵۲، سفر آقای پریشون^{۳۵} ۱۸۶۰، غبار در چشم^{۳۶} ۱۸۶۱، پول هنگفت^{۳۷} ۱۸۶۴ و مال خودم^{۳۸} ۱۸۶۴ را خاطرنشان ساخت، محبوبیت آثار لایبش سبب گردید تا مدال «لژیون دونور»^{۳۹} در سال ۱۸۶۱ به وی اعطاء گردد.

در سال ۱۸۷۰ لایبش پاریس را به مقصد سولون^{۴۰} ترک گفت، در آنجا او را به سمت شهردار انتخاب کردند و او برای مدت پنج سال رغبتی به نوشتن از خود نشان نداد تا این‌که بار دیگر با تشویق «امیل اوژیه»^{۴۱} نمایشنامه‌نویس هم‌عصرش و با همکاری او به نوشتن يك نمایشنامه کمدی سه‌پرده‌ای به نام «جایزه مارتین»^{۴۲} به نوشتن پرداخت، لایبش طی سالها نویسندگی هیچگاه رغبتی به چاپ آثارش از خود نشان نمی‌داد، در سال ۱۸۷۹ به ترغیب دوستانش درصدد چاپ يك مجموعه از نمایشنامه‌های خود درآمد، او ۵۷ اثرش را برای این مجموعه برگزید که شامل ۳۴ نمایشنامه تک‌پرده‌ای و شانزده نمایشنامه بلند بود. این مجموعه با استقبال فراوان خوانندگان روبرو گردید، و سال بعد (۱۸۸۰) آکادمی فرانسه وی را بر عضویت خود برگزید. از دیگر نمایشنامه‌های لایبش می‌توان از: حاصل نخستین ازدواج^{۴۳} ۱۸۵۲، پیکولت^{۴۴} ۱۸۵۲، ادکار و دخترش^{۴۵} ۱۸۵۲، سلحشوری زن^{۴۶} ۱۸۵۲، گفتگوی دو احمق^{۴۷} ۱۸۵۳، لطفاً دخترت را بیر^{۴۸} ۱۸۵۴، اگر برای همیشه مال من باشی^{۴۹} ۱۸۵۵، دختر باوقار شما^{۵۰} ۱۸۵۵، موی همسرم^{۵۱} ۱۸۵۶، خانم منشی^{۵۲} ۱۸۵۷، دامی برای همسر^{۵۳} ۱۸۵۸، بانوی اسپانیایی^{۵۴} ۱۸۵۸، دو پرندۀ سفید و سیاه^{۵۵} ۱۸۵۸، دانه قهوه^{۵۶} ۱۸۵۸، قاضی یونانی^{۵۷} ۱۸۵۹، عشق قویست^{۵۸} ۱۸۵۹، مدرسه آرتور^{۵۹} ۱۸۵۹، ملاقات



صحنه ای از کلاه حصیری ایتالیائی اثر اوژن لابییش. فرانسه ۱۹۳۶

با سرهنگ^{۲۳} ۱۸۶۰، عشق در سابوت^{۲۴} ۱۸۶۱، گام اول^{۲۵} ۱۸۶۲، گام اول^{۲۶} ۱۸۶۲، پرندۀ کوچک^{۲۷} ۱۸۶۲، خانگی با سگ کوچکش^{۲۸} ۱۸۶۳، خانم اجازه بده^{۲۹} ۱۸۶۳، هذق^{۳۰} ۱۸۶۴، دستور^{۳۱} ۱۸۶۷، صورت مجلس^{۳۲} ۱۸۷۱، دو محجوب^{۳۳}، برج بابل^{۳۴} ۱۸۸۷، پیاله آب^{۳۵}. این نمایشنامه نویس خوش قریحه که منتقدین معاصرش او را استاد خنده لقب داده اند و عمری قلمش را در شاد کردن مردم به کار گرفت تا پایان عمر با جذبتی قابل تحسین ۸۷۲ نمایشنامه نگاشت و بالاخره در ۱۲ ژانویه ۱۸۸۸ در حالیکه ۷۳ سال از عمرش می گذشت در پاریس چشم از جهان فرو بست.

پرستلی^{۳۶} درباره اش چنین اظهار نظر می کند: «در عرضه تئاتر روح پاریس را طی امپراتوری دوم بهتر از همه شاید اوژن لابییش که نویسنده ای باروز بود و نمایشنامه های مضحکش بویژه کلاه حصیری ایتالیائی و مسافرت آقای پریشون با هسته فکری طنزآمیز مشعر بر اینکه کسانی را بیشتر دوست می داریم که به ما عیبوندند تا کسانی که خویشان را بدیشان هدیه می دانیم هنوز لذت بخش اند»^{۳۷}.

1. Eugene Marin Labiche
2. Condorcet
3. Mark Antoine
4. Amedee Michel
5. Augustin Lefranc
6. M. de Coislin or the Politest of Men
7. The Captain of Arcourt or the Fairy of the Castle
8. Lawyer Loubet
9. The Smithy in the Chestnut Wood
10. Hi for Tai
11. The Subtle Word
12. Bocquet, Father and Son, or The Longest Path
13. The King of the Frontins
14. My Unmarried Wife
15. Curly Head
16. A Full blooded Man
17. How Not to give a new year's Gift
18. A Young Man in a Hurry
19. The Barometer, or Rain good Weather
20. The Barometer, or Rain and good Weather
21. English Fetters
22. Halfway There
23. Just for Fun
24. A Tragedy at M. Grassot's
25. Down With the Family
26. Widow Larilla
27. 8 A Armed Man Street
28. A Grudge under Louis XV
29. The Sopha
30. The Protected Daughter
31. The Small Means
32. The Would _ be Husbands of Gimblette
33. A Passing Clarinet
34. My Iemenis
35. M. Perrichon's Voyage
36. dust in your Eyes
37. Pots of Money
38. Myself
39. Legion d'honneur
40. Sologne
41. Emile Augier

42. *The Martin Prize*
43. *The Consequences*
44. *Two Drops of Water*
45. *Mama Saboleux*
46. *Canada, Father and Son*
47. *Piccolot*
48. *Edgard and His Maid*
49. *The Ladies' Knight*
50. *There will Be Foolish talk*
51. *Take your Daughter Please*
52. *If I Ever Catch you*
53. *Your Gentlemanly Daughter*
54. *My Wife's Hair*
55. *Madame's Secretary*
56. *Trips for Husbands*
57. *Madame Is at the Spa*
58. *Two white Blackbirds*
59. *The Coffee Bean*
60. *The Greek's Lawyer*
61. *Love is Strong Doses*
62. *School for Anthurs*
63. *I Invt The Colonel*
64. *Love in Sabots*
65. *The First Step*
66. *The Little Birds*
67. *The Lady with the Little Doge*
68. *Allow Me Madame*
69. *The Target*
70. *Grammar*
71. *The Blue Book*
72. دو محبوب اثر اوژن لابییش ترجمه بدری وزیری و حسینعلی ملاح، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب (ضمیمه دختران فضل فروش)، ۱۳۴۴.
73. *The Love of Art*
74. *The Tower of Babel*
75. *The Bowl of Water*

۷۶ و ۷۷. سیری در ادبیات غرب، اثر جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران جیبی.

منابع

1. *World Drama. Mc Graw _ Hill Encyclopedia (Vol 3)*

Emile Augier

۱۸۸۹ - ۱۸۲۰ م

امیل اوژیه

گیولایم ویکتور امیل اوژیه^۱ نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ۱۷ سپتامبر ۱۸۲۰ در ناحیه والنس^۲ متولد شد. پس از گذراندن دوران تحصیل ابتدائی و متوسطه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق پاریس گردید و در سال ۱۸۴۴ موفق به اخذ درجه لیسانس در این رشته شد. علاقه‌اش به نمایشنامه‌نویسی و تئاتر سبب گردید تا درصدد آید نخستین نمایشنامه‌اش را تحت عنوان هملوک^۳، به اتفاق یک گروه تئاتری جهت اجرا در تئاتر فرانسه آماده سازد. این اثر مورد توجه قرار نگرفت و مردود اعلام شد، اما اوژیه ناامید نشد، بلافاصله به تئاتر اودئون^۴ رفت و با این تئاتر شروع به همکاری نمود. در همین تئاتر بود که کارش مورد توجه قرار گرفت و موجب گردید اوژیه تمام سعی خود را وقف نوشتن نمایشنامه نماید. تجربیات اولیه‌اش آمیزه‌ای از فانتزی و رومانتیسم را در خود داشت و از فضاسازی مهیجی نیز برخوردارند. به زودی به گروه نویسندگان تئاتر عامه‌فهم^۵ پیوست این تئاتر در واقع واکنشی علیه اسلوب‌های قراردادی نمایشنامه‌نویسان پیشتر بود که سالها صحنه‌های تئاتر را محسور کرده بود.

نخستین نمایشنامه‌های اوژیه عبارتند از کمدی هملوک^۶ ۱۸۴۴، مرد درستکار^۷ ۱۸۴۵، ماجراجویان^۸ ۱۸۴۸، کت سبز^۹ ۱۸۴۹، خوب برای بد^{۱۰} ۱۸۴۹، نوازنده فلوت^{۱۱} ۱۸۵۰ و به دنبال نول^{۱۲} ۱۸۵۱ که اکثراً نمایشنامه‌های منظوم‌اند.

پس از نگارش این آثار اوژیه به نوشتن درام‌های اجتماعی و واقعگرا تغییر سبک داد و این زمانی بود که برخی از نویسندگان معاصرش در این مسیر گامهای درخور توجهی برداشته بودند از



طرحی از امیل اوژیو

آن جمله الکساندر دوما^{۱۲} (پسر) اثر مشهور خود مادام کامیلیا^{۱۳} را نگاشته بود که منازعات ادبی فراوانی را برانگیخته بود. اما آنچه مسلم است «هم دوما ی پسر و هم اوژیو در این دوران نمایشنامه‌هایی نگاشتند که جنبه آموزشی‌شان بسیار زیاد بود و بعدها نام «نمایشنامه دارای منظور» یا «نمایشنامه اجتماعی» را یافتند، در این گونه نمایشنامه‌ها نویسنده نخست بر حس دروغین شرافت نفس و سست اخلاقی اشراف و آز و بزرگ‌مآبی و دنیاداری طبقه متوسط و خطری که گرایش به سوی فحشاء زندگی خانوادگی را تهدید می‌کرد و بالاخره بر همه آنچه که در اخلاقیات و راه و روش زمان خطرناک و مشکوک بود می‌تاخت»^{۱۴}.

در اینجا لازم به ذکر است که جامعه فرانسه در این ایام در پی انقلابی که پشت سر گذاشته بود دوران بسیار پراشتهاپ و حساسی را می‌گذراند، ویژگی‌های این دوران بسیاری از هنرمندان را به تعمق و تفکر واداشته بود و «از آنجا که جوهر رنالیسم عبارت از تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم

زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط میان فرد و جامعه و ساختمان خود جامعه و باز از آنجا که رئالیست‌های نخستین در وجود شخصیت‌های فعال و مستقل با نیرو و سرسختی بی‌کرانشان در آثار خود ویژگی عمده روزگارشان یعنی پیدایش انسان نوین را که اساساً با قهرمان پالوده شبیه کلاسیسم تفاوت داشت منعکس می‌کردند، آفرینش قهرمان عصر جدید پیروزی بزرگ این نویسندگان بود.^{۱۵}»

در پاریس، مجلات مهمی به تشریح بنیان‌های نظری نویسندگان واقعگرا پرداختند. چند نمایشنامه از اوژیه در این مجلات به چاپ رسید که یکی از منتقدین شدیداً آنها را به باد تمسخر و انتقاد گرفت اوژیه چنان به خشم آمد که او را به دوندل دعوت کرد، گرچه این دوندل با وساطت دوستان دو طرف هرگز به مرحله اجرا درنیامد.

اوژیه در آخرین سالهای زندگی آلفرد دوموسه^{۱۶} پیوندی نزدیک با او یافت. این دوستی منجر به خلق نمایشنامه‌ای تحت عنوان کت سبز^{۱۷} ۱۸۴۹ گردید که کار مشترک آن دو محسوب می‌شود. در همین سالها اوژیه که به زبان آلمانی تسلط داشت شروع به نوشتن متنی هانی به زبان آلمانی کرد و نیز در این دوره اوژیه فعالیتش را آغاز می‌کند با اوژن لابییش^{۱۸} و ژول ساندیو^{۱۹} و نمایشنامه‌هایشان را به صورت رپرتوار به نمایش درمی‌آورند. آکادمی فرانسه به پاس خدمات فرهنگی و هنری اوژیه که اکنون از شهرتی درخور توجه برخوردار بود در سال ۱۸۵۷ او را به عضویت خود درآورد. نمایشنامه‌هایی که اوژیه تا این سال نگاشت عبارتند از:

سافو^{۲۰} ۱۸۵۱، دیان^{۲۱} ۱۸۵۲، عدم فهم عشق^{۲۲} ۱۸۵۲، فیلبرت^{۲۳} ۱۸۵۳، سنگ محک^{۲۴} ۱۸۵۳، داماد آقای پواریه^{۲۵} ۱۸۵۴، طلای کشف شده^{۲۶} ۱۸۵۵ و ازدواج المپ^{۲۷} ۱۸۵۵. نمایشنامه داماد آقای پواریه در زمره مشهورترین کمدیهای موسوم به «کمدی رفتار» محسوب می‌شود و در نوع خود اثربست دلنشین و در خور توجه، در این اثر اوژیه مبارزه نجیب‌زادگان فقیر اما بلندنظر را با تروتمندان نوکیسه و متکبر عصر خود را به شیوه‌ای جذاب بازگو می‌کند.

در نمایشنامه ازدواج المپ که به نظر صاحب‌نظران بهترین اثر اوژیه محسوب می‌شود و اثربست به نشر، نویسنده در پاسخ به مادام کامیلیا اثر دوما، با نگاهی متفاوت به تشریح فاجعه‌آمیز پیوند زناشویی میان زنی فاحشه اما خوش‌قلب با مردی از یک خانواده اشرافی می‌پردازد و این تصور را که این وصلت‌ها می‌تواند با خوشبختی همراه باشد، نظری رؤیایی و باطل می‌انگارد.

نظرات ابراز شده درباره اوژیه و آثارش بسیار متنوع است در اینجا تنها به ذکر نظر پرستلی^{۲۸} بسنده می‌کنم که بسیار گویاست، او می‌نویسد: «نخستین درام نویسانی که موازین واقعگرایی را آگاهانه در آثار خود به کار گرفته بودند فرانسوی بودند، در میان این درام‌نویسان امیل اوژیه و

الکساندر دوما پسر اهمیت بیشتری دارند. اگرچه آثار این دو گاه قاشاگران را تکان می‌دادند، اما نمایشنامه‌های افراطی نبودند بلکه آن دو به عنوان عقل‌های سلیم جامعه خود می‌کوشیدند اخلاق جامعه را اصلاح کنند، آنها موضوع‌هائی را برمی‌گزیدند که مورد علاقه طبقه متوسط مادی و محافظه‌کار دوران سومین امپراتوری ناپلئون سوم بود. بنابراین به سرعت به جریان اصلی درام، نه تنها در فرانسه که در همه اروپا پیوستند^{۲۹}.

نمایشنامه‌های دیگر اوژیه عبارتند از: جوانی^{۳۰} ۱۸۵۸ راه خطا^{۳۱} ۱۸۵۸، يك همسر خوب^{۳۲} ۱۸۵۹^{۳۳}، صورتهای برنجی^{۳۴} ۱۸۶۱، پسر کیبویه^{۳۵} ۱۸۶۲، مایتر گیوراین^{۳۶} ۱۸۶۴، فساد^{۳۷} ۱۸۶۶، پل فورستر^{۳۸} ۱۸۶۸، سند تاریخی^{۳۹} ۱۸۶۹، شیرها و روباهها^{۴۰} ۱۸۶۹، جین دی تومری^{۴۱} ۱۸۷۵، مادام کاورلت^{۴۲} ۱۸۷۶، جایزه مارتین^{۴۳} (همراه با اوژن لابییش) ۱۸۷۶ و خانه فورچم بالت^{۴۴} ۱۸۷۸ را می‌توان نام برد. برخی از این نمایشنامه‌ها همچون پسر کیبویه در زمان خود بسیار جنجال برانگیز بودند، چرا که از محتوانی سیاسی برخوردار بوده و بالطبع منجر به عکس‌العمل‌هائی از سوی مخالفین می‌گردید.

مدارك موجود نشان می‌دهد که اوژیه بین سالهای ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۸ درگیر يك سری ماجراهای حقوقی و دوندل بود. در سال ۱۸۷۰ هنگامی که پنجاه سال داشت با لئور لامبرت^{۴۵} بانوی هنرپیشه پیوند زناشویی می‌بندند و در سال ۱۸۷۸ به‌خاطر بیماری عصبی که باعث آزارش می‌شد برای مدتی ناگزیر به استراحت شد، از این تاریخ به بعد او کمتر و کمتر نوشت تا اینکه در ۲۵ اکتبر ۱۸۸۹ چشم از جهان فروست.

آنچه مسلم است امیل اوژیه در طی حیات ادبی و هنری خود با آثاری که خلق کرد تم‌هائی همچون سقوط اشرافیت، فساد بورژوازی و سایر بحران‌های اجتماعی آن‌روز فرانسه را همچون خانواده، پول، ازدواج، طلاق، کلیسا و بسیاری از موقعیت‌های اخلاقی دیگر را به صورتی واقع‌بینانه تجزیه و تحلیل کرد و به نمایش گذاشت. از این‌رو به حد وسیعی «درام خوش‌ساخت^{۴۶}» را که با اوژن اسکریب^{۴۷} نویسنده هموطن معاصرش پی‌افکنده شده بود و به شکلی اساسی درام مدرن رنالیستی فرانسه محسوب می‌گردد غنا و اعتلاء بخشید.

1 Guillaume _ Victor _ Emile Augier

2. Valence

3. Hemioc

4. Odeon

5. Theatre of Commonsense

6. The Honest Man

7. The Adventuress

8. The Green Coat (With Alfred de Musset)

9. Good for Evil

10. The Flute Player

11. In Pursuit of the Novel

12. Alexandre Dumas fits (۱۸۹۵ - ۱۸۲۴ م)

13. The Lady of the Camellias, Camille

۱۴. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، کتابهای جیبی صفحه ۳۱۱.

۱۵. تاریخ زنالبسم، اثر بوریس ساچکوف، ترجمه محمد تقی فرامرز، تهران نشر تندر ۱۳۶۲

۱۶. ألفرد دوموچه Alfred de Musset شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی ۱۸۵۷ - ۱۸۱۰ م.

17. The Green Coat

18. Labiche

19. Jules Sandeau

20. Sapho

21. Diane

22. Love's Misunderstandings

23. Philberte

24. Touchstone

25. Monsieur Poirier's Son _in_ Law

26. Ill gotten Gold

27. Olympe's Marriage

۲۸ و ۲۹. جی. بی. پرستلی J.B Priestley سیری در ادبیات غرب، ترجمه ابراهیم یونسی.

30. Youth

31. A False Step

32. A Good Match

33. Faces of Brass

34. Giboyer's Son

35. Maître Guerin

36. The Infection

37. Paul Forester

38. The Post _ Script

- 39. *Lions and Foxes*
- 40. *Jean de Thommeray*
- 41. *Madame Caverlet*
- 42. *The Martin Prize*
- 43. *The House of Fourchambault*
- 44. *Laure Lambert*
- 45. *Well _ made Play*
- 46. *Engene Scribe (، ۱۷۹۱، ۱۸۶۱)*

منابع

- 1. *World Drama, Mc Graw Hill Encyclopedia Vol 1*

۲. *سیری در ادبیات غرب*، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، سازمان کتابهای جیبی.

Alexandre Dumas

الکساندر دوما «پسر» ۱۸۹۵ - ۱۸۲۴ م

الکساندر دوما «پسر» داستان‌سرا و نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ۲۸ ژوئیه ۱۸۲۴ در پاریس به دنیا آمد. پدرش الکساندر داوی دولا پاتری^۱ معروف به دوما‌ی پدر شخصیت برجسته قرن نوزدهم فرانسه و مادرش ماری کاترین لابی^۲ بانوی خیاطی بود که دل به عشق نویسنده بزرگ سپرد. اما آن دو بی آنکه پیمان زناشویی مرسوم میانشان بسته شود صاحب فرزندى شدند که هم نام پدر نام گذاری گردید. گویا تقدیر چنین می‌خواست که این فرزند کودکی شاد و دلنشینی نداشته باشد و طعم محبت پدر و مادر را در کانون گرم خانواده نچشد. هفت ساله بود که بر اساس رأی دادگاه او را از مادرش گرفته و به پدر دادند. پدر نیز او را به مدرسه‌ای سپرد تا تعلیم و تربیت یابد. در همانجا بود که دوما از نامشروع بودن خود آگاهی یافت. نخست مدت‌ها غمگین بود اما علیرغم همه این احوال تحصیلات ابتدائی و متوسطه را به پایان رسانید و با شور و نشاطی که گویی از پدر به او رسیده بود قدم به عالم ادبیات گذاشت. هنگامیکه در سال ۱۸۴۴ زندگی مشترک دوما‌ی پدر با زنش به جدائی منجر شد پدر و پسر پس از سالها در سن ژرمن^۳ در کنار یکدیگر به کار ادبی پرداختند. دوما از پدر چیزهای فراوانی آموخت و با شخصیت‌های برجسته از نزدیک آشنا شد. نخستین اثر نمایشی که دوما نگاشت تحت عنوان جواهرات ملکه^۴ در سال ۱۸۴۵ نگاشته شد. پس از آن يك درام غنائی نگاشت با نام آنالا^۵ ۱۸۴۸.

آشنائی دوما با بانوی زیبا «ماری دوپله‌سه‌ز»^۶ نه فقط منجر به عشقی میان آن دو گردید بلکه الهام‌بخش دوما‌ی جوان در نوشتن رمان مشهورش «مادام کاملیا»^۷ شد «۱۸۴۸». ماری دوپله‌سه‌ز



الکساندر دوما «پسر»

در سال ۱۸۴۹ در اثر بیماری درگذشت، اما اثری که او الهام بخش بود موفقیتی چشمگیر کسب کرد و دوما را به شهرت و ثروت رسانید. دوما در سال ۱۸۵۲ این اثر را برای صحنه تئاتر تنظیم کرد و بالاخره در پاریس به صحنه بود. این نمایشنامه ابتدا به خاطر واقعگرایی مفرط مدت سه سال اجازه اجرا نیافت اما زمانی که بر صحنه رفت مورد توجه فراوانی قرار گرفت. ماجراهای این نمایش در پاریس دهه ۱۸۴۰ می گذرد و در حقیقت نویسنده ضمن ارائه تصویری از آن ایام، به شرح زندگی یکی از فواحش مشهور آن سالهای پاریس می پردازد. این زن علیرغم شغل ننگینی که دارد صاحب قلبی بسیار مهربان است و در نهایت به برکت عشق تظہیر می شود. به گفته یکی از محققان «در این اثر دوما فاحشه ای را با قلب طلائی اش آرمانی نمود و در عالم خاصی نیز از عواطف و احساسات رومانتیک خود نمونه و سرمشقی ساخت».

دوما تا پیش از این تاریخ ۱۲ داستان نیز نگاشته بود اما ذکر این نکته در اینجا ضروری به

نظر می‌رسد که طی دهه پنجاه قرن نوزدهم گرایش‌ها در تناظر بوجود آمد که به درام واقعگرایانه معروف گشت، اگرچه توجه به واقعیات از دوران یونان باستان در تناظر گاه و بیگاه مشاهده شده است اما بالاخص در این زمان منتقدان مشاهده عینی و نزدیک يك زندگی را تبلیغ می‌کردند. بیش از این دوران یعنی در دهه سی معیارهای کلاسیسم توسط رومانتيك‌ها مورد تهاجم قرار گرفته بود. ویکتور هوگو، اوژن اسکریب 'اوژن لابیش' و الکساندر دوماي پدر "ابداعات جدیدی در شیوه درام‌نویسی به وجود آوردند.

لیکن نهضت واقعگرایی به زودی به عنوان جنبشی آگاهانه در اوایل دهه پنجاه در فرانسه نزع گرفت، استاندال^۲، فلوبر^۳، بالزاك^۴ (با غایشنامه‌های مرکادت^۵) و دوماي پسر از شخصیت‌های مهم این جنبش بودند. بنیان‌های نظری این مکتب طی سالهای بعد در مجلات مهم پاریس تشریح گردید. در نظر طرفداران این جنبش «هنر می‌بایست جهان واقعی و ملموس را با صداقت بیان کند. حقیقت تنها از طریق مشاهده مستقیم به چنگ می‌آید. مشاهده مستقیم تنها در زندگی معاصر ممکن است و مشاهده کننده باید مثل يك دانشمند بی‌طرف باشد^۶». دوما که خود را واقعگرا می‌شناخت از طریق آثارش می‌کوشید جامعه را اصلاح کند. او در نامه سرگشاده‌ای خطاب به منتقدی به نام سارسی^۷ نوشته است «اگر بتوانم تأثیر اندکی در جامعه بگذارم اگر به طریقی بتوانم مردم را وادار کنم که درباره مسأله بحث کنند و بتوانم قانون‌گذاران را واداره که قوانین خود را اصلاح کنند توانسته‌ام وظیفه‌ام را نه تنها به عنوان نویسنده که به عنوان يك انسان انجام دهم^۸».

از سال ۱۸۵۲ دوما شروع کرد به نوشتن غایشنامه‌هایی که در آنها بر روی اخلاقیات بسیار تأکید شده بود. این غایشنامه‌ها عبارتند از دیان دی‌لیز^۹ ۱۸۵۳، کم‌دی نصف جهان^{۱۰} ۱۸۵۵، مسئله پول^{۱۱} ۱۸۵۷، پسر مشرعو^{۱۲} ۱۸۵۸ و کم‌دی پدر و لخرج^{۱۳} ۱۸۵۹. در همگی آثار این دوره دوما، او را به قیافه يك معلم اخلاق سختگیر و گاه خشکه مقدس می‌بینیم که همواره برای زن و مرد و پیر و جوان بسیار پرطمطراق موعظه می‌کند که مبادا زندگی آنها با چیزی به نام فاجعه مواجه نشود. آشنائی دوما با پرنسس روسی نادجدا ناریچکین^{۱۴} که از سال ۱۸۶۰ آغاز شده بود، بالاخره در سال ۱۸۶۴ به ازدواج انجامید. آنها تا سال ۱۸۶۷ صاحب دو دختر شدند، اما با مرگ همسرش کانون خانوادگی او نیز دچار مشکل شد.

ازدواج مجدد دوما با هنریته ریگنر^{۱۵} که مدت هشت سال معشوقه او بود، به شایعات خاتمه داد. می‌توان گفت که زندگی خصوصی دوما همچون تناظرهای قرن نوزدهم فرانسه سرشار از مضامینی است که مبتنی بر کم‌دیهانی که بر عشق‌بازیهای نهانی و ملودرام‌های مبتنی بر احساسات بنا گردیده‌اند.

از نظر کار ادبی پس از دورانی که ذکر آن رفت دوما به نگارش نمایشنامه‌هایی پرداخت که جنبه‌های آموزشی در آنها بسیار درخور توجه‌اند، این نمایشنامه‌ها که به نمایشنامه‌های پیام‌دار^{۲۷} مشهورند و بر اساس الگوهای درام «خوش‌ساخت» که اسکریب مشخصه آنها بود به همراه مضامین سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز تنظیم یافته بودند. در غالب این آثار نویسنده نخست بر حس دروغین شرافت نفس و سست اخلاقی اشراف و آز و بزرگ‌مآبی و دنیاداری طبقه متوسط و خطری که گرایش به سوی فحشاء زندگی خانواده‌ها را تهدید می‌کند می‌تازد و بالاخره بر همه آنچه که در اخلاقیات و راه و روش زمان خطرناک و مشکوک بود خرده می‌گیرد.^{۲۸} در مجموع سالهای ۱۸۶۷ - ۱۸۶۴ برای دوما سالهای پر حاصلی نبود دو نمایشنامه او به نام‌های دوست زنان^{۲۹} ۱۸۶۴ و مکافات زنانه^{۳۰} ۱۸۶۵ باقبال چندانی رویه‌رو نشدند تا اینکه با انتشار نمایشنامه افکار مادام اوبری^{۳۱} در سال ۱۸۶۷ و شبه بیوگرافی مسئله کلمانسو^{۳۲} در سال ۱۸۶۷ (یکی از نخست وزیران فرانسه) بار دیگر نام او بر سر زبانها افتاد.

در سال ۱۸۷۴ دوما به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب گردید. فروش قابل توجه کتابهایش و نیز موقعیت اجتماعی درخور توجهی که این دوران به او روی آورده بود دوما را در شرایط بسیار خوبی قرار داده بود، عمده‌ترین نمایشنامه‌های این دهه دوما عبارتند از: اخبار ماه عسل^{۳۳} ۱۸۷۲، پرنسس جورج^{۳۴} ۱۸۷۲، همسر کلود^{۳۵} ۱۸۷۳، آقای آلفونس^{۳۶} ۱۸۷۴، بیگانه^{۳۷} ۱۸۷۷ و کنتس رومانی^{۳۸} ۱۸۷۸. برخی از این آثار در عرصه صحنه به موفقیتی نائل نیامدند تا اینکه در دهه هشتاد پس از نمایش پرنسس بغداد^{۳۹} ۱۸۸۱ نمایشنامه دنیس^{۴۰} در سال ۱۸۸۵ در کمدی فرانسز با اقبال فراوانی مواجه گشت، پس از آن دوما نمایشنامه فرانسوی لون^{۴۱} را نگاشت (۱۸۸۷) و آخرین اثرش نمایشنامه بازگشت از تب^{۴۲} ۱۸۹۰ نام دارد که مدت‌ها مورد منازعه او و مقامات بود تا بالاخره در سال ۱۸۹۴ دوما موفق شد اجازه صحنه بردن آن را به دست آورد، اما پیش از آنکه به این امر موفق شود در ۲۷ نوامبر ۱۸۹۵ در Marly _ le _ Rio چشم از جهان فروست.

1. *Alexandr Davy de la Pailletterie*

2. *Marie _ Catherine Lebray*

3. *Saint _ Germain*

4. *The Queen's Jewel*

5. *Atala*

6. *Marie Duplessis*

7. *The Lady of the Camellias*

۸. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی صفحه ۳۱۱

۹. ویکتور هوگو Victor Hugo، شاعر و نویسنده فرانسوی ۱۸۸۵ - ۱۸۰۲ م

۱۰. اوژن اسکریب Eugene Scribr فایشنامه نویس فرانسوی (۱۸۶۱ - ۱۷۹۱ م)

۱۱. اوژن لابیث Eugene Labiche فایشنامه نویس فرانسوی ۱۸۸۸ - ۱۸۱۵ م

۱۲. الکساندر دوما « پدر » Alexandre Dumas Pere نویسنده فرانسوی ۱۸۷۰ - ۱۸۰۲ م

۱۳. استاندال Stendal نویسنده فرانسوی ۱۸۴۲ - ۱۷۸۳ م

۱۴. گوستاو فلوبر Gustave Folober ۱۸۸۰ - ۱۸۲۱ م

۱۵. انوره بالزاک Honore de Balzac نویسنده فرانسوی ۱۸۵۰ - ۱۷۹۹ م

16. *Mercedet, or the Speculator*

۱۷. مکتب‌های ادبی، رضا سید حسینی، تهران، انتشارات نیل.

18. *Sarcey*

۱۹. تاریخ تئاتر جهان، اسکار. گ. براکت ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، نشر نقره و مازیار صفحه ۴۱۵.

20. *Diane de Lys*

21. *The Demi _ Monde*

22. *The Money Question*

23. *The Natural Son*

24. *A Prodigl Fálther*

25. *Nadejda Naryschkine*

26. *Henriette Regnier*

27. *Theais Plays*

۲۸. تاریخ تئاتر جهان، اسکار. گ. براکت.

29. *The Woman's Friend*

30. *A Woman's Punishment*

31. *Madame Aubray's Ideas*

32. *Clemenceau*

33. *A Honeymoon Call*

34. *Princess George*

35. *The Wife of Claude*

36. *Monsieur Alphonse*

- 37 *The Foreigner*
- 38 *Countess Roman* (with Gustave Comedie Française)
- 39 *The Princess of Baghdad*
- 40 *Denise*
- 41 *Francillon*
- 42 *the Return from Thebes*

منابع

1. Mc Graw _ Hill Encyclopedia of World Drama Vol 1
2. تاریخ تئاتر جهان اثر اسکازر گ. براکت، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور جلد دوم.
3. سبزی در ادبیات غرب، اثر جی. بی. پرستلی، ترجمه ابرهیم بونسی، جیبی.

Victorien Sardou

(۱۹۰۸ - ۱۸۳۱ م)

ویکتورین ساردو

ویکتورین ساردو نمایشنامه‌نویس فرانسوی در پنجم سپتامبر ۱۸۳۱ در پاریس به دنیا آمد. دوران کودکی در آرامش سپری گشت. در همانجا به مدرسه رفت و دوران دبستان و دبیرستان را پشت سر گذاشت. از همان سنین نوجوانی به مطالعه آثار ادبی، بخصوص نمایشی علاقمند شد. مطالعه پیگیر ذوق نوشتن را در او برانگیخت. لیکن بین سالهای ۶۰ - ۱۸۵۰ ناگزیر به شغل‌های مختلفی دست زد که غالباً با روحیه‌اش سازگار نبودند تا اینکه بالاخره یکی از روزنامه‌های پاریس او را به عنوان مقاله‌نویس پذیرفت. بیست و سه سال بیشتر نداشت که نخستین نمایشنامه‌اش تحت عنوان «شاگرد مهمانخانه» در آوریل ۱۸۵۴ در تئاتر اودئون^۱ به اجرا درآمد. اگر چه این اثر با شکست روبه‌رو شد لیکن برای نویسنده جوانی در سن و سال او تجربه‌ای گرانبه‌تر بود تا او هر چه بهتر مخاطبش را بشناسد. ساردو يك دوره به نوشتن داستانهای تخیلی به سبك ادگار آلن پو^۲ پرداخت آن هم با اقبالی روبه‌رو نشد. در سال ۱۸۵۸ در حالی که تهیدست و بیمار بود مورد شفقت یکی از همسایگانش به نام دوشیزه «مل دبریکورت»^۳ قرار گرفت و توسط او چندی بستری شد. پس از برخاستن از بستر بیماری این آشنائی به ازدواج آن دو انجامید. به زودی ساردو توسط همسرش به خانم «پائولین دیجرت»^۴ هنرپیشه سرشناس آن زمان معرفی گردید این خانم هنرپیشه در سال ۱۸۵۹ اقدام به تأسیس تئاتری کرد که به تئاتر «دیجرت» شهرت یافت ساردو از بدو تأسیس با این تئاتر شروع به همکاری کرد. با نمایشنامه‌های کمدی و نیز آثار تاریخی که نگاشت به زودی مورد توجه قرار گرفت. از آن پس منتقدین زبان به ستایشش گشودند و دروازه‌های شهرت برویش



ویکتورین ساردو

باز شد. ساردو همچون سلف خود «اوژن اسکریب»^۲ قالب نمایشنامه‌های خوش ساخت^۱ را برای آثار خود برگزید. او در این راه پا را از اسکریب هم فراتر گذاشت و در زمینه‌های مختلف نمایشنامه‌نویسی اعم از کمدی، درام، آثار تاریخی و نمایش‌های ساتیر طبع آزمایی کرد، به طوریکه بین سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۸۶۴ موفق به نوشتن بیست نمایشنامه شود. نمایشنامه‌های نخستین اقدام فیگارو^۱ ۱۸۵۴، مردم تهیج‌پذیر^۲ ۱۸۵۹، ورق‌پاره^۳ ۱۸۶۰، زنان قدرتمند^۴ ۱۸۶۰، سنجاب^۵ ۱۸۶۱، یاران نزدیک ما^۶ ۱۸۶۱، پروانه^۷ ۱۸۶۲، مروارید سیاه^۸ ۱۸۶۲، مرغزارهای سنت‌جو روایس^۹ ۱۸۶۲، خرافت‌ها^{۱۰} ۱۸۶۲، شیاطین سیاه^{۱۱} ۱۸۶۳، گداختن^{۱۲} ۱۸۶۴، دن کیشوت^{۱۳} ۱۶۸۴، کاپیتان هنروت^{۱۴} ۱۸۶۴، سعادت خانواده^{۱۵} ۱۸۶۵، پیرمرد عزب^{۱۶} ۱۸۶۵، روستائی خوب بی‌دست و پا^{۱۷} ۱۸۶۶، خانه تازه^{۱۸} ۱۸۶۶، سرافین^{۱۹} ۱۸۶۸، سرزمین پدری^{۲۰} ۱۸۶۹، فرناند^{۲۱} ۱۸۷۰، از جمله آثاری هستند که ساردو تا زمان جنگ فرانسه و پروس به رشته تحریر درآورد. در ایام (۷. ۱۸۷۰م) عوارض جنگ، شکست فرانسه از پروس و متعاقب آن قحطی در این کشور و سپس قیام مردم پاریس، شرایط خاصی را در پایتخت بوجود آورده بود که از

جمله بسته شدن تئاترها را نیز به دنبال داشت، عواقب مالی اینامر برای ساردو بسیار گران بود چرا که شدیداً متضرر گردید. از سوی دیگر طی این ایام اشتغال خاطر فراوان نگذاشت ساردو چیزی بنویسد. با گذشت ایام و آرام گرفتن اوضاع کشور، ساردو از سوی مقامات کشوری به سمت شهردار ناحیه «مارلی . لی . روی»^۲ منصوب شد. این ناحیه که از شرایط جنگی خاصی برخوردار بود طی ایام خدمت ساردو مورد مساعدت و یاری به سربازان و خانواده‌هائیکه در آنجا به سر می‌بردند قرار گرفت. در سال ۱۸۷۲ یعنی ۶ سال پس از مرگ همسر اولش ساردو مجدداً ازدواج کرد، همسرش «آن سولی»^۳ نام داشت و آنها صاحب سه فرزند شدند.

موقعیت‌های شغلی و شخصیتی که ساردو از آن بهره‌مند بود سبب ارتباط و دوستی او با قدرت‌های سیاسی آن زمان می‌گردید و او به خوبی از این موقعیت‌ها جهت پیشبرد اهداف هنری خود بهره می‌گرفت به نحوی که تئاترهایش به صورتی پرشکوه و چشمگیر به صحنه می‌رفتند. پس از مرگ دیجوت در سال ۱۸۷۵ ساردو شروع به نوشتن نمایشنامه‌هائی بالاخص برای «سارا برنارد»^۴ بانوی هنرپیشه هموطنش نمود. نمایشنامه‌هائی چون فدرا^۵ ۱۸۸۲ توسکا^۶ ۱۸۸۷. تنودورا^۷ ۱۸۸۴. و کلنویاترا^۸ ۱۸۹۰ که «بدون شك تعدادی از مجلل‌ترین نمایش‌های پر حادثه تاریخی که با صحنه‌پردازی‌های باشکوه و طراحی لباس دیدنی در قرن نوزدهم در صحنه‌ها درخشیدند متعلق به ساردوست، آثار اخیر او حتی نخستین طبیعت‌گرایان را برانگیخت، چرا که موفق شده بود فضای خاصی برای سرگرمیهای سالم ایجاد کند»^۹. یکی از صاحب‌نظران دربارهٔ اجراهای ساردو می‌نویسد: «ساردو در نمایش‌های دیدنی خود با دقت در جزئیات محل وقوع ماجرا (دقتی باستانشناسانه) این نهضت را به اوج خود رساند، چندان که حتی طبیعت‌گرایان نیز او را ستوده‌اند. در نمایشنامه دشمنی^{۱۰} ۱۸۷۴ که ماجرای آن در قرون وسطی اتفاق می‌افتد هزینه بی‌سابقه‌ای صرف تهیه سلاح و صحنه کرد تا جزئیات تاریخی عصر را چنان که بود منعکس کند. اجرای تنودورا که داستان آن در بیزانس اتفاق می‌افتد، حتی بیش از دشمنی هزینه برداشت. در نقدهایی که بر اجرای این نمایش نوشته‌اند چیزی جز شگفتی‌های صحنه نیامده است»^{۱۱}. «به هر حال نمایشنامه‌ها و اجراهای ساردو هر روز شهرت او را افزونتر کرد چندانکه در سال ۱۸۷۸ به عضویت آکادمی فرانسه انتخاب شد و در طی دهه ۹۰ . ۱۸۸۰، او یکی از محبوبترین چهره‌های هنری فرانسه بود. از دیگر نمایشنامه‌های ساردو می‌توان از ربه‌کا^{۱۲} ۱۸۶۲، دانی‌سام^{۱۳} ۱۸۷۳، فیرویل^{۱۴} ۱۸۷۵، هتل‌گودیلوت^{۱۵} ۱۸۷۶، دورا^{۱۶} ۱۸۷۷، تبعیدی‌ها^{۱۷} ۱۸۷۷، عروسی فرناند^{۱۸} ۱۸۷۸، آندره فورتر^{۱۹} ۱۸۷۹، دانیل روچست^{۲۰} ۱۸۸۰، جورجت^{۲۱} ۱۸۸۵، تمساح^{۲۲} ۱۸۸۶، ترمیدور^{۲۳} ۱۸۹۱، زن آمریکائی در سفر^{۲۴} ۱۸۹۲، زنان خاموش^{۲۵} ۱۸۹۲، مادام سن‌ژنه^{۲۶} ۱۸۹۳

۱۸۹۴، مارسل^{۳۳}، ۱۸۹۵، معصیت^{۳۴}، ۱۸۹۷، پاملا تاجر تور^{۳۵}، ۱۸۹۸،
روپیپر^{۳۶}، ۱۸۹۹، بربرها^{۳۷}، ۱۹۰۱، دانت^{۳۸}، ۱۹۰۳، زن جادو^{۳۹}، ۱۹۰۳، فیورلا^{۴۰}، ۱۹۰۵، ملکه
آلفرا^{۴۱}، کوژیست^{۴۲}، کاندید^{۴۳}، پاریس در التهاب^{۴۴} و دیپلماسی^{۴۵} را می‌توان نام برد.

ساردو علاوه بر اسکه نمایشنامه‌نویسی صاحب سبک است تعداد زیادی از آثار خود را در مقام
کارگردان نیز به صحنه برد و احداث همواره از خلافت‌های درخور روحیهی بهرهمند بود. در
موتن او ضمن ادامه دادن سودای که توسط اسکرت ارانه گردیده بود و به تسویه نمایشنامه‌های
خوش‌ساخت شهرت دارند همراه با نگرانی جامعه‌شناسانه و با وسعت نظر شیوه نمایشنامه
خوش‌ساخت را غنا و وسعت جسمگیری بخشید، به خصوص در آثار تاریخی‌اش همواره او به
گونه‌ای عمل کرد تا آنها را هرچه بیشتر قابل تعمیم نشان دهد.

یکبار در اثر حادثه‌ای شدیداً مجروح شد و سالهای زیادی ناراحتی سینه او را رنج داد و بالاخره
در ۸ نوامبر ۱۹۰۸ در حالیکه ۷۷ سال از عمرش می‌گذشت در مارلی^{۴۶} فرانسه چشم از جهان
فیروست.

پانویس

1. *The Student Tvaem*

2. *odeon Theatre*

۳. ادگار آلن پو *Edgar Allan Poe*

4. *Mile -de- Brecourt*

5. *Pauline Dejazet*

6. *Theatre Dejazet*

۷. اوژن اسکریب *Eugene Scribe* نمایشنامه‌نویس فرانسوی (۱۸۶۱ تا ۱۷۹۱) م

8. *Well-made play*

9. *Figaro's First Campaign*

10. *The Exchiable people*

11. *A Scrap of Paper*

12. *The Strong Women*

13. *The Squirrel*

14. *Our Friends*

15. *The Butterfly*

16. *The Black Pearl*

17. *The Saint-Gervais Meadows*

18. *The Blockheads*

19. *The Black Devils*

20. *The Thaw*

21. *Done Quixote*

22. *Captain Hennot*

23. *The Beneton Family*

24. *The old Bachelors*

25. *Our Good Yokels*

26. *The New House*

27. *Sera Phine*

28. *Native Land*

29. *Fernande*

30. *Marty-le-Roi*

31. *Anne Soutie*

۳۲. سارا برنارد *Sarah Bernhardt* بازیگر معروف فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم

33. *Fedora*

34. *Tosca*

35. *Theodora*

36. *Cleopatra*

۳۹ و ۳۷. تاریخ تناتر جهان، اسکار، ک. براکت. (جلد دوم).

- 38 *Halred*
- 40 *Rabagas*
- 41 *Uncle Sam*
- 42 *Ferreol*
- 43 *Hotel Godeol*
- 44 *Dora*
- 45 *The Exiles*
- 46 *Fernande's Wedding*
- 47 *Andre Fontier*
- 48 *Daniel Rochet*
- 49 *Georgette*
- 50 *The Crocodile*
- 51 *Thermidor*
- 52 *American Women Abroad*
- 53 *A Woman's Silence*
- 54 *Madame Sans-Gene*
- 55 *Gismonda*
- 56 *Marcelle*
- 57 *Spiritisme*
- 58 *Pamela, Lace Merchant*
- 59 *Robespierre*
- 60 *The Barbenans*
- 61 *Dante*
- 62 *The Sorceress*
- 63 *Fiorella*
- 64 *Queen Ultra*
- 65 *The Hunchback*
- 66 *Candide*
- 67 *Pans in a Whirl*
- 68 *Diplomacy*
- 69 *Marty*

منابع

- 1 *World Drama, Mc Graw Hill Encyclopedia (vol4)*
- 2 *A Dictionary of Theatre, John ressell Taylor.*

۳. تاریخ تناتر جهان، اسکارگ. براکت (جلد دوم)

Giovanni Varga

۱۹۹۲-۱۸۴۰ م

جیوانی ورگا

جیوانی ورگا، رمان‌نویس، نویسنده داستانهای کوتاه و نمایشنامه‌نویس ایتالیایی در دوم سپتامبر ۱۸۴۰ در کاتانیا^۱ واقع در جزیره سیسیل بدنیا آمد. پدرش مالکی اهل ویزی^۲ بود که از شرایط خوبی بهره‌مند بود. جیوانی دوران تحصیل ابتدائی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. در سنین نوجوانی و در هنگامه نبردهای گاریبالدی^۳ با دشمنان بر سر اتحاد ایتالیا بشدت درگیر عرق وطنپرستی آن دوره گردید. هنوز بسیار جوان بود که رمان «عشق و میهن»^۴ و نمایشنامه‌ای با عنوان «خشکه مقدس‌های جدید»^۵ را نگاشت که هیچک از آنها به چاپ نرسید. پدرش بسیار تمایل داشت که پسرش قاضی شود از اینرو جیوانی در اثر فشارهای خانواده‌اش با تمام کردن دوره دبیرستان شروع به تحصیل حقوق کرد، اما دوره تحصیل او در این رشته چندان دوام نیاورد، بعد از موفقیت دومین رمانش با نام «گوه کاربوناری»^۶ در سال ۱۸۶۱ تحصیل حقوق را رها کرد. این رمان در روزنامه «رودمادگلی ایتالیائی»^۷ که خود یکی از مؤسسانش بود به چاپ رسید.

برای مدتی ورگا کارش را به عنوان يك روزنامه‌نگار در زادگاهش ادامه داد، «اما مشکل این بود که در ایتالیا کشوری کوچک با ارزش جهانی جامعه ادیبان حرفهایش را از بالا می‌زد، و در پائین کشوری متردد می‌شد که نویسنده‌اش تنها می‌توانست ورگا باشد که هم خود را مصروف آن نماید که به نیروی مردم سرزمینش شهادت دهد، به ویژه به زندگی مردم جنوب فقر زده»^۸.

در سال ۱۸۶۹ به فلورانس رفت. در آنجا با «لونیجی کاپوآنا»^۹ رمان‌نویس و منتقد مشهور آشنا شد و بزودی به عضویت جامعه ادبی فلورانس درآمد. این ایام مصادف با دورانی سرنوشت‌ساز



جیوانی ورگا

در تاریخ اجتماعی و ادبی جامعه ایتالیا محسوب می شود. در بیستم سپتامبر ۱۸۷۰ بالاخره ارتش ایتالیای واحد موفق گردید شهر رم را به عنوان آخرین سنگر فتح کند و در سال ۱۸۷۱ بیانیه مکتب فرهنگی و ادبی ورسم^۱ که مکتبی رئالیستی بار که هائی از ناتورالیسم است در میلان انتشار یافت. ورگا که در این دوران متأثر از رمانهای روانشناسانه فرانسوی و بویژه شیوه نگارش و نگرش امیل زولا^۲ بود رمان مشهور خود «داستان يك نقاب سیاه» را منتشر کرد ۱۸۷۱. سال بعد به میلان رفت و تقریباً تا سال ۱۸۹۴ در این شهر ماندگار شد و با انتشار داستان «ندا»^۳ ۱۸۷۳ که در آن زبان و زندگی پر قدمت مردم سرزمینش را بازآفرینی کرده بود پیوستگی خود را با مکتب ورسم اعلان داشت و طی سالهای بعد با نگارش رمانهای سبیلی قدرتمندی همچون خانه نزدیک درخت ازگیل^۴ ۱۸۸۱، مالاوولیاها^۵ ۱۸۷۳، استاد دون جزوالدو^۶ ۱۸۸۹ و مجموعه داستانهای روستائی در زمره مهمترین نویسندگان مکتب جدید گردید و شهرت ادبش هرچه بیشتر تثبیت شد. در سال ۱۸۸۴ با اقتباس از یکی از داستانهای کوتاه خود نمایشنامه «کاوالریا راستیکانا»^۷ را

تنظیم کرد. این اثر يك تراژدی روستانی است که در سرزمین اجدادی او سیسیل اتفاق می افتد. ماجرای این غایش به اختصار عبارتست از: توریدو^{۱۶} از خدمت نظام بازمی گردد و متوجه می شود که نامزدش لولا^{۱۷} با آلفیوی^{۱۸} کاری کش ازدواج کرده است. حس انتقام توریدو را بر آن می دارد تا به سانتوزا^{۱۹} دختر یتیمی که پیشترها عاشقانه به او ابراز عشق کرده بود روی آورد تا از این راه نامزد سابقش را ببازارد و در این کار نیز موفق می شود، حسادت زنانه سبب می شود لولا به سانتوزا کینه بورزد به نحوی که توریدو را به عنوان معشوقه خود بپذیرد. با آنکه سانتوزا از توریدو حامله است و صمیمانه او را دوست دارد از او می خواهد که با یکدیگر ازدواج کنند، اما توریدو او را رها می کند. سانتوزا که عشق خود را از دست رفته می انگارد از سر نامبدی به آلفیوی خبر می دهد که زنش معشوقه توریدو است و همین امر منجر به دونلی با چاقو میان دو مرد می شود که در آن توریدو جان خود را از دست می دهد.

اجرای این اثر با موفقیت چشمگیری روبرو گردید و در تاریخ تئاتر ایتالیا به دلیل جان تازه ای که به صحنه های تحت سلطه مصنوعات درام رومانتیک بورژوازی داد از اهمیت ویژه ای برخوردار شد و ورگا را به عنوان مؤلف درام رئالیستی به جهانیان معرفی کرد و بزودی اپرانی از روی آن نیز به صحنه رفت. سال بعد ورگا اثر متهورانه دیگری در تئاتر رئالیستی خلق کرد نام این غایشنامه «در خانه دربان»^{۲۰} است و در آن بار دیگر مثلث عشق به همراه احساساتی توأم با خشونت در زندگی کارگران شهر میلان ارانه می شود.

بهترین غایشنامه ورگا «گرگ ماده»^{۲۱} ۱۸۹۶ هم برگرفته از یکی از داستانهایش است که بار دیگر صحنه آرانی سیسیلی در آن کاملاً مشهود است. پینا^{۲۲} بیوه زیبا و آتشین مزاج سی و پنج ساله ایست که به دلیل زندگی غیراجتماعی و منزوی «گرگ ماده» نامیده می شود. هنگامی که او عاشق نانی^{۲۳} دهقان زاده جوان می شود، نانی عشق او را رد می کند و تقاضای ازدواج با دخترش ماریا^{۲۴} را می نماید. پینا با اعتقاد به اینکه این امر گامی است در راه رسیدن به نانی با این ازدواج موافقت می کند، ماریا آگاه از شهوت غریزی و کور مادرش میلی به این ازدواج از خود نشان نمی دهد اما در نهایت مجبور به این کار می شود نانی علیرغم میل باطنی اش توسط آنچه که به اعتقاد او وسوسه های شیطانی است به سوی پینا کشیده می شود و سرانجام فریب اغواهای او را می خورد و هنگامی که به خود می آید وحشت زده از عمل خود و قدرت شیطانی پینا در حالی که او را به شدت از خود می راند، تهدید می نماید که اگر دوباره درصدد اغوای او برآید او را خواهد کشت.

با گذشت زمان خصومت و حسادت آشکار میان مادر و دختر روزبروز بیشتر می شود تا اینکه

در فرصتی دیگر نانی که نزدیک است بار دیگر به دام قنایات پینا گرفتار آید او را می‌کشد. طی دهه ۱۸۸۰-۹۰ ورگا موفق شد بهترین آثارش را خلق کند، رمان‌های «زندگی در مزارع»، شوهر النا، سوار روستائی، در کوره راهها، کاپیتان دارچه و مجموعه داستانهای کوتاه که در هشت جلد گرد آمده‌اند و نیز نمایشنامه در خانه دریان^{۲۶} از جمله کارهای این دهه از فعالیت ادبی او محسوب می‌شود. در سال ۱۹۰۱ ورگا دو نمایشنامه دیگر پیرامون عشق و حسادت در جوامع روستائی نگاشت تحت عناوین شکار گرگ^{۲۷} و شکار رویاه^{۲۸} که توأماً به صحنه رفت و مورد توجه قرار گرفت.

از دیگر نمایشنامه‌های درخور توجه ورگا می‌توان «از توبه من»^{۲۹} ۱۹۰۳ نمایشی بر اساس یکی از آخرین رمانهایش که در آن نویسنده کوششی برای مجسم کردن مبارزه میان آریستوکراسی روبه زوال و بورژوازی در حال رشد را دارد و نیز نمایشنامه «رُزهای کم عمر»^{۳۰} نمونه‌ای از سبک تئاتری پیش از رویسم او که هر دو هم‌زمان در سال ۱۹۲۸ به چاپ رسیدند.

ورگا طی بیست سال آخر عمرش تقریباً چیزی ننوشت و همه این ایام را در سرزمین زادگاهش کاتانیا واقع در سبسیل گذراند، تنها مسافرت‌های کوتاهی به میلان و دیگر مراکز ادبی ایتالیا انجام داد. در سال ۱۹۲۰ به هنگام سالگرد هشتادمین سال تولدش به عنوان بزرگترین نویسنده معاصر ایتالیا برگزیده شد و جشن‌هائی به افتخار او در رم و شهر زادگاهش برگزار گردید. حیوانی ورگا، داستانسرا و نمایشنامه‌نویس بزرگ ایتالیائی و یکی از نخستین چهره‌های رنسانس ادبی سیسیل و از بانیان مکتب ورسم بشمار می‌رود، او پس از ۸۲ سال سن در بیست‌وهفتم ژانویه ۱۹۲۲ یعنی همان سالی که فاشیسم بر کشورش چیره شد و همه مکاتب ادبی و هنری را ترد نمود، در زادگاهش چشم از جهان فرو بست.

پانویس

1 Catania

2 Vizzini

۳. گاریبالدی Garibaldi میهن پرست و میاستمدار ایتالیانی ۱۸۸۲-۷۱۸۰ که در راه وحدت ایتالیا بر ضد اطریش و پادشاهی ناپل و حکومت پاپ شمشیر خود را بکار برد

4 Love and Country

5 The New Tortulles

6 The Mountain Carbonari

7 Roma Degli Italiani

۸. گزیده داستانهای کوتاه از نویسندگان ایتالیا. ترجمه فیروز مهاجر، کامران شیردل، تهران، انتشارات پاپروس، بهشیرد ۱۳۶۸

9 Luigi Capuana

۱۰. ورسم Vensma، مکتبی فرهنگی ادبی که به حقیقت نویسی معروف است و در ایتالیا نزع گرفت.

۱۱. امیل زولا Emile Zola نویسنده فرانسوی ۱۹۰۲-۱۸۴۰ م.

12 Needs

13 The House be The medlar Tree

14 Malavolke's

15 Master Don Gesulato

16 Cavallena rusticana

17 Tundou

18 Lola

19 Allio

20 Santuzza

21 In The Porter's Lodge

22. The she-wolf

23 Pina

24 Nanni

25 Maria

26. In the Porter's Lodge

27 The Wolf Hunt

28. The Fox Hunt

29. From Yours to Mine

30 Ephemeral Roses

منابع

1 Encyclopedia of World Drama Mc Graw-Hill .Volume4.

۲. گزیده داستانهای کوتاه از نویسندگان ایتالیا. ترجمه فیروزه مهاجر، کامران شیردل، تهران، انتشارات پاپروس، بهشیرد ۱۳۶۸.

Lady Gregory

۱۸۵۲-۱۹۳۲ م

لیدی گریگوری

لیدی اگوستا گریگوری^۱ نماینده‌نویس و یکی از بانیان تشاترابی^۲ در ایرلند در پنجم ماه مارس ۱۸۵۲ در روکس بارو^۳ واقع در ناحیه گالوی^۴ در ایرلند بدنیا آمد. نام اصلیش ایزابلا اگوستا پرس^۵ است. او کوچکترین دختر دادلی پرس^۶ زمین‌دار ثروتمند در آن ناحیه بود. کودکی و نوجوانی او در ناحیه خوش آب‌وهوای غرب ایرلند در میان روستائیان و متأثر از آداب، سنن و فرهنگ عامه غنی این سرزمین سپری شد، شرایط اقتصادی خانواده این امکان را برای او فراهم ساخت تا تحصیلاتش را بطور خصوصی توسط معلمین سرخانه دنبال کند. در سال ۱۸۸۱ در حالیکه ۲۹ سال از عمرش می‌گذشت با سرویلیام گریگوری^۷ که یکی از رهبران سیاسی و نماینده پارلمان ایرلند بود ازدوج کرد. لیدی گریگوری در این ایام بدون آنکه در سیاست حضوری فعال داشته باشد میهن‌پرستی پرشور بود، هم او و هم همسرش هر دو پروتستان بودند.

در سال ۱۸۹۰ او موفق به آموختن زبان سلتی^۸ گردید و این امر سبب آشنایی هرچه بیشتر او با گنجینه ادبیات سرزمینش شد. یکی از رخدادهای مهم زندگی و آشنائیش با ویلیام باتلر ییتز^۹ شاعر و نماینده‌نویس هموطنش در سال ۱۸۹۱ بود. این آشنایی زمانی روی داد که یکی از نماینده‌های ییتز تحت عنوان «سرزمین دلخواه»^{۱۰} در لندن بر روی صحنه بود و به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گرفته بود. بانو گریگوری که شدیداً دلبسته‌سادگی روستائیان و فولکلور مردم سرزمینش بود و طی سالها بصورت پراکنده به جمع‌آوری افسانه‌های عامیانه ایرلند همت گماشته



لیدی اگوستا گریگوری

بود توسط بیترز تشویق و ترغیب شد تا در این راه به ارزش‌های نمایشی این فرهنگ هرچه بیشتر توجه نماید.

سر ویلیام گریگوری همسر بانو گریگوری در سال ۱۸۹۲ چشم از جهان فرو بست. در حقیقت بانو گریگوری بعد از مرگ شوهرش بود که بطور جدی به نوشتن پرداخت. نخستین تلاش‌های ادبی او شامل ویرایش زندگینامه همسرش بود. اندکی پس از آن در سال ۱۸۹۴ گزیده‌ای از نامه‌های همسرش را به چاپ رسانید. در این ایام بانو گریگوری هرچه بیشتر با روستائیان معاشر بود و گردآوری افسانه‌ها و فلکلور ایرلند سخت او را به خود مشغول کرده بود تا آنجا که مخالفان و تنگ‌نظران روابط صمیمانه او را با روستائیان مورد طعن و طنز قرار می‌دادند. لیکن علیرغم همه بدگوئی‌ها بانو گریگوری با شهامت و ثبات قدم جمع‌آوری فرهنگ عامه سرزمینش را دنبال می‌کرد. در این مسیر با ادوارد مارتین "که داستان‌نویس و نماینده‌نویس صاحب نامی بود و در

همسایگی هم زندگی می‌کردند و همچنین با داکلاس هاید^{۲۲} که او نیز از نویسندگان شیفته ادبیات عامه بود، آشنا شد. آنها طی سالهای بعد با کانون کالیک^{۲۳} همکاری نزدیکی را آغاز کردند. اما آنچه به این شوق‌های پراکنده جهتی درست داد ملاقات و نشستی بود که در سال ۱۸۹۸ در خانه‌ای واقع در ساحل گالوی در غرب ایرلند میان ویلیام باتلریتر، ادوارد مارتین و بانو گریگوری دست داد و برآستی در تاریخ تناتر ایرلند در حکم آغاز تحولی بود. فکر بوجود آوردن تناتری ملهم از فرهنگ ملی ایرلند سالها بود که ذهن بیتز را بخودمشغول داشته بود، اگرچه کوشش‌هائی برای ایرلندی شدن نمایشنامه‌ها در آثار نمایشنامه‌نویسانی چون شرایدن^{۲۴} و گلداسمیت^{۲۵} و برخی دیگر از نویسندگان ایرلندی تبار انجام گرفته بود لیکن همچنان تناتر ایرلند هویت خاص خود را نیافته بود.

بهر حال این فکر در دیدار بیتز، مارتین و گریگوری به شور گذاشته شد و در دستور کار آنان قرار گرفت بیتز توجه گریگوری را به ارزش‌های فرهنگی هنر نمایش عمیقاً جلب کرد و از این زمان بانو گریگوری با تمام توش و توان خود به خدمت در راه تناتر ایرلند صمیمانه همت گماشت و به عنوان دوست نزدیک، حامی و همکار بیتز عمیقاً در احیاء ادبیات ایرلند سهمی بسزا ایفا نمود.

به زودی نویسنده دیگری بنام جورج مور^{۲۶} (پسرعموی ادوارد مارتین) به این گروه پیوست، مور سالها در پاریس زندگی کرده بود و با تناتر آندره آنتوان^{۲۷} از نزدیک آشنائی داشت.

بهرحال این افراد موفق شدند در سال ۱۸۹۸ با انتشار بیانیه‌ای تشکیل انجمن تناتر ادبی ایرلند^{۲۸} را اعلام نمایند. در بیانیه فوق از تمامی نویسندگان ایرلند دعوت شده بود تا با پرداختن به موضوع‌ها و مضامین ایرلندی آثاری خلق کنند که بتوانند افکار و احساسات عمیق ملت ایرلند را بیان کنند. انجمن تناتر ادبی ایرلند در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۴ با تأسیس تماشخانه‌ای به گنجایش پانصد نفر واقع در دوبلین و تحت عنوان تناتر «ابی»^{۲۹} با نمایشنامه‌های کاتلین نی‌هولی‌هان^{۳۰} اثر بیتز خبرپراکنی^{۳۱} از بانو گریگوری و در سایه دره^{۳۲} اثر جان می‌لینگتون سینگ^{۳۳} کار خود را آغاز کرد و دوران تازه‌ای در تناتر ایرلند گشوده شد.

بانو گریگوری از بدو تأسیس تناتر ابی بدلیل مجذوبیت در فعالیت‌های متنوع تناتر علاوه بر نویسندگی فعالیت‌های گوناگونی همچون جمع‌آوری پول، کار به عنوان مدیر صحنه، انجام امور مالی تناتر، همراهی با گروه‌های اجرا به هنگام سفر را نیز عهده‌دار بود. بعدها، یعنی در سال ۱۹۱۳ بانو گریگوری کتابی نگاشت تحت عنوان «تناتر ایرلندی ما»^{۳۴} که گزارشی است از تأسیس تناتر و فعالیت‌های آن.

اما پیردازیم به نمایشنامه‌های او، بانو گریگوری کار خود را به عنوان نمایشنامه‌نویس در سنین پنجاه سالگی آغاز کرد. او بالغ بر ۳۰ نمایشنامه نوشت که اکثراً تک‌پرده‌ایهائی هستند با



یک صحنه از نمایشنامه «عروسی» اثر ویسپیانسکی کارگردان: آدام هانوشکیه ویچ، لهستان

شخصیت‌هایی محدود و کاملاً ملهم از فرهنگ سرزمین ایرلند. بخش عمده آثار وی تا سال ۱۹۱۴ یعنی دهه‌ای که بیشترین دستاوردهای تناتر ابی به منصفه ظهور رسیده بود نگاشته شد. از نمایشنامه‌های این دوران از فعالیت او می‌توان از: طناب پیچ^{۴۰}، بیست و پنج^{۴۱}، خیرپراکنی^{۴۲}، کینکورا^{۴۳}، نشان سفید^{۴۴}، دکتر قلابی^{۴۵}، کرانیا^{۴۶}، دروازه زندان^{۴۷}، زاغچه^{۴۸}، طلوع ماه^{۴۹}، نوانخانه^{۵۰}، دروچیل^{۵۱}، ته‌جا^{۵۲}، نگهبان کارخانه^{۵۳}، خیال^{۵۴}، مرد مسافر^{۵۵}، میراندولینا^{۵۶} (برگردان ۱۹۲۴)، ماه کامل^{۵۷}، کت‌ها^{۵۸}، نمایش میلاد^{۵۹}، ناجی^{۶۰}، همسر مک‌دونا^{۶۱} و شانوالا^{۶۲} نام برد. در آثار او شوخی ملایم و لطیف آمیخته با طنز، شعر و تخیل، شفقت نسبت به دهقانان ایرلند به‌مراه لهجه کیلتارتان ایرلند غربی که او بدان نگارش می‌کرد و به نمایشنامه‌های او کیفیت ویژه زبان سلتی را می‌بخشید وجوه مشخص آثار وی محسوب می‌شوند. او نمایشنامه‌هایی همچون ادیپ شهریار^{۶۳} اثر سوفکل و نیرنگ‌های اسکاپن^{۶۴} اثر مولیر را به زبان ایرلندی برگردان کرد. او همچنین کتابهایی درباره تاریخ شعر و فولکلور بعلاوه بیوگرافی با نام «زندگی و دستاوردهای هوگ‌لین»^{۶۵} را نگاشت. از نمایشنامه‌های دیگر او می‌توان از سوگند هانرها^{۶۶}، سیب طلائی^{۶۷} (برای کودکان ۱۹۱۶)، اژدها^{۶۸}، لوده^{۶۹}، خاطرات زن کهنسال^{۷۰} در میدان اسب‌دوانی^{۷۱}، استا سانچو^{۷۲} دی و^{۷۳}، کلن و کایر

۱۹۳۱^{۵۹} نام بُرد ، علاوه بر آثار ذکر شده بانو گریگوری بیتز را در نگارش نمایشنامه های کاتلین نی هولی هان، دیزی آبگوشت^{۱۹۰۲} ، آنجا چیزی نیست^{۱۹۰۲} ، ساعت شنی^{۱۹۰۲} ، بارگاه شاه^{۱۹۰۳} ، اسب تك شاخ و ستارگان^{۱۹۰۳} باری کرد .

بانو گریگوری در تاریخ بیست و دوم ماه مه ۱۹۳۲ در حالیکه هشتاد سال از عمرش می گذشت در خانه اش واقع در ناحیه گول در ایرلند چشم از جهان فرو بست .

1. Lady Augusta Gregory

2. Abbey Theatre

3. Roxborough

4. Galway

5. Isabella Augusta Persse

6. Dudley Persse

7. Sir William Gregory

۸. Gaeltic Language، شاخه‌ای از زبان هند و اروپایی است که دارای قدمتی تاریخی می‌باشد، نشانه‌ها حاکیست که تاریخ آن به حدود ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد در ایرلند می‌رسد.

۹. ویلیام باتلر ییتز William Butler Yeats شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرلندی ۱۸۶۵-۱۹۳۹ م

10. The Land of Heart's Desire

11. Edward Martyn (۱۸۵۹-۱۹۳۱)

۱۲. Douglas Hyde، محقق، زبان‌شناس و نمایشنامه‌نویس ایرلندی ۱۸۶۰-۱۹۴۹ م

13. Gaeltic League

۱۴. ریچارد برینسلی شرایدن Richard Brinsley Sheridan (۱۷۵۱-۱۸۱۶)

۱۵. الیور گلداسمیت Oliver Goldsmith (۱۷۷۴-۱۷۳۰) م.

۱۶. George Moore، شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرلندی ۱۸۵۲-۱۹۳۳ م.

۱۷. Aider Antione، ۱۸۵۹-۱۹۴۳ م

18. Irish Literary Theatre

۱۹. چون این بنا در خیابان Abbey قرار داشت به تئاتر ابی Abbey Theatre معروف شد.

۲۰. Cathleen Houlihan این نمایشنامه را ییتز با همکاری گریگوری نگاشت.

21. Spreading the News.

22. In the Shadow of the Glen

۲۳. جان میلینگتون سینگ John Millington Synge نمایشنامه‌نویس ایرلندی ۱۸۷۱-۱۹۰۹ م.

24. Our Irish Theater.

۲۵. The Twisting of the Rope، یا تاب دادن طناب، نسخه انگلیسی این نمایشنامه متعلق به داکلاس هاید مؤسس

کانون احیای زبان کالبیک است.

26. Twenty-five

27. Spreading the News

28. Kincora

29. The White Cockade

- 30 *The Doctor in Spite of Himself*
- 31 *Grania*
- 32 *The Gaol Gate*
- 33 *The Jackdaw*
- 34 *The Rising of the Moon*
- 35 *The Poorhouse*
- 36 *Dervorgilla*
- 37 *Teja*
- 38 *The Workhouse*
- 39 *The Image*
- 40 *The Travelling Man*
- 41 *Mirandolina*
- 42 *The Full Moon*
- 43 *Goats*
- 44 *Nativity Play*
- 45 *The Deliverer*
- 46 *Mc Donoughs Wife*
- 47 *Shanwalla*
- 48 *Oedipus Rex*
- 49 *The Rogueries of scapin*
- 50 *Hugh Laras life and Achievenets*
- 51 *Henraharis Oath*
- 52 *The Golden Apple*
- 53 *The Dragon*
- 54 *The Jester*
- 55 *The old Women Remembers*
- 56 *On The Racecourse*
- 57 *Sancho's Master*
- 58 *Dave*
- 59 *Colman and Guaine*
- 60 *The Pot of Broth*
- 61 *Where There is Nothing*
- 62 *The Hourglass*
- 63 *The Kings Threshold*
- 64 *The Unicorn from the Stars*

منابع

- 1 *Mc Graw- Hill Encyclopedia of World Drama(vol2)*
- 2 *A Dictionary of the Theatre. John Russell Taylor*

۳. کتاب سخن، مجموعه مقالات، عصر طلایی تئاتر ایرلند، وکن الدین خسروی، تهران انتشارات علمی ۱۳۶۶.

Frank Wedekind

۱۸۶۲-۱۹۱۸ م

فرانک وده کیند

بنیامین فرانک وده کیند^۱ در ۲۴ ژوئیه ۱۸۶۴ در هانور^۲ آلمان بدنیا آمد.

پدرش یک فیزیکدان مبارز و آزادیخواه بود که بدلیل اعتقادات سیاسی اش همواره با حکومت وقت در ستیز بود، وی پس از آنکه مدتی را در زندان گذراند از پس انقلاب ماه مارس ۱۸۴۸ در آلمان دوره محکومیتش پایان رسید و آزاد شد، او از این فرصت استفاده کرد و سفری به آمریکا رفت. در شهر سانفرانسیسکو با امیلی کامر^۳ که آوازه خوان خوش قریحه ای بود ازدواج کرد و سپس به آلمان بازگشت. بنیامین فرانک ثمره این وصلت بود. اما کودکی وی چندان در آرامش سپری نگردید، چرا که این سالها مصادف بود با بقدرت رسیدن بیسمارک^۴ بعنوان صدر اعظم، اندیشه اتحاد سرزمین آلمان، آغاز یک سلسله جنگ میان آلمان و دانمارک در سال ۱۸۷۱ - ۱۸۷۰ م. پدر وده کیند بعزت شرایط سیاسی که داشت ناگزیر به همراه خانواده اش به کشور سوئیس مهاجرت کردند. خواندن و نوشتن را فراگرفت، آنگاه او را به یک مدرسه شبانه روزی سپردند. بزودی وی قریحه و استعدادش را در آموختن نشان داد. بخصوص قیابش را بمطالعه کتب گوناگون در زمینه های هنر و ادبیات.

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۸۸۴ وارد دانشگاه لوزان Lozan شد اما بزودی راهی مونیخ گردید و بنا برخواست پدرش، تحصیلات خود را در رشته حقوق دانشگاه مونیخ دنبال کرد. اینبار نیز عدم علاقه اش به این رشته سبب گردید وی پس از مدتی، تحصیل حقوق را رها کند و به دنبال کارهای ادبی و هنری برود، یکبار بخاطر اهانت بمقام سلطنت به زندان افتاد پس از مدتی



فرانک وده کیند

روزنامه‌نگاری و همکاری با یک آژانس تبلیغاتی، مدتی هم برای سیرکها و کاپاره‌ها کارهای نمایی کرد، در حوالی سال ۱۸۹۷ بمدت چند سال بکار هنریشگی و تهیه فیلم مشغول گردید. اما جریان عمده در این سالها جنبش تئاتر ناتورالیستی^۱ بود که در فرانسه و آلمان روز بروز گسترش بیشتری می‌یافت. آشنائی وده‌کیند با گره‌های هاپتمن^۲ و آثار او سبب گردید تا وی یک سلسله مطالعه بر روی آثار هنریک ایبسن^۳ و اگوست استریندبرگ^۴ به عمل آورد. و نیز در مونیخ مدتی با شاعران بوهمی^۵ حشرو نشر یافت که حاصل آن یک منظومه شعرست تحت عنوان «چهار فصل»^۶ و یک نوول هم بعدها نگاشت تحت عنوان ماین‌هاها^۷ (۱۹۰۰).

اما پیردازیم به آثار تئاتری وده‌کیند، نخستین نمایشنامه‌ای که درهای شهرت را بر وی او گشوده اثرست تحت عنوان «بیداری بهار»^۸ که در سال ۱۹۰۱ متن آن نوشته شد و در نوامبر ۱۹۰۶ در برلین بصحنه رفت و با استقبال چشمگیر روبه‌رو شد و بگونه‌ای فاشاگران را تکان داد. وده‌کیند در این اثر با تکیه بر احساساتی مبتنی بر عشق و غلاتق جنسی، پرده از تربیتی نادرست که در

برخی از خانواده‌های انزمان رایج بوده برمی دارد و با مطرح ساختن مسائل مربوط به دوران بلوغ در جوانان روش‌های تعلیم و تربیت رایج میان والدین و برخی از مراکز تعلیم و تربیت را مورد انتقاد قرار می دهد. برای آشنائی با نحوه نگرش نویسنده به این مسئله خلاصه این نمایشنامه را به اختصار نقل می کنم.

وندلا برگمان^{۱۶} دختر چهارده ساله ایست که بر اثر راهنماییهای غلط مادر خود اینطور عقیده پیدا می کند که امر زایمان در نتیجه عشق سوزان صورت می گیرد. این افغانات برور سبب می شود که وی تحت تأثیر احساسات خود فریفته جوانک محصلی که بوی اظهار علاقه کرده است می شود و خویشان را در اختیار وی می گذارد. ملکور^{۱۷} بدلیل آنکه توضیحاتی درباره امور جنسی به هم کلاسی خود مورتیس اشتیفل^{۱۸} داده است از سوی مقامات از مدرسه اخراج می شود و بعد هم در يك تنگنای عاطفی دست به خودکشی می زند.

وندلا هم پس از چندی به بستر بیماری می افتد و مادرش می فهمد که او طفلی در شکم دارد. اما دختر بر اثر بدآموزیهای اطرافیان و هم چنین کم توجهی در اثر سقط جنین فوت می کند. والدین ملکور نیز وقتی فرزندشان را در شرایط روحی بحرانی می بینند او را به مؤسسه ای تربیتی می فرستند اما ملکور خیلی زود از آنجای گریزد و خود را به قبرستان می رساند. در آنجا ملکور با شیخ مورتیس اشتیفل مواجه می شود و سرانجام نمایشنامه با دیوانگی ملکور بگونه ای غم انگیز به پایان می رسد.

قبل از این اثر وده کینند نمایشنامه های دیگری تحت عناوین نقاش تمام عیار^{۱۹} ۱۸۸۹ و «دنیای جوان»^{۲۰} در سال ۱۸۸۹ را نگاشته بود. عموماً آثاری که وده کینند تا سالهای ۱۹۰۳-۴ نگاشت در حال و هوای مکتب سمبولیک^{۲۱} هستند این آثار عبارتند از جن^{۲۲} (روح زمین) ۱۸۹۳، تنور ۱۸۹۷، «مارکیوکیست»^{۲۳} (اتوبیوگرافی) ۱۹۰۱-۱۹۰۰، جعبه پاندورا^{۲۴} ۱۹۰۱، شاه نیکوس یا زندگی چنین است^{۲۵} ۱۹۰۱ و مهردادو^{۲۶} ۱۹۰۳.

طی سالهای ۱۹۰۲ وده کینند سفرهایی به فرانسه، انگلستان و سوئیس کرد و از نزدیک با تئاتر این کشورها آشنا شد و بر آموخته های خود چیزهای فراوانی افزود، برور علاقتش در خلق آثار هنری بطرف مکتب اکسپرسیونیسم^{۲۷} تغییر جهت داد و بعدها نمایشنامه هائی نگاشت که از بهترین نمونه های این شیوه تئاتری محسوب می شود. لازم به توضیح است که اکسپرسیونیسم در تئاتر بشکلی به مقابله با تئاتر ناتورالیستی قد علم کرد، و در زمان خود تحرك نوینی در تئاتر بوجود آورد. اگر تئاتر ناتورالیسم نشان می داد که تا چه اندازه انسان محصول محیط، جامعه، خانواده و توارث است. اکسپرسیونیسم دیگر این رابطه جبری را نمی پذیرفت. در این تئاتر انسان می بایست فعال و پر تحرك باشد، با شور و احساس انسانی خود، جهان را تغییر دهد و زندگی کند. این مکتب

جدید بالاخص بعد از جنگ جهانی اول در زمینه‌های مختلف به اوج اعتلای خود رسید. بهر حال در حال و هوای این مکتب جدید و ده‌کیند موضوعات بی شماری را برای تئاتر خود بافت. خاصه مسائل و مباحث نسل تازه‌ای که قدم به قرن بیستم گذاشته بود و همراه با نیروی دگرگون کننده عشق و بیان حالات درونی شخصیت‌ها چشم‌اندازهای تازه‌ای را برای خود جستجو می کرد. این مضامین در آثار و ده‌کیند به غایش در آمدند. پرستلی درباره ده‌کیند نظری ابراز می دارد که خواندنست. او می گوید «اما بهر حال ولو با احترامی آمیخته با بی مبلی باید از او یاد کرد. چون صرف به قوه ابتکار راهی را برای درامی که می بایست پس از مرگش که سال ۱۹۱۸ روی داد. نوشته می شد کشود. او در مقام يك دبه باروت درشت دانه اما مؤثری که در زیربنای تئاتری کار گذاشته شد و منجر به انفجاری عظیم گشت باید از صمیم قلب مورد ستایش و تجلیل قرار گیرد».^۷

بهر حال کارهای دوره نخست و ده‌کیند آمیخته با حال و هوای سیاسی آن روزگار آلمان است این نظر را زیگفريد ملشنگر^۸ چنین بیان می کند «اگر بخواهیم به رخدادهای آن زمان پی ببریم، باید دلایل شناور بودن در سیاست را جستجو کنیم. باید دلیل از میان رفتن مرزهای خصوصی و عمومی را بیابیم و باید درك کنیم که چرا مناسبات میان هنر و واقعیت آن چنان مبهم و نامعلوم بود. این که درامهای مزبور جامعه معینی را به باد انتقاد نمی گیرند خود دلیلی است بر انقلابی بودن آنها. گرچه این انقلابسکری بدو آنارشستی و نهیلستی متجلی می شود. خوب می بینم که این تئاتر به صورت چشمگیری با سایر هنرهای زمان خود که تمایلات تخریبی هم داشتند هماهنگی دارد. اما پردازیم به دیگر غابشنامه‌های و ده‌کند که عبارتند از: هیدالا^۹ (۱۹۰۴-۵)، لولا^{۱۰} (۱۹۰۵)، رقص مرگ^{۱۱} (۱۹۰۵)، مرگ و نفرین^{۱۲} (۱۹۰۵)، موسیقی^{۱۳} (۱۹۰۶)، سانسور^{۱۴} (۱۹۰۷)، اوها، ساتیر (۱۹۱۱)، کاخ ویتراشتاین^{۱۵} (۱۹۱۰)، آلن ساتلین‌گرخت^{۱۶} (۱۹۱۰)، آلن و سرن کوبش^{۱۷} (۱۹۱۰)، آلن هاندن هنرت^{۱۸} (۱۹۱۰)، فرانسیسکا^{۱۹} (۱۹۱۱)، سامسون، شرمساری و حسادت^{۲۰} (۱۹۱۳)، فیلکس و کالاتنا^{۲۱} (۱۹۱۴)، جغد شیشه‌ای^{۲۲} (۱۹۱۶)، بیسمارک^{۲۳} (۱۹۱۷)، هرکول^{۲۴} (۱۹۱۷).

از سال ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول بوقوع پیوست و شعله‌های آن بخش وسیعی از اروپا را در برگرفت و با توجه به این امر که کشور آلمان محور اصلی این اتفاق ناگوار بود و در ابتدا نیز پیروزیهای چشمگیری نصیب نیروهای این کشور گردیده بود، و ده‌کیند شروع به نگارش يك سری مقالات ناسونالیستی نمود که هنوز موجود است. اما تقدیر گویا چنین می خواست که او عمرش به دوران جمهوریت آلمان نپاید. در نهم مارس ۱۹۱۸ یعنی همان سالیکه جنگ جهانی اول پایان رسید. فرانک و ده‌کیند در سن ۵۴ سالگی در مونیخ چشم از جهان فروبست.

1_ Frank Benjamin wedekind

۲- Hanovre نام یکی از ایالت‌های سابق پروس و نیز نام شهر، در آلمان.

3_ Emilie Kammerer

۴- اوتو فن بیسمارک Otto Von Bismarck . سیاستمدار معروف پروس ۱۸۶۲-۱۸۱۵ م وی صدر اعظم ویلهلم اول گردید (۱۸۶۲) و او یکی از مؤسبین وحدت آلمان است.

5_ Aarau

6_ Naturalisme

۷- گرهارد هاپتمن Gerhart Hauptmann نمایشنامه‌نویس آلمان ۱۸۶۲-۱۹۴۶ م

8_ Henrik Ibsen (۱۸۲۸-۱۹۰۶ م)

9_ August Strindberg (۱۸۴۹-۱۹۱۲)

۱۰- بوهم Bohem اصلاً نام ناحیه‌ای در چکسلواکی است که شهر عمده آن پراگ می‌باشد. این ناحیه سال ۱۵۴۵ حکومتی تابع امپراتوری ژرمانی داشت سپس با سلطنت اتریش متحد گردید. (تا سال ۱۹۱۹)، معاهده سن ژرمن آنرا بخشی از چکسلواکی قرار دارد. (فرهنگ فارسی معین، اعلام جلد پنج)

11_ The Four Seasons (Die Vier Jahreszeiten

12_ Mine haha

13_ Springs Awakening]

14_ Wendia Bergmann

15_ Melchior

16_ Moritz Stiefel

17. The Wholesale Painter, or Art for Profit

18. The world of youth

19. Samboic

20. Earth Spirit (Der Erdgeist)

21. Tenor

22. The Marquis of kelth

23. Pandora's Box

24. king Nicholad or Such is Life

25. The Love Potion (Liebestrank)

۲۶. اکسپرسیونیسم Expressionnisme، جنبشی در ادبیات، نقاشی و تئاتر. این جنبش مبتنی بر اظهار عواطف و احساسات به آزادی تمام است و اندکی قبل از جنگ جهانی در آلمان بوجود آمد. پیروان این مکتب احساس می‌کردند که روح و ذهن بشر بر اثر ماشینسم تمدن نافرستوده و به بطالت کشانده شده است و جریانهای هنری معاصر صرفاً به کپیبرداری و بیان واقعیات اساساً غیرحقیقی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر کوشش هنرمند معرف نمایش دادن حقایقی گردید که بر حسب احساسات و تأثرات شخصی خود درک کرده است. اکسپرسیونیسم در تئاتر در مخالفت با نقش انفعالی هنرمند و مشاهده جزئیات زندگی روزمره در اسلوب ناتورالیسم و ثبت حالات روحی در اسلوب اکسپرسیونیسم برخاست. پیروان این سبک بدبینی ناتورالیست‌ها را رد کردند و اعتقاد به تجلید حیات معنوی بشر داشتند و از تئاتر به عنوان وسیله‌ای

برای تبلیغ و ترویج عقاید خود سود جستند و در غاپشنامه‌های خود به توصیف مبارزهٔ درونی بشر برای نیل به دگرگونی روحی و بازسازی خویشتن پرداختند.

۲۷. سیری در ادبیات غرب، اثر جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، سازمان جیبی.

۲۸. زیگفرید ملشینگر *Siegfried Melchinger*. تاریخ تئاتر سیاسی، جلد دوم ترجمه سعید فرهودی، تهران،

انتشارات سروش صفحه ۸۶

29. *Hidalla*

30. *Lulu*

31. *The Dance of Death*

32. *Music*

33. *The Censor*

34. *Oaha, The Satire on Satire*

35. *Castle Wetterstein*

36. *In allen Satteln gerecht*

37. *In allen wassern gwaschen*

38. *Mit allen Hunden gehetzt*

39. *Francesca*

40. *Samson, or shame and jealousy*

41. *Till, the Owlglass*

42. *Bismarck*

43. *Hercules*

منابع

1. *World Drama, Mc Graw Hill Encyclopedia Vol4*

2. *Dictionary of the theatre John Russell Taylor*

۳. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران سازمان کتابهای جیبی

۴. معنای رئالیسم معاصر، کنورک لوکاچ، ترجمه فریبرز سعادت، تهران انتشارات آگاه.

۵. فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر

Miguel de Unanuno

۱۸۶۴-۱۹۳۶ م.

میگل داوناونو

میگل داوناونو در ۲۹ سپتامبر ۱۸۶۴ در بیلبانو^۱ واقع در شمال اسپانیا و یکی از مراکز صنعتی و فرهنگی ناحیه^۲ باسک^۳ بدنیا آمد، دو اتفاق مهم در دوران کودکی رخ داد، اول مرگ پدرش زمانی که او شش سال بیشتر نداشت و دوم آشوب و بحران داخلی کشورش بین هواداران سلطنت و جمهوریخواهان تا آنجا که در سال ۱۸۷۳ زمانی که او ۹ ساله بود شاهد محاصره شهر زادگاهش بیلبانو بود.

بعدها اوناونو نخستین داستان^۴ش را تحت عنوان «صلح در جنگ»^۵ را ملهم از این ماجرا نگاشت. بهر حال اوناونو تا پایان دوران متوسطه در زادگاهش ماند آنجا که در سال ۱۸۸۰ برای ادامه تحصیل راهی مادرید شد و در مادرید به دانشگاه رفت و تحصیلاتش را در فلسفه، ادبیات و زبان لاتین دنبال کرد. در سال ۱۸۸۴ پس از اخذ درجه دکترا به زادگاهش بازگشت و تا سال ۱۸۹۱ در همانجا به تدریس، مطالعه و نوشتن مقالاتی مشغول بود، در همین سال بار دیگر به مادرید رفت و بنابر پیشنهاد مقامات دانشگاهی^۶ گرسی زبان و ادبیات یونانی دانشگاه سالامانکا^۷ که از دانشگاههای قدیمی و معتبر اروپاست به او داده شد، در سالامانکا اوناونو این فرصت را یافت تا تحقیقات خود را به صورت جدی تر ادامه دهد و به کشف تواناییهای خود نائل آید. او علیرغم عقاید دورن دانشجوییش که معتقد بود اسپانیا می بایست در همه زمینه ها کاملاً اروپائی شود و سنت ها را بدور بریزد، در آثاری که طی سالهای ۱۸۹۷ تا ۱۹۰۵ نگاشت به این نتیجه رسید که افکار گذشته اش حاکی از جوانی و کم تجربه گی بود. و سن و آداب سرزمینش را بسیار



اونامونو

محترم و در خور مطالعه یافت، آثار این سالهای او عبارتند از نمایشنامه زخم ۱۸۹۹^۵، مجموعه سه مقاله^۶ ۱۹۰۰، عشق و آموزش^۷ ۱۹۰۲، نمایشنامه رویاهای پوچ^۸ ۱۹۰۳ و زندگی دن کیشوت و سانچو^۹ ۱۹۰۵.

اما آثار مهم وی که در خارج از اسپانیا نیز شهرتی فراوان یافت کتاب «مفهوم تراژیک زندگی»^۱ است که در سال ۱۹۱۳ انتشار یافت و بفاصله چند سال ترجمه های فراوانی از این اثر به سایر زبانهای زنده جهان صورت گرفت، بین سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۳ اونامونو آثار دیگری نیز خلق کرد که عمده ترین آنها مجموعه اشعار^{۱۱} ۱۹۰۷، نمایشنامه فدر^{۱۲} اقتباس از اثر اورپید^{۱۳} نمایشنامه نویس یونانی، خاطرات کودکی و جوانی^{۱۴} ۱۹۱۱، گلزار غزل^{۱۵} ۱۹۱۱ و یک سفرنامه تحت عنوان سیری در پرتقال و اسپانیا^{۱۶} ۱۹۱۱. در سال ۱۹۱۴ بعزت کشمکش های سیاسی از ریاست دانشگاه سالامانکا معزول شد، او تا سال ۱۹۲۳ به سیر و سفر و نیز به تدریس و مباحثه و زمانی درگیر مباحث سیاسی بود نمایشنامه تنهانی^{۱۷} را در سال ۱۹۲۱ نگاشت و در سال ۱۹۲۳ پس از

کودتائی که توسط ریورا^{۱۸} علیه آلفونسوی سیزدهم^{۱۹} در اسپانیا انجام گرفت به مجمع الجزایر قناری تبعید شد، پس از چندی توسط دوستانش وسائل فرار او به فرانسه تدارک دیده شد. بهرحال سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۲۴ را اونامونو دور از وطن در تبعید بسر بُرد. یکی از معروفترین نمایشنامه‌هایش را اونامونو با نام «دیگری»^{۲۰} در ۱۹۲۶ در زمان اقامتش در تبعید نگاشت. در سال ۱۹۳۰ هنگامی که در اسپانیا حکومت جمهوری اعلام گردید اونامونو که به خاطر سالها مبارزه و تبعیدش در ایام دیکتاتوری در زمره آزادیخواهان رانده از وطن محبوبیتی فراوان داشت، پیروزمندانه به کشورش بازگشت و دیگر بار در مقام ریاست دانشگاه سالامانکا شروع بکار کرد.

نمایشنامه مده‌آ^{۲۱} اقتباسی از اثر اورپیید را در سال ۱۹۳۳ نگاشت. یکسال بعد یعنی در سال ۱۹۳۴ از سمت استادی بازنشسته شد و به ریاست مادام‌العمر دانشگاه سالامانکا منصوب گردید. اما دیری نپائید که با رژیم جمهوری نیز ابراز مخالفت کرد، بگفته صاحب‌نظری: «مواضع سیاسی‌اش در این سالها بدرستی روشن نبود. وی قام عمرش را بگونه‌ای در ستیزه و تناقض درونی و بیرونی گذراند، و هسته اصلی اندیشه و آثارش و نیز اهمیتش نیز در همین تنازع درونی او نهفته است، او طی سالها نه با راست‌گرایان کنار آمد و نه با چپ‌ها، نا با ایمان و نه با کفر. در ریع آخر عمر خود شدیداً تحت تأثیر آثار گیرکه‌گور^{۲۲} یکی از پیشگامان اندیشه‌اگزستانسیالیسم قرار گرفت»^{۲۳}. او به چندین زبان زنده اروپا مسلط بود و با شوری شاعرانه می‌نوشت، جی‌بی‌پرستلی درباره‌ او چنین اظهارنظر می‌کند: او انسان را نه بصورت واقع خود یعنی بصورت فردی می‌بیند که همیشه از مرگ آگاه و حتی در دورترین زوایای وجود خود تشنه و آرزومند جاودانگی است. فکر تحلیلی و عقل خرده‌گیر وی فقط رد و انکار آنچه را که فردیت اصلی وی به رغم هر استدلال و تعقلی مطالبه می‌کند، این دوگانگی و شقاق شدید و این جنگ بی‌پایان میان عقل و ایمان است که مفهوم تراژیک زندگی برای آدمی به ارمغان می‌آورد. برخوردی که اونامونو از طریق مرگ با موضوع مورد بحث دارد مانند اصرای که بر فرد در مقام انسانی عادی و سراپا شهوت به خرج می‌دهد فوق‌العاده اسپانیایی است»^{۲۴}.

بنا بگفته خودش می‌کوشد در آثارش نگاهی به راز عمیق روح و وجدان آدمی بیندازد. « در سال ۱۹۳۶ اونامونو بار دیگر بنا بر دلایل سیاسی از مقام دانشگاهیش عزل شد چند ماه بعد زمانیکه اسپانیا در بحبوحه جنگ داخلی قرار داشت در سن هفتادودو سالگی بر اثر سکت قلبی چشم از جهان فرو بست.

1. Bilbao
2. Basque
3. Dece in war
۴. Salamanca، شهری در غرب اسپانیا، و دارای دانشگاهی قدیمی و مشهور، سالامانکا در اواخر قرون وسطی و در دورهٔ رنسانس مرکز فرهنگی اسپانیا و منبع علوم الهی در این سرزمین بود.
5. The Bandage
6. Three Essays
7. Love and Pedagogy
8. Dream Shadows
9. The life of Don Quixote and Sancho
۱۰. مفهوم تراژیک زندگی با سرشت سوگناک زندگی *The Tragic Sende of Life*، اثر میگل داونامونو ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران انتشارات امیرکبیر.
11. Poems
12. Phaedra
۱۳. اورپید *Euripides*، نمایشنامه‌نویس یونانی ۴۰۷-۴۰۴ پیش از میلاد
14. Memories of chidhood and youth
15. Rosary of Lyric Sonnets
16. Throught Portugol and Spain
17. Solitude
18. Rivera
19. King Alfonso XIII
20. The other
21. Medea
۲۲. سورن ابی گیرکه گور *Soren Aabye Kierkegaard* ۱۸۵۵-۱۸۱۳ م.
۲۳. مقدمه هابیل و چند داستان دیگر، میگل داونامونو ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران امیرکبیر.
۲۴. سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، جیبی.

منابع

1. World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia Vol4.
۲. درد جاودانگی، نوشته اوناامونو ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران امیرکبیر ۱۳۶۰
۳. هابیل و چند داستان دیگر، اثر میگل داونامونو ترجمه بهاءالدین خرمشاهی (مقدمه)، تهران انتشارات جیبی.
۵. سرشت سوگناک زندگی، میگل داونامونو ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران امیرکبیر.

Stanislaw Wyspianski

استانیسلاو ویسپیانسکی ۱۹۰۷-۱۸۶۹ م

استانیسلاو ویسپیانسکی خالق درام مدرن لهستان در پانزدهم ژانویه ۱۸۶۹ در کراکو^۱ دنیا آمد. پدرش مجسمه سازی هنرمند بود و در پرورش فرزند سعی تمام مبذول داشت. تشویق‌های خانواده سبب گردید که او در نقاشی، طراحی و همچنین کار بر روی شیشه‌های رنگین بسیار متبحر شود. ویسپیانسکی پس از گذراندن دوره دبستان و دبیرستان وارد دانشگاه کراکو شد و در آکادمی هنرهای زیبا، تحت نظر «جان ماتی جکو»^۲ شروع به تحصیل کرد، آنگاه با اخذ بورسیه‌ای برای ادامه تحصیل در رشته هنر و معماری از ۱۸۹۰ تا ۱۸۹۴ را در پاریس گذراند. پس از بازگشت به کشورش همچنان در کراکو مستقر شد و کارهای ادبیش را دنبال کرد.

اگرچه عمر او چندان نپایید تا هرچه بیشتر بر گنجینه ادبیات کشورش بیافزاید و در اوج خلافت‌های ادبی در سن ۳۸ سالگی چشم از جهان فروست. با اینحال در همین مجال کم، پیگیر و خلاق بیست‌ونه شعر غنائی، دو شعر حماسی، کازیمیر کبیر^۳ ۱۹۰۰ و بولسلاو بی‌باک^۴ ۱۹۰۲، قریب بیست نمایشنامه بلند، چندین قطعه دراماتیک، چند اقتباس از جمله از سید^۵ ۱۹۰۷ اثر کورنی وزائر^۶ اثر ولتر، به اضافه یک مقاله بلند درباره هملت، از او بر جای مانده است. ویسپیانسکی در سال ۱۹۰۵ بخاطر شایستگی و آثار ارزشمندش به عنوان پروفیسور در آکادمی کراکو برگزیده شد. او برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویس گروه لهستان جوان^۷ که نهضتی نئورومانتیک^۸ و سمبولیک به شمار می‌رفت بود و به عنوان بنیانگذار تئاتر مدرن لهستان عمدتاً متأثر از اسلواکی^۹، تراژدیهای یونان باستان، آثار ویلیام شکسپیر و تئاتر سنتی و عروسی لهستان بود. تکنیک‌هایی که او در آثارش



بکار گرفت بسیار متنوع است و ابعاد آن دربرگیرنده استفاده از شیوه تئاتر در تئاتر، ظهور بازیگران ماسک‌دار، بکارگیری تمثیل‌های گوناگون و مجسمه‌های سخنگو می‌باشد، او کراراً افسانه‌های یونان باستان را به صورت اجراهایی امروزی درآورد و از گروه کُر به شیوه یونان باستان بهره گرفت. چندین نمایشنامه او براساس اساطیر یونان نگاشته شده است. ملیکر^{۱۱} «انتشار ۱۸۹۸ اجرا ۱۹۰۸» «پروتسیلاس و لودامیا»^{۱۲} انتشار ۱۸۹۹ اجرا ۱۹۰۳، آشیل^{۱۳} «انتشار ۱۹۰۳، اجرا ۱۹۲۵ و بازگشت اودیسه»^{۱۴} نگارش ۱۹۰۵، اجرا ۱۹۱۷، چهار نمایشنامه دیگر او به آداب و سنن قدیمی مردم لهستان و بخصوص کراکو می‌پردازد، دو تفسیر از «یک افسانه»^{۱۵} (شماره اول انتشار ۱۸۹۷، اجرا ۱۹۰۵) (شماره دوم، انتشار ۱۹۰۴، اجرا ۱۹۲۷) به زندگی آمیخته با افسانه کراکوس شاه^{۱۶} پرداخته و در بولسلاو بی‌باك^{۱۷} ۱۹۰۳ کشمکش بر سر قدرت ترسیم شده است و در نمایش‌نامه تخته سنگ^{۱۸} تألیف ۱۹۰۵، اجرا ۱۹۵۸، ادامه مباحث پیشین دنبال گردیده.

چهار نمایشنامه دیگر او بر اساس حوادثی که از شورش‌های قرن نوزدهم در لهستان رخ داده است الهام گرفته شده. در نمایشنامه سرود ورشو^{۱۸} ۱۸۹۸ و سپیانسکی برای نخستین بار تکنیک فضای ماورای صحنه را تجربه کرد. عمل واقعی درام به سبک موریس مترلینک^{۱۹} در بیرون از صحنه اتفاق می‌افتد.

لی لول ۱۸۹۹ یک تراژدی هجایی دربارهٔ رهبران قهرمان اما نامصممی است که زمانی شورش جوانان لهستان را رهبری کردند. در نمایشنامه شب نوامبر^{۲۰} انتشار ۱۹۰۴، اجرا ۱۹۰۸، و سپیانسکی ده صحنهٔ مجزا مربوط به شورش‌های ۱۸۳۱-۱۸۳۰ را به هم متصل ارتباط داده و در نمایشنامه لژیون^{۲۱} انتشار ۱۹۰۰، اجرا ۱۹۱۱، سقوط نوعی مسیحیت روماننیک را که منجر به عواقب مصیبت‌باری برای سرزمین لهستان گردید به تصویر می‌کشد.

نمایشنامه‌های «منع»^{۲۲} انتشار ۱۸۹۹، اجرا ۱۹۰۹ و قضاوت^{۲۳} ۱۹۰۷، بر اساس حوادثی واقعی نگاشته شده‌اند که در روستاهای لهستان در اواخر قرن نوزدهم اتفاق افتاده است.

سه نمایشنامه عروسی^{۲۴} ۱۹۰۱، آزادی^{۲۵} ۱۹۰۳ و آکروپولیس^{۲۶} انتشار ۱۹۰۴، اجرا ۱۹۱۶ آثاری هجائی از عقاید و افکار اجتماعی و سیاسی هستند که لهستان‌ها در زمان و سپیانسکی به آنها معتقد بودند. نمایشنامه عروسی که به عقیدهٔ صاحب‌نظران مهمترین نمایشنامه وی محسوب می‌شود و در زمان حیات و سپیانسکی موجب تحسین او به عنوان بهترین نمایشنامه‌نویس لهستان گردید ساختمانی مشابه با نمایشهای قرون وسطی که به صورت عروسی در لهستان رایج بوده است دارد و نویسنده با بهره‌گیری از تخیل و استعاره، امید و انتظار رعایا را در پی یافتن رهبری از میان روشنفکران را کنکاش می‌کند. در این اثر یک ازدواج در شرف انجام است و در این مراسم همانها هر کدام بگونه‌ای نشانگر اقشار مختلف جامعه لهستان هستند و عروسی قشیلی از پیوند میان دهقانان (طرف عروس) و روشنفکران (طرف داماد) است، به هنگام نیمه‌شب میهمان دیگری به نام چوچول^{۲۷} که سمبل رخوت و سستی است به همراه تنی چند از دوستانش به جشن وارد می‌شوند، هنگامی که همه بخواب می‌روند صحنهٔ رؤیا اتفاق می‌افتد. ورنی هورا^{۲۸} شاعر افسانه‌ای بخواب می‌زبان آمده و از او می‌خواهد با شیپور طلایی که به او می‌دهد مردم را برای قیام مهیا کند، در پایان تلاش‌ها برای قیام راه به جایی نمی‌برد و میهمانان تحت تأثیر اقدامات چوچول به رقص ویای کوبی با موسیقی تخیل‌کننده و شیرین او و دوستانش سرگرم می‌شوند.

شاید به یقین بتوان گفت که موضوع بنیادین همهٔ نمایشنامه‌های و سپیانسکی لهستان و سرنوشت تاریخی آن است و سرشت تراژیک زندگی همراه با تلاش جاودانهٔ انسان علیه نیروهای غلبه‌ناپذیر تقدیر.



یک صحنه از نمایشنامه «عروسی» اثر ویسپیانسکی
کارگردان آدام هانوشکیه ویچ لهستان

یکی دیگر از آثار شاخص ویسپیانسکی در شیوه نگارش و پرداخت، نمایش لژیون، انتشار ۱۹۰۰ اجرا ۱۹۱۱ می باشد این درام فلسفی، ایدئولوژی، سرنوشت لهستان را در راه رسیدن به آزادی، به صور مختلف بازگو می کند نمایش عمدتاً بر گفتارهای بلند آدام میتسکیه ویچ شاعر و نمایشنامه نویس رومانتیک لهستان که دریافت خاصی از مسیحیت و تاریخ لهستان داشته است بنا گردیده میتسکیه ویچ^۲ در مراسم مذهبی کلیسای رُم خود را به عنوان شهید و قربانی لهستان

جست‌وجو می‌کند. او و یارانش که خود را برای شورش ۱۸۴۸ و رژه در لهستان آماده کرده‌اند، برکی از جانب‌پای هم‌راهِ با دعا‌هایی از طرف نمایندگانی همهٔ اسلاو‌های تحت تسلط دریافت می‌دارند. بعداً مینسکیه‌ویچ به عنوان «بروتوس»^{۳۱} در روز مهمی از تاریخ رژه سزار را که تمثیلی از پرمسش ناپلئون است می‌کشد و هنگامیکه مینسکیه‌ویچ و سربازان لژیونش رژه را ترک می‌کنند به روی عرشه کشتی در حال سوختن ظاهر می‌شوند در حالی که از میان آب‌های انباشته از اجساد قربانیان به پیش می‌رانند. سربازان پس از آنکه درمی‌یابند تاناتوس^{۳۲} در کنار سُکان کشتی آنهاست چنین می‌پندارند که مردداند. اما متکیه‌ویچ با فریادی خطاب به آنها چنین می‌گوید: «ای جوانان شما رسناخیز خواهید کرد» و نمایش به پایان می‌رسد. از دیگر نمایشنامه‌های ویسپیانسکی همسر^{۳۳} ۱۹۰۵، آژاکس^{۳۴} ۱۹۰۵، مرگ اوفلیا^{۳۵} ۱۹۰۶، ژولیوس دوه^{۳۶} ۱۹۰۷، زیگموند آگوست^{۳۷} ۱۹۰۷ و سامونل زابروسکی^{۳۸} ۱۹۰۷ قابل ذکرند. زبان آثار ویسپیانسکی مرشار است از اصطلاحات، لهجه‌های محلی و ساختمان دستوری کهن لهستان در مبنای کنایه‌آمیز، هجانی و تراژیک، که همواره یک قهرمان بار تقدیر را بر دوش می‌کشد و در پایان تنها راه‌گریز او چیزی جز مرگ نیست.

ویسپیانسکی در بیست‌و‌هشتم نوامبر ۱۹۰۷ در کراکو درگذشت.

2. Jan Matejko
3. Casimir the Great
4. Boleslaw the Bold
5. The Cid
6. Zara
7. The Young Poland group
8. Neoromantic
9. Slowack
10. Mellesger
11. Protesilaus and Laodamia
12. Achilleis
13. The Return of Odysseus
14. A legend
15. King Krakus
16. Boleslaw The Bold
17. The Rock
18. The Warsaw Song

۱۹. موريس مترلینک Maurice Maeterlinck

20. Lelewel
21. The November Night
22. The Legion
23. The Ban
24. The judges
25. The Wedding
26. Deliverance
27. Acropolis
28. Chochol
29. Wernyhora

۳۰. آدام میتسکیه ویچ Adam Mickiewicz شاعر و نماینده نویس لهستانی (۱۸۵۵-۱۷۹۸ م)

۳۱. برونوس Brutus ، یکی از شخصیت های تراژدی ژولیوس سزار اثر ویلیام شکسپیر.

32. Thanatos
33. The Husband
34. Ajax
35. The Death of ophelia
36. Julius II
37. Zygmunt August

منابع

1. McGraw-Hill Encyclopedia of World Drama , vol4.

John Millington Synge

جان میلینگتون سینگ ۱۹۰۹-۱۸۷۱ م

ادموند جان میلینگتون سینگ^۱ نماینده نویسنده ایرلندی، در شانزدهم آوریل ۱۸۷۱ در ناحیه نیوتن بیلایس، راتفارنهام^۲ نزدیک دوبلین در خانواده‌ای پروتستان مذهب به دنیا آمد. پدرش جان هاج سینگ^۳ وکیل دعاوی بود و مادرش کاتلین تریل^۴ زنی سخت‌کوش و در اعتقادات مذهبی بسیار متعصب. زمانی که سینگ یک سال بیشتر از عمرش سپری نشده بود پدرش چشم از جهان فرو بست و غبار یتیمی را برای همه عمر بر چهره او نشانید. از این پس سینگ توسط مادرش در جوی آکنده از تعصب‌های اعتقادی بزرگ شد. هنگامی که به سن تحصیل رسید در تعدادی مدرسه خصوصی درس خواند اما آموزش وی به دلیل بروز بیماری در این سالها متناوباً دچار وقفه می‌شد، اما با همه مشکلات او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را با موفقیت سپری کرد و در سال ۱۸۸۸ موفق گردید در امتحانات ورودی دانشکده ترینیتی^۵ دوبلین پذیرفته شود، در این سالها او عمیقاً شیفته زبان و فرهنگ ایرلند شده بود و از سوی دیگر علاقه اش به هنر موسیقی بالاخص نواختن ویلون را نیز پیگیری کرد.

بعد از اخذ لیسانس از ترینیتی کالج در سال ۱۸۹۲ به فاصله یکسال بعد سینگ عازم آلمان شد تا به تحصیل آکادمیک ویلون بپردازد. در طول سه سال بعد او به مدارس هنری در شهرهای آلمان، ایتالیا و فرانسه رفت. زمانی که در سال ۱۸۹۶ در پاریس اقامت گزید و در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت مطالعه آثار نویسندگان را نیز آغاز کرد.

نخستین تلاش وی در زمینه نمایشنامه نویسی چندان موفق نبود، اما مقارن همین ایام حادثه‌ای در زندگیش بوقوع پیوست که مسیر زندگیش را دگرگون ساخت. این حادثه ملاقاتی بود که در



جان میلینگتون سینگ

تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۸۹۶ میان او و ویلیام باتلر ییتز^{*} انجام گرفت و کمی پس از آن دیدار با مادگن^۶ و وطن پرست ایرلندی بود. مدتی در اوایل ۱۸۹۷ به اتحادیه ناسیونالیستی ایرلند در خارج از کشور پیوست. در اواسط ۱۸۹۷ سینگ به ایرلند بازگشت لیکن بازگشتش مصادف گردید با نخستین عارضه های بیماری بنام هوجکین^۷ که به مرور او را تضعیف می نمود تا بالاخره دوازده سال بعد باعث مرگش شد. يك عمل جراحی موفقیت آمیز باعث شد این بیماری برای مدتی در حال رکود نسبی باقی بماند و مانع پیشرفت آن گردد. بهر حال سینگ پس از گذراندن يك دوره نقاهت بار دیگر در اوایل ۱۸۹۸ به پاریس بازگشت و کار ادبی اش را پیگیری نمود و رابطه اش را با ویلیام باتلر ییتز هرچه بیشتر تعمیق داد. ییتز با خواندن نوشته های سینگ سرچشمه استعدادی را که تا آن زمان دست نخورده باقی مانده بود بدرستی کشف نمود و به سینگ جوان توصیه کرد تا هرچه بیشتر با مردم سرزمینش بیامیزد. سینگ با توجه به این پیشنهاد در اواخر بهار ۱۸۹۸ بمدت يك ماه در جزایر آران^۸ واقع در غرب ایرلند به تحقیق و سفر پرداخت. طی چهار سال بعد نیز هر تابستان به آنجا

سفر کرد. این آمیزش‌ها تأثیر بسزانی در آثار نمایشی او گذاشت اما نتیجه فوری آن مقاله‌ای بود تحت عنوان «جزایر آران»^{۱۱} که در سال ۱۹۰۷ به چاپ رسید. در ژوئن ۱۸۹۸ طی اقامت موقت خود در آران به ناحیه گالوی^{۱۲} که خانه لیدی اگوستا گریگوری^{۱۳} در آن واقع بود نیز سفر کرد تا در نشست‌هایی که جهت تشکل و برنامه‌ریزی‌های اولیه تئاتر ادبی ایرلند با حضور یستز صورت می‌گرفت حضور داشته باشد. این نشست‌ها نطفه تئاتر ادبی^{۱۴} ایرلند را در خود داشت. طی این ایام سینگ بصورتی جدی شروع به نوشتن کرده بود، مقالات و نوشته‌های او بطور مرتب در نشریات ایرلند به چاپ می‌رسید. در سال ۱۹۰۲ سینگ نمایشنامه «در سایه دره باریک»^{۱۵} را به اتمام رساند. این اثر به‌همراه نمایشنامه‌هایی از ویلیام باتلر ییتز و لیدی اگوستا گریگوری اجراهایی بودند که با آنها تئاتر ادبی ایرلند در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۴ فعالیت خود را آغاز کرد.

ماجرای نمایشنامه «در سایه دره باریک» در کل حاوی این مضمون است که شوهری حسود چنین وانمود می‌سازد که مرده است تا به این وسیله زن جوانش و عاشق او را به دام بیندازد. بسط موقعیتی هراسناک و در عین حال خنده‌آور به نحوی دلنشین در این اثر نشان داده شده است. اجرای نمایشنامه «در سایه دره باریک» با واکنش انقلابیون و وطن‌پرست ایرلندی مواجه شد چرا که آنان معتقد بودند تصاویری که از دهقانان ایرلندی در این اثر بدست داده شده است تمسخرآمیز و مذموم است. علیرغم جنجالی که در زمان بصحنه رفتن این اثر رخ داد امروز در برخورد با این نمایش بخوبی با استعداد نویسنده‌ای خلاق که در زمینه نگارش کمدی ناتورالیستی گام برداشته آشنا می‌شویم. نمایشنامه بعدی سینگ با نام «سواران بسوی دریا»^{۱۶} به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران بهترین نمایش کوتاه به زبان انگلیسی است که در سال ۱۹۰۴ بصحنه رفت و موفق‌تر بود.

سینگ نمایشنامه دیگرش را تحت عنوان «عروسی وصال»^{۱۷} را در سال ۱۹۰۳ نگاشت اما ییتز عقیده داشت بصحنه رفتن آن دردسرهایی برای تئاتر تازه تأسیس ادبی در پی خواهد داشت و بهمین لحاظ در طول حیات سینگ اجرا نشد، و زمان بصحنه رفتنش در سال ۱۹۰۹ کمی بعد از مرگ سینگ است. نمایشنامه دیگر سینگ با نام چاه قدیسین^{۱۸} در فوریه ۱۹۰۵ بصحنه رفت و این زمانی بود که او عمیقاً درگیر کار نوشتن برای تئاتر بود. در اواخر سال ۱۹۰۵ تئاتر ادبی تنی چند از اعضای ناسیونالیست‌تر خود را از دست داد و سینگ به عنوان یکی از سه عضو هیئت کارگردانان (همراه با ویلیام باتلرییتز و لیدی گریگوری) ناگزیر گردید نقش فعالتری در تئاتر ادبی به عهده گیرد. در این زمان سینگ عمیقاً دلبسته یکی از هنرپیشگان جوان تئاتر بنام «مولی آل‌گود»^{۱۹} گردید. در ژانویه ۱۹۰۷ نمایشنامه «جوان عیاش دنیای غرب»^{۲۰} اثر دیگر سینگ بصحنه رفت و باردیگر خصومت مبهن‌پرستان را برانگیخت و باعث جنجال‌های فراوانی در دوبلین شد. در ابتدا

خیزش‌هایی سازمان نیافته از سوی وطن پرستان انقلابی ایرلند برخی از اجراها را همراهی می‌کرد لیکن خشونت عملی هنگامی آغاز شد که این نمایش در ایالات متحده نیز اجرا گردید. با همه این احوال از همان ابتدا این اثر از سوی محافل هنری به عنوان يك شاهکار نمایشی مطرح شد.

در همین ایام سلامت سینگ روزبه‌روز به وخامت گرائید و از این زمان به بعد او هرگز بهبودی کامل نیافت. با این حال او این توفیق را یافت تا آخرین نمایشنامه خود را با نام «دیردیر در اندوه»^{۲۰} به پایان رساند. در ابتدای سال ۱۹۰۹ اجباراً او را به آسایشگاهی در دویلین بردند و کمی بعد در بیست و چهارم مارس ۱۹۰۹ در حالیکه ۳۸ سال از عمرش می‌گذشت در همانجا در گذشت. امروز صاحب نظران متفقاً بر این عقیده‌اند که جان میلینگتون سینگ یکی از چهره‌های درخشان درام مدرن است. سینگ در طول زندگی کوتاه خود شش نمایشنامه نگاشت که هر کدام از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردارند.

در آثار سینگ، انسانهای زمینی و صمیمی ایرلند که عموماً از میان کشاورزان هستند را می‌بینیم که به نحو گریزناپذیری از طبیعت تأثیر می‌پذیرند. اینها همانگونه که هستند نشان داده می‌شوند نه آنگونه که باید باشند. به همین دلیل هویت شخصیت‌هایی که می‌آفرید غالباً موجب واکنش‌هایی از سوی وطن پرستان ایرلندی را فراهم می‌ساخت. مخالفان او خود و هموطنان خویش را به صورت‌هایی ایده‌آل بر صحنه می‌خواستند. پیوستگی زنجیروار حوادث نمایشنامه‌هایش جا افتاده و کاملاً طبیعی‌اند و استعداد او در زمینه استفاده از زبان ستودنی است نثر شاعرانه، روان و سرشار از تشبیهات ادبی وی پر تنوع و ملهم از زبان غنی ایرلندی، توأم با گویش‌های محلی همراه با شعر است.

پانویس

1. Edmund John Millington Synge
2. Newton Bliss, Rathfarnham
3. John Hatch Synge
4. Kathleen Trail
5. Trinity College

۶. ویلیام باتلریتز William Butler Yeats، نماینده نویسنده و شاعر ایرلندی (۱۸۶۵-۱۹۳۹)

7. Madgan

۸. هوجکین Hodgkins با سرطان لنفوسیتها، بیماری که با بزرگ شدن غده های لنفاوی و طحال آغاز می شود و با کم خونی همراه است.

9. Aran

10. Aran Islands

11. Galway

۱۲. لیدی اگوستا گریگوری Lady Augusta Gregory، نماینده نویسنده ایرلندی (۱۸۵۹-۱۹۳۲م)

13. Abbey Theatre

14. In the Shadow of the Glen

15. Riders to the Sea

این اثر بفارسی دریاوندگان ترجمه شده، مترجم احمد هاشمی. کیهان هفته.

16. The Tinker's Wedding

17. The Well of the Saints

18. Molly All good

19. The Playboy of the Western World

20. Deirdre of the Sorrows

منابع

1 World Drama. Mc Grow Hill_ Encyclopedia. VOL4.

2. The Complete Plays. John M. Synge vintage Books. A Division. A Division of Random House New York.

Somerset Maugham

(۱۸۷۴-۱۹۶۵ م)

سامرست موام

ویلیام سامرست موام^۱ در ۲۵ ژانویه ۱۸۷۴ در سفارت بریتانیا واقع در پاریس به دنیا آمد. پدرش مشاور حقوقی سفارت بریتانیا در پاریس بود و مادرش زنی سرزنده و با فرهنگ بود که با محافل اشرافی پاریس معاشرت داشت. هشت ساله بود که مادرش درگذشت و این ضایعه‌ای بود که همه عمر سایه‌ای از غم بر روح او گسترد، دو سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۴ پدرش هم چشم از جهان فرو بست. سرپرستی موام که از کودکی به لکنت‌زبان هم دچار بود به عمویش هنری موام^۲ که کشیشی متنفذ بود واگذار شد. او را به مدرسه مذهبی کانتر^۳ بری سپردند و یک چند در هایدلبرگ^۴ تحصیل کرد. او همواره در برابر اصرار و پافشاری عمویش که می‌خواست او را به سلك کشیشان درآورد مقاومت کرد. در بازگشتش به لندن در سال ۱۸۹۲ در دانشکده پزشکی پذیرفته شد. طی این سالها کتابهای زیادی خواند و حرفه پزشکی نیز در وسعت دادن به دید او بسیار مؤثر بود، خودش در این باره می‌نویسد: «چون دانشجوی پزشکی بودم می‌باید تعداد معینی زایمان انجام بدهم تا گواهی بگیرم، این کار مستلزم رفتن به زاغه‌ها و محله‌های کثیف و فقیر لمبت^۵ واقع در جنوب لندن بود. جانیکه پلیس هم اغلب جرأت نمی‌کرد وارد آنجا بشود. در بسیاری از مواقع کیف سیاه رنگ پزشکی‌ام بود که نجاتم می‌داد. من برای نویسندگان آموزشی بهتر از گذراندن چند سال در حرفه پزشکی نمی‌شناسم^۶».

در سال ۱۸۹۷ موفق به گرفتن گواهینامه پزشکی خود شد و هم‌زمان زمانی از او انتشار یافت با نام «لیزای لمبتی^۷» که از زندگی فقیرانه و پرفلاکت زاغه‌نشینان تصاویری بسیار مؤثر بدست می‌داد



سامرست موام

این رمان فروشی بسیار موفق داشت تا جائیکه موام تصمیم گرفت بجای دنبال کردن حرفه پزشکی نویسنده شود و این چیزی بود که همواره آرزویش را داشت، او طی نودویک سال زندگی نزدیک به صد رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه نوشت، بین سالهای ۱۸۹۷ و ۱۹۱۴ ده رمان نوشت که هیچ کدام به اندازه نخستین اثرش فروش نرفت تا دستمزد نویسنده و هزینه چاپ را برگرداند.

«اما نمایشنامه‌هایی که نوشت وضع بهتری داشت، ظرافت و دقتی که در طرح داستان این نمایشنامه‌ها بکار گرفته بود و قدرتش در نگارش و گفت‌وگوی شخصیت‌های نمایشنامه‌ها، مردم را جلب نمود.»^۴ از نخستین نمایشنامه‌هایش، پیوندی که در آسمان بسته شد^{۱۸۹۰}، مرد با شرف^{۱۸۹۹}، طعمه‌ها و ماهیها^{۱۹۰۳}، خانم دوت^{۱۹۰۴}، خانم فردریک^{۱۹۰۷}، جک پوشالی^{۱۹۰۸}، جستجوگر^{۱۹۰۸}، پنه‌لویه^{۱۹۰۹}، اسمیت^{۱۹۰۹}، دهمین مرد^{۱۹۰۹}، نجیب‌زاده تمام عیار^{۱۹۱۲} و سرزمین موعود^{۱۹۱۳} را می‌توان نام برد. نمایشنامه‌های نخست

موام موفقیت چندانی کسب نکرد، اما غایشنامه خانم فردریک با اقبالی چشمگیر روبرو شد. چنانکه پس از آن موام چنان در تئاتر انگلیس مطرح شد که همزمان در تئاترهای لندن چهار غایشنامه او را غایش می دادند.

با آغاز جنگ جهانی در سال ۱۹۱۴ موام راهی جبهه های جنگ شد ابتدا به عنوان راننده آمبولانس در ارتش مشغول خدمت شد. سپس مأمور مخفی اداره ضداطلاعات بریتانیا گردید. هنگامیکه برای مأموریتی در سوئیس اقامت داشت در اثر سرما به بیماری سل مبتلا شد و برای مداوا به آمریکا رفت. در آنجا با یک گروه غایشی که دو غایشنامه او را در آمریکا اجرا می کرد شریک به همکاری کرد. در سال ۱۹۱۶ سفری به تاهیتی کرد و طی سفرهایش داستانهای کوتاه فراوانی نگاشت. در همین سال با «سیری بارناردو و لکام» که زنی بیوه بود ازدواج کرد. از این تاریخ موام نیمی از سال را در لندن و نیم دیگر را در مسافرت با کارهای دیپلماتیک می گذرانید. در سال ۱۹۱۷ کمی قبل از انقلاب اکتبر در روسیه، از سوی دولت انگلیس به مأموریتی مخفی به سن پترزبورگ اعزام شد. بگفته خودش «با بودجه ای نامحدود در اختیارش و این دستور که روسیه را در حالت جنگ نگهدارد و با کمک نیروهای هوادار مرکز دولت بلشویک ها را از رسیدن به قدرت بازدارد»^{۲۲}، اما کوشش های او بجائی نرسید و همچنانکه می دانیم انقلاب بوقوع پیوست و موام شکست خورده در حالیکه بار دیگر بیماری سل در او شدت گرفته بود به آسایشگاهی در اسکاتلند فرستاده شد (۱۹۱۷-۱۹۱۸)، در سال ۱۹۱۹ سفری هم به چین کرد. کارولین^{۲۳} ۱۹۱۶، بهترین های ما^{۲۴} ۱۹۱۷، همسران بسیار^{۲۵} ۱۹۱۹ و زنان سزار^{۲۶} ۱۹۱۹ غایشنامه هائیکست که او در این سالها نگاشت، کتاب معروف پیرامون اسارت بشری^{۲۷} را که بنوعی زندگینامه خود اوست در سال ۱۹۱۵ آغاز به نوشتن کرد. طی این سالها اجرای موفقیت آمیز غایشنامه هایش درآمد خوبی نصیبش می ساخت او نیز مشتاقانه برای مطالعه پیرامون اقوام و ملل گوناگون بین سالهای ۳۰-۱۹۲۰ یک سلسله مسافرت به گوشه و کنار جهان کرد. او می گوید: «به انسان ها، به طور کلی علاقمند بودم، اما نه به دلیل خودشان بلکه برای آثارم، بر خلاف کانت، هیچ انسانی را قائم به ذات و فی نفسه، نمی انگاشتم، بلکه آنها را بصورت مصالحی می دیدم که می توانستند برای نویسنده ای چون من، مفید باشند»^{۲۸}، طی سالهای بعد رابطه زناشویی دچار بحران شد، در سفرهایش عموماً پسرعموی آمریکانش جرالدهاگستون^{۲۹} او را همراهی می کرد، بعدها هنگامیکه دولت انگلیس از ورود هاگستون بخاک آن کشور به سبب سروصدائی که حاکی از رابطه همجنس یازانه آن دو بود جلوگیری کرد موام نیز همراه هاگستون بخاک انگلیس قدم نگذاشت و سالیان زیادی را در خارج از کشورش گذرانید. بهر حال این رابطه شاید عمده ترین دلیلی بود که همسرش در سال ۱۹۲۷ از او

طلاق گرفت.

تعدادی از معروفترین غمایشنامه‌های موام متعلق به سالهای ۱۹۲۰ به بعد است از آن جمله: ناشناس^{۱۹۲۰}، محفل^{۱۹۲۱}، شرق سوئز^{۱۹۲۲}، همسر وفادار^{۱۹۲۶}، نامه^{۱۹۲۷}، شور مقدس^{۱۹۲۸}، نان‌آور^{۱۹۳۰} و آغل گوسفندان^{۱۹۳۳} را می‌توان نام برد.

در طول سالهاییکه بدلیل جنگ جهانی دوم اروپا دستخوش نابسامانی بود مدام در خانه‌ای که توسط ناشران امریکائی آثارش برای او فراهم کرده بودند واقع در ایالت کارولینای جنوبی گذرانید. از میان آثار معروف موام که به فارسی نیز برگردانیده شده، رمان لبه‌تیبغ^{۱۹۴۴}، درباره‌ی رمان و داستان کوتاه^{۱۹۴۸}، ماه و شش‌پشیز^۲ (ماه و شش پنی ۱۹۱۹)، و کتاب حاصل عمر^{۱۹۳۷} که در آن یکبار دیگر موام زندگی و فلسفه‌ی خود را در مقام یک نویسنده بازگو می‌کند و نیز مجموعه داستانهای کوتاه او قابل ذکر است. موام در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۵ در سن ۹۱ سالگی چشم از جهان فروست.

1. William Somerset Maugham

2. Henry Maugham

3. King's School Canterbury

4. Heidelberg

5. Lambeth

۶. تفسیرهای زندگی. ویل و آریل دورانت. ترجمه ابراهیم مشعری. تهران، نشر آوازه صفحه ۲۲۶

7. Lize of Lambeth

۸. تفسیرهای زندگی.

9. Marriages Are Made in Heaven.

10. A Man of Honour.

11. Loaves and Fishes

12. Mrs Dot

13. Lady Fredrick

14. Jack Straw

15. Explorer

16. Penelope

17. Smith

18. The Tenth Man

19. The Perfect Gentleman

20. The Land of Promise

21. Syria Barmado Wellcome

۲۲. تفسیرهای زندگی.

23. Caroline

24. Our Batters

25. Caesar's Wife

۲۷. پیرامون اسارت بشری، Of Human Bondage، اثر سامرست موام ترجمه محمود محرز، تهران ناشر بهمن ۱۳۶۳

۲۸. ر.ج.ک. تفسیرهای زندگی.

29. Gerald Hakston

30. The unknown

31. The Circle

32. East of Suez

33. The Constant will

34. The Letter

35. The Sacred Flame

36. Sheppey

37. Sheppey

۲۸. لبه تیغ The Razors'Edge، سامرست موام، ترجمه مهرداد نبیلی، تهران

- له تیخ *The Razors' Edge* ، سامرست موام، ترجمه داریوش شاهین
 شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۲ .
- ۳۹ . درباره رمان و داستان کوتاه، *Great Novelists and Their Novels* ، نوشته سامرست موام، ترجمه کاوه دهگان،
 تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۲ .
- ۴۰ . ماه و شش پشینز *The Moon and six Pence* ، اثر سامرست موام، ترجمه داریوش شاهین، ناشر زمان نو، ۱۳۶۲
 اصفهان.
- ۴۱ . حاصل عمر *The Summingup* .
- ۴۲ . داستانهای کوتاه اثر سامرست موام ترجمه فرح بهبهانی، فیروزه بهبهانی، تهران ۱۳۶۵ کتابفروشی خیام.

منابع

1. *World Drama, Mc Graw-Hill Encyclopdia* , Vol4 .
2. *A Dictionary of the theatre*. John Russell Taylor.
- ۳ . تفسیرهای زندگی، نوشته ویل و آریل دورانت ترجمه ابراهیم مشعری، تهران، نشر آوازه ۱۳۶۳ .

Carl Sternheim

۱۸۷۸-۱۹۴۲ م

کارل اشترنهایم

کارل اشترنهایم، منتقد، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس آلمانی در اول آوریل ۱۸۷۸ در شهر لیپزیک^۱ به دنیا آمد، پدرش یک بانکدار بهودی بود که ضمناً در هانور^۲ صاحب امتیاز روزنامه‌ای تحت عنوان Hanoversches Tageblatt نیز بود و در آن به عنوان منتقد تئاتر مطلب می‌نوشت. نخستین سالهای کودکی کارل در هانور سپری شد. در سال ۱۸۸۴ هنگامیکه او شش سال داشت خانواده‌اش به برلین نقل مکان کردند، آنجا در مجاورت عمویش که تئاتر بل-الیانس^۳ را اداره می‌کرد علاقه‌اش به تئاتر هرچه بیشتر افزون شد. پانزده ساله بود که نخستین نمایشنامه‌اش را با نام صلیب آهنین^۴ ۱۸۹۳ به رشته تحریر کشید، این اثر اگرچه هیچگاه بصحنه نرفت اما سرآغاز تجربه او به عنوان نمایشنامه‌نویس محسوب می‌شود.

در سال ۱۸۹۷ جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه مونیخ^۵ شد و بین سالهای ۱۸۹۷ و ۱۹۰۱ در دانشگاههای مونیخ، لیپزیک، گوتن‌جن^۶ و فریبرگ^۷ فلسفه، ادبیات و تاریخ تحصیل کرد، پس از فارغ‌التحصیلی ازدواج کرد. این ازدواج پنج سال بعد به جدائی انجامید و ثمره آن یک پسر بود، بفاصله کمی با تی آبونر^۸ که طراح صحنه‌ای خلاق بود ازدواج کرد و برای مدت پنج سال در نزدیکی مونیخ زندگی کرد. در مونیخ با همکاری یکی از منتقدین بنام فرانتس^۹ بلی نشریه ادبی Hyperion را دایر کرد. اشترنهایم بعد از نگارش دو نمایشنامه درخور تحسین بنامهای اولریش و برژیت^{۱۰} ۱۹۰۷ و دون ژوان^{۱۱} (تألیف ۱۹۰۹) با نمایشنامه‌ای کم‌دی بنام زیرشلواری^{۱۲} (نگارش ۱۹۰۹-۱۹۱۰) که اولین قسمت از تریلوژی (سه قسمتی) مشهور او محسوب می‌شود به نخستین



کارل اشترنهایم

موفقیت تئاتری اش دست یافت. متعاقب آن نمایشنامه گاو صندوق^{۱۲} (نگارش ۱۹۱۱) و آنگاه قسمت‌های بعدی این مجموعه بنامهای پرمیرعا^{۱۳} (۱۹۱۴) و سال هزارونهصد و سیزده^{۱۵}. (نگارش ۱۹۱۳، اجرا ۱۹۱۹) را نگاشت، این تریلوژی توسط ماکس راینهارت^{۱۶} کارگردان نامی هم‌وطنش بصحنه رفت و مورد توجه فراوان قرار گرفت. در این مجموعه که در حقیقت به بررسی هجوآمیز طبقه بورژوازی آلمان می‌پردازد پرشد نامتجانس خانوادهٔ تنوبالدماسک^{۱۷} در توالی زمان به نمایش درمی‌آید و خصوصیات تازه به دوران رسیدگی آنها شدیداً به مسخره گرفته می‌شود. اشترنهایم که نسبت به سلف خود فرانک و ده‌کنید^{۱۸} از عصبیت کمتری برخوردار بود بیشتر به تمسخر بورژوازی پرداخت تا تحلیل آن در حالیکه خصلت‌های طبقه بورژوا که در آن عصر بسیاری از هنرمندان را متوجه خود ساخته بود اگر به نحو شایسته‌ای ارائه می‌شد کافی بود. در نظر اشترنهایم طبقات بالای جامعهٔ آن روز آلمان فاقد ارزش‌های اصیل بود و طبقات پائین هم بسیار مشتاق پذیرش الگوهای پذیرفته شده از سوی بورژواها بودند و این در حالیست که اشترنهایم برای اصلاح نابسامانیهای اجتماعی نظریه‌ای پیشنهاد نمی‌کرد.

بهرحال اشترنهایم تا سال ۱۹۲۶ تقریباً بیست نمایشنامه نوشت که حدوداً ده‌تای آنها در ارتباط با نگرش او به مسائل طبقه بورژوا بود که بصورت مجموعه «نقطه‌نظراتی دربارهٔ زندگی قهرمانانه بورژوازی»^{۱۹} در سال ۱۹۲۲ منتشر شد. گاو صندوق ۱۹۱۱، یکی از شاخص‌ترین این نوع نگرش اشترنهایم در نمایشنامه‌نویسی اثریست اکسپرسیونیستی پیرامون پول‌پرستی و آز طبقه بورژوا.

يك اقتباس ماهرانه از دیدرو^{۳۲} با عنوان ماسك فضيلت^{۳۵} (تأليف ۱۹۱۸) و آخرين موفقيت پروفيسورى بنام هنريش كرول^{۳۶} که از ماه عسلى دلنشين با خانم فانی^{۳۷} همسر دومش مراجعت کرده، بزودی خود را درگير توطئه های فانی و عمه پير دخترش می بیند. عمه خانم مرتب ثروت خود را صدوچهل هزار مارك، داخل يك گاوصندوق است را به رخ كرول می كشد و از اين طريق درصدد كسب برتری و اقتدار هرچه بیشتر است. اگرچه بزودی روشن می شود که او بیشتر تمامی دارائی خود را پس از مرگ در اختيار كليسا قرار داده است، اما وسوسه بدست آوردن اين پول كرول را تا به آنجا به خيالبافی می كشاند که از زنش عافل می شود به نحوی که سيلكن براند^{۳۸} مرد زنباره و بی قیدی که قبلاً دختر كرول را فریفته خود کرده بود اين بار موفق می شود فانی همسر او را نیز اغفال کند.

يکي از بهترين نمايشنامه های اشترنهايم شهروند شپيل^{۳۹} ۱۹۱۳، نام دارد که در آن خصلت های بد طبقات بالا و پائين هر دو به يك اندازه مورد انتقاد قرار گرفته است، در اين اثر كمدي هيك تاير^{۴۰} که رهبر گروه گر مردان است و مردیست بورژوا، نومن^{۴۱} خواننده تنور گروه خود را که نامزد خواهرش تكلّا^{۴۲} هم بوده است به دليل مرگ ناگهانی از دست می دهد، هيك تاير که مشتاق بدست آوردن جايزه مسابقات آواز است راه دیگری ندارد جز اينکه از پل شپيل^{۴۳}، مردی از طبقه فرودست و تنها خواننده تنور قابل قياس با نومن بخواهد تا جای خالی او را پر کند. شپيل ابتدا از اين موقعيت برای نیل به ترقی خود بسيار خوشحال می شود اما انزجار و نفرتی که طی ساليان در وجودش انباشته شده است او را بر آن مبادد تا تنها بشرطی پيشنهاده تاير را بپذيرد که تكلّا هم با او ازدواج کند، تاير با اين شرط موافقت می کند اما در اين ايام درگير ماجرای عاشقانه ای با شاهزاده است. شپيل که به اين امر پی می برد از تكلّا صرف نظر می کند و هنگامی که تكلّا با کری^{۴۴} یکی ديگر از اعضای گر نامزد می شود شپيل درباره گذشته تاريك او به کری هشدار می دهد، کری از اين هشدار بر آشفته می شود و شپيل را به دونل دعوت می کند و در پايان دونل به نفع شپيل به پايان می رسد. از ديگر نمايشنامه های درخور توجه اشترنهايم می توان ذهن پاك^{۴۵} (تأليف ۱۹۱۵، اجرا ۱۹۱۹) که در آن هراستندر^{۴۶} عضو حزب سوسياليست، جاه طلبانه از حزب، رفقا و خانواده خود به منظور كسب منافع فردی به شكل دريافت بازنشستگی استفاده می کند و سپس آنها را رها می سازد.

اسكار وايلد^{۴۷} (نگارش ۱۹۲۵) نمايشنامه ديگر او منعكس كننده دید نویسنده درباره زن به عنوان جنس دومی که برای مرد همواره غيرقابل درك است، و سه نمايشنامه کوتاه که مجموعاً نام ماجراجو^{۴۸} (انتشار ۱۹۲۲) را بخود دارد، نظريه ای شديداً ضدشهوانی درباره شخصيت كازنوا^{۴۹}

ارائه می‌دهد.

عمده‌ او در عرصه نمایشنامه‌نویسی در سال ۱۹۲۶ با نمایشنامه مدرسه‌ای در ازناخ، یا واقعیت نوین^{۳۲} بدست آمد. از دیگر نمایشنامه‌های اشترنهایم درباره‌ شاه و ملکه^{۳۷} ۱۹۰۵، کاندیدا^{۳۸} ۱۹۱۴، رنج زن^{۳۹} ۱۹۱۵، خسیس^{۴۰}، ملکه^{۴۱} ۱۹۲۹، ژان پیرپونت مورگان^{۴۲} ۱۹۳۰ را می‌توان نام برد. برخی از این آثار اقتباس و یا تقلید از آثار نمایشی جهان است و در مقایسه با آثار مهمی که پیشتر ذکر آنها رفت چندان درخور تعمق نیستند. از اشترنهایم دو رمان تحت عناوین یوروپا^{۴۳} ۱۹۲۰، و فایرفاکس^{۴۴} ۱۹۲۱ که هر دو نمونه‌هایی از نشر اکبرسیونیستی هستند به همراه دو مقاله نقادانه مشهور با عناوین «برلین، یا محیط سالم»^{۴۵} ۱۹۲۰ و تاسو یا هنر محیط سالم^{۴۶} ۱۹۲۱ بر جای مانده است. در سال ۱۹۲۹ دونانی^{۴۷} موسیقیدان براساس موفقترین کمدی اشترنهایم شهروند شیپل اپرای «تنور»^{۴۸} را تنظیم نمود. که با موفقیت چشمگیری روبرو شد.

اشترنهایم در سال ۱۹۲۷ از همسر دوم خود جدا شد و در حالیکه قریب پنجاه سال از عمرش می‌گذشت با پاملوده‌کیند^{۴۹} هنرپیشه و دختر فرانک وده کیند نمایشنامه‌نویس ازدواج کرد، اما بهرور میزان بازدهی خلاقانه او کاهش یافت و با گذشت زمان به نحو فزاینده‌ای بیقرار و عصبی شد. بعد از اینکه هیتلر در سال ۱۹۳۳ قدرت را در آلمان بدست گرفت، اشترنهایم نومید و پریشان کشورش را ترک کرد و سالها در شهرهای اروپا بصورتی سرگردان گذراند بالاخره هنگامیکه در بروکسل سکنی گزیده بود در سوم نوامبر ۱۹۴۲ در شرایط روحی بدی چشم از جهان فرو بست.

1. Leipzig
2. Hannover
3. Belle - Alliance
4. The Iron Cross
5. Munich Universities
6. Gottingen
7. Freiburg
8. Thea Bauer
9. Franz Bell
10. Ulrich and Brigitte
11. Don Juan

۱۲. زیرشلواری *The Under Parts* . هنگامیکه ماکس راینهارت این اثر را بر صحنه بُرد اداره سانسور خواست که عنوان آن تغییر یابد، از این رو نام غول را برای آن انتخاب کردند.

13. The Strongbox
14. The Snod
15. 1913

۱۶. ماکس راینهارت *Max Reinhardt* . کارگردان آلمانی

17. TheobaldMaske

۱۸. فرانک وده کنید *Frank Wedekind* . نمایشنامه‌نویس آلمانی ۱۸۶۴-۱۹۱۸ م

19. Views of the Heroic Life of the Bourgeois
20. Heinrich Krull
21. Fanny
22. Silken brand
23. Citizen Schippel
24. Hicktier
25. Noumann
26. Thekla
27. Paul Schippel
28. Krey
29. Tabula rasa
30. Herr Stander
31. Oscar Wilde
32. The Adventurer
33. Casanova
34. Diderot

- 35. *The Mask of Virtue*
- 36. *The School at Uznach or the New Mather-of- Factness*
- 37. *About the King and the Queen*
- 38. *The Candidate*
- 39. *The Suffering Woman*
- 40. *The Miser*
- 41. *The Queen*
- 42. *John Pierpont Morgan*
- 43. *Europe*
- 44. *Fairfax*
- 45. *Berlin, or the Right Milieu*
- 46. *Tasso, or the Art of the Right Milieu*
- 47. *Dohnanyi*
- 48. *Tenor*
- 49. *Pamela Wedekind*

منابع

- 1. *World Drama. Mc Graw - Hill Encyclopedia-Vol4*

George Kaiser

۱۸۷۸-۱۹۴۵ م

جورج کایزر

جورج کایزر نماینده‌نامه‌نویس و یکی از چهره‌های شاخص مکتب اکسپرسیونیسم^۱ در ۲۵ نوامبر ۱۸۷۸ در ماگدبورگ^۲ آلمان به دنیا آمد، پدرش به کار تجارت اشتغال داشت و در حرفه‌اش مردی موفق بود. خانواده کایزر از سنین کودکی جورج متوجه این واقعیت شدند که فرزندشان دچار حملات بیماری صرع می‌شود و دیگر اینکه فرزندشان بسیار حساس و زودرنج است. در سالهای دبستان و دبیرستان کایزر اشتیاق زیادی به درس و مدرسه از خود نشان نداد. علاقه‌ش بیشتر متوجه تئاتر و موسیقی بود. در سال ۱۸۹۸ پس از سه سال کارآموزی به عنوان فروشنده توسط یک کمپانی آلمانی به آرژانتین اعزام شد.

شرایط آب‌وهوا در آمریکای جنوبی و ابتلاء به بیماری مالاریا اقامت برنامه‌ریزی شده او را کوتاه کرد. بروز مجدد مالاریا چندین سال بعد هم او را آزار داد. بهر حال کایزر از طریق اسپانیا و ایتالیا به آلمان بازگشت. در سال ۱۹۰۱ بین او و فرانک وده کیند^۳ نماینده‌نامه‌نویس هم‌وطنش ملاقاتی دست داد که تأثیر عمیقی بر وی گذاشت. طرز تلقی وده کیند از تئاتر و موضوعاتی که بیان‌کننده ایده‌ها و عواطف و غرایز بشری است. توجه کایزر را عمیقاً بخود جلب کرد. در سال ۱۹۰۸ کایزر با مارگارت هابنچت^۴ ازدواج کرد.

نخستین نماینده‌نامه‌هایی که نگاشت تا پیش از نماینده‌نامه شهروندان کاله^۵ که در سال ۱۹۱۳ نگاشته شد و او را به شهرت جهانی رسانید عبارتند از: مدیر آموزشگاه کلايست^۶ ۱۹۰۳، بیوه زن یهودی^۷ ۱۹۰۴، مجلس^۸ ۱۹۰۵، روح باستانی^۹ ۱۹۰۵، داود و گولیات^{۱۰} ۱۹۰۶، قنطورس^{۱۱} ۱۹۰۶.



جورج کایزر

فریب^{۱۹۱۰}، شاه‌زن جلب^{۱۹۱۰}، هیپرون^{۱۹۱۱}، کلادیوس^{۱۹۱۱}، فردریک و آنا^{۱۹۱۱} و از بامداد تا نیمه‌شب^{۱۹۱۲} قابل ذکرند.

نمایشنامه اکسپرسیونیستی «از بامداد تا نیمه شب» در زمره آثار برجسته کایزر محسوب می‌شود این اثر که در هفت صحنه تنظیم یافته زندگی کارمند بانکی را توصیف می‌کند که زندگی محدود و یکنواختش او را دچار اوهام نموده بر آن می‌دارد تا بوسیله پول خود را از این کسالت برهاند. او که صندوقدار یک بانک است با اختلاس مقدار زیادی از موجودی بانک سعی می‌کند تا از زندگی عادی و روزمره خود جدا گردد بدان امید که پول دنیای تازه و متفاوتی را به او ارائه خواهد کرد. در پی حوادث نمایش او به یک مسابقه ورزشی می‌رود تا هیجان جمعیت تماشاگر را تجربه کند، بزودی درمی‌یابد که این هیجان نیز به کوتاهی احساس تند و شدید زنان کاباره‌ایست که او درصدد بود تا عشقشان را با پول بخرد. آخرین توقفگاه او جلسه‌ایست که توسط مبلغین مذهبی ترتیب یافته، در آنجا او خطاب به حضار اعلام می‌دارد که پول این عامل عمده اقتصادی هم کاری از پیش نمی‌برد زیرا چیزهای با ارزش بسیاری را نمی‌توان با پول خرید آنگاه پولهایش را به میان جمعیت رها

می‌کند و پس از آنکه درمی‌یابد امیدهایش بیهوده بوده است با شلیك يك گلوله به زندگی خود خاتمه می‌دهد و بگونه‌ای پرمعنا در کنار صلیبی که آنجاست می‌میرد.

اما همچنان که گفته شد با غایشنامه شهروندان کاله که به عقیده صاحب‌نظران شاخص‌ترین اثر تئاتر اکسپرسیونیستی محسوب می‌شود و يك سال پس از بامداد تا نیمه شب نگاشته شد و در سال ۱۹۱۷ در برلین به صحنه رفت و دروازه‌های شهرت را به روی کایزر گشود و مقام او را به عنوان يك غایشنامه‌نویس برجسته مکتب اکسپرسیونیسم در آلمان تثبیت نمود. غایش در بحبوحه نخستین جنگ جهانی و سالهای پرتنش جامعه آلمان درخواستی برای صلح و رنسانسی اخلاقی را به غایش می‌گذاشت.

شهروندان کاله مجرای محاصره شهر کاله توسط سربازان انگلیسی را بازگو می‌کند، اهالی شهر حق این انتخاب را دارند که یا از خودشان دفاع کنند که در نهایت منجر به ویرانی حتمی شهر می‌شود و یا با گشودن دروازه‌های شهر و تحویل شش مرد به محاصره‌کنندگان تا مرگ فداکارانه آنها شهرشان را از ویرانی نجات دهد. هفت داوطلب به رهبری اوستاش دوست‌پیر^۸ مشهورترین فرد شهر خود را به عنوان قربانی پیشنهاد می‌کنند، گرچه يك نفر از این هفت نفر اضافیست و آنها نیز قادر به اخذ این تصمیم نیستند که کدامیک زنده بماند. صبح روز تعیین شده برای تحویل به محاصره‌کنندگان همگی درمی‌یابند که اوستاش ناپدید شده است. جماعت شتابزده او را خیانتکار و ترسو می‌خوانند اما بزودی درمی‌یابند که او انتحار کرده تا پیشاپیش دیگران طریق فداکاری برای هدفی مشترک را نشان دهد. پیکر او را با احترام به میدان شهر حمل می‌کنند و پدر پیر و نابینای او اهمیت کار او را اینگونه اعلام می‌کند:

من «انسان نوین را دیدم، او امشب پا به عرضه وجود گذاشت.»

از این زمان تا دوران قدرقند شدن نازیها کایزر یکی از چهره‌های درخشان و فعال صحنه‌های تئاتر آلمان بود او طی این سالها در برلین زندگی می‌کرد و متوالیاً غایشنامه می‌نوشت. او همچنین تعدادی از غایشنامه‌های اولیه خود را بازنویسی کرد و شماری از کم‌دیهای عادی و همچنین چند اثر اپرانی نگاشت با همه این تلاش‌ها مشکلات مالی در عین موفقیت او را رها نمی‌ساخت، در سال ۱۹۲۱ بخاطر فروش مبلمان ویلای تحت اجاره‌اش به دادگاه خوانده شد و به شش ماه زندان محکوم شد. کایزر با ادعای اینکه به عنوان فردی استثنائی احتیاج به تجملات دارد سعی در توجیه عمل خود نمود. او خود را برادر رنج کشیده کلايست^۹ و بوخنر^{۱۰} نامید و محاکمه‌اش را «يك ضایعه ملی» خواند. در سال ۱۹۳۰ کایزر به عضویت آکادمی آلمان برگزیده شد.

از مهمترین آثار کایزر در این سالها تریلوژی^{۱۱} (سه قسمتی) است با نام «گاز»^{۱۲}. این

مجموعه تشکیل شده است از نمایشنامه‌های مرجان^{۱۹۱۷}، گاز يك^{۱۹۱۸} و گاز دو^{۱۹۱۹} که در آنها نویسنده با چیره‌دستی تمام یکی از درخشانترین آثار تئاتر اکسپرسیونیستی را خلق کرده است، در این تریلوژی کایزر سلطه وحشتزای اجتماعی صنعتی را بر انسانهایی که در آن مجتمع به کار اشتغال دارند را بازگو می‌کند. در پایان انفجار بمبی قوی نمونه‌ای از شاهکارهای تولید شده این کارخانه در واقع پایان‌گیرناپذیر این مجتمع صنعتی است.

از دیگر نمایشنامه‌های کایزر در این سالها می‌توان از: وضعیت شاگردان وی هجك^{۱۹۱۴}، اروپا^{۱۹۱۴}، فداکاری زن^{۱۹۱۶}، جوانا^{۱۹۱۸}، آتش در اپرا^{۱۹۲۰}، الکیبادس نجات یافته^{۱۹۲۰}، جهنم، راه، زمین^{۱۹۱۹}، قهرمان^{۱۹۲۰}، بمن دست نزن^{۱۹۲۱}، پرواز به ونیز^{۱۹۲۲}، پهلویه پهلو^{۱۹۲۳}، دوباره اولیور^{۱۹۲۶}، کارخانه کاغذسازی^{۱۹۲۷}، رئیس‌جمهور^{۱۹۲۷}، عاشق خیالی^{۱۹۲۷}، کله‌چرمیها^{۱۹۲۸}، دوگره^{۱۹۲۹}، روشن‌بین^{۱۹۲۹}، می‌سی‌سی‌پی^{۱۹۲۹}، دریای نقره‌ای^{۱۹۳۳}، آدریان آمبروزت^{۱۹۳۴}، آگنت^{۱۹۳۵}، روزاموند فلورس^{۱۹۳۶/۳۷}، آلن والیز^{۱۹۳۸} و اسب مبادله‌ای^{۱۹۳۸} قابل ذکرند. از ۱۹۳۳ با قدرتمند شدن نازیها در آلمان شرایط کار روزه‌روز برای کایزر دشوارتر شد، اجرای نمایشنامه‌هایش با عناوین منحنط و صلح‌جو از سوی کارگزاران نازی ممنوع گردید و از آکادمی آلمان نیز اخراج شد. بالاخره در سال ۱۹۳۸ کایزر در شرایطی از فقر و درماندگی بنا به دعوت نمایشنامه‌نویس سوئیس کازارفن ارکس^{۵۱} جلاوی وطن کرد. با همه آنچه که ذکرش رفت او هیچگاه از نوشتن دست‌برنداشت، نمایشنامه‌های بالاخص این دوران از کار او همگی شواهدیست بر مخالفتش با سلطه نازیها بر آلمان و بسط و گسترش نظامیگری و جنگ‌افروزی. همچنین مطالعه و آمیزش فکری او با فرهنگ یونان باستان در دهه آخر عمر انعکاسی از تلاش او برای غلبه بر زمان حالی بود که او آنرا به سختی قابل زیستن می‌دید.

حاصل مطالعات کلاسیک او سه نمایش منظوم است که به تریلوژی یونانی نیز مشهورند، این سه اثر عبارتند از: دوباره آمفی‌تریون^{۱۹۴۳}، پیگمالیون^{۱۹۴۴} و بیلروفون^{۱۹۴۴}، که در حقیقت رؤیاهای کایزر را از بشریت ورای تباهی سالهای جنگ دوم در جهان بیان می‌کند. از دیگر نمایشنامه‌های کایزر می‌توان: ناپلئون در نیواورلئان^{۱۹۳۸}، سرباز تاناکا^{۱۹۴۰}، کلاوتر^{۱۹۴۰}، رادیو انگلیس^{۱۹۴۰}، جعبه موسیقی^{۱۹۴۲}، و دسته ستارگان دریای^{۱۹۴۳} همراه با دو رمان را نام برد.

نمایشنامه‌های کایزر، درام‌هایی درباره عقاید و ایده‌ها هستند که در آن کاراکترها اغلب به سادگی با اسم‌هایی چون میلیاردر، منشی و مهندس معرفی می‌شوند و سپس به ایدئولوژیها

مشاغل، آرزوها و با نیروهای اجتماعی شخصیت می‌دهند و موضوعات متنوعی را دربرمی‌گیرند. بالاخره جورج کایزر این نمایشنامه‌نویس خیالپرداز و انسانگرا که همه عمر به سقوط و زوال شخصیت انسانی اندیشید و در این راه تنها امکان رستگاری انسان را از طریق عشق و فداکاری فردی و تجدید حیاتی روحی دریافت، در چهارم ژوئن ۱۹۴۵، یعنی همان سالی که جنگ خونبار جهانی پایان رسید و آلمان تسلیم شد، پس از ۶۷ سال زندگی در «آسکونا»^{۶۱} واقع در کشور سوئیس چشم از جهان فرو بست.

۱. اکسپرسیونیسم *Experssionnism* جنبشی در ادبیات، نقاشی و تئاتر. این جنبش مبینی بر اظهار عواطف و احساسات به آزادی تمام است و اندکی قبل از جنگ اول جهانی در آلمان بوجود آمده و در فاصله دو جنگ به اوج خود رسید.

2. Magdeburg

۳. فرانک وده گیند Frank Wedekind نمایشنامه‌نویس آلمانی ۱۹۱۸-۱۸۶۴م

4. Margarethe Habenicht

5. The Citizens of Calais

6. Schoolmaster Kleist

7. The Jewish widow

8. The Congress

9. The Spirit of Antiquity

10. David and Goliath

۱۱. The Centaur جانور افسانه‌ای که نیم بیشتر بدنش اسب و سر و گردن آن انسان است.

12. The Temptation

13. King Cuckold

14. Hyperion

15. Claudius

16. Friedrich and Anna

17. From Morn to Midnight

18. Eustache de saint Pierre

۲۰ و ۱۹. Kleist و Buchner دو نمایشنامه‌نویس آلمانی. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به درام‌نویسان جهان «جلد ۱»

21. Trilogy

22. Gas

23. The Const

24. Gas I

25. Gas II

26. The Case of the student vehgesack

27. Europe

28. A Woman's Sacrifice

29. Juana

30. fire in the Opera house

31. Alcibiades Saved

32. Hell, Road, Earth

33. The Protagonist

34. Do Not Touch Me

35. The Flight to Venice

36. Side by Side

37. *Twice oliver*
38. *Paper Mill*
39. *The President*
40. *The Phantom Lover*
41. *Leather Heads*
42. *Two ties*
43. *The Clairvoyant*
44. *Mississippi*
45. *The Silver Sea*
46. *Adrienne Ambrossa*
47. *Agneta*
48. *Rosamunde Floris*
49. *Alan and Elise*
50. *The Horse Exchange*
51. *Cesar Von Arx*
52. *Twice Amphitryon*
53. *Pygmalion*

۵۴. *Bellerophon* پناهر افسانه‌های یونانی نام یکی از قهرمانان شهر کورنت است که با نام‌های نزد پادشاه لی‌سیا *Lycia* فرستاده شد و مضمون نامه آن بود که حامل را به قتل برسانند ولی پادشاه او را به کشتن چیمرا *Chimera* مأمور کرد و با کمک شخصی به نام *Pegasus* توانست این مأموریت را انجام دهد و بنا بر افسانه‌ها وقتی می‌خواست سوار بر براق با فرس‌الاعظم شود از آن به زیر افتاد و مرد.

55. *Napoleon in New Orleans*
56. *The Soldier Tanaka*
57. *Kiewitter*
58. *The English Radio*
59. *The Musical Box*
60. *The Rait of The Medusa*
61. *The Rait of the Medusa*
62. *Ascona*

منابع

1. *World Drama, Mc Graw - Hill Encyclopedia. Vol2.*
2. *A Dictionary of the theatre John Russell Taylor. Penguin Books.*

Stanislaw Ignacy Witkiewicz

استانیسلاو ایگناسی ویتکیه ویچ ۱۸۸۵-۱۹۳۹ م

استانیسلاو ایگناسی ویتکیه ویچ^۱، غایتنامه‌نویس، فیلسوف، نقاش و رمان‌نویس لهستانی، فرزند نقاش و منتقد هنری مشهور، در بیست‌و‌چهارم فوریه ۱۸۸۵ در ورشو به دنیا آمد. او سرانجام نام ویتکاسی^۲ را برای خود برگزید تا استقلال خود را اعلام نموده و هنرش را از هنر پدر که نام او هم استانیسلاو ویتکه‌ویچ بود مشخص سازد.

این پسر که در ناحیه زاکوپین^۳ رشد یافته بود، توسط اعضای نهضت جوان، پیشرو و نخبه لهستان که در شکل‌گیری شخصیت فردگرا و ماجراجوی او بسیار مؤثر واقع شدند، تربیت یافت، آنگاه پس از گذراندن دوره دبیرستان برای مدت یک سال در ۱۹۰۴ در آکادمی هنرهای زیبا تحصیل کرد، پس از آن تا سال ۱۹۱۳ به نقاط مختلف اروپا سفر کرد. در این سفرها بود که او عمیقاً تحت تأثیر مکاتب هنری مدرنی چون فاوها^۴، فتوریست‌ها^۵ و کوبیسم^۶ قرار گرفت. کمی بعد ویتکیه‌ویچ در سفری به دریا‌های جنوب همراه برونیسلاوما لینوسکی^۷ دوست مردم‌شناسش شدیداً تحت تأثیر «بدویت» صادقانه بومیان آن نواحی قرار گرفت. در سال ۱۹۱۴ با تلاش فراوان موفق شد به عنوان افسر ذخیره به ارتش امپراطوری روسیه ملحق شود و در نتیجه نشان «سنت آن»^۸ را به خاطر شجاعت هائی که از خود نشان داد دریافت کرد و به هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به عنوان کمیسر سیاسی هنگ امپراطوری برگزیده شد.



ویتکیه ویچ

بعد از بازگشتش به لهستان در سال ۱۹۱۸ نگارش برای یکی از روزنامه‌های عصر با نام «اسکاماندر»^۱ که توسط گروهی از شاعران و نویسندگان جوان که خواهان بیان آزادانه عقاید هنری و سیاسی بودند را شروع کرد. در همان ایام او تحقیقات زیادی پیرامون تئوریهای چون «اشکال جدید در نقاشی و تصورات غلط ناشی از آن»^۲ و دربارهٔ تئاتر^۳ را گسترش و نشر داد.

ویتکیه ویچ بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹ بیش از سی نمایشنامه نوشت که هر کدام درجات متفاوتی از نگرش و سبک او را نشان می‌دهند. او که شدیداً به بیهودگی هستی معتقد بود تئاتر پوچ^۴ را در ۲۵ سال پیش از یونسکو^۵ و بکت^۶ مطرح ساخت. به دلیل اینکه او سالهای زیادی دور از کشورش به تحقیق و مطالعه پرداخته بود بگونه‌ای از بنیاد ادبی موجود در لهستان دور شد، کار او بیشتر از اکسپرسیونیسم و سورئالیسم اروپای غربی نشأت می‌گرفت تا ادبیات بومی سرزمینش. آثارش مشخصاً در دوران جنگ مورد تحسین و توجه قرار گرفت و اهمیت او به عنوان پیشرو(ی) برجسته در تئاتر معاصر اروپا از سال ۱۹۵۶ به بعد شناخته و مطرح شد و نفوذ او در شکل‌گیری تئاتر تجربی امروز لهستان بسیار چشمگیر و قابل توجه است. دو رمان «وداع با

پاییز^{۱۵} ۱۹۲۷ و تشنگی جاویدان^{۱۶} ۱۹۳۱ « همراه با داستانهای کوتاه فلسفی و مقالات تحقیقی، انتقادی زیادی چون «ادراک و اصول ناشی از هستی»^{۱۷} که مبین تنوریهای مابعدالطبیعه و هستی شناسانه او می باشد از وی برجای مانده است. این نوشته ها در حقیقت اساس دیدگاههای زبانشناسانه و فلسفی او را در اشکال نمایشنامه نویسی و هنر بطور عام تشکیل می دهند.

دیدگاههای فلسفی ویتکیه ویج آثارش را بصورت گردبانهایی از موضوعات متنوعی که سرشار از حوادث عجیب، مضحك و پوچ در قالبهای فلسفی انباشته می کند. قهرمانان آثارش غالباً بصورت دیوانگانی خیالپرست ظاهر می شوند که آخرین نشانه های فردگرایی را دارا می باشند. اغلب اتفاقات و احساسات در نمایشنامه های او متناقض با زندگی عادی جریان دارند و شخصیت هایش افرادی هستند که تصاویر تحریف شده ای از انسان های عادی را به نمایش می گذارند. هر نمایشنامه او فلسفه مصیبت بار زندگی را از دیدگاه ویتکیه ویج در برمی گیرد که در نهایت به نابودی فرد و پیشگونی پیروزی قریب الوقوع تکنولوژی و زندگی صنعت زده توأم با ناامیدی را باز می گوید.

آثار نخست او همچون Maciej Korobowo and Bellatrix، ۱۹۱۸، استاد پرایس^{۱۸} ۱۹۲۰، آنها^{۱۹} ۱۹۲۰، مصلحت گرایان^{۲۰} ۱۹۲۰، دایه وحشتناک^{۲۱} ۱۹۲۰، کار بدون نام^{۲۲} ۱۹۲۱، کیبال واهازار^{۲۳} ۱۹۲۱، واترهن^{۲۴} ۱۹۲۱، متافیزیک گوساله دوسر^{۲۵} ۱۹۲۱، استقلال مثلث ها^{۲۶} ۱۹۲۱، درملک کوچک اربابی^{۲۷} ۱۹۲۳ و جان مسج کارول هیلکات^{۲۸} ۱۹۲۲، همه مضامین اشاره شده را در برمی گیرند. یکی از شاخص ترین نشانه ها در نمایشنامه های ویتکیه ویج حضور چیزهای عجیب و غریب در صحنه است همچون اجساد زنده که تمثیلی از انسان های بدون روح و مکانیکی جامعه مدرن اند.

گاهی هم او از تمسخر کردن ادراک فلسفی و برخی کارهای ادبی بهره جسته است مثلاً در نمایشنامه رستگاری نوین^{۲۹} ۱۹۲۶ اثر مشهور ویسپیانسکی^{۳۰} تحت عنوان رستگاری را مورد طعن قرار داده و شخصیت ریچارد سوم اثر شکسپیر را به باد استهزاء و نیشخند گرفته است.

در نمایشنامه لکوموتیو دیوانه^{۳۱} نگارش ۱۹۲۳ اجرا ۱۹۴۶، یکی از شاخص ترین آثار ویتکیه ویج که اثریست با ریتمی پرشتاب و فضائی آکنده از بیم و اضطراب، دو مجرم معروف که پلیس در تعقیب آنهاست در خفا زندگی می کنند. آن دو به لباس مهندس راه آهن و مأمور سوخت قطار، درمی آیند، ترفالیدی^{۳۲} مهندس، يك اشراف زاده است و تراویلاک^{۳۳} مأمور سوخت قطار، از طبقات پائین اجتماع، آنها هیچگونه وجه اشتراکی بجز امید برای آزادی با یکدیگر ندارند. زمانیکه قطار در حرکت است آنها ضمن گفتگو به نکاتی پی می برند. ترفالیدی اعتراف می کند که دلباخته جولی^{۳۴} نامزد تراویلاک بوده، با علم به اینکه می داند او زنی شیطان صفت است. به هر حال آندو



یک صحنه از دیوانه و راهبه اثر ویتکیه ویچ، اجرا: لهستان.

موافقتی می‌شود و آن اینکه سرعت قطار را تا حدود وحشتناکی افزایش دهند تا منتهی به فاجعه گردد، آن کسی که از فاجعه جان سالم بدر بُرد همه چیز را بدست خواهد آورد، آزادی، رهائی از گناه و جولی زیبا را. در صحنه بعد جولی و همسر ترفالدی بر صحنه ظاهر می‌شوند و همسر ترفالدی وحشت‌زده به آنها التماس می‌کند که قطار را متوقف سازند، اما دو مرد او را از قطار به بیرون پرتاب می‌کنند، از سوی دیگر جولی که بشدت به هیجان آمده است آن دو را تشویق می‌کند تا کارشان را ادامه دهند، چند تن از مسافران از جمله يك كُنْتس و ژاندارم‌ها به بالای لوکوموتیو می‌روند تا آن را به نحوی متوقف کنند، اما قطار سریع‌السیری که از جانب مخالف آنها در حرکت است با آنها تصادم می‌کند. در اختتامیه کوتاه نمایش درمی‌یابیم که ترفالدی در حال مرگ است، جولی دچار جنون شده و تراویلاک با كُنْتس در حال فرارند و نمایش پایان می‌یابد.

گاه اتفاقات و احساسات در غایشنامه‌های ویتکیه‌ویچ متناقض با زندگی عادی جریان می‌یابند. به عنوان مثال در غایشنامه «دیوانه و راهبه»^{۳۵} یا هیچ چیز بدی نیست که بدتر نشود «۱۹۲۶». حوادث غایشنامه در اطاقی سلول مانند در يك تیمارستان می‌گذرد، والپرک^{۳۶} شاعر جوان علیرغم میل خود به دلیل دیوانگی ناشی از مصرف بیش از حد دارو تحت مراقبت است. او موفق می‌شود آنا^{۳۷} راهبه جوانرا که مسئول پرستاری و مراقبت از اوست اغوا نماید و رابطه عاشقانه‌شان را در سلول نیز ادامه دهند، سه تن از دکترها، يك روانپزشك متکبر، يك روانکاو فرویدی مسلک و يك جراح مغز بر سر معالجه والپرک با هم رقابت می‌کنند. والپرک در فرصتی روانپزشك را که در حال معاشقه با آناست به قتل می‌رساند، از این زمان به بعد کرول^{۳۸} روانکاو، مسئولیت معالجه والپرک را عهده‌دار می‌شود، او مدعیست که والپرک به محض اینکه عقده‌هایش را بگشاید سلامت‌ش را مجدداً بازخواهد یافت، اگرچه والپرک پس از انجام عمل قتل احساس راحتی بیشتری می‌کند اما هنگامیکه ماجرای رابطه عشقی آنها برملا می‌شود دکتر کرون ناامید از اینکه تشخیص او اشتباه بوده است دستور می‌دهد مجدداً والپرک را در ژاکت مخصوص دیوانگان قرار دهند، والپرک که دیگر نمی‌تواند شرایط جدید را تحمل کند خود را حلق آویز می‌کند.

ویتکیه‌ویچ با استفاده از نظریه‌های روانکاوانه فروید، زوایای ناخودآگاه شخصیت‌هایش را آشکار می‌سازد اما غالباً واکنش‌های روانشناسانه معکوس می‌شوند، عاشق‌های او تنها اشکالی شهوانی و منحرف شده از عشق را بازمی‌شناسند در نتیجه آنها با افرادی شرور و یا قربانی هستند. نگاه طنزآمیز ویتکیه‌ویچ به تاریخ هنگامی بوضوح مشهود است که او گزیده‌هائی از تاریخ را در کنار شاخص‌های مدرن قرار داده، گذشته بشر را به اندازه حال او تهی از معنا می‌یابد، گاه علم نیز به اندازه چیزهای دیگر به نظرش مسخره می‌آید، چرا که دانشمندان و دکترهای آثار او تنها علاقمند به روش‌ها و نتایج آزمایشات خود هستند و نه بهبودی وضع انسانها.

یکی از محبوبترین غایشنامه‌های ویتکیه‌ویچ «ده پا یا دید جهانی هیرکانین»^{۳۹}، انتشار ۱۹۲۳، اجرا ۱۹۳۳، نام دارد. اجرای این غایشنامه در لهستان با استقبال فراوان مردم روبرو شد و باعث احیاء مجدد آثار ویتکیه‌ویچ گردید، غایشنامه کفاش‌ها^{۴۰} ۱۹۳۴، اثر دیگر ویتکیه‌ویچ بیشتر از هر غایشنامه دیگر او در لهستان مورد تحسین قرار گرفته است.

از دیگر غایشنامه‌های ویتکیه‌ویچ می‌توان مادر^{۴۱} ۱۹۲۴، Brainard ۱۹۲۱، و The Bellxebub، Sonata، ۱۹۲۵ قابل ذکرند.

ویتکیه‌ویچ در ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۹ با شروع جنگ دوم جهانی و گرفتار شدن لهستان در این ماجرا خودکشی کرد.

1. Stanislaw Ignacy Witkiewicz

2. Witkacy

3. Zakopane

۴. Faurism ، سبکی در نقاشی که در آن رنگهای شاد و زنده بسیار مورد توجه است. این مکتب به مکتب ماتیس نیز اطلاق می شود.

۵. Futurism ، سبکی در هنرهای شعر، ادبیات، نقاشی و موسیقی که لازمه آن گسستن از اشکال سنتی و کهنه است به منظور بیان رشد و حرکت.

۶. Cubist مکتبی در هنر نقاشی که در آن اشیاء به اشکال هندی تصویر می شوند.

7. Bronislaw Malinowski

8. St. Anne Cross

9. Skamander

10. New Forms in Painting and Misconceptions Arising Therefrom

11. The Theatre

12. Absurd Theatre

۱۳. اوژن یونسکو Eugene Ionesco نمایشنامه نویس رمانی الاصل. تولد ۱۹۱۲ م

۱۴. ساموئل بکت Samuel Beckett نمایشنامه نویس ایرلندی الاصل.

15. Farewell to Autumn

16. Insatiability

17. Concepts and Principles Implied by the Concept of existence

18. Mister Price

19. They

20. The Pragmatists

21. The Terrible Tutor.

22. The Anonymous Work

23. Gyubal Wahazar, or on the Precipices of Nonsense

24. The Water Hen

25. Metaphysics of a two-headed Calf

26. The Independence of Triangles

27. In a Small Country Manor

28. Jan Maciej Karol Helica!

29. The New Deliverance

30. Wyspienski

31. The Crazy Locomotive

32. Trefaldi

33. Travaillic

34. Julia

35. *The Madman and the Nun or where Is Nothing Bad Which Could Not turn in to Something Worse*
36. *Walpurg*
37. *Anna*
38. *Grun*
39. *The Cuttlefish, or the Hyrcanian world view*
40. *The Shoemakers*
41. *The Mother*

منابع

1. *Mo Graw - Hill Encyclopedia of world Drama(Vol4)*

Jean Cocteau

۱۸۸۹-۱۹۶۳ م

ژان کوکتو

شاعر، داستان‌نویس، منتقد، سینماتوگراف و غایشنامه‌نویس فرانسوی در پنجم ژوئیه ۱۸۸۹ در مزون لافایت^۱ واقع در ده مایلی پاریس به دنیا آمد. پدرش حقوقدانی ثروتمند بود که نقاشی هم می‌کرد. و مادرش زنی شیفته جهان هنر. ژان تحصیلات ابتدائیش را در مدرسه کوندورسه^۲ به اتمام رسانید هر چند در مواردی با ابراز عدم علاقه‌اش به درس و امتحان موجبات ناراحتی پدر و مادر خود را فراهم ساخته بود. اما بگفته خودش، تحصیلات واقعی او زمانی آغاز گردید که فضای ادبی و هنری در خانه و محیط اطرافش فراهم گردید. در هفده سالگی مسئولین دبیرستان شاهد موفقیت‌های او در سرودن اشعاری دلنشین بودند تا آنجا که کوکتو موفق شد نخستین مجموعه شعرش را با نام چراغ علاءالدین^۳ در سال ۱۹۰۹ منتشر کند. در این ایام او با بسیاری از هنرمندان آن روزگار در ارتباطی مستمر بود. افرای چون سارا برنارد^۴ ایزادورا دانکن^۵، کاتول مندس^۶ لئون دوده^۷، مارسل پروست^۸ و دیگران. در همین زمان با راهنمایی دوستانش در يك شب شعر که در تئاتر فمینا^۹ برگزار گردید اشعارش را قرائت کرد.

آشنایش با «سرگنی پاولویچ دیاگالوف»^{۱۰} هنرمند باله روس بزودی به دوستی عمیقی منجر شد و از سونی او را شدیداً شیفته باله‌های سبک روس نمود و شروع به کار خلاق در این زمینه کرد. با آغاز جنگ اول جهانی، زندگی ادبی کوکتو که تازه قوام یافته بود دستخوش گسستگی گردید. پس از آنکه او داوطلبانه خود را جهت اعزام به جبهه‌ها معرفی نمود نخست خواست او اجابت نشد اما بالاخره در يك واحد آمبولانس دفاع غیرنظامی شروع به خدمت کرد. او بعدها تجربیاتش را



ژان کوکتو

در جبهه های جنگ دستمایه یکی از داستانهای معروفش با نام «توماس شیاد»^{۱۱} قرارداد، این اثر در سال ۱۹۲۳ منتشر شد. در سالهای آخر جنگ کوکتو به زندگی متعارف خود بازگشت، این بار به ناحیه مون پاراناس^{۱۲} نقل مکان کرد و با گرایش به مکتب سورئالیسم^{۱۳} به خلق باله ای به سبک نو همت گمارد، موسیقی این اثر در ماه مه ۱۹۱۷ به صحنه رفت و گرچه موفقیت چندانی کسب نکرد، اما باعث شهرت و اعتبار بنیان آن گردید چرا که در نوع خود اثری غیرمتعارف بود.

در همین ایام کوکتو به گردهمایی تنی چند از آهنگسازان جوان که به گروه شش نفری شهرت یافتند کمک فراوانی کرد و به اتفاق آنان چندین اجرای باله را به صحنه برد، از باله هایی که کوکتو تدوین کرد می توان از خدای آبی^{۱۴} ۱۹۱۲، بهشت^{۱۵} ۱۹۱۶، کاوی روی بام^{۱۶} ۱۹۲۰، زوجهای برج ایفل^{۱۷} ۱۹۲۱ و قطار آبی^{۱۸} را نام برد.

در سال ۱۹۱۸ کوکتو با ریمون رادیکله^{۲۱} نویسنده جوان هموطنش آشنا شد. این آشنائی به دوستی صمیمانه‌ای انجامید. رادیکله شخصیتی بود که در پیشرفت کوکتو در عرصه نمایشنامه‌نویسی تأثیر بسزا داشت. اما مرگ زودرس این نویسنده در سن ۲۰ سالگی و در شرایط شکوفندگی چنان بر کوکتو اثر گذاشت که به دام مخدر گرفتار آمد. با این حال طی سالهای دهه ۱۹۲۰-۳۰ کوکتو آثار متعدد و در خور توجهی عرضه کرد، بخشی از این آثار برگردان یا اقتباسهایی از نمایشنامه‌های نویسندگان اعصار گذاشته‌اند. همچون آنتیگون^{۲۲} ۱۹۲۲ (اقتباس از اثر سوفکل) يك مجموعه شعر تحت عنوان سرودهای ساده ۱۹۲۳، رمنو و ژولیت^{۲۳} ۱۹۲۴، اورفه^{۲۴} ۱۹۲۵، اودیپوس^{۲۵} ۱۹۲۶ (اقتباس از اثر سوفکل) که نخست با همکاری ایگور استراوینسکی^{۲۶} برای اپرا تنظیم شد و یکسال بعد برای صحنه تئاتر آماده گردید. ملوان فقیر^{۲۷} ۱۹۲۷، مجموعه شعر اپرا^{۲۸} ۱۹۲۷ و نمایشنامه صدای بشری^{۲۹} ۱۹۳۰.

در سال ۱۹۲۹ اعتیاد به مواد مخدر کار او را به بیمارستان کشاند و در همانجا بود که با ژاک ماری تاین^{۳۰} فیلسوف و صاحب‌نظر هموطنش دیدارهایی داشت، این دیدارها تقابلات کوکتو را نسبت به مذهب عمیقاً بیدار کرد، همین امر انگیزه‌ای گردید تا او از اعتیاد دست بکشد، وی در اثری تحت عنوان «ترباك»^{۳۱} که در سال ۱۹۳۰ انتشار یافت بریدنش را از این ماده جهنمی در قالب يك اثر ادبی بازگو می‌کند.

دهه ۱۹۳۰-۴۰ را کوکتو بیشتر مصروف نوشتن نمایشنامه کرد، عمده این آثار این دوران او عبارتند از: ماشین جهنمی^{۳۲} ۱۹۳۲، مدرسه‌ای برای بیوه‌ها^{۳۳} ۱۹۳۶، شوالیه‌های میزگرد^{۳۴} ۱۹۳۷، نسبت صمیمی^{۳۵} ۱۹۳۸ و اثر ادبی «نخستین سفر من»^{۳۶} ۱۹۳۶ که از سوی محافل ادبی مورد توجه فراوان قرار گرفت.

زمانیکه جنگ دوم جهانی اروپا را دربرمی‌گرفت کوکتو در ابتدا سعی داشت مواضعی صلح‌طلبانه اتخاذ نماید اما هنگامی که نازیها آثار تاریخی کشور فرانسه را بمباران کردند او نیز فریاد اعتراضش را سرداد، طی این دهه او بیشتر به سینما تقابل یافت و اغلب نمایشنامه‌هایی را که نوشته بود بصورت سناریو تنظیم کرد، از سال ۱۹۳۷ کوکتو با «جان ماریا»^{۳۷} آشنا شد و در نمایشنامه «شوالیه‌های میزگرد» ابفای نقش نمود، از این زمان آن دو همکاری پیگیری را آغاز کردند، در پنج فیلم نخست کوکتو جان ماریا شخصیت اصلی چهار فیلم را بر عهده گرفت. خود کوکتو نیز در سال ۱۹۴۳ ابفای نقش آلفرد دوموسه^{۳۸} را در يك فیلم بر عهده گرفت.

خون يك شاعر^{۳۹} ۱۹۳۰، دیو و دلبر^{۴۰} ۱۹۴۵، عقاب دوسر^{۴۱} ۱۹۴۸، والدین عجیب^{۴۲}، اورفه^{۴۳} ۱۹۵۰، کوریولان^{۴۴} ۱۹۵۰، وصیت‌نامه اورفه^{۴۵} و بازگشت ابدی^{۴۶} که بر اساس ترستان و

ایزولده، تنظیم یافته بود از فیلمهای مشهور کوکتو بشمار می‌روند.

از نوشته‌های کوکتو کارگردانان دیگر سینما نیز فیلمهای درخور توجهی ساخته‌اند که از میان آنها می‌توان از صدای انسانی به کارگردانی روبرتو روسلینی^{۲۶} ۱۹۴۷، کودکان شر بکارگردانی ژان پیر ملویل^{۲۷} ۱۹۵۰ و زیبای بی‌اعتنا بکارگردانی ژاک دمی^{۲۸} ۱۹۵۷ اشاره کرد.

نمایشنامه عقاب دوسر که بفارسی هم برگردانیده شده است گونه جالبی است برای خوانندگان تا با نحوه نمایشنامه‌نویسی این نویسنده آشنا شوند. ماجرای این نمایشنامه به اختصار بدین شرح است: ماجرا در سرزمینی می‌گذرد که در آن ظلم و تباهی از حد گذشته است، استانیسلاس^{۲۹} شخصیت اصلی نمایشنامه که جوان ماجراجو نیست درصدد است تا با کشتن ملکه به حکومت ظلم و جور در کشورش پایان دهد، اکنون ده سال از مرگ فردریک شاه می‌گذرد و به ظاهر ملکه حکمران کشور است اما در حقیقت ملکه پس از مرگ نابهنگام شوهرش کنج انزوا اختیار کرده و بدون امید در انتظار مرگ روزشماری می‌کند او خود را کاملاً از مصادر کشوری کنار کشیده است و مادر شوهرش به‌مراه تنی چند از درباریان فاسد از این ضعف او استفاده کرده اداره امور را در دست گرفته‌اند و به چپاول مردم مشغولند و دست آخر مردم که از همه چیزی بی‌خبرند بی‌کفایتی‌ها را به ملکه نسبت می‌دهند. استانیسلاس بزودی پی به حقایق دربار می‌برد و دربرخوردش با ملکه از آنجا که تصادفاً شباهتی به شاه فقید دارد سبب بروز ارتباطی عاطفی با ملکه می‌شود و پی می‌برد که ملکه نیز بگونه‌ای قربانی شرایط حاکم بر دربار است.

استانیسلاس از رابطه عاطفی که میان او و ملکه بوجود آمده استفاده کرده از ملکه می‌خواهد تا با اعتماد کامل به کمک هم به مبارزه با نظم حاکم بر دربار برخیزند و بساط حکومت آنان را براندازند.

اما استانیسلاس در این میان دشمن را دست کم می‌گیرد و از طرف دیگر خود جوانیست که بیشتر می‌اندیشد و کمتر عمل می‌کند و همین عوامل باعث شکستشان می‌شود، استانیسلاس و ملکه هر دو در پایان قربانیان نمایش‌اند.

در سال ۱۹۴۹ کوکتو سفری به امریکا رفت و سپس به همراه گروه تئاتریش سفری به چند شهر خاورمیانه انجام داد، بار دیگر در سال ۱۹۳۷ بیماری او را برای مدتی به بستر انداخت، پس از بهبودی بود که به عضویت آکادمی بلژیک برگزیده شد و یکسال بعد یعنی در سال ۱۹۵۵ عضو آکادمی فرانسه گردید. نمایشنامه‌های دیگر کوکتو عبارتند از: ماشین تحریر^{۳۰} ۱۹۴۱، برگردان اتوبوسی بنام هوس^{۳۱} (اثر تنسی ویلیامز) ۱۹۴۹، فدرا^{۳۲} ۱۹۵۰ و باکوس^{۳۳} ۱۹۵۱.

کوکتو سالهای آخر عمر خود را صرف نقاشی کرد.

1. Maisons-Laffite
2. Condorcet
3. Aladdin's Lamp

۴. سارا برنارد Sarah Bernhardt بازیگر مشهور فرانسوی (۱۸۴۵-۱۹۲۳ م)
۵. ایزادورا دانکن Isadora Duncan بازیگر و رقص مشهور باله ۱۹۲۷-۱۸۷۸ م

6. Catulle Mendes
7. Leon Dudet
8. Marcel Proust
9. Theatre Femina
10. Sergei Pavlovich Diaghilev
11. The Impostor Thomas
12. Montparnasse

۱۳. سورآلیسم Surrealism. شیوه‌ایست ادبی که در سال ۱۹۲۲ در فرانسه پیدا شد و مانند مکتب‌های دیگر دامنه نفوذ خود را به هنرهای دیگر هم کشاند.

14. Erik Satie
15. Pablo Picasso
16. The Blue God
17. Parade
18. The ox on the Roof, or the Nothing Doing Bar
19. The Wedding on the Eiffel Tower
20. The Blue Train
21. Raymond Radiguet
22. Antigone

۲۳. رمنو و ژولیت Romeo and Juliet، اقتباس از اثر ویلیام شکسپیر

24. Orpheus
25. Oedipus-Rex

۲۶. ایگور استراوینسکی Igor Stravinsky (۱۸۸۲-۱۹۷۱ م)

27. The Poor Sailor
28. Opera
29. The Human Voice
30. Jacques Maritain
31. Opium
32. The Infernal Machine
33. The School for widows
34. The Knights of the Round Table
35. Intimate Relations
36. Jean Marais

۳۷. آلفرد دومرسه Alfred de Musset شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی (۱۸۵۷-۱۸۱۰ م)

38 *The Blood of a Poet*

39 *Beauty and The Beast*

۴۰. *The Eagle Had two Heads* عقاب دوسر (با عقابی با دوسر) نوشته ژان کوکتو، ترجمه هوشنگ حسامی.

انتشارات غایش ۱۳۶۷.

41 *Evil Parents*

42 *Orphee*

43 *Coriolan*

44. *Orpheus testament*

45. *The return elerver*

46. *Roberto Rossellini*

47 *Jean-Pierre Melville*

48. *Jacques Demy*

49 *Stanislas*

50. *The Typewriter*

51 (Adaptation) *Astreetcar Named Desire. Tennessee Williams*

52 *Phaedra*

53. *Bacchus*

منابع

1 *Mc Graw-Hill Encyclopedia of World Drama (Vol1)*

2. *A Ddictionary of the theatre, John Russell Taylor*

Carel Capek

۱۸۹۰-۱۹۳۸ م

کارل چاپک

کارل چاپک در نهم ژانویه ۱۸۹۰ در یکی از محلات کوچک ناحیه « چخ » واقع در چکسلواکی به دنیا آمد. پدرش آنتوان چاپک^۲ پزشک قریه‌ای در اطراف پراگ بود و مادرش زنی تحصیلکرده. کارل پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به دانشگاه پراگ راه یافت (۱۹۰۹) و در رشته فلسفه شروع به تحصیل کرد. آنگاه برای پیگیری تحصیلات خود در دانشگاههای برلین و پاریس مطالعات فلسفی خود را دنبال کرد. در سال ۱۹۱۵ او موفق شد دکترای خود را در رشته فلسفه بگیرد.

بازگشتش به چکسلواکی مصادف بود با اوج تصادمات جنگ جهانی اول، این جنگ تأثیرات دردناکی در روحیه نویسنده جوان بر جای گذاشت و او را به سوی مسائل عمیق فلسفی کشانید، او با تمام نیرو در جستجوی حقیقت به کنکاش پرداخت تا علل و انگیزه‌های درد و رنج بشری را بازشناسد و وقتی از شناخت آن درمانده گردید مأیوس و سرخورده با نگاهی بدبینانه به کوبیدن تمدن بشری با همه عیوب و محاسنش پرداخت.

چاپک نویسنده‌گی را از زمانیکه دانشجوی جوانی بود آغاز کرد، نخستین کارهایش را به اتفاق برادرش ژوزف چاپک^۳ که خود از نویسندگان و نقاشان مشهور چکسلواکی محسوب می‌شود نگاشت. حاصل این همکاری نمایشنامه‌های گودالهای نورانی^۴ و باغ کراکونوشا^۵ و زندگی حشرات^۶ است که بین سالهای ۱۹۱۶-۲۱ چاپ و منتشر شد. آن دو بعدها هر يك بطور مستقل نیز به خلق آثار هنری پرداختند. نخستین نمایشنامه مستقل چاپک تحت عنوان راهزن^۷ در سال ۱۹۲۰ نگاشته شد. این اثر



کارل چاپک

که بگونه‌ای یادداشت‌های دوران تحصیل نویسنده را دربرمی‌گیرد گشمتش‌های بین دونسل جوان و پیر را مطرح می‌سازد که دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ مسائل زندگی و بخصوص عشق دارند.

نمایشنامه بعدی جاپک يك كمدی تخیلی با نام آر.یو.آر^۱ یا آدمهای ماشینی است که در سال ۱۹۲۱ انتشار یافت و شهرتی جهانی برای او به‌مراه آورد، آر.یو.آر که نام اثر است مخفف سه

حرف Rossm's Universal Robots به معنی آدمهانیست ماشینی. مهندس روسوم مبدع این کارخانه موفق به ساخت آدمهانی می‌شود که با استانداردهای بشری چندان تفاوتی ندارند، اما آدمهای ماشینی بزودی درمی‌یابند که بشر آنها را استثمار کرده است لذا برای برانداختن نسل انسانها سر به طغیان برمی‌دارند و به دنبال کشمکشی که بین ماشین‌ها و انسانها پیش می‌آید رمز و چگونگی تولید آدم‌های ماشینی مفقود می‌شود و بدین ترتیب توانائی تولید بیشتر آنها از بین می‌رود، اما در پایان معجزه‌ای اتفاق می‌افتد، بدین نحو که دو آدم ماشینی به انسان تبدیل می‌شوند و حتی عاشق یکدیگر می‌گردند و به این ترتیب نسل بشری امکان دوباره‌ای برای از سرگیری حیات خود پیدا می‌کند. در این اثر شکوه زندگی و توانایی و قدرت روح بشر زمانی که آخرین بازماندگان انسانها در انتظار نابودی قریب‌الوقوع کره خاکی به سر می‌برند در بدیع‌ترین شکل خویش تجلی می‌یابد. بشر در حین پیکار با روبات‌ها شاهد حقیقت بزرگی می‌گردد.^۱

چاپک با استقبالی که از نمایشنامه فانتزی- علمی‌اش شد چندین رمان و داستان نیز در این سبک و سیاق نگاشت که مهمترین آنها کتابهای معروف کارخانه مطلق‌سازی^۱، کراکاتیت^۲، کوردبال^۳، شهاب^۴، جنگ با سوسمارها^۵ و مرگ ارشمیدس^۶ را می‌توان نام برد.

نمایشنامه بعدی چاپک «راز ماکروپولوس»^۷ نام دارد که در سال ۱۹۲۳ نوشته شد. «این اثر کم‌دی درباره اکسیر حیات است و ماجرای آن در سده شانزدهم و در بار امپراتور رودلف دوم»^۸ می‌گذرد. حکیمی یونانی دارویی ساخته و ادعا میکند که با آن قادر است زندگی جاوید به انسان عطا کند. حکیم برای آزمایش دارو جرعه‌ای از آن را به دختر خود می‌دهد. دختر زیبا و جوان تا سیصد سال با موفقیت و سلامت و دل‌باختگانی بی‌شمار زندگی می‌کند. اما دختر به تدریج دچار بی‌میلی و سستی شدید و بی تفاوتی توانفرسا شده و سرانجام با عدم قبول به ادامه زندگی خود می‌گردد. در این نمایشنامه چاپک بیان دراماتیکی را در تشریح اعتقادات عمیق خویش به کار می‌گیرد. مواهب انسانی مطابق و متناسب با نظام طبیعی عالم به بشر ارزانی داشته شده. زندگی، عشق و خوشبختی گرانبها بوده و آرزومندانه، دقیق و با صراحت‌اند زیرا فانی بوده و تا حد وجود انسانی فرد محدود گشته‌اند.^۹

ازواج چاپک با اولگا شیپفلوگوا^{۱۰} که هنرپیشه‌ای مشهور بود سبب گردید تا او هر چه بیشتر با بازیگران این حرفه آشنا شود. چاپک به مسافرت علاقه زیادی داشت، او طی سفرهایش به سرزمین‌های مختلف در رسوم و آداب مردم سرزمین‌ها به مطالعه می‌پرداخت و با افکار و عادات آنان آشنا می‌شد، ره‌آورد سفرهایش به کشورهای مختلف کتابهائی هستند چون نامه هانی از ایتالیا ۱۹۲۳، نامه‌هانی از انگلستان ۱۹۲۴، سفری در اسپانیا ۱۹۳۰، تصاویر هلندی ۱۹۳۲ و



آدمهای ماشینی اثر کارل چاپک

مسافرت به شمال ۱۹۳۶.

آخرین نمایشنامه هائیکه چاپک نگاشت همچون مرض سفید^{۲۰} ۱۹۳۷ و مادر^{۲۱} ۱۹۳۸، آثاری هستند که درباره جنایات فاشیسم و حوادث جنگ داخلی اسپانیا است. «او در نوشته های هجایی خود بشر را متهم به چشم پوشی نسبت به واقعیت های زندگی نموده و حرص و آز او را مورد هدف و حمله قرار می دهد. او یادآوری می کند که دشمن انسان در درون اوست. تنها اگر به نشانه های خطر توجه شود می توان از دچار شدن به این سرنوشت شوم پرهیز نمود، توجه چاپک در نوشته هایش بیشتر به انسانهای ساده و زندگی معمولی معطوف است.^{۲۲}»

مصلوب^{۲۳}، اسکندر کبیر^{۲۴}، قصه های دردناک^{۲۵}، داستانهای از یک جیب و داستانهای از جیب دیگر^{۲۶} و تریلوژی (سه قسمتی) فلسفی او بنامهای هر دو بال^{۲۷}، مته اور^{۲۸} و زندگی عادی^{۲۹} از دیگر آثار این نویسنده است.

کارل چاپک در سال ۱۹۳۸ در سن ۴۸ سالگی چشم از جهان فرو بست.

1. Chekh
2. Antonin Capek
3. Josef Capek (1898- 1958)
4. The Luminous Depths
5. The Karakonosha's garden
6. From the Insect world
7. The Birgand

۸. آدمهای ماشینی R.U.R، کارل چاپک، ترجمه سعید حمیدیان، کامران فانی، تهران انتشارات پیام
 ۹. کلک شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفندماه ۶۹، ترجمه ژیل مهرانجونی.
 ۱۰. کارخانه مطلق سازی (Tovan a Na Absolutno) اثر کارل چاپک ترجمه حسن قائمیان با مقدمه صادق هدایت.

- 11- KaraKiti
- 12-Kord Ball
- 13-Metero
- 14-Valkasmioky
- 15-Archimedes death
- 16-macKropotus mystry
- 17-Rudolph II

۱۸- کلک، شماره ۱۱ و ۲.

19. Olga Schinpfugova
20. The white Plague
21. Mother
23. Crucified
24. The Alexander Great

۲۲. کلک، شماره ۱۱ و ۱۲.

۲۵. قطعه‌های دردناک و چند داستان دیگر، ترجمه مهندس کاظم انصاری، تهران، نشر اندیشه ۱۳۵۵.
۲۶. داستانهای از یک جیب و داستانهای از جیب دیگر، اثر کارل چاپک ترجمه امیر نوینخت، تهران نیل ۱۳۴۳
27. Hardubal
28. Meteor
29. An Ordinary Life

منابع

1. World Drama. Mc Graw. Hill. Encyclopedia Voil1
2. A Dictionary of the theatre, John Russell Taylor
۳. داستانهای از یک جیب و داستانهای از جیب دیگر، کارل چاپک ترجمه امیر نوینخت تهران، نیل.
۴. آدمهای ماشینی، کارل چاپک ترجمه سعید حمیدیان، کامران فانی، تهران انتشارات پیام.
۵. کلک شماره ۱۱ و ۱۲.

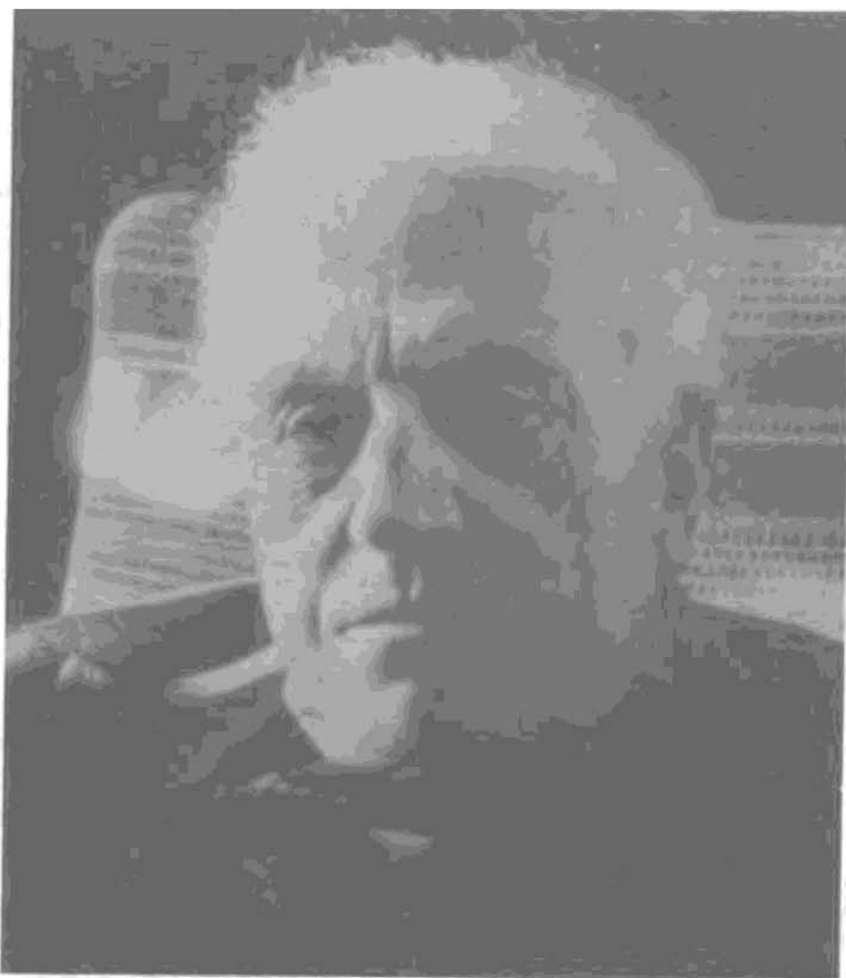
Par Lagerkvist

۱۸۹۱-۱۹۷۴ م

پرلاگرکوئیست

پرفابین لاگرکوئیست^۱ شاعر، رمان‌نویس، غایب‌نامه‌نویس، منتقد و بزرگ‌ترین ادیب قرن بیستم سوئد در بیست و سوم ماه مه ۱۸۹۱ در شهر ویکس‌جو^۲ در ناحیه اسمولاند^۳ واقع در جنوب سوئد به دنیا آمد. او هفتمین و آخرین فرزند یک کارمند راه‌آهن بود در شرایط متعادلی بزرگ شد. پدر و مادرش چند سالی بود که از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند، اما وابستگی و تعلقات خود را به روستا همچنان محفوظ می‌داشتند. آنها عموماً نسبت به عقاید و افکار جدیدی که در شهر رایج بود بدگمان بودند و به اعتقادات سنتی رایج پای‌بند بودند و این امر در پرورش «پر» نوجوان نقش عمده‌ای داشت. دوران دبستان و دبیرستان را با شوق و علاقه به کتاب و مطالعه سپری کرد. آشنانش با افکار و اندیشه‌های جدید قرن سبب گردید تا هر چه بیشتر از معتقدات سنتی رایج در خانواده‌اش روی گردان شود، در سال ۱۹۱۱ در دانشگاه اپسالا^۴ شروع به تحصیل کرد لیکن سال بعد تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد و نخستین کار ادبی خود را در سال ۱۹۱۲ با انتشار چند شعر و یک رمان کوتاه آغاز کرد.

در سال ۱۹۱۳ راهی پاریس شد و برای مدتی در آنجا زندگی کرد، با آثار و افکار بودلر^۵ و رمبو^۶ آشنائی یافت و احتمالاً در همانجا تحت تأثیر نقاشان مدرن قرار گرفت. در همین سال مقاله‌ای دربارهٔ تنویرهای خود در باب نوشتار ادبی تحت عنوان «هنر شفاهی و هنر مصور^۷» منتشر کرد. پس از بازگشت به کشورش مقالاتی پیرامون تنویرهای جدید در زیبایی‌شناسی نگاشت و در ادبیات سوئد موجد جنبشی تازه شد.



پرلاگرکوئیست

در سالهای جنگ جهانی اول مجموعه داستانهای کوتاه او بنام آهن و انسان^۸، انتشار یافت. در سال ۱۹۱۶ مجموعه‌ای از اشعارش با عنوان «دلهره»^۹ که اثری عمیقاً اکسپرسیونیستی است منتشر شد و شهرت ادبی او را تثبیت کرد و متعاقب آن نمایشنامه «آخرین مرد»^{۱۰} را نگاشت که با اقبال درخشانی روبرو شد. در این اثر که ملهم از مکتب اکسپرسیونیسم است نویسنده با نگاهی نگران از رابطه عشق و نفرت میان آخرین مرد و آخرین زن بازمانده بر روی سیاره زمین سخن می‌گوید.

لاگرکوئیست پرداختن به نمایشنامه‌نویسی را با رهائی از قیود رئالیسم و ناتورالیسم آغاز کرد، وی در بیانیه‌ای بسیار موجز تحت عنوان «تئاتر مدرن، طرح نقطه نظر»^{۱۱}، سال ۱۹۱۸، پیشنهادات خود را پیرامون تئاتر ضد ناتورالیستی مطرح نمود و بیان داشت که در نظر او اگرست استریندبرگ^{۱۲} پیامبر تئاتر عصر نوین است. در سال ۱۹۱۹ به عنوان منتقد تئاتر در یکی از نشریات^{۱۳} معتبر استکهلم شروع بکار کرد.

نمایشنامه دیگر وی «راز آسمان»^{۱۰} نام دارد. شخصیت‌های این اثر عبارتند از: جلادی که سر عروسکها را از تنشان جدا میکند، کوتوله‌ای بد هیبت و هیزم شکنی که همواره سرگرم کار خود است.

در هر دو این نمایشنامه‌ها عوامل تئاتر همچون دستورات صحنه و عوامل صوتی به اندازه گفتگوهای نوشته شده نقش مهمی را بر عهده دارند. نمایشنامه «نامرئی»^{۱۵} اثر دیگر وی بسال ۱۹۲۳ نگاشته شد. در سال ۱۹۱۸ پرلاگرکوئست با کارن سورنسون^{۱۶} بانوی دانمارکی ازدواج کرد. طی دهه ۱۹۲۰ او بیشتر وقت خود را در ایتالیا و فرانسه سپری کرد. پیوند ازدواجش در سال ۱۹۲۵ گسسته شد و چند ماه بعد با ایلن هالبرک^{۱۷} بیوه گوستا سندلز^{۱۸} نقاش سوئدی پیوند زناشویی بست. دهه دوم کارهای ادبی لاگرکوئست با تغییری تدریجی در شیوه نگارش او توأم بود، او به مرور از بدبینی و نگرش‌های اکسپرسیونیستی دور شد، نمایشنامه «کسی که اجازه یافت تا عمرش را يك بار دیگر زندگی کند»^{۱۹} ۱۹۲۸، دغدغه‌های فکری نویسنده پیرامون مسئله خیر و شر است و از نظر شیوه نگارش متداولتر از آثار قبلی اوست. شخصیت اصلی نمایشنامه در فرصت دوباره‌ای که می‌یابد مجدداً اشتباه می‌کند اما بطور ضمنی نویسنده امکان رهایی را نیز برای انسان بیان می‌دارد.

طی دهه ۱۹۳۰ و با آغاز نگارش نمایشنامه شاه^{۲۰} (انتشار ۱۹۳۲، اجرا ۱۹۵۰) اشتغال خاطرنویسنده عمدتاً در نفرت از نازیسم جلوه‌گر شد. او مخالف سرسخت این نوع تفکر بود و علاوه بر اصرار به مقاومت در برابر نیروهای خود کامة آن در نمایشنامه‌ها و رمانهای این دوران. مجموعه مقالات «مشت گره کرده»^{۲۱} را نیز بسال ۱۹۳۴ نگاشت که در آن به نگرش اومانیستی تأکید می‌ورزید. نمایشنامه جلاد^{۲۲} (۱۹۳۴) یکی از شاخص‌ترین آثار این دوره او دنیایی را نشان می‌دهد که دژخیمی آنرا اداره می‌کند و بر این اعتقاد است که جهان الزاماً رستگاری را از میان خون بدست خواهد آورد و تنها طریق تداوم در تاریخ بشری مرگی است که او بر دیگران تحمیل کرده است، در صحنه‌ای از این نمایش روستائیان ساده‌دل در میخانه‌ای قرون وسطانی گرد آمده‌اند و خرافات پیرامون جلاد و قربانیان او را مورد بحث قرار می‌دهند و در عین حال تابلوهایی داستانهای آنان را با تصویر نشان می‌دهد و صحنه تغییر می‌کند. این بار همه شخصیت‌های نمایش بجز جلاد به انسانهای معاصر تغییر می‌کنند و میخانه قدیمی نیز به کاباره تبدیل می‌شود. گروهی با فریادهای «هایل»^{۲۳} پیاپی به جلاد درود می‌فرستند و شخصیت‌ها پیرامون فلسفه جنگ و خشونت داد سخن می‌دهند، خدمتکاران سیاه‌پوست وحشیانه به اطاعت وادار می‌شوند و آنگاه مجلس میگساری بر پامی‌شود. سرانجام جلاد سخن آغاز می‌کند، از تحمل مسئولیت، بدیهای بشر و



مرد بدون روح اثر پرلاگرکوئیست استکهلم ۱۹۳۸

وظایف دشواری که به او محول گردیده داد سخن می دهد.

در نمایشنامه «مرد بدون روح»^{۲۴} ۱۹۳۸ يك ماجرای سیاسی خشنونی را که با آن زندگی کرده است به محاکمه می کشد و در «پیروزی در تاریکی»^{۲۵} ۱۹۴۰ اگرچه فاشیسم بر اومانیسم غلبه می کند لیکن پیروزی اخلاقی اومانیسم نابودی نهائی فاشیسم را توسط نیروی نفرت و خشمی که او جهت کسب پیروزی اندوخته است پیشاپیش خبر می دهد.

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم و پیروزی نیروهای متفق بر نازیها لاگرکوئیست نمایشنامه «بگذار انسان زندگی کند»^{۲۶} ۱۹۴۹ را نوشت و در آن شخصیت هائی را ارائه داد که بخاطر عقاید و افکارشان جان خود را از کف دادند و یا قربانی قضاوت و اجرای احکامی عجولانه گردیدند.

لاگرکوئیست طی سالهای فعالیت ادبی خود علاوه بر نمایشنامه های ذکر شده چندین رمان، داستان کوتاه و مقالات فلسفی و هنری نگاشت. در میان بهترین رمانهای او جلد^{۲۷} ۱۹۳۳، کوتوله^{۲۸} ۱۹۴۴، باراباس^{۲۹} ۱۹۵۰ و الهه رازگو^{۳۰} ۱۹۵۶ به اکثر زبانها برگردانیده شده اند.

لاگرکوئیست در سال ۱۹۴۱ به عضویت آکادمی ادبیات سوئد انتخاب شد و بسال ۱۹۵۱ پس از نوشتن رمان باراباس جایزه ادبی نوبل بوی اهداء گردید.

آثار لاگرکوئیست بسیار متنوع اند، لیکن محور و محتوی همه آثار او را انسان و مسائل مربوط به خیر و شر، ارتباط درونی انسان با نیروهای جاوید یکه بر او مسلط اند و معنای زیستن بشر را تشکیل می دهند در برمی گیرد. برای او این امر بدیهی است که انسان در درون خود خیر و شر را توأماً دارد. لیکن در نظر او انسان همواره عمده ترین امتیازش این بوده است که می کوشد تا خود را از بدی و پلشتی دور کند و بسوی نیکی برود. پرلاگرکوئیست در سال ۱۹۷۴ در سن ۶۳ سالگی چشم از جهان فرو بست.

پانویس

1. *Par Fabian Lagerkvist*

2. *VaXjo*

3. *Smoaland*

4. *Uppsala*

۵. شارل بودلر *Charles Bodler*، نویسنده فرانسوی ۱۸۶۷ - ۱۸۲۱ م

۶. آرتور رامبو *Arthur Rambo*، شاعر فرانسوی ۱۸۹۱ - ۱۸۵۴ م

7. *Verbal Art and Pictorial Art*

8. *Iron and The man*

9. *Anguish*

10. *The Last man*

11. *Modern Theatre: Points of View and Attack*

۱۲. آگوست استریندبرگ *August Strindberg*، نمایشنامه‌نویس سوئدی ۱۹۱۲ - ۱۸۴۹ م

۱۳. نام نشریه *Svenska* می‌باشد.

14. *The Secret of Heaven*

15. *Invisible*

16. *Karen Sorenson*

17. *Elain Hailberg*

18. *Gosta Sandels*

19. *He who lived his Life Over Again*

20. *The King*

21. *The Clenched Fist*

22. *The Hangman*

23. *Hail*

24. *The Man without a Soul*

25. *Victory in the Dark*

26. *Let Man live*

۲۷. *The Hangman's*، پولاگرکوئیست ترجمه محمود کیانوش، تهران، آگاه ۱۳۵۷

28. *The Dwarf*

۲۹. باراباس *Barabbas*، اثر پولاگرکوئیست ترجمه پرویز داریوش، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۲ (چاپ دوم)

۳۰. الهه رازگو، *The Sibly*، پولاگرکوئیست ترجمه نصرالله غفاری، تهران، انتشارات نمازی ۱۳۶۹

منابع

1. *World Drama: Mc Graw _ Hill Encyclopedia Vol3*

2. *A DicTionary of the theatre, John Russell Taylor, Penguin Reference Books.*

۳. جلد، اثر پولاگرکوئیست ترجمه محمود کیانوش، تهران، انتشارات آگاه ۱۳۵۷.

Ugo Betti

۱۸۹۲-۱۹۵۳ م

اوگوتی

اوگوتی، نمایشنامه‌نویس، شاعر، داستان‌سرا و قاضی ایتالیایی در چهارم فوریه ۱۸۹۲ در شهر کامرینو^۱ یکی از شهرهای مرزی ایتالیا بدنیا آمد. پدرش تولیوتی^۲ فیزیکدانی بود که در سال ۱۹۰۰ م ریاست بیمارستان پارما^۳ را عهده‌دار گردید. زمانی‌که برادر بزرگترش امیلیو^۴ به قصد کامرینو^۵ عازم سفر شد تا تحصیلاتش را دنبال کند و تحت مراقبت پدر بزرگ و مادر بزرگش قرار گیرد اوگو به پارما آورده شد تا تحت توجهات پدر و مادر بزرگ شود.

از سنین نوجوانی او عمیقاً مجذوب ورزش و ادبیات شد و این دو رشته همواره در تمامی مسیر زندگی با او بود. علاقه‌اش به ادبیات او را بر آن داشت تا کتاب «ازدواج تبتس و پلنوس^۶» را ترجمه کند. این اثر در سال ۱۹۱۰ به‌چاپ رسید و این زمانی بود که اوگوتی فقط هجده سال داشت. پس از اتمام دوره متوسطه با وجود علاقه فراوانی که به ادبیات داشت، از آنجا که پدرش نظر مساعدی در مورد این رشته نداشت همچون برادرش که در آن سالها وکیل برجسته‌ای شده بود در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. سالهای دانشجویی نیز بدون مشکلی سپری گردید، اما ذکر این نکته جالب و در خور توجه است که رساله دکترای او ربط چندانی به امور حقوقی و وکالت نداشت بلکه موضوع آن در مورد درک و شناخت مقوله خودپرستی در انسان طی اعصار متمدنی بود. همین امر سبب گردید که او به مطالعه تراژدی‌های باستان بپردازد و آثار درام‌نویسان اروپایی را مورد مطالعه قرار دهد و به نمایشنامه‌نویسی نزدیک‌تر شود.



اوگوبتی

با شعله ور شدن آتش جنگ جهانی اول^۷ زمانیکه در سال ۱۹۱۵، ایتالیا نیز وارد جنگ شد. بتی هم به عنوان افسر توپخانه وارد خدمت نظام شد، لیکن در سال ۱۹۱۷ در شهر کاپورتو^۸ توسط ارتش آلمان اسیر گردید و به اردوگاه جنگی فرستاده شد. در آنجا بود که به سرودن شعر پرداخت و نخستین مجموعه اشعارش را که مربوط به سالهای اسارتش می‌شد، با نام «شاه با فکر»^۹ در سال ۱۹۲۲ انتشار داد، این اثر که دارای روحیه‌ای بسیار رمانتیک است آمیخته ایست از تجربیات حسی شاعر همراه با فلکلور مردمی سرزمین ایتالیا. با گذشت زمان بتی نیز بخاطر مشاهدات و کسب تجربیات هر چه بیشتر از بدبختی، فساد رنج مردم، بخصوص در حرفه قضاوت و دادگاه که او به آن اشتغال داشت بمرور آن دید رمانتیک جای خود را به نگرشی واقع‌گرایانه هر چند گنگ از زندگی بخشید.

بتی با پایان یافتن جنگ به پارما بازگشت و به حرفه قضاوت پرداخت، اما در عین حال از سرودن شعر و نوشتن نمایشنامه و داستان نیز غفلت نکرد. در حقیقت نمایشنامه‌های بتی بود که نام او را بلند آوازه ساخت. او در طول حیات ادبی خود قریب ۳۰ نمایشنامه نوشت که هر کدام در جای خود در خور توجه‌اند.

نخستین نمایشنامه‌اش بنام کدبانو^{۱۱} در سال ۱۹۲۶ نوشته شد و در همین سال نیز با موفقیت بصحنه رفت، این اثر برنده جایزه مسابقات دراماتیک و نمایش‌های رم گردید.

خانه روی آب^{۱۲} ۱۹۲۹ و جزیره فوق‌العاده^{۱۳} ۱۹۳۰، نمایشنامه‌های بعدی این نویسنده‌اند که تا پیش از ترک پارما نگاشت.

صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که وی در درام‌نویسی از مترلینگ^{۱۴}، ایبسن^{۱۵} و پیرآندلو^{۱۶} چیزهای فراوانی آموخت و بکار گرفت با توجه به اینکه در بهترین نمایشنامه‌هایش تأثیر پذیری او را از نظم و ترتیب نمایشنامه‌نویسان کلاسیک نیز مشاهده می‌کنیم.

در سال ۱۹۳۰ با آندرینا فورسینی^{۱۷} ازدواج کرد، آنگاه بسمت رئیس دادگاه عالی رم منصوب گردید و ساکن رم شد. در زمان حکومت نیروهای فاشیست به رهبری موسولینی^{۱۸}، با آنکه بتی با فاشیست‌ها همراه و هم رأی نبود ولی چندبار در چند گزارش روزنامه‌ای از دولت فاشیست طرفداری کرد، این امر باعث شد که بعد از سقوط آنان، بتی از کارش برکنار گردید و مدتی به عنوان بایگان در دستگاه قضائی رم مشغول بود اما بار دیگر با فروکش کردن التهابات ناشی از جنگ در سال ۱۹۵۰ به عنوان رئیس دادگاه به کار قضاوت بازگشت.

پس از نمایشنامه‌هایی سبیل^{۱۹} ۱۹۳۱، و مهمانخانه‌ای در بندرگاه^{۲۰} ۱۹۳۳، بتی در ششمین نمایشنامه خود با نام «فروپاشی»^{۲۱} که در سال ۱۹۳۶ - ۱۹۳۲م نگاشت عقاید اساسی خود را که همان مسئله محکومیت انسان است بازگو می‌کند، این نمایشنامه درباره بازجویی و یافتن دلایل يك حادثه فجیع در جهان صنعتی است که نویسنده بگونه‌ای تمامی مردم را در وقوع این تراژدی شریک و سهیم می‌داند. این نمایشنامه بتی را به عنوان يك دارم‌نویس بزرگ شناساند و متعاقب آن نمایشنامه‌های شکار اردک^{۲۲} ۱۹۳۴، یکشنبه‌ای زیبا در ماه سپتامبر^{۲۳} ۱۹۳۷، روزهای ما^{۲۴} ۱۹۳۷ و کمدی فصل تابستان^{۲۵} ۱۹۳۷ (که نگارش آنرا در سال ۱۹۳۰ شروع کرده بود)، شب در خانه مرد ثروتمند^{۲۶} ۱۹۳۸ داستان کریسمس^{۲۷} ۱۹۴۰، باد شب^{۲۸} ۱۹۴۱، پرسش^{۲۹} ۱۹۴۱ و زن و شوهر^{۳۰} ۱۹۴۳ هر يك آثاری بودند که وی را بعنوان نمایشنامه‌نویسی پرکار و خلاق معرفی کرد و موقعیتش را هر چه بیشتر در عرضه تئاتر تثبیت نمود، تا آنجا که در سال ۱۹۴۱ «هنری رید»^{۳۱} شاعر انگلیسی و مترجم آثار وی، بتی را یکی از بزرگترین و خلاق‌ترین نمایشنامه‌نویسان جهان

بشمار آورد که در تحولات ادبیات دراماتیک نقش بسزائی داشته است.

در نمایشنامه «فساد در محکمه قضاوت»^{۳۱} که در سال ۱۹۴۴ نوشته شد و در سال ۱۹۴۹ بصحنه رفت بتی با دیدی انتقادی پرده از روایتی فاسد در سیستم قضائی کشورش برمی دارد و آنرا به باد انتقاد می گیرد. نمایشنامه های نبرد تا پیروزی^{۳۲} ۱۹۴۵، آبرون بی گناه^{۳۳} ۱۹۴۶، جلسه در خانه قدیمی^{۳۴} ۱۹۴۶، جنایت در جزیره بزها^{۳۵} ۱۹۵۰ و ملکه یاغی ها^{۳۶} ۱۹۵۱ که نمایشنامه ای است پر قدرت با پایانی خوش که بر روی تضادهای انسان معاصر میان میل فطری بشری به داشتن عدل و داد و تحرك جسورانه وی به خودپرستی، قدرت و انقلاب انگشت گذاشته است.

درام شناسان همگی در این نظر متفق القولند که اوگوتی نمایشنامه نویسی است مذهبی و بورژوازی مسیحی، در نظر او گناه اصلی شخصیت های آثارش اینست که بشرناامید می شود و این بالاترین ضعف بشر است. او خود معتقد است که در تمام نمایشنامه هایش بگونه ای وجود خدا را منعکس می سازد، حتی زمانی که گناه و فساد را تجربه کند. و در او شك به موجودیت خدا غالب شود. یکی دیگر از نمایشنامه های مشهور بتی با نام «باغچه کنگره دار»^{۳۷} که در سال ۱۹۵۳ نگاشته شد، درباره يك گروه شورشی است که برای کشتار و جنگ نقشه می کشند، يك سرباز مذهبی با آنها به مباحثه و گفتگو می نشیند و در نهایت آنان را از کابوس وحشتناکی که دچارش هستند رهائی می بخشد.

پدبینی که در کارهای اولیه بتی دیده می شود بمرور ایام خود را به عقاید و افکار جدیدی بخشید که در کارهای او مشاهده می شود، عقایدی در مورد، رهائی و استخلاص بشر.

اما عمده ترین مسئله ای که منتقدان در کارهای او بر آن تأکید می ورزند اینست که او بیشتر از هر چیز در مورد اصول اخلاقی و پرهیزکاری سخن می گوید تا تحقیق و بررسی شخصیت ها. اوگوتی خود می گوید: واقعیت های زندگی اساساً جالب نیستند و چیزی که بیشتر توجه مرا بخود جلب می کند، وضعیت زندگی ناگوار انسان است.

یکی از محققین که آثار بتی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده بنام ج. اچ مک ویلیامز^{۳۸} درباره او چنین گفته است: «هنر بتی همچو هنر دانتیه پر رمز و راز است، و سبك او همچون سبك نقاشی و مجسمه سازی قرون وسطی طبیعی است.»

از میان آخرین نمایشنامه های او قمارباز^{۳۹} ۱۹۵۱، آبهای آلوده^{۴۰} ۱۹۵۱، و فراری ۱۹۵۳ قابل ذکرند. بتی علاوه بر آثار نمایشی ذکر شده چندین داستان کوتاه يك رمان با نام «سنگ مرتفع»^{۴۱}، و چندین مجموعه شعر از خود بر جای گذاشت. برخی از شعرشناسان اشعار سالهای نخست او را اشعاری تصنعی خواندند. اما با گذشت زمان مفسرین معتقد گردیدند که وی

بخصوص در سومین مجموعه شعر خود با نام «مرد و زن»^{۲۲}، که در سال ۱۹۷۳ انتشار یافت نقش بسیار مهمی در تحول شعر معاصر ایتالیا ایفا نموده، بدین مفهوم که شعر ایتالیا را بسوی اجتماعی شدن (مطرح کردن مسائل اجتماعی و مردمی) سوق داده است. مجموعه اشعاری که بعد از مرگ وی با نام «آخرین غزلها»^{۲۳} منتشر شد همانند بسیاری از دیگر آثار او مورد تحسین و توجه قرار گرفت، این مجموعه شعر شامل شعرهای بتی از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۳ است.

انستیتو ملی تئاتر نیز در سال ۱۹۴۹ جایزه مخصوص خود را بخاطر محتوای آثار بتی به وی تقدیم داشت. بتی در سالهای زندگی، عهده‌دار سمت مشاور حقوقی اتحادیه تئاتری بود. و بالاخره در نهم ژوئن ۱۹۵۳ یعنی چند روز بعد از تکمیل آخرین نمایشنامه خود، در اثر ابتلا به بیماری سرطان چشم از جهان فروست.

1. Camperino
2. Tulyo Betti
3. Parma
4. Emilio
5. Kamereyno
6. *The Marriage of Thetis and Peleus*
۷. ایتالیا در آغاز جنگ اعلان بی طرفی نمود. اما در سال ۱۹۵۱ به نیروهای متفقین پیوست که سرانجام آن پیروزی همراه با تلفات جانی بسیار برای کشور ایتالیا بود.
8. Kapurto
9. *The thoughtful King*
10. *The Mistress of the House*
11. *The House on the water*
12. *The wonderful Island*
۱۳. موريس مترلینگ Maurice Maeterlinc ۱۹۴۹-۱۸۶۲ م.
۱۴. هنريك ايبسن Henrik Ibsen نمایشنامه نویس نروژی ۱۹۰۶-۱۸۲۸ م.
۱۵. لونيچي پير آندلو Luigi Prandello (۱۹۳۶- ۱۸۶۷ م)
۱۶. بينيتو موسوليني Benito Mussolini ، سياستمدار و ديكتاتور ايتالياني ۱۹۴۵- ۱۸۸۳ م.
18. *The Flood*
19. *An Inn on the Harbor*
20. *Landslide*
21. *The Duck Hunter*
22. *A Beautiful Sundry in September*
23. *Our Dreams*
24. *Summertime*
25. *Night in the House of the Rich*
26. *Christmas Story*
27. *Night Wind*
28. *The Inquiry*
29. *Husband and wife*
30. *Henry Read*
31. *Corruption in the palace of justice*
32. *Struggle till Dawn*
33. *Innocent Irene*
34. *Seance in the old House*
35. *Crime on Gosl Island. (Delitto all' isola delle Capre)*

این اثر با نام جزیره بزها ، در تالار مولوی تهران به صحنه رفته ۱۳۵۴ ،

38. *The Queen and the Rebels*

37. *The Burnt Flower _ Bed*

38. j. H. Mark. Williams

39. *The Gambler (Il Giocatore)*

40. *Troubled waters, or the Brother who Protects and loves*

41. *The Fugitive (la fuggitiva)*

42. *The tall stone*

43. *Man and Women*

44. *Last Lyric Poems*

منابع

1 *World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia . Vol I.*

2 *world Authors. 1950 _ 1970 Wakeman the H.W. Wilson Company _ NewYork. 1975 page: 154*

Ernst Toller

۱۸۹۳-۱۹۳۹ م

ارنست تولر

ارنست تولر شاعر و نمایشنامه‌نویس آلمانی و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مکتب اکسپرسیونیسم^۱ در اول دسامبر ۱۸۹۳ در ناحیه ساموتشاین^۲ در شرق آلمان آن زمان (این ناحیه در حال حاضر با نام Szamocin جزو خاک لهستان محسوب می‌شود) در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد، پدرش به حرفه تجارت اشتغال داشت و از اقشار طبقه متوسط بود. کودکی ارنست با آرامش در زادگاهش سپری شد، در همانجا به مدرسه رفت و چون شاگرد خوبی بود پدرش او را به دبیرستانی در برومبک^۳ فرستاد. در سال ۱۹۱۲ دوران دبیرستان را به پایان رسانید و وارد دانشگاه کرونویل^۴ شد و در رشته حقوق شروع به تحصیل نمود زمانیکه در سال ۱۹۱۴ آتش نخستین جنگ شعله‌ور گردید و بخش وسیعی از خاک اروپا را دربرگرفت او نیز همچون بسیاری از جوانان هموطنش متأثر از احساسات وطنپرستانه و اعتقاد به این اصل که از خاک آلمان باید دفاع کرد تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد و عازم خطوط مقدم جبهه گردید، در آغاز جنگ پیروزی با نیروهای آلمانی بوداما هرچه از عمر جنگ سپری می‌شد ضرباتی که آلمان متحمل می‌گردید بسیار سنگین بود. او مدت سیزده ماه را در شرایطی دشوار و در خطوط مقدم صحنه‌های کارزار سپری کرد، آنگاه در حالی که به شدت زخمی شده بود به خانه بازگشت، در این حال پزشکان او را متقاعد ساختند که به حالتی همچون «جنون ناشی از جنگ» مبتلا شده است و می‌بایست برای مدتی استراحت کند. پس از بهبودی تولر بار دیگر تحصیلش را دنبال کرد با این تفاوت که دیگر احساسات ناسیونالیستی او به دیدی انترناسیونالیستی و ضدجنگ تبدیل شده بود.



ارنست تولر

در سال ۱۹۱۷ زمانی که هنوز دانشجوی بود در هایدلبرگ^۵ اتحادیه صلح دانشجویان را سازمان داد، موضعی که این اتحادیه مبنی بر متارکه هرچه سریعتر جنگ اتخاذ نمود موجب خشم مقامات دولت شد تا آنجا که او را به دادگاه زمان جنگ احضار کردند. تولر که شرایط را مخاطره آمیز تشخیص داده بود به برلین گریخت و بزودی همپای شرایط شتابنده آن ایام به مونیخ رفت و در آن جا در برپائی اعتصاب کارگران صنایع مهمات سازی نقش فعالی را ایفا نمود، اما دستگیر و متهم به خیانت گردید و بزندان افتاد. در زندان نخستین نمایشنامه اش را به نام دگرگونی^۶ ۱۹۱۷ که در حقیقت دادخواستی برای تسامح و خاتمه جنگ بود نگاشت. زیگفرید ملشینگر^۷ درباره این اثر تولر نظری ابراز می دارد که خواندنی است او می گوید: «همان گونه که انقلابیون روسیه به علت اعتقاد به دگرگونیهای ماشینی آینده جهان به فتورست مشهور شده بودند، انقلابیون آلمانی هم به دلیل اعتقاد به تنها راه نجات از راه قیام روح به اکسپرسیونیست معروف گردیده اند. در درون این باور همه چیز را می توان دید، عشق، صلح، آرامش، امید، اعتقاد به برادری و آزادی، این نظریه ایده انقلابیون را از آن مانع نشد که در مقابل حاکمیت نسل گذشته مصممانه بایستند. زیرا آنها عمیقاً باور داشتند که اعلان این حقیقت دگرگون کننده، حاکمیت را نیز دگرگون خواهد کرد. دگرگونی عنوان یکی از درامهای تولر آخرین کلام بود^۸.» این اثر دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۹ زمانی که

احساسات انقلابی در آلمان به شدت بالا گرفته بود به صحنه رفت. در اینجا ذکر این نکته ضروریست که با پایان گرفتن جنگ آلمان به عنوان کشوری شکست خورده با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود. کلیه متصرفات مستعمراتی این کشور از دست رفت و سرزمین‌هایی نیز از خاک این کشور جدا گردید. حکومت سلطنتی فروپاشید و جمهوری جایگزین آن شد. از نظر اقتصادی نیز این کشور مجبور شد خسارات جنگی سنگینی را به دول پیروز بپردازد. علاوه بر آن با خاتمه جنگ، بحران ناشی از آن تا سالها دامنگیر مردم این سرزمین بود. عقاید سیاسی گوناگونی هم در این سالها در عرضه رقابت بودند.

بهر حال تولر از زندان آزاد شد و با توجه به روحیه انقلابی که داشت به «باواریا» که عرضه سیاسی فعالی بود رفت و بزودی یکی از رهبران انقلاب باواریا شد که در سال ۱۹۱۹ موفق به سرنگون ساختن سلطنت گردیدند. و متعاقب آن تولر به عضویت کنگره ملی باواریا انتخاب شد. اما این موقعیت دیری نپایید، بار دیگر در پی کشمکش‌هایی قیام شکست خورد و یکبار دیگر تولر دستگیر و این بار به پنج سال زندان محکوم گردید، دران محبس او شاید پربارترین ایام زندگیش در عرضه کار ادبی به حساب آید، چرا که در این سالها موفق گردید عمده‌ترین آثارش را خلق کند. نمایشنامه‌های انسان و توده‌ها^{۱۱}، ۱۹۲۱، که اثریست تاریخی و اجتماعی درباره سرنوشت زنی انقلابی که در پایان نمایش توسط انقلابیونی که خود زمانی رهبر آنها بوده است اعدام می‌شود. اثر دیگر او ویرانگران ماشینیزم^{۱۲} ۱۹۲۲ نام دارد که موضوع آن بررسی قیامی است که در سال ۱۹۱۵ در انگلستان اتفاق افتاد و نمایشنامه دیگر او با نام هینگ من^{۱۳} ۱۹۲۳، به اضافه دو مجموعه شعر با نامهای اشعار زندان^{۱۴} ۱۹۲۱ و کتاب پرستوها^{۱۵} ۱۹۲۴ همراه با دو کار گروهی تحت عناوین روز پرولتاریا^{۱۶} و یادبود برای برادران جان باخته^{۱۷} ۱۹۲۰.

تولر بعد از آزادی مجددش در حالیکه سی سال از عمرش می‌گذشت توسط دوستانش در برلین به گرمی مورد استقبال قرار گرفت، در این سالها در عرضه تئاتر آلمان چهره‌های درخشانی چون برتولت برشت^{۱۸}، اروین پیسکاتور^{۱۹}، ماکس راینهارت^{۲۰}، جورج کابزر^{۲۱}، کارل اشترن‌هایم^{۲۲}، فرانکس ورفل^{۲۳} والتر هازون کله‌ور^{۲۴} حضوری فعال داشتند، تولر بی‌درنگ وارد میدان شد.

زمانیکه پیسکاتور تئاترش را در برلین دایر غود یکی از اجراهای مشهورش نمایشنامه «جانی چه زندگی»^{۲۵} اثر تولر بود که با پرداخت صحنه‌ای قابل تحسینی در سال ۱۹۲۷ به نمایش گذاشته شد.

اما هرچه زمان به جلو می‌رفت شرایط کار برای تولر و دیگران دشوارتر می‌شد^{۲۶}. بنحوی که در سال ۱۹۲۹ بحران بگونه‌ای فزاینده در آلمان گسترش یافت، افزایش فوق‌العاده بیکاری و نیز عواقب شکست در جنگ احساسات ناسیونالیستی قشرهای وسیعی بخصوص گروههای دست راستی تندرو

را شدیداً جریحه دار ساخته بود. آدولف هیتلر^{۲۶} و حزیش روز بروز قدرتمندتر می شدند و یکبار دیگر چنین به نظر می رسید که آلمان بسری آینده ای نابسامان پیش می رود، تولر در حالیکه فریاد اعتراضش علیه گسترش فاشیسم بلند بود همه جا دست به سخنرانیهای افشاگرانه می زد. زمانیکه نازیها قدرت را به دست گرفتند تولر که شدیداً مورد کینه و بغض حکام نازی بود راهی تبعید شد، او مدتی را در سونیس، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی گذراند و سپس راهی امریکا شد کتابهایش توسط نازیها سوزانده شد و اجرای نمایشنامه هایش ممنوع گردید.

از جمله آثاری که تولر در سالهای آوارگی نگاشت اتوبیوگرافی تحت عنوان من يك آلمانی^{۲۷} بودم ۱۹۳۴ و از میان میله ها نگاه کن^{۲۸} ۱۹۳۵ که گزارشی از دوران اسارتش در زندان است همراه با اشعار غنائی که از وی بر جای مانده قابل ذکرند.

در ایامی که تولر در انگلستان بسر می برد با بانوی هنرپیشه کریستین گروتوف^{۲۹} آشنا شد که این آشنائی به ازدواج انجامید و بزودی آن دو در امریکا سکنی گزیدند، در آنجا تولر به عنوان نویسنده نمایشنامه هائی برای رادیو و تلویزیون شروع بکار کرد، اما هنوز مدتی به آسودگی سپری نشده بود که زنش او را به قصد مرد دیگری ترك کرد و این امر بشدت او را آزرده ساخت، تولر که ایده آل هایش را از هر سو بر باد رفته و آرمانهایش را ویران شده می دید به عنوان هنرمندی بهره مند از اندیشه هائی عمیقاً ضد میلیتاریستی^{۳۰} و افسرده از وحشت فزاینده ی ناشی از جنگی قریب الوقوع در حالی که عمیقاً نگران آینده کشورش بود و در حالی که تمامی دارائی خود را به پناهندگان جنگ داخلی اسپانیا بخشیده بود در يك لحظه ناامیدی در هتلی واقع در نیویورک دست به خودکشی زد و در بیست و دوم ماه مه ۱۹۳۹ چشم از جهان فروست.

شاید این از بداقبالی او بود که به عنوان هنرمندی حساس بهترین و مفیدترین سالهای زندگیش مصادف با دردناکترین ایام تاریخ آلمان واقع گردید و دو جنگ جهانی خاغان برانداز، بشدت جسم و روح او را آزرد. با همه این احوال او یکی از چهره های شاخص مکتب اکسپرسیونیسم در آلمان است و نمایشنامه ها و اشعارش هر کدام به منزله انعکاسی از فعالیت های سیاسی وی در میان گروه های مصمم به سرنگونی نظام های استعمارگر و فاشیستی اند و بهره مند از خصیصه فراخوانی به پایداری در برابر خودکامی و بیداد.

پانویس

۱. اکسپرسیونیسم *Expressionnisme*، رجوع شود به پانویس فرانک رده کبند.

2. Samotschin

3. Bromberg

4. Gemoble

5. Heidelberg

6. Transfiguration

۸۷. تاریخ تئاتر سیاسی، زیگفرد ملشبنگر (جلد دوم) ترجمه سعید فرهودی، تهران، انتشارات سروش

9. Bavarian

10. Masses and Man (Masse Mensch)

11. The Machine wreckers (Die Maschinen Sturmer)

12. Hinkemann (Der deutsche Hinkemann)

13. Prisoners' Poems

14. Book of Swallows

15. The Day of the Proletariat

16. Requiem for the Murdered Brothers

۱۷. برتولت برشت Bertolt Brecht ۱۹۵۶-۱۸۹۸ م

۱۸. اروین پیسکاتور Ervin Piscator ۱۹۶۶-۱۸۹۳ م

۱۹. مارکس رابنهارت Max Reinhardt ۱۹۴۳-۱۸۷۳ م

۲۰. جورج کایزر Georg Kaiser ۱۹۴۵-۱۸۷۸ م

۲۱. کارل اشترنهایم Carl Sternheim

۲۲. فرانس ورفل Franz Werfel

۲۳. والتر هازون کله وور Walter Hasenclever ۱۹۴۰-۱۸۹۰ م

24. Hoppla Such is Life (Hoppla, wir leben)

۲۵. در تابستان ۱۹۲۹ تئاتر پیسکاتور تعطیل شد. کمی بعد، تئاتر شیف باوردام Schiffbauerdamm که برتولت برشت و هلنا وایگل در آن فعالیت داشتند نیز بسته شد.

۲۶. آدولف هیتلر Adolf Hitler (۱۹۴۵-۱۸۸۹ م)

27. I was a German

28. Look through The Bars

29. Christine Grauloff

۳۰. میلیتاریسم Militarisme از Militaire (در زبان فرانسه به معنای نظامی) عبارتست از سیاست دولت هائیکه دایر بر تحکیم و تقویت مداوم نیروهای نظامی، استفاده از نیروهای ارتشی در امور سیاسی و تدارک جنگ های اشغالگرانه باشد. میلیتاریسم بر چهار حالت در سازمان دولت اطلاق می شود. جنگجویی، تفوق ارتش در سازمان دولت، تجلیل از فضائل نظامی و نظامی کردن کشور. (فرهنگ سیاسی، آشوری).

منابع

۱. World Drama Encyclo Pedia Mc Graw Hill Vol4

۲. تاریخ تئاتر سیاسی. ملشبنگر. ترجمه سعید فرهودی جلد دوم، سروش .

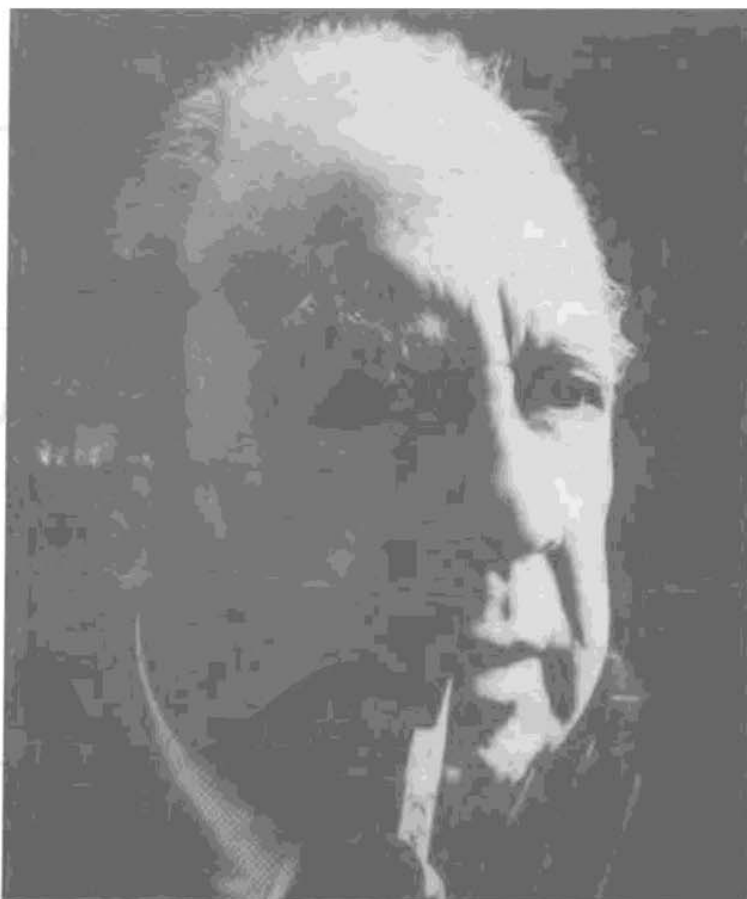
J. B. Priestley

۱۹۸۴-۱۸۹۴م

جی.بی.پرستلی

جان بونیتون پرستلی^۱ در ۱۳ سپتامبر ۱۸۹۴ در برادفورد^۲ انگلیس به دنیا آمد. پدرش ریاست يك مدرسه را عهده دار بود. جان تحصیلات ابتدائی و متوسطه را با علاقه به اتمام رسانید. در سنین نوجوانی تحت راهنماییهای پدرش با فرهنگ و ادب زبان انگلیسی آشنا شد و نسبت به مطالعه آثار بزرگان هنر و ادب سرزمینش بخصوص آثار شکسپیر^۳ و دیکنز^۴ از خود علاقه‌ای فراوان ابراز می‌داشت. از شانزده سالگی با تشریق‌های خانواده نوشتن نخستین داستانهایش را آغاز کرد و بزودی پی برد که می‌تواند نویسنده شود.

با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ پرستلی که در آن زمان ۲۰ سال داشت داوطلبانه به جبهه‌های جنگ رهسپار شد. با پایان یافتن جنگ عزمش را جزم کرد تا تحصیلاتش را دنبال کند. به زودی به دانشگاه کمبریج راه یافت و در رشته‌های ادبیات و علوم به ادامه تحصیل پرداخت، در همین دانشگاه او افتخاراتی در زمینه تاریخ ادبیات انگلیس و علوم سیاسی کسب کرد. در دوران دانشجویی پرستلی در فعالیت‌های مطبوعاتی لندن نیز حضور داشت و مطالبی جهت چاپ به نشریات ادبی لندن می‌داد. بزودی مقالات و نقدهای او خبر از حضور منتقدی تیزبین و موشکاف در عرضه ادبی لندن داشت. نخستین کتابهای پرستلی بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۵ چندین رمان بود که موفقیت زیادی کسب نکردند. در همین سال همسرش پاتریشیا تمپست^۵ چشم از جهان فروبست و پرستلی را با دو دختر خردسال و يك زندگی بشدت صدمه دیده تنها گذاشت. پرستلی مجدداً ازدواج کرد و زندگیش را بار دیگر تجدید کرد. بزودی موفقیتی چشمگیر با انتشار رمان دوستان



جی.بی. پرستلی

خوب^۱ در سال ۱۹۲۹ بسراغش آمد و نامش را پرآوازه ساخت، مقبولیت این رمان تا بدان حد بود که تاکنون این اثر قریب پنجاه بار تجدید چاپ شده و چندین بار هم به فیلم درآمده است. اثر مهم دیگر وی رمان «گذرگاه فرشتگان»^۲ نام دارد که هرچند موفقیت و شهرت آن هرگز بیای رمان دوستان خوب نرسید اما به عقیده برخی از صاحبزنان و منتقدان رمان معاصر این اثر را بخاطر شیوه مؤثر و قدرت بیانی که از آن برخوردار است می ستایند و آن را برتر از دوستان خوب می دانند. از دیگر رمانهای پرستلی می توان «آدم در پرتو نور ماه، در تاریکی جهل، گفتار وزین، کاراکترهای کمیک انگلیسی، روزخوش، گردش در شهر، مردم سرود می خوانند، تاریکی در کرتلی، جادوگران، مردان روز رستاخیز، فستیوال در فاربریج، قهرمان شگفت، دوردست، سه مرد در لباس نو، مکان دیگر، سی و یکم ژوئن، فواره های خواب، کیوان بر فراز آب و فتنه های بیدار را ذکر کرد. پرستلی در زمینه نمایشنامه نویسی هنگامی شروع به فعالیت کرد که سی و پنج سال از عمرش می گذشت. نخستین کارش برگردان رمان دوستان خوب برای تئاتر بود که در سال ۱۹۳۱ همراه با ادوارد نوبلوك^۳ صورت گرفت، نمایشنامه های گنج خطرناك^۴ ملودرامی روانشناسانه است که گذشته و

آینده شخصیت‌ها را بهم می‌آمیزد و چرخ فلک^{۱۱} آثاری هستند که در سال ۱۹۳۲ نگاشته شدند. بیشه درختان^{۱۲} ۱۹۳۳، آخر بهشت^{۱۳} ۱۹۳۴، نواختن در روشنائی^{۱۴} ۱۹۳۵، کورنیلوس^{۱۵} ۱۹۳۵، زنبورها در کف قایق^{۱۶} ۱۹۳۶، زمان و روش مطالعه^{۱۷} ۱۹۳۷، وقتیکه ما از دواج می‌کنیم^{۱۸} ۱۹۳۸، موسم بهار^{۱۹} ۱۹۳۸، جانسون برتر از جوردن^{۲۰} ۱۹۳۹، انعکاس طولانی^{۲۱} ۱۹۴۰، شب بخیر بچه‌ها^{۲۲} ۱۹۴۲، آنها به شهر می‌آیند^{۲۳} ۱۹۴۴، شاهزاده صحرا^{۲۴} ۱۹۴۴، در خانه چطورند^{۲۵} و زرينه موی ۱۹۴۴ نمایشنامه‌هایی هستند که پرستلی تا پایات جنگ جهانی دوم به رشته تحریر درآورد.

طی این سالها آثارش یکی پس از دیگری به صحنه رفت و او خود در اداره کردن دو تئاتر معتبر در لندن حضوری فعال داشت. در طول جنگ جهانی دوم پرستلی در مقام گزارشگر رادیو در مقاطع حساس جنگ بسیار مطرح بود.

در نمایشنامه بازپرس وارد می‌شود^{۲۶} (مستنطق) که در سال ۱۹۴۷ نوشته شد پرستلی پرده از مناسبات اشرافی جامعه برمی‌دارد و در پس ظاهر شکیل و خوش زرق و برق آن جنایاتی را می‌نمایاند که بگونه‌ای زنجیروار تکرار می‌شود. نمایشنامه‌های وطن فرداست^{۲۷} ۱۹۴۸، رؤیای يك روز تابستانی^{۲۸} ۱۹۴۹، بهشت ابدی^{۲۹} ۱۹۵۰، سایه درخشان^{۳۰} ۱۹۵۰، پلیکان قیمتی^{۳۱} ۱۹۵۲، دهان ازدها^{۳۲} ۱۹۵۲، دوباره سعی کن^{۳۳} ۱۹۵۳، اطاق خصوصی^{۳۴} ۱۹۵۳، روزمادر^{۳۵} ۱۹۵۳، گیلان تلخ^{۳۶} ۱۹۵۴، ماجرای رسوائی آمیز آقای کتل و خانم ماه^{۳۷} ۱۹۵۵، بازیگران ما^{۳۸} ۱۹۵۶، قفس شیشه‌ای^{۳۹} ۱۹۵۷، ۳۱ ژوئیه^{۴۰} ۱۹۵۷، روش احمقانه^{۴۱} ۱۹۵۹ و سربریده^{۴۲} ۱۹۶۳ و چندین اثر دیگر، آثار نمایشی هستند که پرستلی نگاشت.

پرستلی در تمام طول حیات ادبی خود نویسنده‌ای پرکار و صاحب تألیفات بسیار متنوع است. او قریب چهل نمایشنامه نوشت باضافه تعداد فراوانی رمان و داستان کوتاه به همراه مقالات و نقدهای هنری. بینش قوی و قدرت توصیف نیرومند این نویسنده به وی این امکان را عطا کرد تا هر موضوعی را با لطف و ملاحظت بسیار به‌پروراند.

اثر ارزشمند دیگر پرستلی کتاب ادبیات مغرب زمین^{۴۳} یا سیری در ادبیات غرب نام دارد که اثریست تحقیقی و پُربار، نویسنده در این کتاب ضمن بررسی زمینه‌های کیفی هنر و ادبیات مغرب زمین اعم از شعر رمان و نمایشنامه، آثار بیش از هفتصد شاعر و نویسنده و دراماتیبست جهان را از ماکیاوول به بعد مورد بررسی و نقد ادبی قرار داده است. کتاب «دنیای شگفت‌انگیز تئاتر^{۴۴}»، اثر تحقیقی دیگر این نویسنده جستجو و کنکاش در مفاهیم و اشکال تئاتر از جهان باستان تا به امروز است که در زمره آثار جالب و خواندنی پرستلی است.

1 John Boynton Priestley

2 Bardford

3 William Shakespeare

۴ . چارلز دیکنز Charles Dickens ترجمه: انکیلیسی ۱۸۱۲، ۱۸۷۰ م

5 Patricia Tempest

6 the Good Companions

7 Angels Passage Way

8 Edward Knoblock

9 Dangerous Corner

10 The Roundabout

11 Laburnum Grove

12 Eden End

13 Duet in Floodlight

14. Cornelius

15. Bees on the Boat Deck

16. Tim and the Cooways

17 When We Are Married

18. Spring Tide

19. Johnson Over Jordan

20 The Long Morrow

21. Goodnight Children

22 The Camelot city

23 Desert Highway

24 how Are They at Home

25 The Golden Fleece

26. An Inspector Calls

27. Home is Tomorrow

28. Summer Day's Dream

29 Ever Since Paradise

30. Bright shadow

31 Treasure on pelican

32. Dragon's Mouth

33. Try It Again

34. Private Rooms

35 Mothers Day

36. A Glass of Bitter

37. *The Scandalous of Mr Kettle and Mrs Moon*

38. *These our Actors*

39. *The Glass Cage*

40. *The thirty -first of June*

41. *Take the fool A way*

42. *A severed Head*

۴۳. *Literature and western Man* سیری در ادبیات غرب نوشته جی بی پرستلی ترجمه ابراهیم یونس، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۵۲.

۴۴. *The wonderful world of the theatre* . دنیای شگفت انگیز تئاتر نوشته جی بی پرستلی ترجمه فرخ خوانساری تهران نشر اندیشه ۱۳۶۵.

منابع

1. *Dictionary of the theatre*. John Russell Taylor

2. *World Drama*. Mc Graw Hill Encyclopedia (Vol3)

3. *The Concise Oxford Companion to the theatre* Edited by Phyllis Hamot Oxford University Press

Robert. E. Sherwood

رابرت ئی شرود ۱۹۵۵-۱۸۹۶ م

رابرت ایمیت شرود^۱، نمایشنامه‌نویس آمریکایی در چهارم آوریل ۱۸۹۶ در نیوراسل^۲ نیویورک به دنیا آمد، او یکی از اعقاب قهرمان ایرلندی رابرت امت^۳ بود. پدرش آرتور مورای شرود^۴ یک دلال و سرمایه‌گذار موفق بود و مادرش روزینا امت^۵ بانویی هنرمند بود.

رابرت پس از گذراندن دوران تحصیل اولیه به آکادمی میلتن^۶ رفت و سپس در دانشگاه هاروارد به تحصیل پرداخت (۱۹۱۷-۱۹۱۴م). در این ایام او با یک کلوپ هنری با نام هستی پودینک^۷ شروع به همکاری کرد و ضمناً سردبیری یک نشریه فکاهی بنام لپون^۸ را نیز عهده‌دار گردید. در سال ۱۹۱۷، بهنگام اوجگیری جنگ جهانی اول، شرود در بلک‌واج^۹ کانادا ثبت‌نام کرد و به فرانسه اعزام گردید، در آنجا از ناحیه پا مجروح گردید و چندی بستری شد، آنچه که او به عینه در این سالها شاهدش بود نقطه‌نظرات صلح‌جویانه را عمیقاً در وی تقویت کرد به نحوی که در بسیاری از نمایشنامه‌هایش نیز منعکس گردید. با پایان یافتن جنگ مدتی در یک نشریه نه چندان مشهور کار کرد. در عین حال «حق با بارنوم^{۱۰} بود» نمایشنامه‌ای که برای کلوپ هستی پودینک نوشته شده بود را کارگردانی کرد. در سال ۱۹۲۰ به عنوان منتقد سینمایی و کمک سردبیر مجله لایف^{۱۱} انتخاب شد.

در سال ۱۹۲۲ با ماری براندون^{۱۲} پیوند زناشویی بست. در سال ۱۹۲۳ شرود به عنوان یکی از صاحب نام‌ترین منتقدین فیلم در کشورش شناخته شده بود و در سال ۱۹۲۴ سردبیر مجله لایف گردید.

در سال ۱۹۲۷ نخستین نمایشنامه حرفه‌ای او بنام «جاده‌ای به سوی رم»^{۱۲} در برادوی بصره رفت و با موفقیت فراوانی روبرو گردید. این اثر که ترکیبی هوشمندانه از تاریخ، عشق و نقطه‌نظرهای صلح‌طلبانه است و با زبان ویژه دهه ۱۹۲۰ نگاشته شده، گزارشی است کنایه‌آمیز از حمله هانیبال^{۱۳} سردار مشهور کارتاژ به شهر رم و نقش بانونی بنام آمیتیس^{۱۴} در این ماجراست. آمیتیس زن هنردوست آتنی‌الاصل با سناتور خودستای رومی که فرمان سرکوب حمله کارتاژها را دریافت کرده است ازدواج می‌کند، هنگامیکه هانیبال ارتش رم را شکست می‌دهد و مقابل دروازه‌های شهر بی‌حفاظ رم صف‌آرایی می‌کند آمیتیس با تظاهر به فرار، به اردوگاه هانیبال می‌رود، پس از گفتگونی او موفق می‌شود ذهن هانیبال را درباره دلایل حمله‌اش به رم دچار تردید کند و در عین حال او را اغوا کند. هانیبال پس از اندیشه بسیار به مرور میل به پیروزی نظامی را از دست می‌دهد آنگاه آمیتیس را نزد شوهرش بازمی‌گرداند و ارتش خود را از خاک رم بیرون می‌برد. شروود در این اثر از موضعی کاملاً صلاح‌دوستانه دفاع کرده، خودپسندی کوتاه‌نظرانه رومیها را که در حقیقت سبلی از نظرات حاکم در ایالات متحده در دهه ۱۹۲۰ است را به باد انتقاد و استهزا می‌گیرد.

نمایشنامه‌های بعدی شروود تا «تجدید دیدار در وین»^{۱۵}، که به سال ۱۹۳۱ نگاشته شد و پیروزی دیگری برایش به ارمغان آورد، از موفقیت کمتری برخوردار شدند. این آثار عبارتند از آشیانه عشق^{۱۶} ۱۹۲۷، اقتباس از داستانی نوشته رینگ لاردنر^{۱۷} کمدی کم‌اهمیتی است پیرامون فروپاشی يك ازدواج هالیوودی. شوهر ملکه^{۱۸} ۱۹۲۸ داستان پادشاه کشوری کوچک است که تحت انقیاد همسرش می‌باشد و به هنگام بحران سعی می‌کند از بروز انقلاب جلوگیری نماید و مجدداً قدرت را از دست همسر و ژنرال دیکتاتورش بازستاند. پل‌واترلو^{۱۹} ۱۹۳۰ داستانی احساسی درباره تولد دوباره يك فاحشه به واسطه عشق به جوان زیبایی را بازگو می‌کند.

در «این نیویورک است»^{۲۰} ۱۹۳۰ ناشکیبائی ناشی از بی‌فرهنگی و مال‌اندوزی را در مقابل اخلاقیات و صداقت انسانی قرار می‌دهد.

نمایشنامه تجدید دیدار در وین بار دیگر نام او را بر سر زبانها انداخت، این اثر کمدی‌ایست متناسب با حال و هوای اتریش آن سالها که در تب روانکاوای فرویدی ملتهب بود. حوادث نمایشنامه مربوط می‌شود به سالهای ۱۹۳۰ در وین، جایی که هنوز امید بازگشت به شکوه و جلال سلسله معزول هابسبورگ‌ها^{۲۱} برای بسیاری وجود داشت و طرفداران مد. روانکاوای نوین را تجربه می‌کردند، الن^{۲۲} بانونی زیبا که زمانی معشوقه دوك بزرگ رودولف ماکسیمیلیان^{۲۳} بوده است اکنون با کمال میل با آنتوان کروک^{۲۴} پزشک روانکاو ازدواج کرده و در ضیافتی که به طور مخفی به افتخار

خاندان هاپسبورگ ترتیب یافته شرکت می‌کند. در آنجا مجدداً النا مفتون معشوق سابقش یعنی رودولف ماکسیمیلیان می‌شود. حتی شوهرش هم تحت تأثیر شخصیت شوخ طبع و با نفوذ دوك قرار گرفته به او قول می‌شود و ناگزیر شبی النا و دوك مجبورند به صبح رسانند و بالطبع با زمینه‌های عاطفی که آندو نسبت به یکدیگر داشته‌اند نتایج اجتناب‌ناپذیر آن شب قابل پیش‌بینی است.

در سال ۱۹۳۳ نمایشنامه آکروپولیس^{۲۶} اثر بعدی شروود که مبارزات مردم یونان را با بحران معاصر در اروپا بسیار شبیه به هم می‌داند در لندن به صحنه رفت و با عدم استقبال روبرو گردید.

در سال ۱۹۳۴ از همسرش جدا شد و کمی بعد با مادلن هرلاند کونلی^{۲۷} همسر سابق مارك کونلی نویسنده ازدواج کرد (۱۹۳۵). در این زمان او در کانون نمایشنامه‌نویسان^{۲۸} مشغول کار بود. کانونی که هدفش حمایت از نمایشنامه‌نویسان در برابر قراردادهای غیرعادلانه مؤسسات انتشاراتی و سینمایی بود و در ۱۹۳۷ به ریاست آن برگزیده شد. در همین ایام او همچنین یکی از اعضای بنیانگذار «انجمن مؤلفان»^{۲۹} و نویسندگان بود. «انجمنی که توسط نمایشنامه‌نویسان برجسته تشکیل یافت تا نمایش‌های خود را بدون اتکاء و اجبار تهیه‌کنندگان تجاری اجرا نمایند.

از آغاز سال ۱۹۳۵ شروود پنج نمایشنامه نگاشت که همگی در زمره آثار موفق او محسوب می‌شوند. از میان آنها سه نمایشنامه موفق به دریافت جایزه پولیتزر گردید.

جنگل متحجر^{۳۰} ۱۹۳۵، خوشی يك آدم احمق^{۳۱} ۱۹۳۶، ابی لینکلن^{۳۲} در ایلی‌نویز ۱۹۳۹ و دیگر شبی وجود نخواهد داشت^{۳۳} ۱۹۴۰.

نمایشنامه اخیر مربوط به زمانه‌ایست که آلمان نازی اروپا را در وحشت فرو برده بود و شروود علیرغم نقطه‌نظرات صلح‌طلبانه‌اش به طرفداری از جنگ بر علیه تجاوز نظر داد.

در سال ۱۹۳۶ فیلمنامه شعب به غرب می‌رود^{۳۴} را نگاشت. این اثر نخستین فیلمنامه از يك سری کار برای سینما بود که سرانجام منجر به دریافت جایزه آکادمی برای بهترین فیلمنامه تحت عنوان سالهای زندگی ما^{۳۵} در سال ۱۹۴۶ گردید.

شروود به مدت بیش از يك دهه دوست نزديك و مشاور فرانکلین روزولت^{۳۶} رئیس جمهور امریکا و یکی از نویسندگان اصلی سخنرانیهای او بود. در سال ۱۹۴۰ او به سمت مشاور ویژه وزیر جنگ و رئیس آکادمی و تئاتر ملی امریکا که به موجب لایحه کنگره در ۱۹۳۵ شکل گرفت تا موجب پیشرفت تئاتر در امریکا گردد انتخاب شد. با ورود امریکا به جنگ جهانی دوم، شروود مدیر شاخه برون مرزی دفتر اطلاعات جنگ که مسئول پخش اطلاعات به مردم گرفتار جنگ بود گردید. هنگامی که جنگ با پیروزی متفقین پایان یافت شروود بار دیگر نمایشنامه‌نویسی را دنبال کرد او همچنین کتاب قطور روزولت و هاپکینز^{۳۷} را در سال ۱۹۴۸ نگاشت که جوایز زیادی دریافت کرد.

او همچنین آثاری نیز برای تلویزیون نگاشت.

شروود به دلیل مشاغل دولتی مهمی که داشت نتوانست تمام هم خود را صرف نمایشنامه نویسی نماید آثار او مشتمل بر پانزده نمایشنامه، که دو اقتباس و چند همکاری در امر نگارش را نیز شامل می شود. شروود علیرغم تعداد نسبتاً کم آثارش، یکی از شاخص ترین نمایشنامه نویسان آمریکایی محسوب می شود که در طی دو دهه ۳۰ و ۴۰ نمایشنامه هایش ارزش های انسانی والانی را مطرح می سازند و همواره جمود و خشکی اجتماعی، نظامیگری و جنگ افروزی را محکوم می نماید. شروود در چهاردهم نوامبر ۱۹۵۵ در نیویورک چشم از جهان فروست.

1. *Robert Emmet Shewood*

2. *New Rochelle*

3. *Robert Emmet*

4. *Arthur Murray Sherwood*

5. *Rosina Emmet*

6. *Milton Academy*

7. *Hasty Pudd*

8. *Lampoon*

9. *Black Watch*

10. *Barnum was right*

11. *Life*

12. *Mary Brandon*

13. *The Road to Rome*

۱۴. هانیبال *Hannibal* سردار معروف قرطاجنه (کاتارژ) تولد ۲۴۷ وفات ۱۸۳ قبل از میلاد

15. *Amytis*

16. *Reunion in Vienna*

17. *The Love Nest*

18. *Ring Rardner*

19. *The Queen's Husband*

20. *Waterloo Bridge*

21. *This Is New York*

22. *Hapsburg*

23. *Elena*

24. *Rudolf Maximilian*

25. *Anton Krug*

26. *Acropolis*

27. *Madeline Hurlock Commetly*

28. *Dramatists Guild*

29. *Playwrights' Company*

30. *The Petrified Forest*

31. *Idiot's delight*

32. *Abe Lincoln in Illinois*

33. *There Shall be No Night*

34. *The ghost goes west*

35. *Best years of our Lives*

36. *Franklin. D. Roosevelt*

37. Roosevelt and Hopkind

منابع

1. Encyclopedia of world Drama Mc Graw-hill (Volu4)

Michel de Ghelderode

میشل د گلدروود ۱۹۶۲-۱۸۹۸ م

آدولف آدهمار لوبیز میشل مارتنز^۱، روزنامه‌نگار، و غایشنامه‌نویس بلژیکی که بعدها نام میشل د گلدروود را برای خود برگزید. در سوم آوریل ۱۸۹۸ در بروکسل به دنیا آمد، گلدروود يك نام فامیلی بود که در سال ۱۹۲۹ توسط يك فرمان سلطنتی تصویب شد. او کودکی کم حرف و بیمار بود که از پدرش که دفتردار دایره آرشیوها بود علاقه به تاریخ را آموخت و از مادرش نیز شیفتگی زود هنگام نسبت به ماوراءالطبیعه را کسب کرد.

از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ گلدروود به مدرسه‌ای در انستیتو سنت‌لونیز^۲ رفت و علاوه بر برنامه‌های آموزشی متداول، موسیقی و نقاشی هم تحصیل کرد، سپس بیماری بصورتی جدی برایش اتفاق افتاد بنحوی که او را به صورت نیمه افلیج و علبل باقی گذاشت. گلدروود ناگزیر مجبور شد مدرسه را رها کرده و همینطور علائقش را به کلاس‌های موسیقی و نقاشی محدود سازد و تنها ادبیات را به عنوان جانشینی برای کنسرت‌ها، گالری‌ها، تئاترها، غایشهای عروسکی و سیرک‌هایی که قبلاً به کرات به دیدنشان می‌رفت، کشف و جایگزین کند. از این زمان او شروع به مطالعه غایشنامه‌های الیزابت و عصر طلایی اسپانیا و نیز آثار استریندبرگ، تولستوی، دانیل دفو، ادگار آلن پو و دیگران کرد.

گلدروود در ۱۹۱۶ نگارش به زبان فرانسه را آغاز کرد، در همین ایام بود که او کروملینک^۳ غایشنامه‌نویس هموطنش را که بسیار مورد علاقه‌اش بود دیدار کرد. گلدروود از سال ۱۹۱۶ شروع به گردآوری و جستجوی متن‌های گمشده یا فراموش شده غایش‌های عروسکی ناحیه قدیمی مارولز^۴ کرد.



میشل دگلرود

نخستین نمایشنامه‌های او تحت عنوان «مرگ از پنجره به داخل نگاه می‌کند»^۵ در سال ۱۹۱۸ و «خوراک چهارپایان»^۶ ۱۹۱۹ به اجرا درآمدند. هر دو اثر با عدم موفقیت مواجه شدند، گلدرود که از عدم استقبال عامه از آثار اولیه‌اش بشدت دلگیر شده بود برای مدتی از صحنه تئاتر کناره گرفت اما بصورت مکتوب نوشتن و انتشار نمایشنامه و فعالیت‌های مطبوعاتی را ادامه داد.

نخستین اثر منتشر شده او بنام «تاریخ مضحك کایزرکال»^۷ در سال ۱۹۲۲، مجموعه‌ای از افسانه‌های موزون، انعکاسی بود از آنچه که سبب ساز علاقه مادام‌العمر او به فرهنگ عامیانه سرزمین اسکاندیناوی شد.

از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۹ گلدرود مقام ویرایشگر آرشیوها را در «شیریک»^۸ در حومه بروکسل را بر عهده داشت. بعد از ازدواجش در سال ۱۹۲۴ همکار و بعدها یکی از سردبیران مجله‌ای^۹ منتشره در شهر اوستند^{۱۰}، محل زندگیش گردید. در سال ۱۹۲۵ نخستین نمایشنامه مهم خود را بنام «مرگ

دکتر فاوست^{۱۱} را کامل کرد و در همان سال شروع به نوشتن نمایشنامه‌هایی برای یوهان دومیستر^{۱۲} هلندی که تئاتر مردم‌پسند سیاری را در بلژیک اداره می‌کرد و برخی از نمایشنامه‌های گلدروود را با ترجمه هلندی اجرا می‌نمود. این همکاری تا سال ۱۹۳۰ ادامه یافت و با اجرای نمایشنامه باراباس^{۱۳} «نگارش ۱۹۲۸» به اوج خود رسید. دو مجلد از نمایشنامه‌های گلدروود در همین سال انتشار یافت و آوازه شهرت او به پاریس و رم دو شهری که آثارش با موفقیت و اقبال تماشاگران به اجرا درمی‌آمد رسید. در همین ایام دولت بلژیک جایزه آکادمی «پیکارد»^{۱۴} را در زمینه ادبیات نمایشی به گلدروود اعطاء کرد.

تئاتر مردمی فنلاند^{۱۵} در سال ۱۹۳۰ نمایشنامه پنتاگیلار^{۱۶} اثر دیگر گلدروود «نگارش ۱۹۳۰» را به نمایش گذاشت. لیکن کارگردان و بازیگر اصلی این اثر به هنگام اجرای نمایش درگذشت. در حالیکه به هنگام مرگ سخنان شخصیت‌هایی را که خلق و بازی کرده بود بصورت هذیان بر زبان می‌آورد. گلدروود متأثر از این رویداد نوشتن نمایشنامه «خروج بازیگر»^{۱۷} را در سال ۱۹۳۰ آغاز کرد و متعاقب آن از تئاتر «زنده» کناره‌گیری کرد و بیشتر وقتش را وقف پرداختن به نمایش‌های عروسکی و نمایشنامه‌های رادیونی و کارهای انتشاراتی کرد. با وجود این نمایشنامه‌های او همچنان به زبانهای فرانسه و فنلاندی در بلژیک، پاریس و استکهلم اجرا می‌شد.

نمایشنامه‌های پیت‌بوتیل^{۱۸} ۱۹۱۸، سوارکار عجیب^{۱۹} ۱۹۲۰، سه بازیگر و درام آنها^{۲۰} ۱۹۲۶، ونوس^{۲۱} ۱۹۲۷، دون ژوان با عشاق هوسباز^{۲۲} ۱۹۲۸، زنان در گور^{۲۳} ۱۹۲۸، کریستف کلمب^{۲۴} ۱۹۲۹، اسکوریال^{۲۵} ۱۹۲۹، تاریخچه جهنم^{۲۶} ۱۹۲۹، ماسکهای اوستند^{۲۷} ۱۹۳۰، باشگاه دروغگویان^{۲۸} ۱۹۲۹، ستاره شبرو^{۲۹} ۱۹۳۲، مردان نابینا^{۳۰} ۱۹۳۳، علت خواب^{۳۱} ۱۹۳۴، جادوی سرخ^{۳۲} ۱۹۳۴، گردش بزرگ ماکابر^{۳۳} ۱۹۳۴، شیطانی که درباره عجایب موعظه می‌کرد^{۳۴} ۱۹۳۴، خانم جاپروس^{۳۵} ۱۹۳۴، لرد هالوین^{۳۶} ۱۹۳۴، جای کارولین^{۳۷} ۱۹۳۵، رقص سینور^{۳۸} ۱۹۳۵، مدرسه شوخ‌ها^{۳۹} ۱۹۳۷، غروب آفتاب^{۴۰} ۱۹۵۱، دیوانگی هوگو و اندر برطرف می‌شود^{۴۱} ۱۹۵۱ و طوطی چارلز پنجم^{۴۲} ۱۹۵۱ از جمله آثار هستند که گلدروود تا پایان عمر به رشته تحریر درآورد. در سال ۱۹۳۹ گلدروود شروع به نوشتن خاطراتش تحت عنوان فصلی در جهنم^{۴۳} نمود این عنوان را او از آرتور رمبو^{۴۴} شاعر مشهور به عاریت گرفت.

از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ سلسله مقالاتش در یکی از مطبوعات معتبر^{۴۵} بلژیک به چاپ رسید، اینها نظریات او درباره تئاتر و تأثیر آن و همچنین یکسری گفتگوی رادیونی است که همگی تحت عنوان مصاحبه‌های اوستند^{۴۶} در سال ۱۹۵۶ منتشر گردید.

در سال ۱۹۴۹ هنگامی که نمایشنامه تاریخچه جهنم «نگارش ۱۹۲۹» با اجرای جین لونیز

بارولت^{۳۷} بر اثر جاروجنجالی که بر پا کرده بود بعد از نخستین شب اجرای آن برچیده شد گلدرود که احساس غمده بود به شهرت ادبی او اهانت شده است بار دیگر تصمیم گرفت که از تئاتر کناره‌گیری کند.

اما کناره‌گیری او تفاوتی در شهرت و افتخاری که پس از سالها نمایشنامه‌نویسی بسراغش می‌آمد نکرده. سال ۱۹۴۵ انجمن نویسندگان بلژیک به او جایزه داد و در سال ۱۹۵۴ جایزه مالپرتوس^{۳۸} در زمینه نمایشنامه‌نویسی از طرف آکادمی سلطنتی بلژیک به او اعطا شد.

طی ده سال آخر عمر گلدرود، نمایشنامه‌های او به گونه‌ای روزافزون در صحنه و رادیو به اجرا درآمد و تعداد زیادی تجدید چاپ از آثارش به زبانهای فرانسه و فنلاندی انتشار یافت.

در سال ۱۹۵۸ آثار گلدرود در امریکا و آلمان و در سال ۱۹۶۰ در اطریش شناخته شد در همان سال در شهر اوستند مورد ستایش همگانی قرار گرفت و توسط هوادارانش پلاک یادبودی روی خانه‌ای که در آن به دنیا آمده بود نصب شد. در پاریس مؤسسه انتشاراتی گالیمار^{۳۹} ویرایش کاملی از مجموعه نمایشنامه‌هایش را به طبع رسانید و نیز برخی از متن‌های نمایشی او که هرگز به زبان فرانسه هم چاپ نشده بود با ترجمه فنلاندی در بروکسل انتشار یافت.

نمایشنامه‌های گلدرود که تعداد آنها از پنجاه اثر متجاوز است به معنای واقعی کلمه تئاتری هستند صحنه او از زندگی، تحرک، تصورات، اصوات و رنگها سرشار است خودش در جایی گفته است که: «من دنیای اشکال را قبل از دنیای عقاید کشف کردم» و این سخن کاملاً بجاست. در آثار او نکات مشترک فراوانی با نقاشی‌های بروگل^{۴۰} و نیز ماسکهای عجیب جیمزاسنور^{۴۱} نقاشی که دوست گلدرود بود مشاهده می‌شود.

بالاخره گلدرود پس از يك عمر رنج جسمانی در نخستین روز ماه آوریل ۱۹۶۲ در بروکسل درگذشت.



یک صحنه از نمایشنامه خانم جاپروس اثر میشل دگلدرود اجرا: بروکسل

1. Adolphe - Adhemar - Louis - Michel Martens
2. Institut St-Louis
3. Crommelynck
4. Marolles
5. Death Looks at the window
6. The Beasts' Meal
7. The Comic History of Keizer Kar
8. Schaeerbeek

۹. نام این مجله La Flandre Littéraire می باشد.

10. Ostend
11. The Death of Dr. Faust
12. Johan de Meester
13. Barabbas
14. Picard
15. The Flemish Popular Theatre
16. Pentagheize
17. Actor's Exit
18. Piet Bouteille
19. The Strange Rider
20. Three Actors and Their Drama
21. Venus
22. Don Juan, or The Chimerical Lovers
23. The women at the Tomb
24. Christophe Colomb
25. Esquival
26. Chroicles of Hell
27. Ostend Masks
28. The Liars Club
29. The Star Thief
30. The Blind Men
31. The Sleep of Reason
32. Red Magic
33. The Grand Macabre's
34. Of a Devil who Preched wonders
35. Miss Jaius
36. Lord Halewyn

37. *Caroline's Place*

38. *Hop, Signor*

39. *The School for jesters*

40. *The Sun Sets*

41. *The Madness of Hugo Vander Goes*

42. *Charles The Fifth's Parrot*

43. *A Season in Hell*

۴۴. آرتور رامبو *Arthur Rambo*، شاعر فرانسوی ۱۸۹۱-۱۸۵۴

۴۵. نام این نشریه *LE Journal de Bruges*

46. *Ostend Interviews*

47. *Jean-Louis Barraud*

48. *Melpertuis*

49. *Gallimard*

۵۰. بروگل *Brueghel*، خاندانی مشهور از نقاشان فلامانی. در اینجا منظور پیر *Pierre* است ۱۶۳۷-۱۵۶۴ م، ذوق او در تجسم صحنه‌های موحش موجب شد که او را بنام بروگل جهنم بنامند.

51. *James Ensor*

منابع

1. *Mc Graw-Hill Encyclopedia of World Drama* , Vol2.

Tewfik El Hakim

۱۹۸۷-۱۸۹۸ م

توفیق الحکیم

یکی از برجسته ترین و پرنفوذترین نویسندگان و نماینده نویسان عرب زبان توفیق الحکیم هنرمند پرآوازه مصری است. دانش این نویسنده از فرهنگ عرب و بخصوص ملت مصر همراه با شناختی که او از تئاتر اروپا دارد از وی پلی به مفهوم وسیع کلمه میان شرق عربی و ادبیات معاصر ساخته است.

توفیق الحکیم به سال ۱۸۹۸ م در شهر اسکندریه دیده به جهان گشود. پدرش قاضی دادگستری بود از اهالی قریه «الدلنجات» واقع در یکی از استان های شمالی مصر که در عین حال صاحب املاک وسیعی نیز بود و از اینرو در زمره کشاورزان توانگر آن خطه نیز محسوب می شد.

مادر توفیق اصلاً ترک بود و به اصل و نسب خود بسیار می بالید. این تکبر سبب شده بود تا او کودک خود را از کودکان دیگر دور نگه دارد و اجازه ندهد که او با آنان همبازی شود. شاید همین گوشه گیری دوران کودکی توفیق را به عوالم درونی خود متوجه ساخت. از سوی دیگر این زن به خواندن داستان علاقه ای وافر داشت. شاید نخستین مشوق توفیق در عرضه ادبیات داستانهائیست که از مادر خود شنیده بود و او را مجذوب خود ساخته بود.

نخستین سالهای زندگی توفیق در الدلنجات سپری شد، در هفت سالگی به دهستان شهر «دمنهور» رفت و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال ۱۹۱۵ بنابر صلاحدید پدرش راهی قاهره گردید. در قاهره او زندگی تازه ای را نزد دو عموی که یکی آموزگار و دیگری دانشجوی فنی بود و همچنین عمه اش شروع کرد. محیط متنوع پایتخت او را با عوالم هنری آشنا کرد، نواختن عود را



توفیق الحکیم

فراگرفت و به کارهای نمایشی علاقمند شد، پس از اقام دوره دبیرستان باز بنا برخواست و تأکید پدرش وارد دانشگاه شد و به تحصیل حقوق پرداخت، نخستین سالهای دانشجویی او مصادف گردید با طغیان مردم مصر علیه استعمار انگلیس، توفیق نیز فعالانه در این نهضت شرکت جست. در سال ۱۹۱۹ دستگیر شد و به زندان افتاد. در ایام محبس روح حساسش چیزهای زیادی را در خود ذخیره کرد.

پس از آزادی با گروه‌های هنری حشرونشر یافت، معاشرت با هنرمندان هر روز استعداد ادبی او را بارورتر می نمود طی سال ۱۹۲۲-۲۳ چند نمایشنامه نوشت که برخی از آنها همچون «زن امروز»، «میهمان گران» و «علی بابا» توسط گروه تئاتری بنام «عکاشه» Akkasha به نمایش درآمد. توفیق که از خانواده‌ای سرشناس بود و فرهنگ سنتی مصر آن ایام به هنر تئاتر به دیده مطربی می نگریست گاه ناگزیر می شد نام خانوادگی خود را بروی آثارش نگذارد. او حتی پس از پایان تحصیل حقوق در برابر پدرش این حقیقت را که می خواهد کار نمایش را ادامه دهد رد نمود و به پدرش گفت «که تنها به ادبیات علاقمند است».

در سال ۱۹۲۴ توفیق به اصرار پدرش زاهی فرانسه شد تا دکترای خود را در رشته حقوق بگیرد. مدت چهار سال به مدد پول قابل توجهی که پدرش برایش می فرستاد در پاریس وقت خود را صرف دیدن تئاتر، رفتن به کنسرت‌های موسیقی و مطالعه آثار هنری گوناگون کرد. پس از آنکه دریافت

مبنای تئاتر غربی از فرهنگ و اساطیر مذهبی یونان باستان نشأت گرفته است به تحقیق در آثار نمایشنامه نویسان کهن پرداخت. در سال ۱۹۲۶ يك ماجرای عشقی در زندگیش رخ داد تحت تأثیر این اتفاق نمایشنامه‌ای تك پرده‌ای نگاشت تحت عنوان «نشسته در برابر روزنه كوچك خود».

در سال ۱۹۲۸ توفیق به كشورش بازگشت و ضمن اشتغال به كار در دادگاه قاهره بر آن شد تا هنر غایش را در مصر که از نظر اجتماعی ارزش چندینی نداشت و تنها شامل آثار سرگرم کننده سطحی و فاقد محتوا می‌گردید متحول سازد، او دانش کافی را از تئاتر غرب به خوبی فراگرفته بود و شیوه نمایشنامه نویسانی چون پیر آندلو^۷، مترلینک^۸ و برنارد شاو^۹ را بسیار دوست داشت و می‌دانست که تراژدی‌های باستان ریشه در مناسك اعتقادی مردم آن زمان داشته است. عمده ترین نمایشنامه‌ای که در این راستا خلق نمود تحت عنوان «همگنان غار»^{۱۰} یا «اهل الكهف» نام داشت که نخستین بار در سال ۱۹۳۳ به چاپ رسید و بزودی به زبانهای دیگر نیز ترجمه شد. هنگامی که در سال ۱۹۳۵ انجمن هنرپیشگان ملی مصر تشکیل گردید این اثر را به عنوان افتتاحیه انجمن به غایش گذاشتند. این اثر که ملهم از قصص مذهبی است ماجرای هفت تن انسان یکتاپرست را بازگو می‌کند که به دلیل آزار مردم بت پرست بدرون غاری پنهان می‌«وند»، اینان بزودی بخوابی طولانی فرو می‌روند آنگاه پس از سبصد سال بار دیگر بھوش می‌آیند در حالی که آزاردهندگان آنها همگی نابود شده‌اند و همه چیز دستخوش تغییر و دگرگونی گردیده، اینان پس از آنکه سرگذشت معجزه آسای خود را برای دیگران بازگو می‌کنند زندگی را بدرود می‌گویند.

از سوی دیگر آشنائی توفیق با شیوه داستان نویسی اروپائی او را بر آن داشت تا به نوشتن داستانی بپردازد که در آن تلاش مردم كشورش را در راه دستیابی به آزادی و استقلال بازگو نماید این اثر «بازگشت روح»^{۱۱} نام داشت که با الهام از انقلاب ۱۹۱۹ ضداستعماری مصریان در سال ۱۹۳۳ نگاشته شد. او «این اندیشه اساسی را بگونه‌ای در تاروپود قصه‌اش تنیده است که پنداری تقدیری ازلی است که هر زمان زندگی مصر در خطر افتد بی‌درنگ «روحش» بازمی‌گردد و انقلاب را آغاز می‌کند»^{۱۲}، به گفته غالی شكري «در تاریخ ادبیات نوین مصری می‌توان داستان بازگشت روح را پیشاهنگ آثار ضداستعماری با رنگ ناسیونالیستی شمرد»^{۱۳}.

شهرزاد^{۱۴} نمایشنامه دیگر توفیق در سال ۱۹۳۴ نوشته شد، موضع این اثر اقتباسی است از افسانه‌های هزارویکشب. ژرژلو کنت^{۱۵} عضو آکادمی فرانسه این اثر را چنین توصیف می‌کند: «زیر عنوان این نام خیال‌انگیز از آرایش و تجمل هزارویکشب که کاملاً به آن آگاهی داریم خبری نیست، همه منظره‌هایی که در این اثر به چشم می‌خورد راهی در بیابان فقر و خانه‌ای در زیر بالهای شب و انعکاس خوابگاه پادشاهی در حوضی از مرمر و سپس ریرگهای توده دشت پهناور است و در میان



یک صحنه از اجرای نمایشنامه «راه رستگاری» اثر توفیق الحکیم در تئاتر ملی قاهره

این چشم انداز هائیکه با نهایت قناعت برگزیده شده و ایجازی که در خلال سطور بکار رفته مایه‌کنده روح بشریت در هر زمان و مکان تجسم می‌یابد شهرزاد در این نمایشنامه در سرشت خالص خود بی‌پیرایه از در گردن بندها و زبور روپوش‌ها جلوه‌گر می‌شود. خصوصیات، نام و قیافه او چه اهمیت دارد؟ او باید بصورت زن، یا بخت یا دانش و یا عظمت و جلال تجلی کند و بجز قله شامخ درخشانی که همه دیده‌ها بدان دوخته می‌شود و آزمندیهای انسان در آن نابود می‌گردد هیچ چیز دیگری نباشد. شهرزاد به منزله ریگزار است که همواره از تشنگی زبانه می‌کشد و هرگز سیراب نمی‌شود.^{۱۶} این اثر در سال ۱۹۳۶ به فرانسه ترجمه شد و آنگاه در سال ۱۹۵۵ در کمپدی فرانسه به صحنه رفت. توفیق در سال ۱۹۳۷ رمان دیگری نگاشت تحت عنوان «یادداشت‌های روزانه یک دادیار در روستا» که در آن صحنه‌هایی از زندگی مردم مصر را با دید طنزگونه بازنمایانده است. اثر مشهور دیگر توفیق نمایشنامه «سلیمان حکیم»^{۱۷} نام دارد که داستان آن برگرفته از قصص

مذهبی است که در آن گوشه‌هایی از وقایع زمان سلیمان نبی و شرح دلبستگی‌های وی به بلقیس ملکه زیبا و قدرمند سرزمین سبا بگونه‌ای دلنشین بازگو شده است.

«مرگ آواز»^{۱۸} نمایشنامه دیگر توفیق تراژدی تلخی است از روابط آلوده به تعصب و غیرت بیمارگونه انسانها، مضمونی که در جوامع مشرق زمین بسیار ملموس است. موضوع این نمایشنامه به اختصار چنین است.

در کلبه‌ای روستائی در مصر بیوه زنی بنام عساگر^{۱۹} که شوهرش را مردی بنام «سلیمان ته‌اوی»^{۲۰} کشته است در کنار شوهر خواهرش «مبروک»^{۲۱} و پسر او سمیدا^{۲۲} به انتظار ورود قطاری از قاهره دقیقه‌شماری می‌کنند، قرار است با این قطار پسر عساگر بنام ایلوان^{۲۳} پس از هفده سال دوری به ولایت خود بازگردد و مادر امیدوار است که پسرش به انتظار هفده ساله آنان پایان داده انتقام خون پدرش را از قاتل بازستاند. ایلوان به هنگام قتل پدر دو سال بیشتر نداشته و مادرش برای حفظ جان او را در سبیدی پنهان ساخته و شبانه به قاهره برده و به یکی از خویشاوندانش می‌سپارد، مادر بازگو می‌کند که چگونه به خویشاوندانش سفارش می‌کند تا پسرش را نزد قصابی به شاگردی بگمارند تا در گرفتن کارد مهارت یابد و انتقام پدر را هرچه بهتر بگیرد. اما پسر بر خلاف خواست مادر به حوزه علمیه‌الازهر رفته و طلبه می‌شود پس از بازگشت نه تنها ایلوان در اندیشه انتقام نیست بلکه در واقع برای موعظه کردن به ولایت خود بازگشته است تا مردم را به اتحاد دعوت کرده با کمک یکدیگر و تعاون و بدن‌های کارآمد، نیروهای بیکار را به ساختن جاده، پل، سد، مدرسه و بیمارستان و کارهای آبادانی دیگر مشغول کند تا هم ولایتی‌هایش وقت خود را صرف شیوه‌های احمقانه دشمنی و چند دستگی که ناشی از بیکاریست نکنند. اما مادر در این میان تنها به انتقام می‌اندیشد و وقتی از طرف پسرش ناامید می‌شود از خواهرزاده‌اش سمیدا می‌خواهد که به جای پسرش انتقام شوهرش را بگیرد، اما بر طبق سنت تا وقتی که فرزند در قید حیات است این وظیفه به او محول گردیده مگر اینکه او نیز بمیرد. عساگر زنی است که در نوجوانی بیوه شده است و تمام نیروی جسمی و روحی او در جهت انتقام یگانه شده است. اینک گره کار باید به دست سمیدا باز شود. او که هم سن و سال ایلوان است تنها کسی است که می‌تواند کینه دیرینه را فرونشاند و انتقام خون دانی خود را بگیرد. عساگر سمیدا را با کاردی روانه می‌کند تا نخست ایلوان پسرش را بکشد و سپس شوهرش را بگیرد. در پایان سمیدا به ایستگاه قطار می‌رود و پس از کشتن ایلوان پسردانش با صدائی بلند آوازی می‌خواند که مضمون آن پشیمانیست. درون مادر نیز منقلب می‌شود و حس مادری او که زیر فشار انتقام‌جویی ناتوان شده بود ناگهان بر احساسات دیگر غلبه می‌کند و ناله‌ای تلخ از گلویش برمی‌خیزد اما فاجعه اتفاق افتاده است^{۲۴}.

توفیق طی سالهای قلمزنی خود به ترانه‌های عامیانه و افسانه‌های محلی توجهی خاص داشت. در غایشنامه «ای تو که از درخت بالا می‌روی» که عنوان آن برگرفته ایست از يك ترانه کودکانه، همه چیز در هاله‌ای از رمز و راز بیان می‌شود. در این غایشنامه زنی بنام خانم بهادر سراسر زندگیش را به بافتن پیراهنی سبز برای دخترش بهیه می‌گذراند، دختری که قرار بود چهل سال پیش به دنیا بیاید اما نیامده است. آقای بهادر هم تمام روزش را به پرداختن درختی می‌گذارند که در پای آن مارمولکی پیر زندگی می‌کند، مارمولکی که آقای بهادر در ابتدا قصد کشتن آنرا داشت اما سرانجام به آن خو گرفته و دوستش دارد. سمبول‌هایی که توفیق در این غایش بکار گرفته در نظر تحلیل‌گران دربرگیرنده مفاهیمی است که مثلاً فرزند به دنیا نیامده انقلاب مصر در سال ۱۹۱۹ است که امیدهای زیادی در دل توده‌های مردم بوجود آورد. زن، مصر سال ۱۹۵۲ در هنگام پیدایش جمال عبدالناصر است که بار دیگر دچار بحران گردید و مرد که تنها نگران آن درخت جادونی است، اشاره ایست روشن بر تولید ملی^{۲۵}. توفیق در سال ۱۹۳۶ با طه حسین، آشنا شد و ایندو مشترکاً کتاب «کاخ جادونی» را نگاشتند که در آن مسائل ادبی و هنری گوناگونی را مطرح نمودند. توفیق در سال ۱۹۴۳ از کار دولتی دست کشید و وقت خود را صرف نوشتن کرد. در سال ۱۹۵۱ که دکتر طه حسین^{۲۶} وزیر فرهنگ مصر شد توفیق را به عنوان مدیر کتابخانه ملی مصر برگزید. در این سالها آوازه شهرت این نویسنده از مرزهای کشورش فراتر رفته بود، صاحب‌نظران او را در زمره موفق‌ترین و پرکارترین غایشنامه‌نویسان عرب می‌دانستند و آثارش به اغلب زبانهای زنده جهان ترجمه شده بود. آثار او علاوه بر غایشنامه‌های متعدد شامل تعداد زیادی مقاله، نقد ادبی و داستان نیز می‌شود، از دیگر آثار این نویسنده می‌توان از: پیگمالیون^{۲۷} که به جدال میان هنر و زندگی پرداخته، ایزیس^{۲۸} که از افسانه‌های مصر باستان در زمان فراعنه به وام گرفته شده، سرگذشت محمد^{۲۹} (ص)، سلطان سرگشته^{۳۰}، راه رستگاری^{۳۱}، زندان زندگی^{۳۲} و همچنین اثری که بر اساس غایشنامه ادیب شهریار اثر مشهور سوفکل غایشنامه‌نویس یونان باستان پرداخته شده است نام بُرد.

توفیق در سال ۱۹۵۶ به عضویت شورایعالی هنر و ادبیات درآمد و در سال ۱۹۷۰ به غایب‌دگی مصر در سازمان یونسکو برگزیده شد و به پاریس رفت و سالهای آخر عمر کارش را در شورایعالی هنر و ادبیات ادامه داد.

توفیق الحکیم در سال ۱۹۸۷ هنگامیکه ۸۹ سال داشت چشم از جهان فرو بست.

1. al-dalanjal

۲. Damanhur، از شهرهای مصر در دلتای پایتخت استان بحیره

3. Today Woman

4. guest expensive

5. Ali Baba

6. Devant Derant son Guicht

۷. لونیجی پیر آندللو Luigi Pirandello نمایشنامه‌نویس ایتالیایی ۱۸۶۷-۱۹۳۶ م.

۸. مورس مترلینک Maunce Maeterlinck نمایشنامه‌نویس بلژیکی ۱۸۶۲-۱۹۴۹ م.

۹. جورج برنارد شاو George Bernard Shaw نمایشنامه‌نویس ایرلندی الاصل ۱۸۵۶-۱۹۵۰ م

۱۰. همگنان غار و سفری به فردا نوشته توفیق الحکیم ترجمه باقر معین، تهران، انتشارات توس ۱۳۵۴

۱۱. نام اصلی اثر «عوده الروح» می‌باشد.

۱۲ و ۱۳. ادب مقاومت نوشته دکتر غالی شکری گردانیده دکتر محمدحسین روحانی، تهران نشر نو ۱۳۶۶ صفحه ۷

14. Shahrzad

15. George to Kont

۱۶. نوشته ژرژ لوکنت ترجمه محمد پروین گنابادی. سخن دوره پنجم شماره ششم ۱۳۳۳ صفحه ۴۴۹.

۱۷. این اثر تحت عنوان «سلیمان و ملکه سبا» به ترجمه ابوالفضل طباطبائی توسط کانون معرفت در سال ۱۳۳۹ بفراسی برگردانیده شده.

۱۸. مرگ آواز Song of Death اثر توفیق الحکیم ترجمه دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، انتشارات جهاد دانشگاهی.

«پیش درآمدی بر شناخت هنرهای نمایشی در مصر ۱۳۶۵»

19. Asakir

20. Soleyman Tahavi

21. Mabruka

22. Simeida

23. Ihan

۲۴. پیش درآمدی بر شناخت هنرهای نمایشی در مصر «دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی»

۲۵. تصویر زن در تناتر عرب نوشته امیل وبر Emile Weber، ترجمه قطب‌الدین صادقی، مجله آدینه شماره ۲۳

۲۶. طه حسین Taha Hosayn، ادیب و محقق معاصر مصری (۱۸۸۹-۱۹۷۳ م)

27. Pygmalion

28. Izeyz

۲۹. این اثر تحت عنوان مظاهر محمدی نگارش و ترجمه استخر، تهران ۱۳۲۱ به چاپ رسیده.

30. The Bewildered Sultan

۳۱. «سکه - السلامه»

۳۲. سجن العمر

منابع

1. Arabic writing today. Cairo 1977

Manzalaoui, Mahmoud(Editor)

۲. همگنان غار و سفری به فردا نوشته توفیق الحکیم ترجمه باقر معین مقدمه به قلم م. ج روحانی. تهران، انتشارات توس ۱۳۵۴.

۳. پیش درآمدی بر شناخت هنرهای نمایشی در مصر، دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۵

۴. تصویر زن در تئاتر عرب نوشته امیل وبر Emile Weber ترجمه قطب الدین صادقی، آدینه شماره ۲۳ اردیبهشت ۶۷.

۵. ادب، مقاومت دکتر غالی شکری، گردانیده دکتر محمدحسین روحانی تهران نشر نو ۱۳۶۶.

۶. سخن دوره پنجم شماره ششم ۱۳۳۳، شهرزاد اثر توفیق الحکیم، مقدمه بقلم ژرژ لوکت ترجمه پروین گنابادی.

Nazim Hikmet

۱۹۰۲-۱۹۶۳ م

ناظم حکمت

ناظم حکمت ران^۱ شاعر، نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس بلند آوازه ترک در سال ۱۹۰۲ در سالونیک^۲ واقع در مقدونیه که در آن ابام جزو قلمرو عثمانی بود به دنیا آمد. مادرش اصلیت لهستانی داشت و پدرش از کارمندان امپراتوری عثمانی بود که به آداب و رسوم خاص ترکان بسیار معتقد بود. هنگامی که ناظم نه سال داشت و به تحصیلات ابتدائی مشغول بود جنگی سخت بین نیروهای ایتالیا و دولت عثمانی درگرفت. در این جنگ ایتالیا موفق شد ناحیه تریپولی^۳ را ضمیمه خاک خود کند (سال ۱۹۱۱ م). کمی پیشتر از آن جنبش ترک‌های جوان چهره کشور را دستخوش دگرگونی‌هایی کرده بود (۱۹۰۸ م). اینها همه روح حساس ناظم را با احساسات میهن‌پرستانه درهم آمیخت و او را برانگیخت تا به سرودن شعر بپردازد. نخستین شعرش را با نام «فریاد وطن» در سال ۱۹۱۳ سرود. شعری سرشار از شور جوانی، هرچند ناظم در شعری موسوم به زندگینامه منظوم چنین گفته است:

«شاعری را از چهار سالگی شروع کردم

یکی انواع رُستنی‌ها را می‌شناسد، دیگری انواع ماهیهای دریا را

اما من انواع جدائی‌ها را می‌شناسم

یکی چشم بسته نام ستارگان را می‌شمارد

من حسرتها را می‌شمارم^۴.



ناظم حکمت

ناظم پس از پایان دوره متوسطه در سال ۱۹۱۷ وارد مدرسه نیروی دریایی شد، یکسال بعد پدر و مادرش از یکدیگر جدا شدند و این امر او را بشدت متأثر ساخت، نخستین مجموعه شعرش در همین ایام انتشار یافت و این ایام دوران سختی در حیات سرزمین او بود، که اشاره مختصری به آن در اینجا ضروری است. در نخستین سالهای جنگ جهانی اول دولت عثمانی به متفقین اعلان جنگ داد. این موضع گیری با پیروزی متفقین برای امپراتوری پهناور عثمانی بسیار گران تمام شد بسیاری از سرزمین های این کشور توسط قوای مشترک فرانسه و انگلیس از تصرف آن خارج شد. قسطنطنیه

به اشغال نیروهای متفقین درآمد و امپراتوری عثمانی شدت تضعیف گردید، روسیه همسایه قدرتمند این کشور نیز با انقلاب اکتبر در مسیر تازه‌ای گام نهاده بود که بالطبع دول سرمایه‌داری از آن بیمناک بودند. در سال ۱۹۱۹ جنبشی معترض به اشغال کشور توسط قوای بیگانه تشکیل گردید که ناظم نیز به آن پیوست با این وجود دولت عثمانی در سال ۱۹۲۰ پیمان «صور»^۵ را که مقرر می‌داشت متصرفات عثمانی از آن تجزیه شوند را امضاء نمود که با مخالفت شدید ملیون^۶ به رهبری مصطفی کمال پاشا^۷ روبرو شد، در این میان دولت و مجلسی نیز از سوی ملیون در شهر آنکارا تشکیل یافته بود. ناظم پس از بهبودی از بیماری که او را ناچار به بستری شدن نموده بود به گروه میهن پرستان می‌پیوندد و آنگاه از طریق ترابوزان^۸ وارد خاک روسیه می‌شود و سال بعد به عنوان دانشجوی دانشگاه ملل شرق (KUTY) تحصیلات خود را در مسکو دنبال می‌کند. در سالهای دانشجویی‌اش با مایاکوفسکی^۹ آشنا شد. این آشنائی در تحول شعری او تأثیر بسزائی برجای گذاشت.

نخستین ازدواجش که با دختری از هموطنانش بود پس از یکسال به جدائی منجر گردید. مقارن همین ایام در پی مبارزات مردم ترك عمر حکومت سلاطین عثمانی پس از ۶۲۳ سال به پایان رسید و حکومتی جمهوری با وعده آزادی و دموکراسی بروی کار آمد. ناظم با امید و اشتیاق در بازسازی فرهنگ سرزمینش در سال ۱۹۲۵ به کشورش بازگشت. يك چند با یکی از نشریات معتبر در از میر^{۱۰} بنام «کلارته» همکاری داشت، با کارهایش «شالوده نوعی ادبیات کارگری را پی‌ریزی نمود و با سرودن اشعاری بدون قافیه با زبانی تازه و پُر بار که از نیروی شگفتی بهره‌مند بود همراه با کشف ظنین کلمات و فولکلور مردم ترك به کمک شیوه‌های بیانی جدید، تحرك چشمگیری به ادبیات ترك زبان بخشید»^{۱۱} تا پیش از این دوره «شعر ترکیه وسیله‌ای بود در خدمت گروهی «محتاز» که ذهن مردم واقعی را سهمی در آن نبود. زبان ترك هنوز طعم شاعرانه خود را نیافته بود، زبانی منجمد و مرده که در حقیقت از طبیعت عثمانی‌اش دور افتاده بود و شدت و قدرتی را که خاص زبان جامعه ترك است بکار نگرفته بود، در چنین زمانی هنوز استادان بزرگ شعر ترك شناخته نشده بودند و کسی را هم تصور آن نبود که زبان ترکی تا چه درجه می‌توانست زبان شاعرانه، لطیف و قادری باشد»^{۱۲}.

سوی ادبیات، ناظم به مبارزه‌ای پیگیر و خستگی ناپذیر علیه استبداد، دیکتاتوری و قدرت های کوری که بشریت را به بردگی و امیدارند همت گمارد، بزودی روشنفکران متعهد، اعم از شاعر نمایشنامه‌نویس، داستان‌سرا و افراد مبارز دیگری در اطراف او گرد آمدند، از سوی دیگر روزپروز مقررات تازه‌ای علیه آزادی در ترکیه به مورد اجرا درمی‌آمد، دیکتاتوری روبروز بسط می‌یافت و

آزادپخواهان راهی زندان‌ها می‌شدند، ناظم در فرصتی مناسب پنهانی از کشورش گریخت و به مسکو رفت. او غیباً به پانزده سال زندان محکوم شده بود. در این ایام ناظم که هرچه بهتر امکانات شاعرانه زبان ترکی را کشف می‌کرد و با سرودن اشعاری زیبا و مؤثر روز بروز مقبولیتی درخور توجه می‌یافت، شعرهایش با اسامی مستعار به ترکیه می‌رسید و دست بدست می‌گشت. در سال ۱۹۲۷ مجموعه‌ای از اشعار او در روسیه به چاپ رسید و در آذربایجان با استقبال فراوان مواجه گشت. بار دیگر در سال ۱۹۲۸ عزم مراجعت به کشورش را کرد. لیکن بلافاصله مقامات ترک او را در مرز بازداشت کرده به زندان آنکارا فرستادند. پس از هفت ماه آزاد شد و کارهای ادبی خود را دنبال کرد. انتشار چندین مجموعه شعر و در عین حال دست زدن به یک مبارزه فرهنگی با جریان شبه فرهنگ رایج در کشورش با انتشار کتاب شعر «شهری که صدایش را از کف داده است» و بالطبع جبهه‌ای متشکل از قدرت‌های رسمی و مخالفان او با یکدیگر علیه او هم داستان شدند. در سال ۱۹۳۱ مجدداً بازداشت شد لیکن بزودی آزاد گردید.

در همین سالها شیوه نوین نمایشنامه‌نویسی در ترکیه که ملهم از تئاتر اروپایی بود می‌رفت تا خود را بازباید ناظم که تا این دوران به عنوان شاعر شناخته شده بود در مقام یک نمایشنامه‌نویس با بکارگیری مضامین فرهنگی سرزمینش به همراه زبان پرباری که از آن بهره‌مند بود شروع به نوشتن نمایشنامه کرد. او موفق شد نمایشنامه‌های «جمجمه»^{۱۵} و «خانه آن مرحوم»^{۱۶} را در سال ۱۹۳۲ به اتمام برساند. اما باردیگر دستگیر و راهی زندان گردید. مدت محکومیتش پنج سال مشخص شد. اما در پی عفو عمومی که در سال ۱۹۳۵ داده شد آزاد گردید. در همین سال او موفق به نوشتن رمان «خون خاموشی می‌گیرد» و نمایشنامه «از یاد رفته»^{۱۷} و نیز کتاب شعری تحت عنوان «تصویرها» باضافه تعداد مقالاتی درخور تأمل می‌شود. سال بعد اثری حماسی تحت عنوان «شیخ‌هدرالدین پسر قاضی سیماون»^{۱۸} را نگاشت. مجموعه‌ای از اشعارش نیز به زبان فرانسه برگردانیده شد. در همین سال با خدیجه پیرایه^{۱۹} پیوند زناشویی بست. اما دوران آرامش برای او چندان نپائید. بار دیگر در سال ۱۹۳۸ به اتهام توطئه علیه حکومت دستگیر و راهی زندان شد. این بار به پانزده سال زندان محکوم گردید. با مرگ آتاتووک در سال ۱۹۳۸ نه فقط محکومیت وی تقلیل نیافت بلکه این مدت در دادگاه تجدیدنظری که در سال ۱۹۳۹ تشکیل گردید به ۲۰ سال ارتقاء یافت. از سوی دیگر این سالها مصادف بود با شعله‌ور شدن جنگ در اقصی نقاط جهان. در پنج سال نخست جنگ جهانی دوم. یعنی طی سالهای ۱۹۳۹-۴۴ ترکیه سعی کرد بی‌طرفی خود را حفظ نماید ولی فشار دول متفق موجب گردید تا این کشور در ژانویه ۱۹۴۵ به آلمان و ژاپن اعلان جنگ بدهد اگرچه متفقین در جنگ پیروز شدند لیکن سالهای پس از جنگ برای ترکیه تجربه‌ای سنگین به همراه داشت چرا که دیگر

هویت يك امپراتوری عظیم درهم ریخته شده بود و اکنون این سرزمین جراحی شده در راه یافتن هویت يك حکومت ملی مبتنی بر شرایط جدید ناگزیر به تلاشی همه جانبه بود.

ناظم در تمامی این دهه در زندان «برس»^{۱۴} محبوس بود. شرایط حاکم بر زندان برایش بسیار دشوار و طاقت فرسا بود اما با وجود بیماری، تحلیل رفتن بنیه جسمی و کار شاق در زندان در دوازده سالی که در این دوره در زندان گذرانید موفق گردید آثار مشهوری چون «چشم اندازهای آدمی»^{۱۵} که دربرگیرنده مجموعه‌ای از زیباترین اشعار اوست، همچنین ترجمه رمان بزرگ جنگ و صلح، اثر لتوتولستوی^{۱۶} به زبان ترکی، نگارش غمایشنامه‌های «شیرین، فرهاد، مهمنه بانو و آب سرچشمه کوه بیستون»^{۱۷} ۱۹۴۸، صباحت^{۱۸} ۱۹۴۸، و یوسف وزلیخا^{۱۹} ۱۹۴۹، از جمله آثار دوران محبس او به شمار می‌روند.

از سال ۱۹۴۹ در پی ناراحتی‌های جسمی و روحی به خصوص حملات قلبی که به او دست می‌داد و نیز اعتصاب غذاهای مکرری که آخرین آن هفده روز به طول انجامید، روشنفکران، هنرمندان و بسیاری از مطبوعات با درج مقالاتی آزادی وی را از مقامات کشوری طلب کردند. اما مسئولین به هیچ يك از خواستها و قعی نهادند تا بالاخره در سال ۱۹۵۰ حکومت تغییر کرد و در پی عفو عمومی که از طرف دولت جدید داده شد ناظم نیز از زندان آزاد گردید. اما اشکال مزاحمت‌های حکومت همچنان برای او فراهم می‌گردید. این بار او را در حالی که چیزی نزدیک به پنجاه سال از سنش می‌گذشت به خدمت نظام فرا خواندند. ناظم که به تازگی طعم آزادی را چشیده بود درنگ را جایز ندانست و بار دیگر در خفا کشورش را ترک کرد. از این زمان تا روز مرگ ناظم سالهای تبعید خود را گذرانید. دور از موطن و دیار، اما همواره درحال و هوای آن. بگفته خودش «شغل دشواریست تبعید»^{۲۰} گاه در پاریس، یا مسکو، یا وین یا ورشو، باکو و ...

اما همچنان پیگیر و مصمم در مبارزه با ظلم و جهل و حضوری فعال در کنگره‌های جهانی صلح، کنگره جهانی خلع سلاح، کنگره نویسندگان آسیا و سفر به اقصی نقاط جهان و آشنائی نزدیک با بسیاری از شاعران و نویسندگان ملل مختلف. به خاطر تلاش‌هایش در راه برقراری آشتی و عدالت جایزه صلح در سال ۱۹۵۳ به او اعطا گردید. اکنون دیگر اشعار و آثار او که بنحو دلپذیری طنین کلمات و فولکلور مردم ترک را کشف کرده و این دو را در استیکی تازه بهم آمیخته بود با وجود ممنوعیت‌های ممتد نه فقط توسط مردم سرزمینش زمزمه می‌گردید بلکه به عنوان هنرمندی جهانی اشتها یافته بود، بگفته میگال آنخل آستوریاس^{۲۱}:

او بتدریج شعرش را از صنایع ادبی عربی می‌کرد و به تدریج به جای شکل به عمق شعر می‌نگریست، او شعرش را می‌پالود تا چنان صریح و روشن سخن بگوید که مردمی که دوستشان

می‌داشت خلق ترك و خلق تمامی جهان آن را بشنوند تا به راستی شاعری جهانی باشد»^{۲۷}.
 از دیگر نمایشنامه‌های ناظم می‌توان از «حیله»^{۲۸} ۱۹۵۵، آیا ایوان ایونویچ وجود داشته
 است؟^{۲۹} ۱۹۵۶. (این نمایشنامه بلافاصله پس از نگارش در مسکو، پراگ و برلین بر صحنه رفت.)
 نمایشنامه گاو ۱۹۵۸^{۳۰}، ایستگاه ۱۹۵۸^{۳۱}، تارتوف ۱۹۶۰^{۳۲}، شمشیر داموکلِس ۱۹۶۰^{۳۳} و
 طغیان زنان، (که نمایشنامه‌ایست با مابه هائی از آریستوفان که با مضمون صلح پیوند یافته) نام
 برد. علاوه بر نمایشنامه‌های ذکر شده او در طول حیات هنری خود چندین مجموعه شعر، يك فیلمنامه
 تحت عنوان افسانه عشق ۱۹۶۰^{۳۴}، رمان رومانتیک‌ها ۱۹۶۳^{۳۵} را نگاشت. در سوم ژوئن ۱۹۶۳ در
 حالی که ۶۱ سال از عمرش می‌گذشت در مسکو چشم از جهان فروست. با مرگ او مردی بزرگ که
 برای تمامی جهانیان می‌نوشت برای همیشه خاموش شد. اما همچنانکه خود او در شعری سروده:

مثل بذر، من واژه‌هایم را روی زمین افشانده ام
 یکی در خاک اودسا، یکی در استامبول و آن دیگری در
 پراگ

میهن محبوب من تمام زمین است
 و به هنگامی که نوبت من در رسد
 برگور من تمام زمین را بگذارید»^{۳۶}.

1. Nazim Hikmet Ran

۲. سالونیک Salonik بندر و شهرست در ناحیه مقدونیه در انتهای خلیج سالونیک که امروز به یونان تعلق دارد.

3. Tripoli

۴. قسمتی از شهر زندگینامه منظومه که در اوت ۱۹۶۱ توسط ناظم حکمت سروده شده، رجوع کنید به نمایشنامه گاو. اثر ناظم حکمت ترجمه رسول روفه گر، ناشرین سنا، تبریز ۱۳۵۶.

5. Sour

۷. مصطفی کمال پاشا Mostafa Kamal Pasha ملقب به آتاترک ۱۹۳۸-۱۸۸۱ م و قتی که برانر سوطنه دولت استعماری انگلیس در کشورهای عربی طی جنگ اول جهانی امپراتوری عثمانی از هم متلاشی گردید کار بجائی رسید که موجودیت خاک آسیای صغیر (ترکیه امروزی) هم نزدیک بود به مخاطره بیفتد. در آن موقع احساسات ناسیونالیستی و مبین پرستی در ترکیه به اوج خود رسیده بود و گروههای ملی اصرار داشتند ترکیه ای پدید آید که فارغ از هر نوع تعهدات خارجی باشد. این هدف در سال ۱۹۲۱ برآورده شد و دو سال بعد ترکیه بصورت کشوری جمهوری درآمد و اولین رئیس جمهوری آن نیز بر مصطفی کمال پاشا بود.

8. Tarabuzan

۹. ولادیمیر مایاکوفسکی Vladimir Mayakotski شاعر و نمایشنامه نویس روس ۱۸۹۴-۱۹۳۰ م

۱۰. از میر Esmir بندر مهم ترکیه در کنار دریای اژه.

11. Kalaria

۱۲. ادبیات نوین ترکیه، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۴

۱۳. بدالله رقیانی، مقدمه فرهاد و شیرین و مهمنه بانو و آب سرچشمه کوه بیستون.

۱۴. جمجمه Cranium نوشته ناظم حکمت ترجمه دکتر بلوهر آصفی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر چاپ اول ۱۳۵۴.

۱۵. خانه آن مرحوم «نوشته ناظم حکمت» ترجمه مقصود فیض مرندی، تهران انتشارات گوتنبرگ

۱۶. از یاد رفته، نوشته ناظم حکمت ترجمه م. بوراچالو، انتشارات نگاه ۲۵۳۵.

۱۷. Sayx badrod din the son of Justice Simvna رجوع کنید به سه منظومه از ناظم حکمت، ترجمه ثمین باغچه بان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم ۲۵۳۵.

18. Khadija Piraya

19. Bers

20. Human Landscapes From My Country

۲۱. لنو توگستوی Lev Tolstoy (۱۸۲۸-۱۹۱۰ م)

۲۲. فرهاد و شیرین، مهمنه بانو و سرچشمه آب بیستون، ترجمه ثمین باغچه بان، تهران نشر سپهر چاپ دوم ۱۳۵۱.

23. Beauty

24. Yusof and Zoleika

۲۵. نام یکی از دفترهای شعری ناظم حکمت

۲۶. میگل آنخل آستوریاس Miguel Angel Asturias نویسنده و شاعر گواتمالا ۱۹۷۴-۱۸۹۹ م

۲۷. کتاب جمعه شماره ۲، یادنامه ناظم حکمت، تهران ۱۳۵۸.

28. Trick

29. had Ivan Ivanovitch existed

۳۰. گاو The Cow ، اثر ناظم حکمت ترجمه رسول روفه گره. تبریز نشر ابن سینا.

31. Station

32. Tartuffe

33. The Damaskus Sword's

34. A Fable Love

35. Romance's

۳۶. از مقدمه «فرهاد و شیرین مهمنه بانو، سرچشمه کوه بیستون»

منابع

1. The Poet and Poetry of Turkey, E.J.W. Gibb New York 1968.

2. The Massoov Symphony and other Poems by Nazim Hikmet, Shikoku. 1970. U.S.A.

۳. یادنامه ناظم حکمت، کتاب جمعه شماره ۲- ۱۳۵۸ به قلم محمدعلی سپانلو.

۴. ادبیات نوین ترکیه، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۴.

۵. مقدمه فرهاد، شیرین مهمنه بانو و سرچشمه کوه بیستون، ترجمه ثمین باغچه بان، مقدمه به قلم یدالله رزقانی.

۶. فرهنگ فارسی معین، اعلام جلد ۵

John Steinbeck

۱۹۶۸ - ۱۹۰۲ م

جان اشتاین بک

جان [ارنست] اشتاین بک^۱ رمان‌نویس و غایشنامه‌نویس آمریکایی در ۲۷ فوریه ۱۹۰۲ در ناحیه سالیانس^۲ واقع در ایالت کالیفرنیا به دنیا آمد. این ناحیه که به سواحل اقیانوس کبیر بسیار نزدیک است بعدها دستمایه بسیاری از کارهای او گردید.

پدرش صندوقدار بخشداری بود و مادرش به حرفه آموزگاری اشتغال داشت دوران کودکی و نوجوانی او صرف تحصیل و کار در کشتزارهای زادگاهش گردید، در سنین نوجوانی به علوم علاقمند شد و این علاقه باعث شد تا کاری در یکی از لابراتوارهای محلی بیابد. پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۹۱۹ وارد دانشگاه استانفورد^۳ شد و در رشته زیست‌شناسی به تحصیل پرداخت لیکن در سال ۱۹۲۵ بدون کسب دانشنامه تحصیلاتش را رها کرد. بین سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۵ را به کارهای مختلفی از جمله سرایداری، بنائی، نقاشی ساختمان و خبرنگاری پرداخت، در نیویورک با یکی از روزنامه‌ها شروع بکار کرد، اما خیلی زود آنها را رها کرد و به زادگاهش کالیفرنیا بازگشت و در کلبه‌ای نزدیک به اقیانوس شروع به نوشتن کرد.

نخستین داستانش بنام «جام زرین»^۴ در سال ۱۹۲۸ به رشته تحریر درآمد و از این زمان به بعد نوشته‌هایش یکی پس از دیگری به زیور چاپ آراسته شد، چمنزارهای بهشتی^۵ ۱۹۳۲، به خدای ناشناخته^۶ ۱۹۳۳، توربیل^۷ فلت، در نبردی مشکوک^۸ ۱۹۳۶، گیتی، مقدسه عذرا^۹ ۱۹۳۶ و اسب سرخ^{۱۰} ۱۹۳۷ از جمله آثارى هستند که اشتاین بک تا سال ۱۹۳۷ نگاشت. در آغاز او نویسنده‌ای



جان اشتاین بک

محلی یا به عبارت دیگر ناحیه‌ای بود که هنوز از مرزهای محدود کالیفرنیا یا به قلمرو جهانی شدن و یا حتی کشوری نگذاشته بود. در سال (۱۹۳۷) به اروپا سفر کرد و ضمن دیدار از کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک و روسیه در سال ۱۹۳۸ به کشورش بازگشت، آنگاه با تجربیاتی که در ایام سفر کسب کرده بود و نیز انگیزه‌هایی که از بحران اقتصادی و فقر عمومی طی سالهای ۱۹۲۹-۳۰ آمریکا داشت به نوشتن ادامه داد.

موش‌ها و آدم‌ها ۱۱، دره دراز ۱۲، خوشه‌های خشم ۱۳، دهکده فراموش شده ۱۴ و دریای کورتز ۱۵، ماه پنهان است ۱۶ و بمبها را بیفکنید ۱۹۴۲، یکی پس از دیگری از او منتشر شد و نامش را بر سر زبانها انداخت. رمان دلنشین خوشه‌های خشم جایزه پولیتزر را نصیبش ساخت و بزودی ترجمه آثارش او را به عنوان نویسنده‌ای خلاق و انسان دوست به جهانیان معرفی کرد. در بحبوحه جنگ جهانی دوم سال ۱۹۴۳ نویسندگی را رها ساخت و به عنوان خبرنگار جنگی راهی اروپا شد و در انگلستان، ایتالیا و مدیترانه فعالیت نمود. از آثار دیگر این نویسنده می‌توان از راسته کنسروسازان ۱۹۴۵، اتوبوس سرگردان ۱۹۴۶، شب تاریک، مروارید ۱۹۴۷، روشنائی درخشان ۱۹۵۰، زمستان نارضائیه‌ها، خون نیرومندی، سفرهائی با چارلی، شرق عدن، پیرین چهارم و برخی نوشته‌های دیگر را نام برد. در سال ۱۹۴۷ به عضویت آکادمی ملی هنر و ادبیات انتخاب شد و از کشور نروژ نشان عالی دریافت کرد.

غمایشنامه موشها و آدمها را اشتاین‌یک بر اساس رمان خودش با همین نام تنظیم نمود. عنوان اثر از یک شعر معروف انگلیسی گرفته شده است که می‌گوید «بسیار نقشه موشها و آدمها که نقشش بر آب گردید.» حوادث غمایش در مزارع غرب آمریکا اتفاق می‌افتد و بازگو کننده زندگی و رابطه عمیق دو کارگر دوره‌گرد مزارع غرب آمریکا است. جورج^۷ مهربان و باهوش و لنی^۸ تنومند اما ساده لوح است. روزی آن دو بدست آوردن مزرعه‌ای است از آن خود، امکانی که تقریباً در دسترس بنظر می‌رسد. اما علاقه لنی به نوازش کردن چیزهای نرم و ذهنیت کودکانه‌اش در انتها همه رویاهایشان را خراب می‌کند، عروس رئیس آنها از لنی می‌خواهد که موهایش را لمس کند و لنی از هیجان ناشی از انجام این کار بطور غیرعمد او را می‌کشد. بزودی جماعتی به راه می‌افتند تا لنی را لینچ^۹ (مجازات بدون محاکمه) کنند. جورج که زودتر از دیگران لنی را می‌یابد از روی شفقت او را می‌کشد تا از انتقام بی‌رحمانه دیگران در امان باشد. این غمایشنامه در نوامبر ۱۹۳۷ در نیویورک بصحنه رفت و بسیار مورد توجه قرار گرفت. ماه پنهان است غمایشنامه‌ایست درباره اروپای تحت اشغال نازیها و شهروندانی که بصورت مختلف در برابر این اشغال مقاومت و مبارزه می‌کنند.

«روشنانی درخشان»^{۱۰} که توسط نویسنده به عنوان یک «غمایشنامه» رمان کوتاه توصیف شده تکنیک جالب توجهی را بکار می‌گیرد بنحوی که در آن عمل استمرار اما صحنه آرایی و شغل کاراکترها در هر پرده تغییر می‌کند. داستان این اثر سراسر آرزوهای مردی است عقیم برای داشتن فرزند.

اشتاین‌یک در زمره برجسته ترین نویسندگان آمریکایی است که در فاصله دو جنگ در عرصه ادب درخشیدند و در آثار خود جامعه پیرامونش را که گرفتار فقر، جنگ، بحران اقتصادی و قوانین ظالمانه بود هنرمندانه تشریح کرد و به تصویر کشید، در آثار او از یک سو «نومیدی و حسرت موج می‌زند و از سوی دیگر روح مبارزه جویش به عصیان برمی‌خیزد، زمانی فیلسوفانه به جهان می‌خندد و دورانی دیگر به جهان و هستی پرخاش می‌کند و سرانجام نیز تسلیم یأس و نفرت می‌گردد. وی نیروی ادبی و استعداد هنری خود را در ادبیات عامه و ادبیات کارگری بخوبی نشان داده است. در این زمینه از زندگانی رنجبران و مستمندان و سرخ پوستان بحث کرده، به زبانی ساده و روشن تألمات و تأثرات دلهایی حساس و با عاطفه را از بدبختیها و مصایب مردم تیره روز بیان داشته است»^{۱۱}.

در سال ۱۹۶۲ از سوی آکادمی سوئد جایزه ادبی نوبل به این نویسنده اهداء شد و چهار سال بعد در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ نویسنده‌ای که در بیشتر آثار خود همواره از زبان و زندگی مردم ساده الهام گرفته بود در سن ۶۶ سالگی در نیویورک چشم از جهان فرو بست.

پانویس

1 John (Ernst) Steinbeck

2 Salinas

3 Stanford

4. The Cup of Gold

5. The Pastures of Heaven

6. To a God Unknown

7. Tortilla Flat

8. In Dubious Battle

9 The Red Pony

۱۱. موش ها و آدم ها ، *Of Mice and Men* ، ترجمه پرویز داریوش ، تهران انتشارات اساطیر
موش ها و آدم ها ، *Of Mice and Men* ، ترجمه داریوش شاهین ، تهران انتشارات ارسطو

12 The long Valley

۱۳. خوشه های خشم *The Grapes of wrath* ، ترجمه شاهرخ مسکوب ، عبدالرحیم احمدی چاپ اول.

14. Forgotten on Village

15. Gortz Sea

16. The Moon is Down

17. Gerorge

18. Lennie

19. Lynch

20. Burning Bright

۲۱. خوشه های خشم ، ترجمه شاهرخ مسکوب و عبدالرحیم احمدی ، تهران ، امیرکبیر ، صفحه ۳

منابع

1 World Drama. mc Graw _ Hill Encyclopedia , Vol4.

Lillian Hellman

۱۹۰۵-۱۹۸۴

لیلیان هلمن

لیلیان هلمن بزرگترین بانوی غابیشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس آمریکایی در تاریخ بیستم ژوئن ۱۹۰۵ در نیواورلئان^۱ واقع در جنوب شرقی ایالت لوئیزیانا بدنیا آمد، پنج ساله بود که خانواده اش به نیویورک نقل مکان کردند. لیلیان دوران دبستان و دبیرستان را در این شهر گذراند. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه نیویورک شد اما پیش از آنکه دوره مقرر را به پایان رساند به قصد کار در دفتر یک مؤسسه انتشاراتی تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد. بیست ساله بود که با «آرتور کوپر»^۲ که به حرفه نوشتن اشتغال داشت آشنا شد، این آشنایی به ازدواج آندو انجامید. لیلیان هلمن کار نویسندگی را با نوشتن نقد کتاب برای یکی از مطبوعات نیویورک بنام هرالد تریبون^۳ آغاز کرد. در سال ۱۹۳۰ باتفاق شوهرش به هالیود رفت و فیلمنامه‌هایی را به کمپانی متروگلدوین مایر^۴ پیشنهاد کرد لیکن جدانش از آرتور کوپر در سال ۱۹۳۱ شرایطی فراهم آورد تا او بار دیگر به نیویورک بازگردد (۱۹۳۲).

در سال ۱۹۳۴ با نوشتن «ساعت بچه‌ها»^۵ موفقیتی چشمگیر نصیبش شد و نامش بر سر زبانها افتاد. در این غابیشنامه هلمن با مهارتی تحسین برانگیز به مسئله تغذیه زبان‌آور افکار عمومی از طریق شایعه می‌پردازد و نشان می‌دهد که بخاطر اظهارات مغرضانه یک دانش‌آموز شرور، چگونه آموزگاران شریف و زحمتکش دچار گرفتاری می‌شوند و شیرازه خانواده‌هایی از هم گسیخته



للیان هلمن

می شود.

فروش خوب و حق التالیف در خورتوجه این اثر هلمن را قادر ساخت تا به یکی از آرزوهایش که سفر به اروپا و جستجو و تحقیق در این قاره بود جامه عمل بپوشاند.

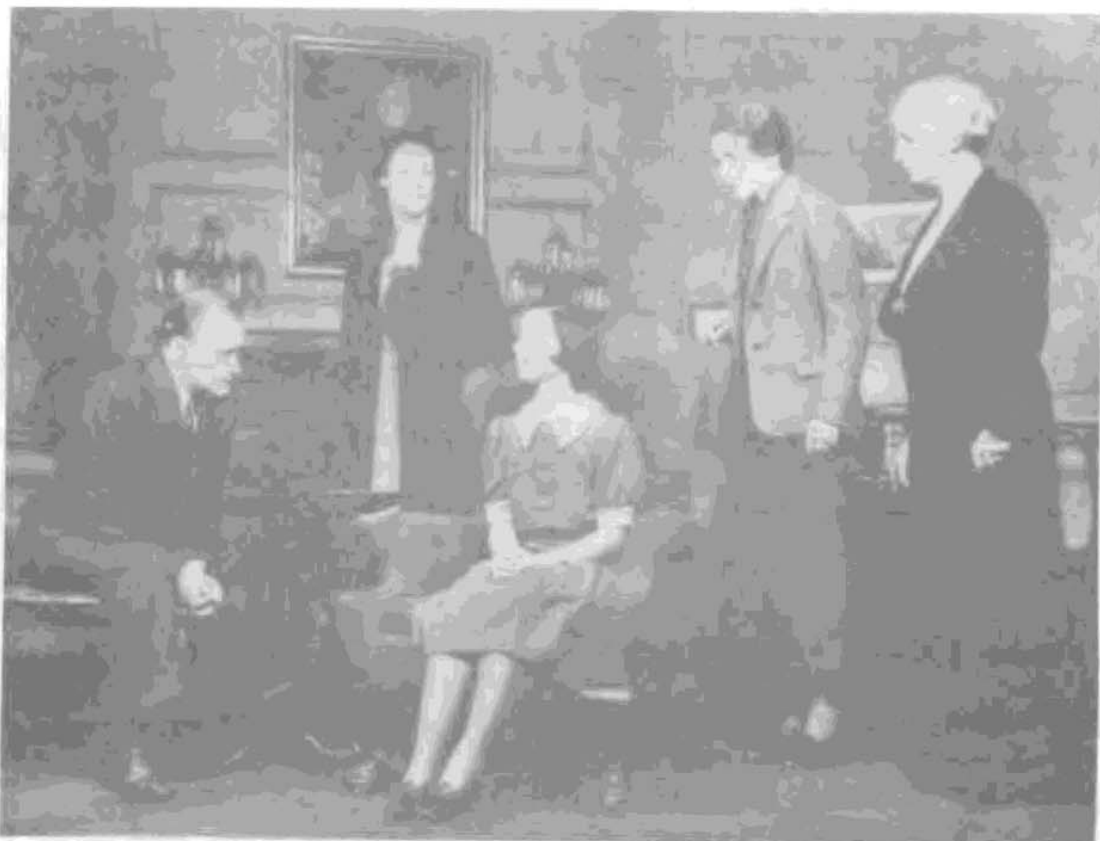
در ایام اقامتش در اروپا ضمن دیدار از مراکز هنری در حالی که تلاش می نمود زمینه های ادامه تحصیلش را در دانشگاه بن در آلمان فراهم سازد، از بد حادثه حضورش همزمان گردیده بود با به قدرت رسیدن هیتلر و سیطره نازیسم در اروپا. او طی ایام اقامت خود در اروپا شاهد جنایات و وقایع اسفانگیزی در ارتباط با به قدرت رسیدن ناسیونال سوسیالیست ها در آلمان و نیز حوادث دلخراش جنگهای داخلی اسپانیا بود. در پی آنکه کشورهای اروپائی یکی پس از دیگری بکام جنگ گرفتار می شدند هلمن نیز ناگزیر به کشورش بازگشت منتهی آنچه که دیده بود از او هنرمندی عمیقاً ضد فاشیست ساخت.

از سوی دیگر آمریکا هم در این سالها شدیداً با مشکل رکورد و بحران اقتصادی دست به گریبان

بود، پدر هلمن دچار ورشکستگی شده بود و از نظر اقتصادی شرایط بدی بر خانواده اش حکمفرما بود.

باری هلمن پس از نمایشنامه موفقیت آمیز ساعت بچه ها که در سال ۱۹۳۶ آن را برای سینما بازنویسی کرد نمایشنامه روزهاییکه در پیش است^۶ ۱۹۳۶ نمایشنامه ای درباره شکستن اعتصاب و ارزش کار و همکاری و بدست آوردن پیروزی اخلاقی و نمایشنامه رویاها کوچک^۷ ۱۹۳۹، اثری که به عقیده بسیاری از صاحب نظران آن را می توان بهترین نمایشنامه این نویسنده به حساب آورد و با موفقیت فراوان به صحنه رفت و فیلمی هم از روی آن ساخته شد. نمایشنامه « پاسدار رودخانه راین»^۸ که در آوریل سال ۱۹۴۱ یعنی درست هشت ماه قبل از این که ایالات متحده به عنوان کشوری جوان و تازه نفس وارد معرکه جنگ جهانی دوم شود به صحنه رفت. در این اثر ماجرای يك عضو نازی بازگو می شود که با فرد دیگری که از اعضای مخفی ضدنازی است در محدوده خانه يك امریکائی که سعی در حفظ بی طرفی خود را دارد در خفا جنگی تمام عیار برپا انداخته اند. هلمن در این اثر هوشمندانه ذهنیت مردم کشورش را متوجه این امر نموده که نسبت به شرارتهای فاشیسم در جهان به هوش باشند و نسبت به تحریکات آن آگاهانه عمل کنند. این نمایشنامه جایزه انجمن منتقدان تئاتر نیویورک را دریافت کرد. نمایشنامه بعدی هلمن با نام یاد جستجوگر^۹ ۱۹۴۶ يك بررسی نقادانه از شخصیت يك دیپلمات امریکائی است در مقاطعی از قبل و بعد از جنگ جهانی دوم. نمایشنامه قسمت دیگر جنگ^{۱۰} ۱۹۴۶ به زمینه های نفرت و طمع در یکایک افراد يك خانواده می پردازد. نمایشنامه باغ خزانی^{۱۱} ۱۹۵۱ کمدی ملابمی است درباره حضور عده ای در اقامتگاهی تابستانی و اثر دیگری تحت عنوان « نامه های چخوف»^{۱۲}.

هلمن در سال ۱۹۴۴ بنا به دعوت اتحاد جماهیر شوروی به این کشور سفر کرد و در سال ۱۹۴۸ زمانی که مارشال تیتو^{۱۳} زمام امور کشور یوگسلاوی را برعهده داشت به این کشور سفر کرد و همواره طی سالیان متمادی در کنفرانس های فرهنگی و علمی جهت دستیابی به صلح جهانی کوشا بود. در اوایل دهه ۴۰-۳۰ هلمن با داشیل همت^{۱۴} نویسنده هموطنش آشنا شد و این آشنایی به دوستی دیرپا و زندگی مشترك آن دو انجامید. هنگامیکه سناتور جوزف مک کارتی^{۱۵} در اوج اقتدار خود بود و با برپا انداختن ماجرای تفتیس عقابیدی تحت عنوان کمیته فعالیت های غیرامریکائی، با اتهاماتی واهی بسیاری از هنرمندان را به پای میز محاکمه و زندان کشانید و



یک صحنه از نمایشنامه ساعت بچه‌ها اثر لیلیان هلمن

متعاقب آن‌که دانشیل همت از سوی مک‌کارتی در سال ۱۹۵۰ زندانی شد لیلیان هلمن نیز که همواره زنی همپای زمان خود بود و نسبت به هر گونه بی‌عدالتی به ساحت بشری عمیقاً برانگیخته می‌شد از خشم و کین این کمیته بی‌نصیب نماند و در سال ۱۹۵۲ به محاکمه فراخوانده شد، لیکن او شجاعانه از حضور در این کمیته امتناع ورزید با علم به اینکه می‌دانست این عمل او دشواری‌هایی برایش به وجود خواهد آورد. کمیته تحقیقات این عمل او را توهین به کنگره تلقی نمود و به صورت مختلف برایش مشکلاتی فراهم آمد. هلمن بعدها در کتاب «زمانه‌شاید»^{۱۶} خاطرات مربوط به این دوران را به تفصیل بازگو می‌کند.

نمایشنامه‌های دیگر هلمن عبارتند از چکاوک^{۱۷}، ۱۹۵۵، اقتباسی از اثر ژان آنوی^{۱۸} و ملهم از زندگی ژاندارک، نمایشنامه اسباب بازیهای زیر شیروانی^{۱۹}، ۱۹۶۰ که در آن تصویری کنایه آمیز از جوانی از اهالی جنوب آمریکا نمایانده می‌شود که همواره رویاها و تخیلات بزرگ و دلنشین فکرش

را مشغول می‌کند در حالی که در عالم واقع دو خواهر سلطه‌جوی او به اشکال گوناگون باعث نقصان رشد جسمی و فکری او شده‌اند.

نمایشنامه مادر، پدرم و من^{۲۰} ۱۹۶۳ اثر دیگر هلمن اقتباس از رمانی است نوشته برت بلچمن^{۲۱} که در آن به زندگی و مسائل مردم طبقه متوسط شهر نشین پرداخته شده است. این نمایشنامه دو هفته بعد از اولین اجرای در نیویورک در سال ۱۹۶۳ متوقف گردید.

يك اتوبیوگرافی هم با نام شرح حال يك زن ناتمام^{۲۲} از دیگر آثار هلمن محسوب می‌شود. نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های هلمن همواره برخوردار از ساختمانی منجمم با موضوعاتی بسیار گوناگون و بیاد ماندنی است. در این آثار نویسنده با مهارت و تیزبینی انحرافات و شرارت‌های جامعه بشری را تصویر نموده و با شناخت هنرمندانه‌ای که بالاخص از جامعه آمریکا بدست می‌دهد مخاطبین خود را با ارزش و ضد ارزشهای این جامعه آشنا می‌سازد.

بسیاری از نمایشنامه‌های او توسط خودش یا دیگران به فیلم درآمده، از جمله این فیلمها می‌توان از ساعت بچه‌ها، ۱۹۶۲ (در ایران با نام شایعه نمایش داده شد) پاسدار رودخانه^{۲۳} راین ۱۹۴۲، قسمت دیگر جنگل ۱۹۴۸، اسباب‌بازیهای زیر شیروانی ۱۹۶۳، فرشته تاريك ۱۹۳۵، رویاهای كوچك ۱۹۴۱، ستاره شمال ۱۹۴۳، باد جستجوگر ۱۹۴۶، شرح حال يك زن ناتمام ۱۹۶۹ و تعقيب ۱۹۶۶ نام برد.

لیلیان هلمن در طول سالهای فعالیت هنری و ادبی خود از دانشگاههای مختلفی چون ییل، اسمیت و راتکرزو به کسب درجه دکترای افتخاری نائل آمد، او علاوه بر نویسندگی در دانشگاهانی چون هاروارد، ییل، کالیفرنیا، و هانتر کالج بعنوان استاد تدریس می‌نمود. آثارش نیز جوایز فروانی را بخود اختصاص دادند که از آن میان دوبار جایزه منتقدان تئاتر نیویورک، یکبار جایزه ملی کتاب، و جایزه زن سال از دانشگاه نیویورک قابل ذکر است.

لیلیان هلمن در سال ۱۹۸۴ در سن ۷۹ سالگی چشم از جهان فرو بست. خارجی در هنرها اهمیت نامتناسب یافته و سیاستهای اعمال قدرت اروپا در هنرهای افریقا عامل تغییر دهنده بوده است. در کار سونکا کیفیات فراوان و مسائلی چند وجود دارد لیکن بیشترین جاذبه اش در مهارت تئاتری حس زبان و طنز آن نهفته است^{۲۴}.

از نظر سونکا تئاتر واقعی آن تئاتری است که جنبه ملی داشته باشد و بتواند نمایانگر شرایط سیاسی و اجتماعی دوره معینی از زندگی يك ملت باشد.

پانویس

1. New Orleans
2. Arthur Kober
3. herald Tribune
4. Metro-Goldwyn-Mayer
5. The Children's Hour
6. Days to Come
7. The Little Foxes
8. Watch on the Rhine
9. The Searching wind
10. An other Part of the Forest
11. The Autumn Garden
12. Chekhov

۱۳. تیتو Tito مارشال و سیاستمدار یوگسلاوی (۱۹۸۰-۱۸۹۲م)

۱۴. داشیل همت Deshalet Hammett، نویسنده آمریکایی متولد ۱۸۹۴. در سال ۱۹۵۱ به رأی کمیته فعالیت‌های ضدآمریکایی شش ماه به زندان می‌رود و در سال ۱۹۶۱ درگذشت.

15. Joseph Mc Carthy

۱۶. Scoundrel Time. زمانه شباد با روزگار بدسگالان، دو ترجمه فارسی از این کتاب

17. The Lark

۱۸. ژان آنری Jean Anouilh نمایشنامه‌نویس فرانسوی.

19. Toys in the Attid

20. My Mother My Father and Me

21. Burt Blechman

22. An Unfinished Women

۲۳. فیلمنامه Watch on the Rhine توسط داشیل همت در سال ۱۹۴۳ نگاشته شد.

منابع

1. World Drama Mc Graw - Hill
- Encyclopedia . Vol2.

Aime Cesaire

تولد ۱۹۱۳ م

امه سز

امه سز شاعر، نمایشنامه نویس و مقاله نویس سیاهپوست در ۲۵ ژوئن ۱۹۱۳ در جزیره مارتینیک^۱ واقع در مجمع الجزایر آنتیل در امریکای مرکزی به دنیا آمد. سز در شهری کوچک در قسمت شمالی جزیره مارتینیک که یکی از جزایر بزرگتر ویندوارد^۲ است بزرگ شد، این جزایر در زمره مستعمرات فرانسه در قلمرو ماورای بحار دریای کارائیب بود.

خانواده سز روستائیان فقیری بودند که به سختی روزگار می گذراندند، پدرش فردی عصبی و نامتعادل و مادرش زنی زحمتکش بود. چنانکه خودش می گوید: «در خانه ای که صدای موشها و سروصدای شش خواهر و برادرم با هم آمیخته بودند رشد کردم و زادگاهم همچون هر مستعمرة دیگر گرسنگی و جهل در آن بیداد می کرد». سز در مدرسه ویکتور شولجر^۳ در مارتینیک درس خواند، در دوران دبیرستان به ادبیات علاقمند شد، هرچه بیشتر مطالعه می کرد و مشکلات سرزمینش بر او آشکارتر می شد. فقر تنها مشکلی نبود که او بدان پی برده بود، تقسیمات سخت میان بومیان زحمتکش و تبعیض نسبت به کارمندان فرانسوی، اینکه می دید بسیاری از هموطنانش سعی می کردند ادای استعمارگران سفیدپوست را درآورند، از عواملی بود که در همان سنین نوجوانی تأثیر عمیقی بر وی گذاشت.

در سال ۱۹۳۱ هنگامیکه هیجده سال داشت موفق به دریافت کمک هزینه تحصیلی شد تا به فرانسه برود. در پاریس نخست در مدرسه لونی لوگراند^۴ و مدرسه عالی The Ecole Normale



ایم‌س‌زر

Suprieure شروع به تحصیل کرد و سپس به دانشگاه سوربن راه یافت و در رشته ادبیات لاتین، فرانسه و یونان به تحصیل پرداخت. تحصیل وی در سوربن مصادف با زمانی بود که سیاهپوستان جوان و روشنفکر در پاریس با شنیدن اکتشافات جدید انسان‌شناسان در مورد فرهنگ غنی و فراموش شده آفریقایی باستان اعتراضات شدید خود را پیرامون قانون تبعیض نژادی سفیدپوستان آغاز کرده بودند. ام‌س‌زر با همراهی داماس^۵ شاعر اهل گویان و لئوپولد سدار سنگور^۶ شاعر سنگالی (که بعدها به ریاست جمهوری سنگال انتخاب شد) ایده نگریتیو Negritude را در روزنامه دانشجوی سیاه توسعه داد.

همانطوریکه در نوشته‌های خود نیز به خوبی این اندیشه را گنجانده، در این اندیشه س‌زر شناخت اولیه حقیقت سیاه بودن و پذیرفتن این واقعیت و اثرات فرهنگی و تاریخی آن را دریافت. از آن زمان جنبش سیاهان راه مقاومت و ایستادگی در پیش گرفت. س‌زر و دوستانش وظیفه و تکلیف سیاهان را در این دانستند که دوباره به احیای میراث فرهنگ آفریقائی و اثبات نژاد ارزشمند سیاه به کار

بپردازند. کمی بعد فرانتس فانون^۲ جامعه‌شناس سیاه‌پوست که او نیز اهل مارتینیک بود با سوزر همراه شد و آن دو به عنوان نظریه‌پردازان بزرگ جهان سوم نیاز به انهدام نژادپرستی را با همه عوامل آن به صورت اقدام اساسی همه روشنفکران دریافتند.

طی سالهای اقامتش در پاریس سوزر با هنرمندان فرانسوی آشنا شد. بخصوص هنرمندان سوررئالیست بروی او تأثیری عمیق گذاشتند. در سال ۱۹۳۷ سوزر با سوزان روسی^۳ ازدواج کرد که حاصل آن شش فرزند بود. در سال ۱۹۳۹ پس از هشت سال اقامت در فرانسه سوزر خود را با آرزوی بازگشت به سرزمین مادریش مواجه دید. از این رو سفری به سواحل دریای آدریاتیک کرد تا با دوستش پیترو گوبرینا^۴ که بعدها استاد دانشگاههای یوگسلاوی گردید همفکری کند که حاصل آن سرودن کتاب شعر مشهور او موسوم به «دفتر بازگشت به زادبوم»^۵ بود. این مجموعه شعر که در نظم و نثر سروده شده احساسات او را در ادوار مختلفی بازگو می‌کند. نخست شامل بیان حالات آن دوره که او در پاریس بسر می‌برده می‌شود و مجموعه‌ایست که در آن اثرات جسمی و اخلاقی که استعمار بر سرزمین او روا داشته منعکس گردیده. قسمت بعد مربوط به زمانه‌ایست که سوزر بعد از سالهای ۱۹۴۰ به زادگاهش بازگشته. این نوشته کوشش آگاهانه‌ایست که نویسنده خود را از شیفتگی، جذب و از خودبیگانگی رها ساخته و حقیقت خود را به عنوان یک سیاه‌دوباره بازیافته و سومین بخش گذری است در سیلابهای گرمسیری زیان و ریتم‌های طبالی که در آن ریتمی فراتر از اعتدال، یعنی ریتم پرشور سیاهان نهفته است.

این مجموعه که در سال ۱۹۳۹ کامل شد بعدها با حمایت آندره بره‌تون^۶ شاعر فرانسوی که این اثر را به عنوان اثری ارزشمند از اشعار تغزلی ادبیات معاصر فرانسوی زبان دانست، چاپ و منتشر شد. بهر حال سوزر به سرزمین مادر خود بازگشت و در مدرسه Schelcher به تدریس مشغول شد. بزودی همراه با رنه مینل^۷ مجله‌ای تحت عنوان Tropiques را برای انداخت. این نشریه بیشتر به منظور بیان مقاصد اجتماعی و فرهنگی فراهم آمده بود و همین مجله بود که توجه آندره بره‌تون را نسبت به سوزر جلب کرد. آندره بره‌تون در آن زمان خود به عنوان پناهنده از فرانسه تحت اشغال نازیها به مارتینیک آمده بود (سال ۱۹۴۲م).

سوزر در سبک سوررئالیسم مصمم شروع به نوشتن کرد و از این سبک به عنوان سلاحی سیاسی در هنر نویسندگی استفاده کرد. ژان پل سارتر^۸ در مقاله‌ای تحت عنوان «در باره سوزر» نوشته است:

«رسم بزرگ سوررئالیست انجام یافته حس قطعی را یافته و خودش را نابود کرده است. سوررئالیسم یک حرکت شعری اروپائی که بوسیله یک سیاه روده شده اکنون بر علیه خود اروپائیه



یک صحنه از نمایشنامه فاجعه کریستف شاه اثر امه سه زر در تئاتر ملی پاریس

بکار گرفته شده است. « اشعار دیگری که سه زر در این سبک سرود، در مجموعه‌هائی چون سلاح‌های اعجاز‌انگیز^{۱۴} ۱۹۴۶ و از دست رفته^{۱۵} ۱۹۵۰ به چاپ رسید. صفت مشخصه کار سه زر در این سبک شیوه‌ای دقیقاً کنترل شده، خاصیت ویران‌کنندگی خود را نشان می‌دهد. در سطور ذیل نمونه‌هائی از شعر سه زر را می‌خوانیم:

ابرها از خط بیرون می‌روند
 آباران، دختر وحشی باندهایت را از هم بازکن
 زخم‌های دریای فرونشسته سوت می‌کشند
 دهانه و کوه آتشفشان به همراه دریک تله عمیق
 خدایان رم کسوف دیوانه
 مغزت را می‌شکافند
 بگذار عصای سه شاخه مزارع را بشکافند
 و صیادان مروارید را به آسمان پرتاب کنند.

در این سالها سه زر شیفته شخصیت آرتور رمبو^{۱۶} شاعر بلندآوازه بود. برای او رمبو مظهر مرد

عمل است. این حقیقت که رمبو نسبت به افریقا از خود شیفتگی نشان داد و شهرهای پر تنعم اروپا را ترك كرد تا مشتاقانه حساسیت‌های خود را با تجربه‌های افریقائی درآمیزد وی را در نظر سهرز بسیار عزیز می‌داشت. در سال ۱۹۴۶ سهرز به عنوان نماینده مارتینیک در مجلس ملی فرانسه انتخاب شد. اما نمایشنامه‌نویسی را سهرز از سال ۱۹۵۶ آغاز کرد. نخستین اثرش يك درام شاعرانه در سبك سوررئالیسم بود تحت عنوان «و سگها خاموش بودند»^{۱۷}. در این نمایشنامه سهرز از خونسردی و بی‌عاطفگی مردم جزایر کارائیب انتقاد کرده شرافت و دلیری رهبران تنهایشان را ستوده است.

با نوشتن نمایشنامه «فاجعه کریستف شاه»^{۱۸} در سال ۱۹۶۳.۴ سهرز نوشتن يك دوره «نمایشنامه تاریخی» را آغاز کرد. این اثر که نیمه تاریخی، نیمه افسانه‌ایست در هائیتی می‌گذرد و ماجرای آن مربوط به اوایل قرن نوزدهم در عهد «هنری کریستف»^{۱۹} حکمران این سرزمین است و شرح نبردهای طولانی مردم هائیتی برای کسب آزادی از یوغ ستم سفیدپوستان است.

فصلی در کنگو^{۲۰}، نمایشنامه بعدی سهرز بر اساس حوادث استقلال طلبانه مردم کنگو بر علیه استعمارگران بلژیکی و شهادت پاتریس لومومبا^{۲۱} قهرمان سرزمین افریقا تنظیم یافته. وی در سرآغاز نمایشنامه فصلی در کنگو می‌نویسد «در کنگو چهره پاتریس لومومبا به عنوان يك مرد سیاسی و بی‌شك تنها فرد سیاسی کنگو که مخلوطی است از پیش بین و شاعر، او مردیست که قدرت تصورش همیشه از «وضع کنونی» درمی‌گذرد. پس مرد ایمان و در عین حال افریقااست. او که دست به گریبان با مشکلات دنیای مدرن، دنیای حسابها و منافع است، در کمال آگاهی به سرنوشت، خود را به عنوان قربانی و قهرمان طی می‌کند، او مغلوب و در عین حال غالب است، و خود را چنان به میله‌های قفس می‌زند که از پای درمی‌آید ولی در میله‌ها هم شکاف ایجاد می‌کند ... آیا این دلیل کافی نیست تا کوششی برای تجدید خاطره این زندگی معجزه‌آسا صورت گیرد؟»^{۲۲}

نمایشنامه فصلی در کنگو در سال ۱۹۶۶ از طرف انتشارات Seuil در پاریس منتشر شد و یکسال بعد با اجرای ژان ماری سه‌رو^{۲۳} در تئاتر Est Parisien در فرانسه به صحنه رفت، سهرز فکر می‌کرد که این سیر را با نوشتن نمایشنامه‌ای درباره ملکوم ایکس^{۲۴}، رهبر سیاه‌پوست مسلمان کامل کند.

بعد از جنگ دوم جهانی سهرز غالباً بین پاریس و مارتینیک در رفت‌وآمد بود در پاریس جانی که او نمایندگی مارتینیک را به عهده داشت و در کشورش سالها سمت شهردار فورت دوفرانس^{۲۵} را بر عهده داشت. آثار سهرز در سالهای بعد از ۱۹۶۰ نشان می‌دهد که او سبك سوررئالیسم را رها کرده است. مجموعه‌ای از اشعارش تحت عنوان Cadastre که در سال ۱۹۶۱ به چاپ رسید گویای این

واقعیت است. این مجموعه شامل اشعار است که بگونه‌ای صریح و کوتاه سروده شده است. در سال ۱۹۶۸ جایزه ادبی «ویا رگیو - ورسیلیا»^{۲۶} به سوزر تعلق گرفت. از سوزر علاوه بر کتب شعر و نمایشنامه‌های ذکر شده مقالات و سخنرانی‌هایی نیز به چاپ رسیده که هر يك در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. «گفتاری در باب استعمار»^{۲۷} از آن جمله است.

از سوزر به عنوان شخصیتی که با زبان شعر، نمایشنامه و کلام سیاهان و استعمارشدگان را متوجه هویت واقعی و جوهر آزادی و شایستگی بشری خود ساخته است در کنفرانس‌های بین‌المللی هنرمندان و روشنفکران جهان یاد می‌شود.

پانویس

۱. مارتینیک. Martinique در شرق قاره امریکای مرکزی، شمال ونزوئلا و یکی از جزایر آنتیلهای کوچک واقع در اقیانوس اطلس.

2. Wind Ward Island

3. Victor sholchar

4. Louis le Grand

5. Leon Damas

6. Leopold Sedar Senghor

۷. فرانتس فانون Frantz Fanon جامعه‌شناس و روانپزشک مارتینیک، در سال ۱۹۲۵ در فورت دو فرانس به دنیا آمد، او بعدها به انقلاب الجزایر پیوست و ملیت الجزایر را پذیرفت، او در ۱۲ دسامبر ۱۹۶۱ از دنیا رفت.

8. Suzanne Roussi

9. Peter Guberina

۱۰. بازگشت به زایم Chetier d'un retour au pays natal اثر امه سوزر ترجمه محمود کیانوش، تهران، انتشارات آگ، ۱۳۵۴.

۱۱. آندره برهتون Andre Breton شاعر و سردمدار سوررئالیستهای فرانسوی.

12. Rene Menil

13. Jean Paul Sartre

14. The Miraculous weapons (Les armes miraculeuses)

15. Lost body

۱۶. آرتور رمبو Arthur Rimbaud، شاعر فرانسوی ۱۸۹۱-۱۸۵۴م. او یکی از پیشوایان سمبولیسم و از پیشاهنگان سوررئالیسم بشمار می‌رود.

17. And the Dogs were quiet

۱۸. فاجعه کریسف Le Tragedie du Roi Christophe، امه سوزر، ترجمه منوچهر هزارخانی، تهران کتاب زمان.

19. Henry Christophe

۲۰. فصلی در کنگو Une Saison au Congo، امه سوزر، ترجمه منوچهر هزارخانی، تهران، انتشارات زمان.

21. Patrice Lumumba (۱۹۲۵، ۱۹۶۱)

۲۲. زمان. ویژه امه سوزر صفحه ۲۸

23. Jean Marie - Serrat

۲۴. Malcon X رهبر مسلمانان سیاه امریکا که در سال ۱۹۵۶ به قتل رسید، لقب او الحاج ملک شهباز بود.

25. Fort de France

26. Viareggio - Versilia

27. Discours Sur le Colonialisme

منابع

1. *World Authors 1950 - 1970 Edited by John Wakeman The H.W. Wilson, Company - New York - 1975 Page 293.*

۲. بازگشت به زادبوم، امه سزر ترجمه محمود کیانوش تهران، آگاه.

۳. زمان ویژه امه سزر، تهران انتشارات زمان.

John Whiting

۱۹۶۳-۱۹۱۷ م

جان وایتینگ

جان وایتینگ بازیگر، غایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس در پانزدهم نوامبر ۱۹۱۷ در سالزبورگ^۱ به دنیا آمد، خانواده‌اش اصلاً تبار انگلیسی داشتند، دوران کودکش بدون اتفاق مهمی سپری گردید، به مدرسه رفت و دوران دبستان و دبیرستان را با علاقمندی به درس و آموزش و اشتیاق به مطالعه کتب ادبی و همکاری با گروه‌های هنری در دبیرستان به اتمام رسانید، علاقه‌اش به تئاتر با ایفای نقش‌هایی در دوران دبیرستان و مطالعه شکسپیر روز بروز بیشتر شد تا آنجا که پس از اتمام دوره متوسطه وارد مدرسه هنرپیشگی رادا^۲ (R. A. D. A) گردید، نخستین غایشنامه‌ای که نگاشت با نام شرایط توافق^۳ هیچگاه به صحنه نرفت و بعدها تحت عنوان «گردش در صحرا»^۴ برای تلویزیون بازنویسی شد.

پیش از آنکه در سال ۱۹۱۵ غایشنامه «یک پنی برای یک آواز»^۵ او در لندن بروی صحنه برود او چیزهایی بصورت آثار غایشی نوشته بود که به نظر می‌رسد خودش آنها را از بین برده باشد. غایشنامه یک پنی برای یک آواز یک کمدی تخیلی است که با نثری شعرگون بصورتی دلنشین نگاشته شده است و اتفاقات آن مربوط به جنگ‌های ناپلئون است.

متعاقب این اثر وایتینگ غایشنامه روز مرد قدیس^۶ را انتشار داد. این اثر به عنوان بهترین غایشنامه سال انتخاب شد و نقطه نظرهای متفاوتی را برانگیخت. برخی آن را شاهکار خواندند و عده‌ای نیز آن را به باد انتقاد گرفتند. در این اثر وایتینگ زندگی نویسنده کهنسالی را بازگو می‌کند که دچار بیماری سوءظن شده و نسبت به همه بدبین است و معتقد است که مردمانی سعی در کشتن و نابودی او را دارند. این بدبینی او به تدریج اعضای خانواده‌اش را نیز دربرمی‌گیرد و در



جان وایتینگ

نهایت منجر به شماری مرگهای خشونت آمیز می شود.

سومین نمایشنامه وایتینگ که با اقبال درخور توجهی روبرو گردید «آهنگ رزم»^۷ ۱۹۵۴ نام دارد. نمایشنامه در اروپای پس از جنگ می گذرد و شخصیت اصلی آن ژنرالی است که پس از هفت سال از زندان آزاد شده و به او گفته اند که قرار است بخاطر شکست جنگ محاکمه شود. به او حق انتخاب میان خودکشی پرشکوه یا محاکمه عمومی توأم با رسوائی داده می شود. معشوق سابق او برانگیختن انگیزه عشق مصمم است تا از مرگ زودرس او جلوگیری کند، با همه تلاش او ژنرال که دریافت در صورت زنده ماندن آینده ای نخواهد داشت، مرگ را انتخاب می کند. اثر بعدی وایتینگ نمایشنامه «دروازه های تابستان»^۸ نام دارد که در سال ۱۹۵۶ در آکسفورد به صحنه رفت. از این تاریخ تا سال ۱۹۶۱ وایتینگ به مدت ۵ سال از جامعه تئاتری لندن فاصله گرفت و بیشتر وقت خود را صرف نوشتن فیلمنامه کرد بازگشت مجددش به تئاتر با نمایشنامه شیاطین^۹ در سال ۱۹۶۱ بسیار درخشان بود، صاحب نظران متفقاً اثر را شاهکار خواندند و بار دیگر نظرها متوجه نویسنده آن شد، نمایشنامه شیاطین اقتباسی است از شیاطین لودن^{۱۰} اثر آلدوس هاکسلی^{۱۱} و قهرمان آن کشیشی است جوان و خوب رو بنام گراندیه^{۱۲} که بلاغت و جاذبه اش مردم شهر کوچک لودن را بسوی او می کشاند. محبوبیت او روز بروز بیشتر می شود تا آنجا که برخی به او معجزه هم نسبت می دهند، کشیش گراندیه معتقد است که انسان برای آنکه مرد خدا باشد نخست باید يك مرد نمونه باشد، محبت به

همنوع او را به بستر بیوگان دلخسته و با کرگان عاشق پیشه می‌کشاند. برتری‌های او چه جسمی و چه روحی در شهر کوچکی همچون لودن در میان افرادی ایجاد حسادت می‌کند. تا جایی که کلیسا، حکومتیان، اشراف و کسبه شهر که نمی‌توانند سرّ موفقیت او را دریابند با یکدیگر همدستان شده بر علیه‌اش توطئه می‌کنند، در این راه از راهبه‌ای به نام سورجین رس‌اگس^{۱۲} که دارای عقده‌های سرکوب شده‌ایست دریدنام کردن او بیشترین بهره‌برداری را می‌نمایند، همگی دشمنان کشیش گراندیه از قدرت روحی او واهمه دارند و از این رو ترجیح می‌دهند تا روح او را درهم بشکنند. آنها باتبانی با یکدیگر او را به جرم ارتباط با شیاطین دستگیر می‌کنند و سعی دارند تا وادارش سازند که اعتراف کند با شیطان مراوده دارد. برای نیل به این هدف او را بگونه‌های وحشیانه‌ای شکنجه می‌کنند، زیبایی او را با تراشیدن موهای سر و صورتش از بین می‌برند. حتی زندگیش را به او وعده می‌دهند. اما در این میان او چیزی را بدست آورده که سالیان سال بدنبالش بوده است و آن پیوستن به معبود و خدایش است. تنها چیزی که در این مسیر او را به وحشت می‌اندازد مرگ روح است نه مرگ تن، از اینرو در برابر شکنجه‌ها مقاومت می‌کند. از آن به بعد دیگر دشمنان کاری نمی‌توانند بکنند جز آنکه او را بکشند و جسدش را بسوزانند و در نهایت آنها چیزی به او می‌دهند که خود می‌خواسته است^{۱۳}.

غایشنامه بی‌چرا^{۱۴} تنها غایشنامه تک‌پرده‌ای این نویسنده درباره پسر کوچکی است که خطانی مرتکب شده که ما از آن بی‌خبریم، در تمام طول غایش همه با او حرف می‌زنند، لیکن او کاملاً ساکت است، پدر، مادر، عمه‌ها، پدربزرگ و سایرین به نوبت از او می‌خواهند برای خطانی که مرتکب شده عذرخواهی کند، اما او جوابی برای آنها ندارد. سرزنشش می‌کنند، نوازشش می‌کنند، تهدیدش می‌کنند لیکن موفق به شکستن سکوت او نمی‌شوند، به عنوان تنبیه او را در اطاق زیر شیروانی زندانی می‌کنند، در آنجا پسرک ریسمانی پیدا کرده خودش را به دار می‌زند^{۱۵}.

مرگ یا خودکشی تم‌های واحدی هستند که در بیشتر آثار این نویسنده از زوایای گوناگونی به آن نگریسته شده است. وایتینگ مرگ را نقطه تراژدی می‌خواند، او بر این عقیده است که بشر می‌تواند مسائل دیگر را حل کند اما این یکی همواره لاینحل بوده و خواهد بود. او همیشه قهرمانانش را به نحوی با مرگ روبرو می‌کند و شگفتا که همه‌آنان بسوی آن می‌شتابند و چون پاسخی نهائی به تمام دردها و آلامشان آنها را در آغوش می‌کشند.

دو سال آخر عمر وایتینگ منتقد تناتری نشریه لندن ماگازین^{۱۶} بود و مقالاتش بطور مرتب در این نشریه منتشر می‌شد، مجموعه این مقالات در سال ۱۹۶۶ بصورت کتابی مستقل انتشار یافت. وایتینگ در شانزدهم ژوئن ۱۹۶۳ در سن ۴۶ سالگی در لندن چشم از جهان فرو بست.

پانویس

1. *Salzburg*
2. *Royal Academy of Dramatic Arts.*
3. *Conditions of Agreement*
4. *A Walk in the Desert*
5. *A Penny for a Song*
6. *Saint's Day*
7. *Marching Song*
8. *The Gates of Summer*

۹. شیاطین *The Devils*، اثر جان وایتینگ، ترجمه احمد میرعلاتی، تهران، زمان.

10. *The Devils of Loudun*

۱۱. آلدوس هاکسلی *Aldous Huxley* نویسنده انگلیسی ۱۹۶۳-۱۸۹۲ م

12. *Grandier*

13. *Soeur Jeanne des Anges*

۱۴ و ۱۶. شیاطین، اثر جان وایتینگ، ترجمه احمد میرعلاتی، تهران، انتشارات زمان.

15. *No why*

16. *London Magazine*

منابع

1. *World Drama. Encyclopedia - Mc Graw Hill Vol4*
2. *A Dictionary of the theatre. John Russell Taylor*

۳. شیاطین، اثر جان وایتینگ، ترجمه احمد میرعلاتی، تهران کتاب زمان.

Alfonso Sastre

تولد ۱۹۲۶م

آلفونسو ساستر

آلفونسو ساستر نمایشنامه‌نویس و نظریه‌پرداز تئاتر اسپانیایی در بیستم فوریه ۱۹۲۶ در مادرید به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانیش در مادرید سپری شد و پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه مدرک لیسانس خود را از Instituto Gardenal Cisneros در مادرید دریافت کرد. شوق به ادامه تحصیل بزودی او را بر آن داشت تا وارد دانشگاه مادرید شود و تحصیل ادبیات و فلسفه را دنبال نماید. او همچنین علاقه‌ای وافر به موضوعات اجتماعی داشت خصوصاً به گونه‌ای که در تئاتر منعکس می‌شد. ساستر جوان در آرزوی داشتن نقشی فعال در شکل‌گیری سبکهای هنری بالاکس در تئاتر در سالهای دانشجویی به همراه شماری از نویسندگان و هنرمندان جوان کانونی را تشکیل داد تحت عنوان هنرنو' ۱۹۴۵.

اعضای این کانون که همگی خود را مخالف وضع موجود تئاتر در اسپانیا معرفی کرده بودند یکسری نمایشنامه را به صورت تجربی ارائه نمودند. در آن زمان (و همانگونه که بعدها هم چنین روشی وجود داشت) ساستر و همکارانش بر سر کارهایشان بیشتر از يك کار هنری بحث و جدل داشتند. آنها به تفسیر و شرایط اجتماعی در کارهایشان بسیار بها می‌دادند و این امر تا حدی برای رژیم ژنرال فرانکو دیکتاتور اسپانیا در آن سالها خوش‌آیند نبود.

بهر حال این کانون در سال ۱۹۴۸ منحل شد و از این زمان به بعد ساستر را می‌توان تا حدی نویسنده‌ای زیرزمینی در کشورش دانست.

طی سالهای ۴۸ تا ۱۹۴۵ ساستر نخستین نمایشنامه‌های خود را نگاشت و نیز مطالعاتش را در



آلفونسو ساستر

دانشگاه ادامه داد. بزودی در رشته فلسفه از دانشگاه موریکا^۲ فارغ التحصیل شد، اقدام بعدی او در راستای فعالیت‌های تئاترش همراه با منتقد معروف خوزه ماریا دوکوتینو^۳، تأسیس تئاتری تحت عنوان تئاتر اجتماعی پرخروش^۴ (ت.ا.اس) در سال ۱۹۵۰ بود. او همچنین در این زمان موفق شد بیانیه گروه تئاتری خود را منتشر کند. از آن زمان تاکنون او نه تنها به عنوان یک نمایشنامه‌نویس بلکه به عنوان یک نظریه‌پرداز، صحنه تئاتر اسپانیا را تحت تأثیر قرار داده است.

نظریات ساستر درباره هنر نمایش، تئاتر را به عنوان انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی قلمداد می‌کند و نیز به عنوان وسیله‌ای برای اصلاح جوامع بشری می‌انگارد. این نظریات عمده‌تر در نوشته‌هایی چون اعانات^۵، ۱۹۵۰، جنبه‌های اجتماعی درام^۶ ۱۹۵۲ و کتاب درام و جامعه^۷ ۱۹۵۶ به روشنی بازگو شده است. زمانیکه ساستر بر روی ارتقاء اشکال جدید هنر نمایش و تلاش‌های تجربی جهت منتقل کردن آگاهی بصورت هرچه بیشتر از واقعیت را دنبال می‌کرد، گروه تئاتر واقعگرا^۸ (G.T.R) را تأسیس کرد. این گروه موفق شد آثاری از نویسندگان معاصر اسپانیا و جهان را ارائه نماید. نمایشنامه پیش‌درآمد غم‌انگیز^۹ (نگارش ۱۹۴۹) اثریست دارای تمامی خصوصیات نمایشی آثار ساستر. در این اثر یک گروه مبارز که برای انقلاب اسپانیا فعالیت می‌کنند تحت رهبری پابلو^{۱۰} ملزم‌اند بر سر خط‌مشی گروهشان از بروز هرگونه اختلاف عقیده اکیداً خودداری کنند. هنگامیکه یکی از افراد گروه بنام آنتوا^{۱۱} در مورد کشته شدن مردم بیگناه سؤالی را مطرح می‌سازد پابلو بدون

آنکه جواب قانع کننده ای به او بدهد مستبدانه با تهدید و ارباب او را ساکت می کند. یکی از افراد گروه بنام اسکار^{۱۳} دستور می یابد محلی را منفجر کند. لیکن پس از به انجام رسانیدن مأموریتش توسط افراد پلیس دستگیر و زندانی می شود بزودی به او گفته می شود که برادر خودش را در این انفجار بقتل رسانده. اسکار پس از تلاش فراوان موفق می شود با کمک یکی دیگر از انقلابیون از زندان فرار کند، او که به این باور رسیده است که مقصر مرگ برادرش پابلو سرپرست گروه بوده است در فرصتی او را می کشد، کمی بعد روشن می شود که برادرش زنده است و در حادثه انفجار وزیر جنگ کشور کشته شده است. زمانی که اسکار مطلع می شود که پلیس برای دستگیری در راه است از هر گونه اقدام به فرار امتناع می کند. با توجه به این امر که دستگیری و اعدام متعاقب آن به عنوان کفاره قتل پابلو بار عذاب او را کاهش دهد و رنج و مرارت او کمکی اخلاقی برای انقلاب و پیش درآمد غم انگیز روزهای شادتر برای مردم اسپانیا باشد.

از دیگر آثار برجسته ساستر می توان «جوخه متهم»^{۱۴} ۱۹۵۳ «نمایشی که احساسات و کردار يك دسته پنج نفری از سربازان همراه با فرمانده شان را به هنگامی که در جبهه جنگ با مرگ مواجه می شوند نشان می دهد. نمایشنامه کلاغ سیاه»^{۱۵} ۱۹۵۷ اثریست تک پرده ای و متمرکز بر پیچیدگیهای زمان و حافظه، زهر مرگ^{۱۶} ۱۹۶۰ نمایشی است درباره آخرین ساعات زندگی يك گاویاز که بگونه ای غیرانسانی توسط مدیر جاه طلبش استثمار شده است. پوزه بند^{۱۷} ۱۹۵۴ نمایشی اگزستانسیالیستی است براساس يك مورد قتل پرآوازه در جهان. نان آدمها^{۱۸} ۱۹۵۷، که حوادث آن کشمکش میان يك مادر و فرزندش در يك کشور کمونیستی است که در نهایت با خودکشی فرزند به پایان می رسد.

نمایشنامه مرگ در همسایگی^{۱۹} ۱۹۵۹، درباره يك پزشك الكلی است که سهل انگاریهایش باعث مرگ يك جوان زخمی می شود و در نتیجه توسط گروهی از دانش آموزان و همسایگانش به رهبری پدر قربانی مجازات می شود. نمایشنامه در زنجیر^{۲۰} ۱۹۶۱ اثریست خشن که ماجرای آن در الجزایر اتفاق می افتد و شرایط دشوار انسان غربی را در محیطی فاقد مهر و انگیزه توصیف می کند.

نمایشنامه کلاغ سیاه اثریست در نوع خود جالب و بحث انگیزه. ماجرای نمایش بدینقرار است که: در شب سال نو که برف در حال باریدن است، درست یکسال بعد از اینکه لارا^{۲۱} همسر جان^{۲۲} در باغ بیلابیشان توسط دیوانه ای به قتل رسید در حالیکه جان به اتفاق دوستانش پیتر^{۲۳}، اینز^{۲۴} و ال^{۲۵} درون خانه سرگرم جشن و شادمانی بودند بار دیگر جان و مستخدمش بیاد حوادث سال قبل می افتند، در همین اثنا دوستان جان یعنی پیتر، اینز و ال بصورتی غیرمنتظره از راه می رسند و ادعا می کنند که آنها دعوت شده اند.

جان از این فکر دچار وسواس شده است که شاید آنها حوادث آن شب غم انگیز را دوباره تکرار

می‌کنند، در همین اثنا لارا نیز ظاهر می‌شود. او که کاملاً در گذشته زندگی می‌کند معتقد است که فقط به مدت چند دقیقه از اطاق خارج شده است. جان و دوستانش در حالیکه سعی دارند نسبت به زمان حال هوشیار باقی بمانند، وحشتزده از ناتوانی خود برای تشخیص توهم از واقعیت یا گذشته از حال تصمیم می‌گیرند به منظور جلوگیری از شرایطی که منتهی به مرگ لارا گردیده است، خانه را ترک کنند. گرچه بارش برف بهانه‌ای برای عدم عزیمت آنها می‌شود وقتی لارا در باغ ناپدید می‌گردد آنها بار دیگر چنان مست کرده‌اند که نمی‌توانند به کمکش بشتابند، ال دوست جان سعی می‌کند آنها را قانع نماید که همه اتفاقات را در رؤیا دیده‌اند. او با نقل قولی از کلاغ سیاه نوشته ادگار آلن پو^{۴۶} ادعا می‌کند که لارا واقعاً مرده است و دیگر باز نخواهد گشت. با این وجود جان به واقعیت دوگانه تجربه آن شب ایمان دارد. علیرغم گرایش مسلم ساستر نسبت به موضوعات اجتماعی و اعتقادش بر اینکه رسالت هنر نشان دادن راهی است برای تعالی انسانها در جهانی پر از نقصان و بی‌عدالتی، لیکن غایشنامه‌های او بالاخص وجهی تبلیغ‌گرایانه بخود نمی‌گیرند و شامل هیچ ادعای صریحی علیه نظام‌های اجتماعی نیستند. بلکه او غایشنامه‌هایی نگاشته غنی از نظر اشارات و معانی، با بکار بردن تمثیل‌هایی که اغلب منتقدین آنها را به عنوان تفاسیری اجتماعی قابل بررسی یافته‌اند، او در آرامش غالباً يك فرد را در تضاد با سرنوشتی محتوم قرار می‌دهد. موقعیتی که مقدر است بگونه‌ای تراژیک به پایان رسد. قتل، خودکشی و مرگ خشونت‌آمیز عوامل متداول در غایشنامه‌های اوست که در سطح شخصیت‌ها به غایش درمی‌آیند. خواننده یا تماشاگر خود باید نتیجه‌گیری مربوط به اهمیت اجتماعی گسترده‌تر درام را بنماید. تأثیرپذیری ساستر از کامو^{۴۷} و پیرآندلو^{۴۸} همچنین غایشنامه‌نویسان امریکائی نظیر اونیل^{۴۹} و میلر^{۵۰} آشکار است. اما صدائی که شنیده می‌شود عمدتاً صدای خود ساستر است، صدای يك عاصی که ضرورتاً عقایدش را به طرق غیرمستقیم و زیرکانه ارائه می‌دهد. شاید این تنها راه برای غایشنامه‌نویسی آگاه به مسائل اجتماعی است زمانی که در کشوری تحت حکومت دیکتاتوری چون فرانکو زندگی می‌کند.

پانویس

1. New Art

۲. فرانکو Franco ، سیاستمدار و زمامدار اسپانیایی ۱۸۹۲-۱۹۷۵ م.

3. Murica

4. Jose Maria de Quinto

5. Theatre of Social Agitation

6. Subsidies

7. The Social Aspects of Drama

8. Drama and Society

9. Realist Theatre Company: G.T.R

10. Pathetic Prologue

11. Pablo

12. Anton

13. Oscar

14. The Condemned Squad

15. The Raven

16. Death Thrust

17. The Gag

18. Everma's Bread

19. Death in the Neighborhood

20. In the Web

21. Laura

22. John

23. Peter

24. Inaz

25. Al

۲۶. ادگار آلن پو Edgar Allan Poe ، نویسنده آمریکایی ۱۸۰۹-۱۸۴۹ م

۲۷. آلبر کامو. Albert Camus ۱۹۱۳-۱۹۶۰ م

۲۸. لونیجی پیرآندلو Luigi Pirandello ۱۸۶۷-۱۹۳۶ م

۲۹. یوجین اونیل Eugene O'Neill ۱۸۸۸-۱۹۵۳ م

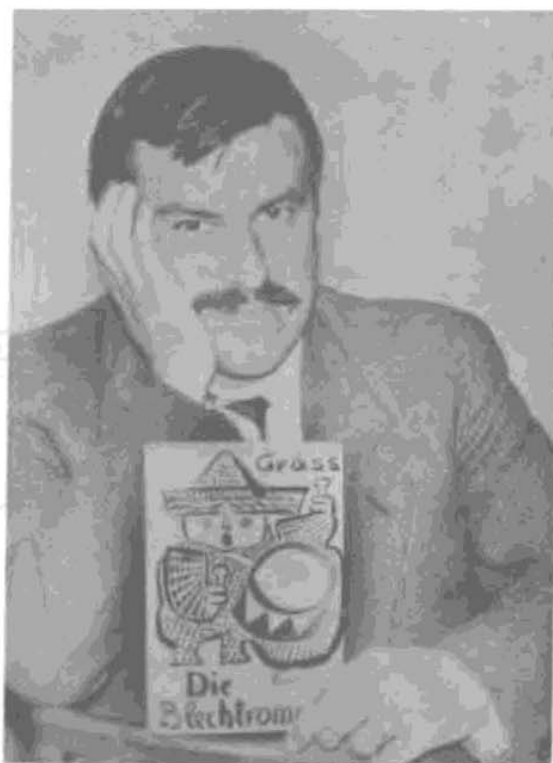
۳۰. آرتور میلر Arthur Miller متولد ۱۹۱۵ م

Gunter Grass

گونتگراس متولد ۱۹۲۷ م

نمایشنامه نویس، شاعر، رمان نویس و گرافیکست آلمانی و یکی از اعضای برجسته نسل ادبی بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا در شانزدهم اکتبر ۱۹۲۷ در محله آلمانی نشین شهر دانتزیک^۱ که امروز گدانسک نامیده می شود بدنیا آمد. پدرش آلمانی الاصل و کارمندی جز، بود که مغازه خواربار فروشی کوچکی هم داشت و مادرش از نسب نژاد اسلاو برخوردار بود. در زادگاهش به مدرسه رفت و خیلی زود شیفته نقاشی و ادبیات شد.

سالهای کودکی و نوجوانی گراس مصادف بود با سالهای پرتنش و بحرانی بین دو جنگ، کشور آلمان در پی شکست در جنگ اول جهانی متصرفات خود را از دست داد و اقتصادش بشدت صدمه دیده بود. شهر دانتزیک بصورت يك ايالت مستقل اعلام شد و آلمان ناگزیر بود خسارات جنگی دول دیگر را که بسیار سنگین بود بپردازد. جمهوری وایمار که در آلمان قدرت را در دست گرفته بود درگیر بحران های سیاسی و اقتصادی فراوانی بود، ارزش پول بشدت تنزل یافته و بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ موجب افزایش فوق العاده بیکاری و فقر گردیده بود. از سوی دیگر به علت وجود احزاب متعدد و عقاید سیاسی مختلف اداره کشور آلمان دستخوش اشکالاتی شد و این سرزمین بسوی آینده ای ناپسمان پیش می رفت تا آنجا که با بهره گیری از احساسات ناسیونالیستی جریحه دار شده مردم آلمان در ژانویه ۱۹۳۳ م آدولف هیتلر^۲ به عنوان صدراعظم قدرت را در دست گرفت. در سال ۱۹۳۹ ارتش آلمان لهستان را اشغال کرد و دانتزیک بار دیگر ضمیمه خاک آلمان شد.



گونتگراس

گراس هنگامی که ۱۲ سال داشت (۱۹۳۹) تحت تأثیر تبلیغات نازیها به عضویت نهضت جوانان هیتلری درآمد و در شانزده سالگی وارد خدمت نظام در نیروی هوایی آلمان شد، در آوریل ۱۹۴۵ زخمی شد و بالاخره در ناحیه باواریا^۲ به دست نیروهای آمریکایی اسیر گردید.

با پایان یافتن جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵) آزاد شد، مدتی کارگر مزرعه شد، یک چند در معدن بکار پرداخت و شغل‌های زیادی را تجربه کرد. در سال ۱۹۴۹ در مدرسه هنرهای دوسلدورف^۴ پذیرفته و در زمینه نقاشی و مجسمه‌سازی شروع به تحصیل کرد، اما مثل اینکه تقدیر چنین می‌خواست که گراس هیچ‌گاه تحصیلات خود را تا به آخر به انجام نرساند. پس از چندی به پاریس رفت و مدتی کار طراحی برای صحنه‌های تئاتر را تجربه کرد در همین ایام بود که به نمایشنامه‌نویسی و شاعری پرداخت، در سال ۱۹۳۵ به برلین بازگشت و در این شهر مقیم شد و با دوشیزه اوت^۵ که یک بالرین سوئسی است ازدواج کرد. نخستین نمایشنامه گراس تک پرده‌ای «سواره رفتن و بازگشتن»^۶ نام دارد که در سال ۱۹۵۴ نگاشته شد (اجرا ۱۹۵۹م). متعاقب آن نمایشنامه دو پرده‌ای سیل^۷ را نگاشت که در سال ۱۹۵۷ در برلین به صحنه رفت، در این اثر خانواده‌ای از ترس سیل به اتفاقی واقع در زیر شیروانی پناه می‌برند تا در امان باشند. در آنجا با دو موش فیلسوف منش آشنا می‌شوند و حوادثی که بین آنها اتفاق می‌افتد از طنز خاصی برخوردار است. نمایشنامه بعدی گراس

آقا، آقا^۱ نام دارد که در سال ۱۹۵۸ به صحنه رفت. در این اثر گراس شخصی را که تصمیم به قتل دارد توصیف می‌کند. وی در القاء ترس به کسانی که قرار است قربانیان او باشند عاجز می‌ماند زیرا آنها او را جدی نمی‌گیرند، سرانجام خود او توسط دو کودک که اسلحه‌اش را می‌ربایند به قتل می‌رسد.

نمایشنامه آشپزهای شرور^۲ (انکارش ۱۹۵۷، اجرا ۱۹۶۲) که یکی از قابل توجه‌ترین نمایشنامه‌های گراس محسوب می‌شود، در پنج پرده تنظیم یافته و در آن چند آشپز با یکدیگر رقابت می‌کنند تا رمز سوپ خاکستری رنگی را کشف کنند که به عنوان چاشنی به اندازه یک سرانگشت به آن خاکستر اضافه کرده‌اند. دستور دهنده غذا که او را کنت می‌نامند باب معامله‌ایی را با آشپزها بازمی‌کند معامله چنین است که او فرمول غذا را در اختیار آشپزها قرار دهد در عوض او نیز اجازه خواهد یافت با پرستار مارتا^۳ که بسیار مورد توجه اوست ازدواج کند.

کنت بعد از ازدواج با مارتا به آشپزها می‌گوید، دستور غذا را فراموش کرده و یا اصلاً چنین فرمولی وجود ندارد و تمامی دانش زندگی تجربه ایست برای انسانها. از آنجا که کنت بازنده این معامله است در پایان نمایش به همراه مارتا دست به خودکشی می‌زنند.

از دیگر نمایشنامه‌های گراس تک پرده‌ای، فقط ده دقیقه تا بوفالو^۴ ۱۹۵۹، سی‌ودو دندان^۵ ۱۹۵۹، تمرین توده‌ها برای قیام^۶ ۱۹۶۶ و تقدم^۷ ۱۹۶۹ قابل ذکرند.

«تمرین توده‌ها برای قیام» بحث انگیزترین نمایشنامه گراس است که درباره بر تولد برشت^۸ و حوادثی که در هفدهم ژوئن ۱۹۵۳ در برلین شرقی بوقوع پیوست نگاشته شده است.

نمایشنامه تقدم براسای رمان گراس تحت عنوان «بی‌حسی موضعی»^۹ است که در آن پنج شخصیت نمایش راه حل اصلاح را در مقابل انقلاب مورد بحث قرار می‌دهند.

علاوه بر نمایشنامه‌های ذکر شده گراس چندین مجموعه شعر همچون «مزایای پرندگان»^{۱۰} ۱۹۵۶، سه گوشه‌های راه آهن ۱۹۶۰، پرسشگر ۱۹۶۷ و نیز رمان‌های مشهوری چون طبل حلبی^{۱۱} که در سال ۱۹۵۹ در آلمان انتشار یافت و شهرتی جهانی را برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد و خیلی زود به اکثر زبانها ترجمه شد. در کتاب طبل حلبی کوتوله‌ای قوزی قهرمان اثر است. او از سه سالگی رشد جسمانی‌اش متوقف شده و تنها سرش رشد کرده، سری که بار گرانی بر بدن نحیف صاحبش است، اما او از چشم و هوشی دقیق و موشکاف بهره مند است، بنحوی که عمق فجایع را در جامعه بخوبی درمی‌یابد و آنها را برملا می‌سازد. در سن سه سالگی مادرش طبل حلبی کوچکی برای او خریده و او نیز با نوای سرسام‌آور طبل بعد از ظهرهای داغ زندگی را بسیار پر هیاهو و جهنمی می‌سازد چنانچه به گفته یکی از صاحب‌نظران این کتاب همچون سندی رسوا کننده زندگی در

غرب و آنچه بر انسان غربی در نیمه نخست قرن گذشته رفته است را برملا می‌سازد. از دیگر رمانها مشهور گراس موش و گربه^{۱۹۶۲}، سالهای سگی^{۱۹۶۴}، بی‌حسی موضعی^{۱۹۶۹} و هدف^{۱۹۷۷} را می‌توان نام برد. از آخرین آثار گراس کتاب «زوناگ زایگن»^{۲۰} که حاصل سالهای اقامت او در هندوستان و به خصوص شهر کلکته است توجه اهل کتاب را به خود جلب کرده است در این اثر نویسنده «به مسئله دردناک فقر کشورهای جهان سوم می‌پردازد و بازگویی این نکته که نه تنها نویسندگان بلکه اکثر اروپائیان به هنگام مواجهه با فقر اسفبار جهان سوم از داشتن ثروت و امکانات رفاهی فراوان خود احساس شرم می‌کنند و تقابل این انسان با احساس شرمش در برابر اقبانوس پایان ناپذیر بدبختی انسانها به نحوی دلنشین در این اثر مطرح می‌گردد»^{۲۱}.

لازم به توضیح است که گراس از حدود سالهای ۱۹۷۵ به بعد به عنوان هنرمند و روشنفکری علاقمند به امور جامعه و سیاست بیش از پیش وقت و نیروی خود را صرف مسائل مربوط به کشورهای جهان سوم کرده است. او نویسنده‌ایست تخیلی و تقریباً در تمامی نوشته‌هایش جانبداری از چیزهای عجیب و نامأنوس مشاهده می‌شود. عوامل واقعگرایانه و نامأنوس به شکل ترکیبات جدید در آثارش با هم پیوند خورده است. او از «ذاتی‌ترین حقایق زندگی‌اش به فراوانی و روشنی سود جسته و آنها را پر آوازه کرده است. او بخوبی از فرق میان واقعه و واقعیت، افسانه و حقیقت آگاه است و چنین است که از زندگیش همچون ماده‌ای خام برای خلق آثاری که دقیقاً می‌توانند واقعگرا، تمثیلی یا همچون داستان‌های پریان تخیلی باشند سود جسته است»^{۲۲}.

پانویس

1. Densig

نام قدیم شهر گدانسلو *Gedenslo* از بنادر مهم لهستان، مدتی این شهر بهن آلمان و لهستان دست بدست گشت، بین جنگهای اول و دوم شهر آزاد دانتزیک یک ایالت مستقل از لحاظ حکومت داخلی بود. بعد از شکست آلمان در سال ۱۹۴۵ این شهر به لهستان واگزر شد.

2. Adolf Hitler (۱۸۸۹-۱۹۴۵)

3. Bavaria

4. Dusseldorf

5. Mrs Otah

6. Mounted Going there and Coming back

7. The Flood

8. Mister, Mister (Onkel, Onkel)

9. The Wicked Cooks

10. Martha

11. Only Ten Minutes to Buffalo

12. Thirty _ two Teeth

13. The Plebians Rehearse The Uprising

14. Prior

15. Bertolt Brecht (۱۸۹۸- ۱۹۵۶)

16. Local Anesthetic

17. The Merits of Wind lowt

18. The Tin Drum

۱۹. موش و گریه، *Cat and Mouse*، گونتر گراس ترجمه کامران فانی، تهران انتشارات پیام ۱۳۵۰.

20. Dog years

21. Local Anesthetic

22. Sunk

۲۳. گونتر گراس و جهان سوم، نوشته پیتر بونسن ترجمه آذر دخت انصاری، آدینه شماره ۳۱، ۱۳۶۷.

۲۴. مقدمه موش و گریه، ترجمه کامران فانی پیام

منابع

1. Gunter Grass. Four plays, Penguin

2. World Drama Mc Graw _ Hill

Encyclopedia vol2

۳. موش و گریه، گونتر گراس ترجمه کامران فانی، تهران، انتشارات پیام ۱۳۵۰.

Slawomir Mrozek

اسلاومیر مروژک متولد ۱۹۳۰

اسلاومیر مروژک در ۲۶ ژوئن ۱۹۳۰ در بورزن^۱ ناحیه‌ای در حومه شهر کراکوف لهستان به دنیا آمد. در شهر زادگاهش به مدرسه رفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در آکادمی هنرهای زیبای شهر کراکوف پذیرفته شد، نخست به تحصیل نقاشی و معماری پرداخت و سپس برای مدتی در کار روزنامه‌نگاری فعالیت کرد و به عنوان منتقد تئاتر مطالبی نگاشت و نیز به صورت مترجم مقالاتی را از انگلیسی به لهستانی ترجمه کرد. همین ایام برای نشریات و مجلات کاریکاتور و نقاشی می‌کشید، مدتی هم مطالعاتی در زمینه زبانهای شرقی نمود.

به عنوان نویسنده نخستین بار قطعاتی از او در یک مجموعه داستانی در سال ۱۹۵۰ به چاپ رسید و سپس کتابی از او منتشر شد تحت عنوان لهستان در تصویر^۲. در سال ۱۹۵۷ مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه طنزآمیزش تحت عنوان فیل^۳ انتشار یافت و با استقبال خوانندگان مواجه شد و بلافاصله به اکثر زبانهای اروپائی ترجمه گردید و جوایزی هم برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد و درهای شهرت را به روی او گشود. نمایشنامه‌های خواب نیمروز^۴ و زندگی مدرن^۵ نیز در همین سال به رشته تحریر درآمدند. در سال ۱۹۵۸ ویراستاری نشریه‌ای تحت عنوان «مترقی»^۶ را عهده‌دار گردید و نیز نمایشنامه‌ای نگاشت تحت عنوان «پلیس»^۷ که در آن مباحثی را مورد بررسی قرار داد که بعدها دروغایه اصلی آثار او را تشکیل می‌دهند. یعنی فرد و جامعه، انسان و قدرت، خواست فردی و مبارزه آرام جهت نیل به آن در مقابل برخوردهای خشونت آمیز حکومتها. نمایشنامه پلیس با نظرات موافق و مخالف مواجه شد و سر و صدای زیادی به پا کرد. این اثر از آنجا که ضد



اسلامیر مروژک

حاکمیت‌های بلوک شرق بود از سوی جوامع غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و شدیداً تبلیغ شد. در سال ۱۹۶۱ در نیویورک به صحنه رفت و تئاترهای اروپای غربی نیز عموماً شاهد اجرای این اثر بودند. در سال ۱۹۵۹ مروژک پس از سالها اقامت در شهر زادگاهش دست به یک سلسله مسافرت به سایر کشورهای اروپائی زد و آنگاه طی سالهای ۶۸-۱۹۶۴ را تقریباً در ایتالیا اقامت گزید. موفقیت آثارش او را بر آن داشت تا بیشتر اوقاتش را صرف نوشتن نمایشنامه کند. در سال ۱۹۶۳ چند نمایشنامه از او در یک مجموعه به چاپ رسید.

نمایشنامه های مروژک را می توان به دو دوره تقسیم کرد، دوره نخست آثاری هستند که تا سال ۱۹۶۴ را در برمی گیرند یعنی تا نگارش نمایشنامه تانگو^۱ طولانیترین و مشهورترین اثر این نویسنده، این نمایشنامه ها عبارتند از جان نثار^۲ ۱۹۵۹، شهادت پیتر و اوهی^۳ ۱۹۵۹، ترکی^۴ ۱۹۶۰، بر پهنه دریا^۵ ۶۱-۱۹۶۰، کارول^۶ ۱۹۶۱، استرپتیز^۷ ۱۹۶۱، مهمانی^۸ ۱۹۶۲، حیض و بیض^۹ ۱۹۶۳، شب شگفت انگیز^{۱۰} ۱۹۶۳، مرگ یک ستوان^{۱۱} ۱۹۶۳، تانگو^{۱۲} ۱۹۶۴.

تانگو اثر مشهور مروژک در سال ۱۹۶۷ در نیویورک با اجرایی چشمگیر به صحنه رفت. در این نمایشنامه هر چند ماجرا در خانواده ای لهستانی اتفاق می افتد که فضائی آکنده از وحشت جنگ و



استرپتیز اثر مروژک. فنلاند. هلسینکی ۱۹۶۴

خسونت نازیها بر آن سایه افکنده است. لیکن نویسنده با تسلطی در خور توجه چنان موضوع را بسط و پرورش می‌دهد که اجرای آن در هر دیار و در میان هر ملتی قرابت و مشابهت‌هایی ایجاد می‌کند و آنرا اثری ملموس و آشنا جلوه گر می‌سازد، چنانکه گویی ماجرا در آن دیار و بر سر آن ملت اتفاق افتاده است.

به هر حال نمایشنامه‌های دوره نخست مروژک عمدتاً آثاری هستند دارای تم‌های فلسفی و سیاسی که در آنها نظرگاه‌های نویسنده هر چه که زمان جلوتر می‌رود جا افتاده‌تر می‌شود.

مروژک در سال ۱۹۶۸ پس از ماجرای چکسلواکی^۱ و دخالت لهستان در این ماجرا بدلیل موضعی که اتخاذ کرد، تبعیدی خود خواسته را انتخاب کرد و دیگر به لهستان بازنگشت و از آن تاریخ در پاریس رحل اقامت افکند. نمایشنامه‌های بعدی مروژک که آثار دوران مهاجرات او را از لهستان در برمی‌گیرد عمدتاً عبارتند از: چهارتائی^۲ ۱۹۶۷، خانه مرزی^۳ ۱۹۶۷، غزال^۴ ۱۹۶۷، آب^۵ ۱۹۶۸، اتفاق خوش^۶ ۱۹۷۱، مهاجرین^۷ ۱۹۷۳، قوزقوزی^۸ ۱۹۷۹ و سفارتخانه^۹ ۱۹۸۱.

اکنون مروژک نمایشنامه نویسی است که از شهرتی جهانی برخوردار است و آثار او در اقصی نقاط جهان صحنه‌های تئاتری را به خود اختصاص می‌دهد، او شاید در زمره معدود نمایشنامه‌نویسان لهستانی باشد که به گونه‌ای مشخص در تئاتر اروپا ظاهر شده است و با سبک و سیاق خود در زمره اصحاب تئاتر پوچی^{۱۰} درآمده. مروژک در آثارش مسائل واقعی انسان و بالاخص انسان غربی را به اشکال مختلف بازگو می‌کند و به نحو گویائی اضطرابها و واهمه‌های این انسان را به نمایش می‌گذارد.

در آثار او فلسفه و دید انتقادی اش همواره در غالب طنز و مطایبه بیان می‌شود. در نظری خنده التیام بخش است و دشمن را بی‌سلاح می‌کند. خنده شاید در زمانی مقتضی آزار دهنده نیز باشد، و نمایشنامه‌های مروژک هرگز خنده را نفی نکرده و از آن بیم نداشته است.

1. Borzeain
2. Cracovie
3. Poland in Pictures

۴. فیل Elephant . اثر اسلاومیر مروژک، ترجمه فخری گلستان، تهران، انتشارات روزن ۱۳۴۶

5. Siesta
6. Modern Life
7. Progressive
8. Police
9. Pango
10. Devoted .
11. The Martyrdom of Peter Chey
12. The Turkey
13. Out at sea

۱۴. کارول Karol واستریتیز، دو غماینه همراه اثر اسلاومیر مروژک ترجمه ایرج زهری تهران، پیام ۱۳۵۱.

15. Strip _ Tease
16. Party
17. The Cynologist in Dilemma
18. The Enchanted Night
19. Death of a lieutenant
20. Trago

۲۱. در سال ۱۹۶۸ الکساندر دوبچک عامل اصلی جنبش لیبرالیسم در چکسلواکی شد. به دستور او دستور مطبوعات کاهش یافت و ورود مطبوعات خارجی آزاد گشت و هر روز که می گذشت قدم تازه ای در این راه برداشته می شد. از جانب کشورهای عضو پیمان «ناتو» خصوصاً آلمان غربی موج تبلیغاتی وسیعی در تأیید این جریان برخاسته بود به حدی که دولتهای عضو پیمان ورشو سخت اندیشناک شدند. نامه اعتراض آمیز احزاب کمونیست به دوبچک مذاکرات رهبران شوروی و چکسلواکی. مبارزه ضد دوبچک در جراید اروپای شرقی هیچ کدام نتوانست موثر واقع شوند. سرانجام روز ۲۰ و ۲۱ اوت ۱۹۶۸ قوای کشورهای عضو پیمان ورشو وارد چکسلواکی شدند. چک ها ابتدا مقاومتی کردند ولی کاری از پیش نبردند. با برکناری دوبچک دوران حکومت او که معروف به «بهار پراگ» بود پایان یافت. از کتاب رویدادهای مهم تاریخ ترجمه و تألیف حسام الدین امامی، جاویدان صفحه ۴۳۸.

22. The forsome
23. The Home on The Border
24. gazelle
25. water
26. Accident good
27. Emigrants
28. Humpback Hump

۲۹. سفارتخانه Embassy اثر مروژك ترجمه داریوش موزدبیان، دفتر طرح و نمایش ۱۳۶۵.

30. Absurd Theatre

منابع

1. World Drama, Mc Graw _ Hill Encyclopedia VOL3

۱. فیل اثر اسلاومیر مروژك ترجمه فخری گلستان، تهران، انتشارات روزن

۲. سفارتخانه اثر اسلاومیر مروژك ترجمه داریوش موزدبیان ۱۳۶۵.

•

Athol Fugard

تولد- ۱۹۳۲م

اثول فوگارد

اثول فوگارد در یازدهم ژوئن ۱۹۳۲م در دهکده میدلبورگ^۱ واقع در منطقه کارو^۲ در افریقای جنوبی به دنیا آمد. پدرش از انگلیسی زبانان سفیدپوست افریقای جنوبی بود که اصلاً نسبت ایرلندی داشت و مادرش یک آفریکانر^۳. زمانی که اثول فوگارد به دنیا آمد والدینش یک مغازه کوچک در میدلبورگ را اداره می کردند. این خانواده به جز اثول صاحب یک دختر و پسر دیگر نیز شدند. هنگامی که اثول سه ساله بود پدرش تصمیم گرفت در یکی از شهرهای بزرگتر زندگی کنند. از این رو به شهر پورت الیزابت^۴ که بندری صنعتی و معتبر در کناره اقیانوس هند قرار داشت مهاجرت کردند. بندری که در آن جمعیت عظیمی از سیاه پوستان، سفیدپوستان، هندی ها، چینی ها و سایر نژادها در آن زندگی می کردند.

فوگارد در پورت الیزابت به مدرسه رفت و دوره دبیرستان را نیز در همین شهر به اتمام رساند، آنگاه در رشته فلسفه و جامعه شناسی دانشگاه شهر کیپ تاون^۵ پذیرفته شد، قریب سه سال و چند ماه در کیپ تاون بود. آنگاه یک دوره مسافرت به سایر شهرهای افریقانی را آغاز کرد. مدت شش ماه سرزمین های افریقا را بطرق مختلف از کیپ تاون تا قاهره را دیدار کرد. در سودان به دلیل مضیقه مالی در کشتی های تجاری مشغول کار شد، چند سفر کوتاه نیز به اروپا و آمریکا رفت و مدتی در حرفه روزنامه نگاری فعالیت کرد. پس از بازگشت از این سفرها در سال ۱۹۵۶ فوگارد تصمیم گرفت فعالانه بکار تئاتر بپردازد و این زمانی بود که او با شایلا میرنک^۶ بازیگر سفیدپوست تئاتر در کیپ تاون آشنا شد. این آشنایی به ازدواج انجامید. فوگارد که در جستجوی کشف چیزهای



فوگارد

نازه بود با کمک زنش یک گروه تجربی تئاتر را تأسیس کرد، نخستین کارهایشان اجازه اجرا و نشر در افریقای جنوبی را نیافت. در سال ۱۹۵۸ به ژوهانسبورگ نقل مکان کردند، در جستجوی کار و گذران زندگی چند ماهی منشی دادگاه Fardburg بود، اما بزودی پی برد که این کار با روح حساس او هماهنگ نیست و این شغل برایش رنج آور است. خودش در جایی از این دوره چنین یاد می‌کند:

من شبیه یک کارخانه محکوم‌سازی شده بودم، تقریباً هر سه دقیقه یک افریقانی را به زندان می‌فرستادم، یکی از زشت‌ترین کارهایی بود که در زندگی کرده‌ام، هیچ چیز دردناک‌تر از مشاهده قیافه آدم‌هایی نیست که چاره‌ای جز اطاعت و تحمل حکمی که به حق یا ناحق به آنها روا شده ندارند، تازه داشتم می‌فهمیدم که کشور من در این مورد چگونه عمل می‌کند، فکر می‌کنم بدبینی شدید من نیز از همین کار ناشی شده است.^۵

در همین ایام با گروهی از سیاهپوستان ناحیه Ghetto طرح دوستی ریخت و تحت تأثیر این دوستان رنگین پوست و روابطش با مردم این ناحیه نخلستین اثر بلند خود را بنام «جمعه بد»^۶ را به رشته تحریر درآورد، این اثر توصیف‌کننده وضعیت مردم سیاه‌پوست این ناحیه بود که همواره مورد تهدید قوانین سفیدپوستان واقع می‌شدند. این اثر توسط فوگارد به صحنه رفت و مورد توجه قرار گرفت.

متعاقب آن فوگارد دادگاه را رها کرد و در «تئاتر ملی ژوهانسبورگ» بکار پرداخت و بی‌درنگ

به نوشتن نمایشنامه دیگری تحت عنوان نونگوگو^۱، یا زنی با بیست و پنج سنت پرداخت. این دو اثر سالها بعد یعنی ۱۹۷۴ به چاپ رسیدند.

در سال ۱۹۶۰ فوگارد به اتفاق همسرش به اروپا رفت، مدت يك سال در یکی از تئاترهای اروپا شروع بکار کرد و در ضمن نوشتن یادداشت‌هایی پیرامون تجربیاتش را نیز آغاز کرد. پس از مراجعت از اروپا نخستین کاری که به انجام آن موفق گردید به اتمام رسانیدن نمایشنامه «گره خون»^۲ و به صحنه بردن آن در سال ۱۹۶۱ بود. این اثر با استقبال فراوانی مواجه شد و فوگارد را به عنوان نویسنده‌ای که در شرایط متشنج افریقای جنوبی در جبهه هنر و فرهنگ به مبارزه با مسائل نژادی حاد پیرامون خود می‌پردازد مطرح ساخت.

شخصیت‌های این نمایشنامه دو برادر بنامهای موریس^۳ و زکریا^۴ از مادر دو رگه‌ای هستند، موریس پوست روشنی دارد و توانسته خود را در میان سفیدپوستان جا بزند، شخصی تحصیل کرده و مآل‌اندیش است، وقت‌شناس است و پای‌بند به عقاید مذهبی. زکریا پوست سیاهی دارد و آدمی است آزاد و خوشگذران و فقط در فکر همان لحظه‌ایست که در آن زندگی می‌کند. موریس بکارهای خانه می‌رسد و درباره محاسن مصاحبت، زندگی با برنامه و محبت برادرانه به برادرش اندرز می‌دهد. در حالی که زکریا برای امرار معاش کار می‌کند، پس از یکسال زکریا ابراز می‌دارد که به همسری نیاز دارد، موریس او را وادار می‌کند که به زنی که از راه اعلان روزنامه با او آشنا شده و فقط با هم نامه‌نگاری می‌کنند آشنا شود.

دختر که نامش اتل‌لانگ^۵ است بمرور مایه بحرانی در زندگی دو برادر می‌شود، این دختر عکسی از خود می‌فرستد که نشان می‌دهد سفیدپوست است و اضافه می‌کند که مایل است از دوست «مکاتبه‌ای» خویش دیدن کند. دو برادر تصمیم می‌گیرند که موریس با پوست سفید خود نقش این دوست را بازی کند. آنها تمام پس‌انداز خود را در تهیه لباس مناسبی برای این دیدار خرج می‌کنند. موریس که مانند سفیدپوستان لباس پوشیده فکر می‌کند که احساساتی مانند سفیدپوستان در او ایجاد شده است و در نتیجه زکریا با طرز برخوردی مانند سیاه‌پوستان در برابر سفیدپوستان نسبت به موریس از خود نشان می‌دهد. اما بزودی نامه‌ای از دوست مکاتبه‌ای موریس می‌رسد و اطلاع می‌دهد که وی در آستانه ازدواج با مرد سفیدپوست دیگریست و این دوستی مکاتبه‌ای را برای همیشه تمام شده تلقی می‌کند. موریس بار دیگر لباس شیک خریداری شده را بتن می‌کند و در غالب ارباب سفیدپوست و خادمش زکریای سیاه به بازی می‌پردازند^۶.

در سال ۱۹۶۳ فوگارد نمایشنامه «مردم آنجا زندگی می‌کنند»^۷ (آنها زنده‌اند) را نوشت. این اثر ابتدا جهت نمایش در برادوی^۸ در نظر گرفته شده بود، لیکن تنها در انگلستان و افریقای جنوبی



یک صحنه از اجرای نمایشنامه سی زونه یاتسی مرده است
اثر اثول فوگارد، اجرا لندن ۱۹۷۳

نمایش داده شد.

در همین ایام یکی از نواحی شهر پورت الیزابت بنام نیوبرایتن^{۱۷} از فوگارد جهت تشکیل یک گروه تئاتری دعوت نمود. فوگارد با تنی چند گروهی تئاتری دایر نمود که نام «افعی»^{۱۸} را برای آن برگزیدند. اجراهایی همچون ماندراکولا اثر ماکیاول^{۱۹}، ویتزک اثر بوختر^{۲۰}، دایره گچی قفقازی اثر برشت^{۲۱}، آنتیگون اثر سوفکل^{۲۲} و نان جمعه در دوشنبه^{۲۳} اجرایی بر اساس براهه سازی، از جمله آثاری بود که این گروه به صحنه برد. ذکر این نکته ضروریست که حکومت افریقای جنوبی همواره موانعی در سر راه فعالیت های این گروه ایجاد می کرد و بازیگران این گروه مجبور بودند که زندانی شدن چند عضو گروه را بخاطر درگیریهای سیاسی و همچنین استبداد حاکم تحمل کنند. فوگارد سعی داشت در آثارش نیشتری بر دردهای جامعه اش فرو کند و زخم های سربسته افریقای جنوبی را برملا سازد. عمده ترین مسئله ای که در نمایشنامه های فوگارد جلب نظر محافل تئاتری خارج از افریقای جنوبی را کرد حقایقی درباره رفتار غیرانسانی و مظلومی بود که اقلیت سفیدپوست بر اکثریت

سیاه پوست اعمال می نمود. حقایقی که فوگارد با ظاهری آرام اما درونی طغیانی پرده از روی این فجایع و بیدادگرها برمی داشت.

یکی از نویسندگان افریقای جنوبی در نامه ای که برای دوستش فرستاده این پرسش را مطرح می کند: در این شرایط اختناق آمیز که زندگی مردم افریقای جنوبی را فراگرفته چگونه کسی می تواند هنر سازنده ای را عرضه کند؟ آنچه که اینجا می بینم، بدتر از انحطاط اجتماعی است. آنچه که می یابیم قطع مراده و مکالمه میان افراد است، تبعیض نژادی که بر زندگی مردم این کشور حکومت می کند حتی گفتگوهای کوتاه سر میز شام را در سراسر شهرها زیر سلطه خود دارد^{۲۴}. اما می بینیم که «آثار نویسندگان افریقای جنوبی در گوشه زندان در پس کوچه های محلات فقیر، در خانه های سفیدپوستان و بدست کسانی نوشته شده که در سراسر جهان دور از وطن و در تبعید بسر می برند، این نوشته ها به بخاری می ماند که با قدرت و بی اینکه در اصل خود تغییری دهد از لابلای سنگهای سخت می جوشد و بیرون می آید. بهر حال نویسندگان و هنرمندان افریقای جنوبی با وجود فشار محیط توانسته اند احساسات و نظرات خود را ابراز دارند^{۲۵}».

در سال ۱۹۵۶ فوگارد نمایشنامه «سلام و خدا حافظ^{۲۶}» را نگاشت. اثری زیبا که در آن چهره ستمدیده انسان افریقای جنوبی را بسیار هنرمندانه ترسیم کرده بود. او از طریق برخورد خواهر و برادری دردمند مصیبت قومی را به نمایش می گذارد که در طول تاریخ تکرار می شود.

داستان نمایش به اختصار چنین است: هستر^{۲۷} زنی خسته و دردمند که سالها در ژوهانسبورگ به عنوان زنی بدکاره روزگار می گذارنده، چمدان دردست بخانه پدریش وارد می شود به آن امید که سهمی از آنچه که گمان می کند پدرش سالها پیش بخاطر سانحه انفجاری که در خط آهن محل کارش بوقوع پیوسته بود ومنجر به از دست دادن يك پای وی شده بگیرد و از حرفه نکبت بار خود رهائی یابد و مابقی عمر خود را به آسودگی سپری کند. اما آنچه که او با آن مواجه می شود واقعیتهای تلخ و دردناک است، او در بدو ورودش با برادرش جانی^{۲۸} روبرو می شود که عاطل و مسخ شده زندگی بیهوده ای را سپری می کند و از پدر و مادرشان نیز جز بقچه هائی از الهسه مندرس و وسائلی بی مصرف چیزی بر جای نمانده است. آن دو ضمن جستجو کردن این میراث فقیرانه و یادآوری خاطرات گذشته درمی یابند که زندگی امروز آنها ادامه زندگی آمیخته با فقر پدر و مادرشان است که در کار و مشقت خلاصه شده بود. راه گریز دیگری نیست، هستر بار دیگر چمدانش را بر می دارد تا به ژوهانسبورگ و به زندگی گذشته اش بازگردد.

در سال ۱۹۶۷ نمایشنامه «گره خون» در تلویزیون انگلستان به نمایش درآمد و بسیار مورد توجه قرار گرفت لیکن سبب خشم دولت افریقای جنوبی گردید تا آنجا که در ژوئن همین سال گذرنا مه

فوگارد را لغو کردند و از ابراز هر نوع دلبلی نیز خودداری نمودند.

«بوسمن ولنا»^{۲۹} نمایشنامه بعدی فوگارد در سال ۱۹۶۹ نوشته شد و متعاقب آن نمایشنامه «سی زونه بانسی مرده است»^{۳۰}، کار مشترک فوگارد، جانی کانی^{۳۱} و وینستون انت شونا^{۳۲} نیز نگاشته شد، این اثر در اکتبر ۱۹۷۲ در تئاتر The Space در کیپ تاون و به کارگردانی خود فوگارد با موفقیت به صحنه رفت. در این نمایشنامه نیز سه انسان سیاه در مقابله با رخدادهای محیط خود قرار می گیرند و در معنا و مفهومی گسترده تر، نحوه زیست دردناک تباری را باز می نمایند که از هر سو در منگنه استثمارند. «استایلز»^{۳۳} از طریق عکاسخانه ای که دایر کرده، به شیوه تک گفتاری بلند به تشریح موقعیت فیزیکی و عاطفی محیط خود می پردازد و گاه که از مشتریها و چندوچون احوالشان حرف می زند وضع و روحیه آدمهای گرفتار در محیط را به ثبت می رساند گویی وقایع نگاری است که دیده ها و شنیده های خویش را به سینه تاریخ می سپرد تا فصلی ننکین از زندگی انسان را شهادت بدهد. بونتو^{۳۴} و سی زونه شخصیت های دیگر نمایش اند که از طریق آنها «انسان سیاه» مصائب و درگیریهایش از جوانب مختلف برانداز می شود.

فوگارد که طی سالهای ۱۹۷۰-۷۱ در خارج از کشورش بسر می برد بار دیگر اجازه کار بوی داده شد و حکومت افریقای جنوبی گذرنامه اش را به وی بازگرداند.

جزیره^{۳۵} نمایشنامه بعدی فوگارد نیز در سال ۱۹۷۳ نوشتن آن به پایان رسید. قهرمانان این نمایش دو زندانی سیاه پوست هستند بنام های «جان»^{۳۶} و «وینستون»^{۳۷} که در جزیره روین^{۳۸} واقع در افریقای جنوبی دوران محکومیتشان را سپری می کنند، جان به پروپچه های زندانی قول داده است که به کمک وینستون برای مراسمی که در زندان و در حضور مقامات برگزار می شود، بنا به علاقه مفرطش تئاتری اجرا کند و برای این منظور صحنه کرنون و آنتی گون از نمایشنامه آنتی گون^{۳۹} اثر سوفکل را در نظر گرفته است. در نمایش آنتی گون اثر سوفکل پولی نیس^{۴۰} و اته نوکل^{۴۱} پس از مرگ پدرشان ادیپ شاه قرار می گذارند که هر کدام یکسال حکومت کنند و پس از یکسال حکومت را به دیگری واگذارد و خود به کشور مجاور بروند. پولی نیس خلف وعده می کند، اته نوکل با لشکری که فراهم می کند به جنگ برادر می آید، هر دو برادر در صحنه نبرد کشته می شوند و کرنون دانی آنها به قدرت می رسد، نمایشنامه آنتی گون از اینجا شروع می شود که کرنون دستور می دهد اته نوکل را با تمام تشریفات به خاک بسپارند و جسد پولی نیس بر خاک بماند تا طعمه پرندگان و حیوانات بشود. آنتی گون خواهر این دو برادر قانون را زیر پا گذاشته و جسد برادرش پولی نیس را به خاک می سپارد و توسط مأموران کرنون دستگیر می شود. آنتی گون در رویارویی با کرنون تمام اتهامات وارده از طرف حکومت را پذیرفته، عمل خود را صحیح و شرافتمندانه توصیف می کند و مجازات این عمل را

که زنده به گور شدن است به جان می‌خرد، جان و وینستون با اراده این صحنه در واقع اعتراض خود را عنوان می‌کنند، آنها با مطرح کردن آنتی‌گون، اسطوره آنتی‌گون‌های زمان را مطرح می‌کنند. وینستون که نقش آنتی‌گون را ایفا می‌کند خود در وضعیتی مشابه او قرار دارد لیکن در زمان، مکان و شرایطی دیگر.

نمایشنامه‌های اورست^{۳۴}، ۱۹۷۱ اظهارات پس از دستگیری بخاطر يك عمل خلاف اخلاق^{۳۵}، ۱۹۷۴، دی‌میتوس^{۳۶} ۱۹۷۶ و درسی از آلونس ۱۹۷۹ دیگر نمایشنامه‌هاییست که فوگارد تا سال ۱۹۷۹ نگاشت. علاوه بر آثار ذکر شده چند کتاب داستان، چندین فیلمنامه از جمله فیلمنامه‌ای بنام مهمان^{۳۷} که براساس زندگی یکی از شخصیت‌های اندیشمند افریقای جنوبی نگاشته شده. Mille Miglia فیلمنامه دیگری که برای تلویزیون B.B.C انگلستان نوشته شد، بوسمن ولنا که بصورت فیلم سینمایی بازآفرینی گردید، و نیز بازیگری در چند فیلم سینمایی معتبر از دیگر کارهای فوگارد قابل ذکر است.

فوگارد اغلب در شهرهای بزرگ افریقای جنوبی و با در خارج از کشورش به کار تئاتر و سینما مشغول است.

1. Middelburg
2. Karroo
3. Afrikaner یعنی افریقانی شده با دورگه
4. Port Elizabeth
5. Cape - town
6. Shelle Miering
7. Three Port Elizabeth Plays P. VIII
8. No Good Friday
9. Nongogo woman For 25 Cents
۱۰. گره خون، Bookd Kort، با رشته خویشاوندی، قسمتی از این نمایش در کتاب آثاری از نویسندگان امروز افریقایی جنوبی نوشته نادین گردیمر. لیونل ابراهامز ترجمه محمود تقوی از سوی انتشارات امیرکبیر ۲۵۳۵ به چاپ رسید.
11. Moris
12. Zakariyya
13. Enei Lang
۱۴. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به آثاری از نویسندگان امروز افریقایی جنوبی، امیرکبیر.
۱۵. People Are Living There که مترجم محترم آقای محمود کیانوش به تناسب موضوع و اقتضای زبان آنرا به «آنها زنده اند» برگردانده، کتاب در سال ۱۳۵۰ توسط انتشارات نیل به چاپ رسید.
16. Broadway
17. New Brighton
18. Serpent
۱۹. نیکولو ماکیاول Niccolo Machiavel، تاریخدان و سیاستمدار ایتالیایی ۱۵۲۷ - ۱۴۶۹م
۲۰. کارل کتورک بوخنر Karl Georg Buchner ۱۸۳۷-۱۸۱۳م
۲۱. برتولت برشت Bertolt Brecht ۱۹۵۶ - ۱۸۹۸م
۲۲. سوفکل (سوفکلس) Sophocles ۴۹۵ - ۴۰۵م
23. Fridays Bread a monday
۲۴. پیشگفتار آثاری از نویسندگان امروز افریقایی جنوبی، امیرکبیر.
۲۵. همان کتاب
۲۶. سلام و خداحافظ Hello and Goodboy نوشته ائول فوگارد ترجمه محمود کیانوش تهران، نشر اندیشه چاپ اول ۲۵۳۵
27. Hester
28. johnnie
29. Boesman and Lena
۳۰. سی زونه بانسی مرده است Sizwe Bani is dead، ترجمه محمود کیانوش تهران، نشر اندیشه ۲۵۳۶
31. Jhone Kani
32. Wiston Ntshoen

33. Styles

34. Bonto

35. The Island

36. John

37. Winston

۳۸. جزیره روبن Rouben واقع در آفریقای جنوبی، در گذشته محل گذراندن آخرین روزهای زندگی طاعونیان و مبتلایان به امراض خطرناک بود و اکنون زندانی است مخصوص مخالفان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی.

39. Antigone

40. Polinias

41. Eteocle

42. Orestes

43. Statements after under the Immorality

44. Dimatos

45. The guest

منابع

1. The Reader's Encyclopedia of world Drama by J. Gessner. Page 8-9

2. Three Porth Elizabeth Plays.

Athol Fugard - Oxford University - London 1974

۳. آثاری از نویسندگان امروز آفریقای جنوبی نوشته نادین گوردیمر، لیونل ابراهامز

South African Writing Today - Nadina Gordimer and Lionel Abrahams .

ترجمه محمود تقوی، تهران انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۵.

Arnold Wesker

۱۹۳۲ م

آرنولد وسکر

آرنولد وسکر نمایشنامه‌نویس انگلیسی در بیست و چهارم ماه مه ۱۹۳۲ در لندن به دنیا آمد. پدرش ژوزف وسکر^۱ خیاطی یهودی بود و مادرش لیا^۲ کدبانوی خانه‌دار. وسکر در لندن به مدرسه رفت و خواندن و نوشتن را فراگرفت. از سن شانزده سالگی برای کمک به خانواده‌اش ضمن تحصیل، شروع به کار کرد، ابتدا کارش را با تعمیر مبل آغاز کرد، طی سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ چندین حرفه دیگر را هم تجربه کرد از جمله لوله‌کشی، کتاب فروشی، شیرینی‌پزی ظرفشویی و غیره. در سال ۱۹۵۰ به مدت دو سال برای خدمت نظام وارد نیروی هوایی انگلستان شد و تجربیات زیادی کسب کرد. وسکر پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته سینما تحصیلاتش را ادامه داد. نمایشنامه‌نویسی را در سال ۱۹۵۸ با نمایشنامه «سوپ مرغ با جو»^۳ آغاز کرد که در تئاتر رویال کورت لندن^۴ به صحنه رفت و نوید از راه رسیدن استعدادی جوان و خلاق را با خود به همراه داشت جایزه شورای هنری بریتانیا به‌خاطر این اثر به او اهداء شد و بزودی نامش بر سر زبانها افتاد. در نوامبر همان سال با دورین سیسیل بیکر^۵ ازدواج کرد و نیز به غایتدگی شورای هنری بریتانیا برگزیده شد.

نمایشنامه ریشه‌ها^۶ در سال ۱۹۵۹ و من از اورشلیم حرف می‌زنم^۷ ۱۹۶۰ متعاقب نخستین اثرش به صحنه رفت، این سه اثر که مجموعاً یک تریلوژی^۸ (سه قسمتی) را تشکیل می‌دهند به نحوی به هم مرتبطند. وسکر درباره این سه اثر چنین توضیح داده است: «موضوع های مختلفی که این تریلوژی را بهم مرتبط می‌سازد از جمله اینکه هر سه نمایشنامه درباره یک خانواده است و به عبارت



آرنولد و سکر

دیگر این آثار درباره روابط انسانی آدمهاست، اما اگر از بُعد ویژه‌ای به آنها نگاه شود، آنها نمایشنامه‌هایی هستند درباره آدم‌هایی که ایده‌های سیاسی زمان بگونه‌های مختلفی روی آنها اثر می‌گذارد.^{۱۰}

نمایشنامه آشپزخانه^{۱۱} اثر بعدی و سکر در سال ۱۹۶۰ به رشته تحریر درآمد. ج. و. لامبرت^{۱۲} منتقد انگلیسی تئاتر درباره این اثر چنین می‌نویسد «وسکر در آشپزخانه در ایجاد چارچوبی از جامعه انسانها از تجارب خود بعنوان یک شیرینی‌پز استفاده کرده است، مضمون اصلی نمایشنامه آشپزخانه ویران کردن پایه‌های نظامی مستقر در قالب تمثیل یک شیرینی‌پزی است و طغیان شکل یافته یا بی‌شکل فرد بصورت آگاهانه یا غریزی علیه چارچوب اجتماعی ستمگرانه در این محیط است»^{۱۳}.

وسکر از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰ سمت کارگردان هنری مرکز L-T-D لندن را برعهده داشت. نمایشنامه «چیپس با همه چیز»^{۱۴} (بفارسی با نام سربازها ترجمه شده است) پنجمین نمایشنامه وسکر در سال ۱۹۶۲ نوشته شد، این اثر ملهم از خاطرات زمان خدمت نظام او در نیروی هوایی است این نمایشنامه که بگونه‌ای چارچوب مشابهی با آشپزخانه دارد مضمونی پیچیده‌تر و از نظر نمایشی پرقدرت‌تر دستمایه نویسنده است، در این اثر سلسله مراتب در نیروی هوایی انگلیس با تمثیلی از نظامی مستقر و مستبدانه است.

اثر بعدی وسکر نمایشنامه‌ایست تحت عنوان تهدید^{۱۵} که در سال ۱۹۳۶ در تلویزیون B.B.C به نمایش درآمد و سپس در مجموعه‌ای از آثار نمایشی وسکر به چاپ رسید.

چهار فصل^{۱۶} نمایشنامه شاعرانه وسکر در چهار تابلو به نامهای زمستان، بهار، تابستان و پاییز

در سال ۱۹۶۶ منتشر شد. وسکر در مؤخره کتاب می‌گوید: چهار فصل نوشته شد زیرا که به اعتقاد من فقدان عشق به کژی و کاستی هرگونه عملی می‌انجامد، چهار فصل در بیان کندوکاو ضرورت‌های يك رابطه است با پرهیزی به عمد در توسل به توضیح و تفسیر.^{۱۵}

نمایشنامه‌های دیگر وسکر عبارتند از: برای خودشان و شهر طلایی^{۱۶}، ۱۹۶۶، دوستان^{۱۷}، ۱۹۷۰، کاپیتان ناتینگهام^{۱۸}، ۱۹۷۱، شش یکشنبه در ژانویه^{۱۹}، ۱۹۷۱ (مجموعه‌ای از نمایشنامه‌های تلویزیونی) و چند داستان کوتاه به نام‌های قدیمی‌ها^{۲۰}، ۱۹۷۳، جشن عروسی^{۲۱}، ۱۹۷۴، (اقتباسی است از یکی از داستانهای کوتاه داستایوسکی). تاجر^{۲۲} برداشتی از نمایشنامه تاجر ونیزی اثر ویلیام شکسپیر. نامه‌های عاشقانه روی کاغذ آبی^{۲۳} که برگردانی است از یکی از قصه‌های کوتاه خود او که در سال ۱۹۷۶ در تلویزیون B.B.C به نمایش درآمد. علاوه بر آثار فوق وسکر چندین فیلمنامه نیز تنظیم کرده است که عبارتند از:

آشپزخانه، براساس نمایشنامه‌ای به همین نام در سال ۱۹۶۲.
ارباب^{۲۴}، ۱۹۶۶، نمایشنامه جدید^{۲۵}، ۱۹۶۹، برخیز برخیز^{۲۶}، ۱۹۶۸ و خانم سولاریو^{۲۷}. چندین داستان نیز وسکر نگاشته است که غالباً به چاپ رسیده است.

چندین جایزه از جمله جایزه Premio Marzotto برای نمایشنامه خودشان و شهر طلایی در سال ۱۹۶۴ و مدال طلایی منتقدان و مردم در سال ۱۹۷۲ بخاطر نمایشنامه آشپزخانه به این نویسنده اهداء شده است.

1. Joseph Wesker
2. Liya
3. Chicken Soup with Barley
4. Royal Court theatre
5. Dorian Cecil Baker
6. The Roots
7. Im talking about Jerusalem
8. Trilogy
9. The Kitchen
10. J.W. Lambert

۱۱. مقدمه سریازها، اثر آرنولد وسکر، ترجمه علی طلوع، تهران انتشارات شبگیر ۱۳۵۲

۱۲. چیپس با همه چیز Chips With Everything، (سریازها) ترجمه علی طلوع، انتشارات شبگیر.

13. Menace

۱۴. چهار فصل The For Seasons، اثر آرنولد وسکر ترجمه محمدعلی صفریان، تهران انتشارات نیل ۱۳۵۰.

۱۵. چهار فصل، صفحه ۹۴

16. Their Very Own and Golden City
17. The Friends.
18. The Nottingham Captain
19. Six Sundays in Janury
20. The Old Ones
21. The wedding Feast
22. The Merchant
23. Love Letters on Blue Paper
24. Master
25. New Play
26. Riseup, Riseup
27. Madam Solario

منابع

1. Contemporary Authors-New revision Series Page 666 - 701
 2. A Dictionary of the theatre, John Russell Taylor.
- Penguin Reference Books.

۳. سریازها، آرنولد وسکر، ترجمه علی طلوع، تهران، انتشارات شبگیر ۱۳۵۲

Wole Soyinka

متولد ۱۹۳۴ نیجریه

وله سونکا

وله سونکا نماینده نویسنده، شاعر، رمان‌نویس، کارگردان و بازیگر نیجریائی در سال ۱۹۳۴ در خانواده‌ای از قبایل یوروبا^۱ در شهر آبتوگوتا^۲ بدنیا آمد. خانواده‌اش همگی از اقوام یرویائی بودند که به عنوان قومی کهنسال از فرهنگی سنتی و غنی در افریقا برخوردارند.

سونکا در چنین محیطی سنین کودکی را پشت سر گذاشت، نخست در شهر اکه^۳ به مدرسه رفت و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را فراگرفت. در سنین نوجوانی ضمن مطالعه کتب ادبی قریحه نوشتن را در خود یافت. نخستین نوشته‌هایش به صورت داستانهای توسط رادیو پذیرفته شد. پس از اتمام دوره متوسطه وارد دانشگاه ایبادن^۴ شد و در سال ۱۹۵۴ جهت ادامه تحصیلات عالی به کشور انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز^۵ شروع به تحصیل نمود. در سال ۱۹۵۷ موفق به گرفتن درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از این دانشگاه شد.

در سال ۱۹۵۸ به عنوان نویسنده در تئاتر سلطنتی انگلیس^۶ فعالیتش را آغاز کرد. این همکاری برای ذهن جوان و حساس سونکا بسیار ارزنده بود، چرا که سبب آشنائی هرچه بیشتر او با آثار نماینده نویسان اروپائی اعم از معاصرین و سایر ادوار گردید، و از سوی دیگر آنچه که او می‌نگاشت از سوی منتقدین و دانشجویان مورد نقد ادبی و ارزیابی قرار می‌گرفت. یکی از نخستین نماینده‌های او تحت عنوان اختراع^۷ در برنامه نماینده‌خوانی این تئاتر گنجانیده شد. نماینده‌های



وله سونگا

زمین خواران^۸، مرداب نشینان^۹ و شیر و جواهر^{۱۰}، آثاری هستند که اگر چه در طی سالهای بعد به صحنه رفتند اما در حقیقت نطفه آنها در ذهن سونگا در ایام همکاریش با تئاتر سلطنتی انگلستان بسته شد.

دو اثر اخیر وی یعنی نمایشنامه های مرداب نشینان و شیر و جواهر به کارگردانی خود وی در سال ۱۹۵۹ در لندن به صحنه رفت.

در سال ۱۹۶۰ سونگا به کشورش بازگشت و ضمن تدریس در دانشگاه با برخورداری از بورسیه ای که از سوی بنیاد فرهنگی راکفلر در اختیارش گذاشته شده بود جهت مطالعه و تحقیق در زمینه های هنر نمایش در آفریقا عزمش را جزم نمود و با تأسیس یک گروه تئاتری که نام ماسکهای^{۱۱} ۱۹۶۰ برای آن برگزیدند در زمینه های اجرایی نیز به تجربیاتی نائل آمد. در اینجا ذکر این نکته ضروریست که کشور نیجریه سالها در زمره مستعمرات انگلستان محسوب می شد، تا اینکه در سال ۱۹۵۴ موفق به کسب خودمختاری گردید و عضو جامعه کشورهای مشترک المنافع درآمد و بالاخره در دسامبر ۱۹۶۰ مردم این کشور با شرکت در یک همه پرسی ایجاد حکومت فرمانداری کل فدرال مستقل از بریتانیا را تأیید کردند و به این صورت نیجریه کشوری مستقل شد.

در همین سال از سوینکا دعوت گردید تا به مناسبت مراسم جشنی که به خاطر استقلال کشور در لاگوس پایتخت نیجریه برگزار می شد غمایشی عرضه کند و او غمایش «رقص جنگلها»^{۱۲} را ارائه داد که بسیار مورد توجه هنر دوستان قرار گرفت و جایزه بهترین غمایش را به خود اختصاص داد. مضمون این غمایش که بسیار آفریقائیست به اختصار چنین است: دو نفر از دنیای مردگان به سرزمین زندگان باز می گردند، آن دو امیدوارند که زندگان با احترام و مراسم در خور و قربانی کردن های مرسوم مقدم آنها را گرمی خواهند داشت و استقبال خواهند کرد. اما بزودی متوجه می شوند که این انتظار بیهوده بوده است، کسی به آنها و آمدنشان توجهی نمی کند و در دنیای زندگان بازگشت آنها اهدا مورد توجه قرار نمی گیرد، تنها در جمع زندگان يك نفر مشتاق شنیدن صدای مردگان است و او مجسمه سازیست که در نهایت او نیز چیز افتخار آمیزی در سخنان آن دو نمی یابد، زیرا او نیز بخوبی این را می داند که انسانهای ادوار گذشته نیز همواره گرفتار خشونت، سیاهکاری و جنگ بوده اند و همواره در زمان آنها هم عده ای خوشبخت و عده ای تیره روز بوده اند، پس گذشته را باید همان گونه که واقعاً بوده است پذیرفت نه آن که بی جهت به تحلیل و بزرگداشت آن پرداخت.^{۱۳}

سوینکا در این اثر که شدیداً ملهم از سنت های عمیق آفریقائی است و با آگاهی از نتایج ناگزیر استعمار به مسئله ای اشاره می کند که گریبانگیر بسیاری از جوامع در حال رشد است و آن پذیرفتن بدون چون و چرای مظاهر غرب و به فراموشی سپردن میراث های سنتی پیشینیان است.

سوینکا طی این سالها آثار فراوانی نگاشت که هر يك در جای خود در خور توجه است، از میان این آثار می توان از نمایشنامه های جمهوریخواه^{۱۴} ۱۹۶۳، جمهوریخواه جدید^{۱۵} ۱۹۶۳، تیار نیرومند^{۱۶} ۱۹۶۳، محاکمات برادر جیرو^{۱۷} ۱۹۶۵، مسخ جیرو^{۱۸} ۱۹۶۴، جاده^{۱۹} ۱۹۶۵، خرمهای کونگی^{۲۰} ۱۹۶۵، پیش از خاموشی^{۲۱} ۱۹۶۵، متخصصین و دیوانه ها^{۲۲} ۱۹۷۰، اپرای ونوسی^{۲۳} و مرگ و شاه اسب سوار^{۲۴}، باضافه چندین نمایشنامه رادیونی چون Cam wood The Leaves همراه با رمان های مشهوری بنامهای مفسرین^{۲۵} ۱۹۶۵ و فصل آنومی^{۲۶} و نیز مجموعه های شعری آیدانر^{۲۷} ۱۹۶۷، اشعار زندان^{۲۸} ۱۹۶۹ جنب و جوش در سرزمین مردگان ۱۹۷۲ باضافه چندین ترجمه از آثار آفریقائی به زبان انگلیسی که عمده ترین آنها اثریست تحت عنوان «جنگل هزار اهریمن»^{۲۹} مربوطه به ادبیات اقوام یورویا در آفریقا. سوینکا در طول سالها فعالیت در زمینه ادب و هنر چهره ای سرشناس در آفریقا گردید و در لاگوس مستقر شد و ضمن تدریس در دانشگاه گروه



یک صحنه از نمایشنامه «جاده» اثر وله سوینکه-شیکاگو ۱۹۸۴

تئاتری اورینژن^{۳۰} را در سال ۱۹۶۴ تأسیس نمود و از آنجا که خود کارگردان و بازیگر چیره دستی است، بسیاری از نوشته‌هایش را در این تئاتر برای صحنه آماده ساخت، اجراهای او نه فقط در افریقا بلکه در انگلستان و آمریکا نیز مورد توجه قرار گرفت، در مارس ۱۹۶۴ از روی نمایشنامه تبار نیرومند فیلمی برای تلویزیون آمریکا ساخت و یکسال بعد دو نمایشنامه او با نامهای پیش از خاموشی و جاده توسط دیوید تامپسون^{۳۱} کارگردان انگلیسی در لندن به صحنه رفت.

در همین سال از سوی مقامات کشورش به خاطر بازسازی یک برنامه رادیویی در ارتباط با انتخاباتی که در نیجریه برگزار می شد و پخش آن از رادیو بازداشت شد، اتهامش در پرونده «سرقت دو حلقه نوار حاوی نطق فرماندار محلی آکینتولا»^{۳۲} (که بعدها به مقام نخست‌وزیری کشور رسید) از آرشیو اداره رادیو ذکر گردیده بود.

بهر حال ایام محبس او به درازا نکشید و در دسامبر همان سال آزاد گردید.

در سال ۱۹۶۶ نمایشنامه خرمینهای کونگی^{۳۳} در جشنواره داکار^{۳۴} که ویژه هنر سیاه‌پوستان است به نمایش گذاشته شد و نیز در لندن به صحنه رفت. بار دیگر در سال ۱۹۶۷ به جرم فعالیت به نفع

جدائی خواهان بیافرا بازداشت و به زندان افتاد. سونکا تا زمان ترك مخصوصه جنگ بیافرا در زندان بود، رمان بلند «مردی که مُرد»^{۲۵} و مجموعه اشعاری از زندان» مربوط به این دوران است.

در ابامی که سونکا در زندان بود جایزه ادبی «جاك كمفیل»^{۲۶} به وی اعطا گردید، این جایزه از سوی محافل ادبی کشورهای مشترك المنافع انگلیس به خاطر آثار سونکا بوی تعلق گرفت، یکسال قبل نیز جایزه جان وایتینگ^{۲۷} به او تعلق گرفته بود. پس از آزادی از زندان سونکا در مقام سرپرست دانشکده هنرهای زیبای شهر ایبادن به فعالیت هایش ادامه داد و اجراهای چندی نیز در افریقا، اروپا و امریکا داشته است.

جایزه نوبل در ادبیات در سال ۱۹۸۶ به سونکا نویسنده‌ای از قلب افریقا تعلق گرفت و بسیاری را حیرت‌زده کرد. این جایزه هرچه بیشتر نام وی را پر آوازه ساخت و سبب گردید آثار او در تیراژهای بسیار وسیع به اکثر زبانهای جهان ترجمه گردد.

آثار سونکا اکنون جای برجسته‌ای در ادبیات جهانی و به خصوص افریقائی احرار کرده است یکی از صاحب‌نظران که آثار سونکا را مورد پژوهش قرار داده است با نام الدرد دورسی می‌جونز^{۲۸} درباره سونکا نظری ابراز می‌دارد که جالب است، او می‌نویسد «حتی با نظری اجمالی به آثار سونکا بی‌درنگ این حقیقت آشکار خواهد شد که او از سونی ریشه در فرهنگ پر راز و رمز یورویا دارد و از سوی دیگر مقوله هائی را بسی فراتر از نیجریه و افریقا تجربه کرده است»^{۲۹}، او در اغلب آثارش از دنیای اساطیری نیز بسیار سو جسته است. علاقه و گرایش خردمندانه او به دنیای اساطیر در مقاله‌ای با عنوان صحنه چهارم^{۳۰} دیده می‌شود، همین علاقه ژرف و اندیشمندانه به فرهنگ قومی است که به سونکا ایده‌هائی را الغاء می‌کند تا از سرچشمه آن آثارش نشأت می‌یابند، چرا که طبیعت تئاتر معاصر افریقا را فقط در زمینه ریشه‌های تاریخی آن می‌توان بطور کامل درك کرد. غایشنامه ها، کنسرت‌ها و اپراهای نوین افریقا عمدتاً از نمایش‌های آئینی منشأ می‌گیرند، بازیگران حرفه‌ای این روزگار سنت باستانی و گسترده بازیگران قدیم را حفظ می‌کنند، اتفاقات و حوادث تاریخ استعماری قهراً بسیاری از منابع دستمایه را مسخ و منحرف کرده است. زبانهای بیگانه و در درجه اول انگلیسی و فرانسه زبان کار و دولت و در نتیجه زبان غالب هنری شده است.

1. Yoruba

۲. آبهو گوتا Abeokuta شهری در جنوب نیجریه.

3. Ake

4. Ibadan University

5. Leeds

6. Royal Court Theatre

8. Landgrabber's

۹. مرداب نشینان *The Swamp Dwellers*. نوشته وله سونکا، ترجمه محمد حفاظی، تهران، انتشارات واحد فوق

برنامه جهاد دانشگاهی ۱۳۵۶

10. *The Lion and The jewel*

11. *The 1980 Masks*

12. *Adance of the Forests*

۱۳. ادبیات نو آفریقائی *La Littérature neo _ Africaine*. اثر الموت نورد من سیلر ترجمه دکتر افضل وثوقی، مشهد

چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۶۷.

14. *The Republican*

15. *The New Republican*

16. *The Strong Breed*

17. *The Trisle of Brother jero*

18. *Jero's Metamorphosis*

19. *The Road*

20. *Keni's Harrest*

21. *Before The Balckout*

22. *Madmen and Specialists*

23. *Opera Wonyosi*

24. *Death and the King's Horseman*

25. *The Interpreters*

26. *Season of Anomy*

27. *Idenre*

28. *Poems from Prison*

29. *The Forest of a Thousnd Deemons*

30. *Orisun Theatre Company*

31. *David thompson*

32. *Akintola*

33. *kongis Harrest*

34. *Daker*

35. *the Men Died*

36. Jock Campbell

37. John Whiting

38. Eldred Durosimi Jones

۳۹. مرداب‌نشینان، نوشته وله سونکا، ترجمه محمد حفاظی، انتشارات جهاد دانشگاهی.

40. The Fourth Stage

منابع

1. Wole Soyinka _ James Gibbs. Macmillan Modern Dramatists

2. Wole Soyinka _ Six Plays

The Master Playwrights Methuen _ London

۳. مرداب‌نشینان نوشته وله سونکا ترجمه محمد حفاظی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۴. ادبیات نو آفریقائی، نوشته آلموت نوردمن سیلر، ترجمه دکتر افضل وثوقی، مشهد انتشارات آستان قدس.

۵. تئاتر امروز آفریقا، نوشته مارتین بنهام و کلیوویک، انتشارات غایبش.

Tom Stoppard

تام استوپارد «تولد ۱۹۳۷م»

تام استوپارد نمایشنامه نویس معاصر در سوم جولای ۱۹۳۷ در زلین^۱ چکسلواکی بدنیا آمد. بدلیل شغل پدرش سالهای کودکی او توأم با سفرهای دور و دراز بود، استوپارد با فرهنگ مردم انگلیسی زبان سنگاپور در سنین کودکی آشنا شد. در سالهای جنگ جهانی دوم بدلیل اقامتشان در شبه قاره هند با فرهنگ دارچلینگ و هندی پرورش یافت. هنگامی که او نه سال داشت خانواده اش به انگلستان رفتند و از این پس او شهروند این کشور شد و در همین کشور نیز دوران دبستان و دبیرستان را سپری کرد. هفده ساله بود که شوقی در خود جهت تحصیل نیافت از اینرو آن را رها کرد و شروع به نوشتن کرد. بعد از آن که چندین نمایشنامه رادیوئی و تلویزیونی نگاشت. نخستین نمایش صحنه ای او با نام «گام زدن بر روی آب»^۲ در سال ۱۹۶۳ به اجرا درآمد و يك سال بعد از این اثر در هامبورگ و وین نیز به صحنه رفت. نخستین رمان او تحت عنوان «لرد مالکویست و آقای مون»^۳ در سال ۱۹۶۶ منتشر شد و متعاقب آن نمایشنامه «روزنگرانترز و گلیدنسترن مرده اند»^۴ (۱۹۶۶) نام او را بر سر زبانها انداخت، این نمایشنامه با تألیفی به سبك تئاتر ایزورد^۵ موجب تحسین از جانب منتقدین و تماشاگران گردید. این اثر در ادینبورگ^۶ به صحنه رفت و سپس در تئاترهای دیگر از جمله تئاتر اولدویک^۷ لندن به اجرا درآمد. در این نمایش هملت شکسپیر از نقطه نظر روزنگرانترز و گلیدنسترن دو دوست دانشجوی هملت که توسط کلودپوس^۸ برای تشخیص علت بیماری هملت جوان به دربار دانمارك آورده شده اند دیده می شود، در حالی که در نمایش شکسپیر از این دو عمدتاً به دلیل ساده لوحی نومید کننده شان در تضاد با رفتار نجیبانه و تراژیک شاهزاده هملت یاد می شود.



تام استوپارد

در این تفسیر بیچارگی و حماقت مرکزیت داستان را تشکیل می دهد. یک سری حوادث اتفاقی تنها وقتی الگویی منسجم را تشکیل می دهند که غایبی توسط گروه بازیگران به سفارش هملت در دربار به اجرا در می آید. روزنکراتر و گلیدنسترن گیج و ترسان از سئوالات کلودیوس، ساعات خود را صرف کلنجار رفتن به پرسش هایی می کنند که در عین جدی بودن بسیار مسخره اند و دست آخر هم جوابی نمی یابند. سرانجام روزنکراتر و گلیدنسترن به همراه هملت سوار بر کشتی عازم انگلستان می شوند، در این مسیر هملت فرار می کند اما قبل از فرارش دستورات جدید به افراد کشتی می دهد: دال بر سرنوشت شوم دو خائنی که در کشتی همراه او بوده اند. روزنکراتر و گلیدنسترن در پایان همچون گوسفندانی بی آزار و مبهوت سردرگم از شرایطی که در آن گرفتار شده اند در جستجوی دلیلی قابل قبول برای سرنوشت خود با واقعیت مرگ رویرو می شوند. از دیگر غایبانه های استوپارد می توان، ورود یک آزاده مرد^{۱۱}، ۱۹۶۸، بازرس پی گیر حقیقت^{۱۲}، ۷۰-۱۹۶۸، اگر شما خوشحالید من فرائد هستم^{۱۳}، ۱۹۶۹، پل آلبرت^{۱۴}، ۱۹۶۹، پرندگان ۱۹۷۲، دلقکها^{۱۵}، ۱۹۷۵، رخت کشیف^{۱۶}، ۱۹۷۶، سرزمین جدیدالتاسیس^{۱۷}، ۱۹۷۶، و اتفاق^{۱۸} خوب^{۱۹}، ۱۹۸۸ را نام برد. تام استوپارد

پانویس

1. Zin
2. A walk on water
3. Lord Malquist and Mr. Moon
4. Rosencrantz and Guildenstern Are Dead
5. Absurd
6. Edinburgh
7. Oldvic theatre
8. Cludius
9. Enter Free Man
10. The Real Inspector Hound
11. If youre I'll be Frank
12. Alber's Bridge
13. After Magritte
14. jumpers
15. Travesties
16. Dirty Linen
17. New Found _ Land
18. Hap good

منابع

1. World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia (Vol 4)
2. A Dictionary of the theatre, John Russell Taylor
Penguin Reference book

Peter Handke

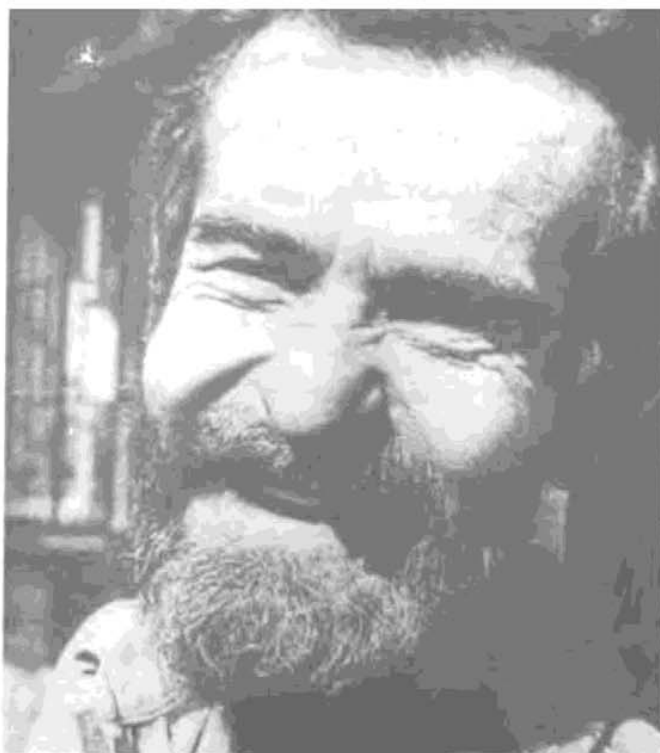
(تولد ۱۹۴۲م)

پیترهاندکه

پیترهاند که نمایشنامه نویسی اطریشی در سال ۱۹۴۲ بدنیا آمد، نمایشنامه های او را نمایش های سخنگو^۱ یا به تعریف دیگر پر کلام لقب داده اند، آثار او عموماً ترکیبی از کلیشه ها و تناقضات هستند و بیان کننده شك بنیادینی که آیا واقعیت می تواند بر صحنه تجسم یابد یا نه، هوفمن اشتال^۲ در «نامه لرد چادوس^۳» از زبان رمبو^۴ و مالارمه^۵ بحران زبان را فرمولبندی می کنند و مجدداً ویتکشتاین^۶ فیلسوف هم وطن او نیز کارل کراس^۷ روزنامه نگار صاحب نام در صدودند تا آنرا قاعده بندی نمایند و این امر شاید به دلیل آن باشد که در قرن بیستم فلسفه بیش از هر دوره دیگری متوجه علاقه بین مسائل فلسفی، واژه و زبان شده است و فهم علاقه بین فلسفه و زبان در واقع به منزله درک و تفاهم با آثار هاندکه است.

نخستین اثر هاند که با عنوان غیر متعارف ناسزا به تماشاگران^۸ ۱۹۶۵ به ساخت موسیقانی نخستین آهنگ های گروه بیتل ها شباهت داشت، این نمایشنامه در بسیاری از تئاترهای آلمان به روی صحنه رفت و جنجال برانگیزترین نمایشنامه در فصل تئاتری ۱۹۶۷ بود.

اما در حقیقت هاند که با نمایش کاسپار هاورز^۹ ۱۹۶۸ که به اعتقاد صاحب نظران یکی از نمایشنامه های مهم آلمانی زبان پس از جنگ جهانی دوم بشمار می رود به جهانیان معرفی شد. کاسپار هاورز شخصیتی تاریخی است که همواره عواطف و حواس مردم آلمان را به خود جلب کرده است. موضوع این نمایش زندگانی مردی را بازگو میکند که دارای شخصیتی غریب، بدون گذشته است و همواره با هاله ای از راز و رمز دنبال شده، او در سنین پس از بلوغ چگونگی زندگی در جامعه



پیتر هاندکه

را فراگرفته و در آن بصورت غریبه‌ای باقی ماند

این فکر پیشتر توسط هوفمن اشتال^{۱۱}، ورن^{۱۲} و جورج تراکل^{۱۳} مورد بررسی قرار گرفته بود. اما در حالی که در تفسیرهای پیشین کاسپار هاووزر با منزوی کردن خود، با بیگانه باقی ماندن و با قرار گرفتن در مقابل دنیا قادر به حفظ شخصیت خود بود، کاسپار هاند که مقاومتی این چنین ارائه نمی‌دهد، از آنجا که هاند که دیگر به بنیاد زمینی زیبا، متروک و جدا معتقد نیست، کاسپار او دنیای دیگری برای گریز بدان را ندارد و بنابراین هیچ مقاومتی در برابر الگوهای گفتاری که به او دیکته می‌شوند از خود نشان نمی‌دهد و گویا برایش راه گریزی نیست. تنها امکان در نمایشنامه دیگر هانتکه تحت عنوان «فریاد کمک»^{۱۴} ۱۹۶۷ «بشکلی جستجو می‌شود.

هاند که ارتباط تئاتری را مورد بررسی قرار می‌دهد و مانند نمایشنامه «آزار عمومی»^{۱۵} ۱۹۶۶ قواعد و رسوم رایج را کاوش می‌کند. این نمایش تعمقی زبان شناسانه از تأثیر متقابل بازیگران و تماشاگران بر روی یکدیگر است. در غیاب واقعیتی تصویری بر صحنه، چهار سخنگو موقعیت زیبای قماشچیان را در عباراتی ریتمیک منعکس می‌کنند که در نهایت منتهی به تکرار مناجات گونه و دسته جمعی که به نوعی پر گوئی است تبدیل می‌شود. نقش‌ها تعویض می‌گردند و جهان انعکاسی از تئاتر می‌شود. در سال ۱۹۶۹ هاند که نمایشنامه صغیری که می‌خواهد قیم شود^{۱۶} که به معلم من پای من^{۱۷} شهرت دارد را بر اساس سطری از نمایشنامه طوفان اثر ویلیام شکسپیر

نگاشت، این نمایشنامه اثریست درباره قدرت، اعمال قدرت، و عدم استقلال انسانها.

سواری روی دریاچه کنستانس^{۱۷} یکی از آخرین نمایشنامه های هاند که است که همچنان به صورت غیر متعارف نگاشته شده است. عنوان نمایشنامه به يك سرود قدیمی آلمانی اشاره دارد. جاییکه مرد اسب سواری در اثنایی که در پی یافتن دهکده ای است نادانسته از روی سطح یخ زده دریاچه کنستانس عبور می کند. به مجرد رسیدن به دهکده از مردم حدود تقریبی دریاچه را سؤال می کند و آنان بی درنگ می گویند که او هم اکنون از روی یخ شدیداً نازک و شکننده آن عبور کرده است. مرد اسب سوار به محض شنیدن این حرف و پس از اطلاع از خطری که پشت سر گذارده بر زمین می افتد و جان تسلیم می کند^{۱۸}.

در میان دیگر آثار هاند که می توان از يك قطعه برای گفتن^{۱۹}، ۱۹۶۵، پیشگونی^{۲۰} ۱۹۶۶، نکته قابل بحث^{۲۱} ۱۹۷۰، چندین نمایشنامه رادیویی، داستانهای زنبورها^{۲۲} ۱۹۶۶، و دوره گرد^{۲۳} ۱۹۶۷ همراه با مجموعه هانی از اشعارش را خاطر نشان ساخت.

کلاوس پی من^{۲۴} کارگردانی که چندین اثر از هاند که را به صحنه برده است درباره آثار وی چنین اظهار می دارد: برای من کارگردانی نمایشنامه های هاند که سفری بارور به ژرفای روان آدمی و حالتی توأم با شیزو فرنی بوده است، بررسی های دقیق هاند که شامل نوعی سادگی خاص و بدیهی بودن تئاتر می شود، علیرغم ابهام فراوان، از طریق ذهنیتی درونی کارگر می افتد، لیکن دقیقاً به همین خاطر است که هاند که بر نظریه پرداز پیشی گرفته است به همان گونه ای که بازیگر کمیک همواره از بازیگر نقش های غامض و گیج کننده پیشی می گیرد، برای من ارزش و اهمیت هاند که در آزمون عمل صریح زیبایی شناسی در تئاتر و نوزایش افزارهای تئاتری قرار دارد^{۲۵}.

1. *Trak Plays*
2. *Hofmannsthal*
3. *Lord Chandos's Letter*
4. *Rimbaud*
5. *Malherbe*
6. *Wittgenstein* 1, 1889, 1931
7. *Karl Kraus*
8. *Curse to Spectator*
9. *Kasper Hauser*
10. *hofmannsthal*
11. *Verlaine*
12. *George Trakl*
13. *Cry of Help*
14. *Offending the Public*

۱۵ و ۱۶. *The Minor Wants to be Guardian* این نمایشنامه وقتی به انگلیسی ترجمه شد بجای نام آلمانی اصل جمله انگلیسی آن *My Foot My tutor* به معنی معلم من پای من بکار رفت.

17. *A riding horse on the Constance Lake*

۱۸. فصلنامه تناتر ۲ زمستان ۱۳۵۶ صفحه ۷۳

۱۹. *بلاک قطعه برای گفتن ترجمه عباس نعلبندیان (در مجموعه سه قطعه)* ناشر تلویزیون ملی ایران

20. *Prophecy*
21. *Quodlibet*
22. *Bees*
23. *Hawthorne*
24. *Claude Paymann*

۲۵. فصلنامه تناتر ۲ زمستان ۱۳۵۶، کارگردانی نمایشنامه‌های پیتراهاند که، نوشته کلاوس پی من ترجمه پرویز شفا.

منابع

1. *World Drama - McGraw_Hill Encyclopedia Vol2.*

Volume-3

WORLD DRAMATISTS

Translated and Written by:
Mansour khalaj - Setareh Salehi

شابک ۹۶۴ - ۳۷۱ - ۸۴ - X
ISBN - 964 - 471 - 394 - X

شماره نویسی جهان ۳



بهای جلد ۸۵۰۰ ریال
6 260203 606919 >



آرارات برگ

تهران - صندوق پستی ۳۹۳۹ / ۱۵۸۷۵ - تلفن: ۸۸۹۲۰۰۱

مرکز بخش: بازرگانی مؤسسه انتشارات سوره

تلفن: ۸۸۱۱۷۶۶ - تلفکس: ۸۸۰۶۹۸۸